

May-Day

بولتن کارگری

در شصت صفحه

پیش بسوی برگزاری هر چه باشکوهتر اول ماه مه



کارخانه ارج ۱۳۴۱

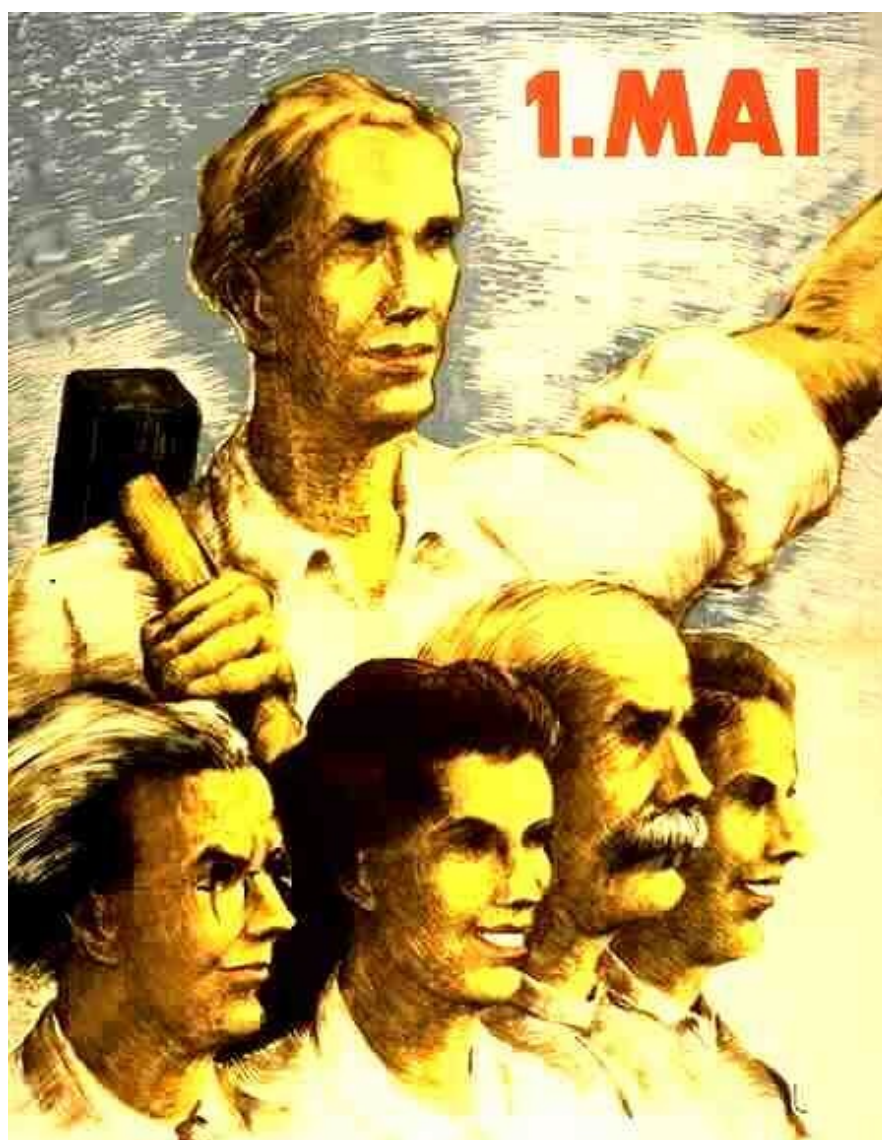
گراوری و تنظیم از مسعود فروزش راد

بورژوازی به پرولتاریا میگوید: انقلاب ما انقلاب همگانی است. یا اینکه تو بمثابة یک طبقه خاص باید بمبارزه طبقاتی خود اکتفا کنی، - باید بنام " عقل سلیم" عمده توجه خود را باتحادیه های حرفه ای و علنی نمودن آنان معطوف داری، - باید همانا این اتحادیه های حرفه ای را " مهمترین مبنای تربیت سیاسی و تشکل خود، محسوب داری، - باید در لحظه انقلابی اکثرا قطعنامه های جدی، از قبیل قطعنامه های "ایسکرایبی" نو تنظیم نمائی، باید رفتار در مورد قطعنامه هایی که نسبت به لیبرالها حسن نظر بیشتری دارد، با احتیاط باشد، - باید رهبرانی را ترجیح دهی که میخواهند " رهبران عملی جنبش سیاسی واقعا موجود طبقه کارگر باشند. " - باید " عناصر واقع بین جهان بینی مارکسیسم را حفظ کنی " (اگر، متاسفانه، " احکام اکید" این شریعت " غیر علمی " در تو سرایت کرده باشد).

سوسیال دمکراسی به پرولتاریا میگوید: انقلاب ما انقلاب همگانی است - باینجهت تو باید بمثابة پیشروترین طبقات و یگانه تا آخر انقلابی مساعی خود را صرف آن نمائی که نه تنها بجدیترین طرز در آن شرکت ورزی بلکه رهبری آنرا نیز بعهده خود گیری. باینجهت تو نباید خود را در چهار دیوار مبارزه طبقاتی بمفهوم محدود آن و بخصوص بمفهوم یک جنبش حرفه ای محدود نمائی بلکه برعکس باید بکوشی که حدود و مضمون مبارزه طبقاتی خود را به حدی وسعت دهی که نه فقط تمام وظایف انقلاب فعلی دمکراتیک و همگانی روس، (بگو ایران) بلکه وظایف انقلاب سوسیالیستی آتی را نیز در برگیرد. باینجهت تو بدون اینکه جنبش حرفه ای را نادیده بگیری و بدون اینکه از استفاده از کوچکترین میدان فعالیت علنی امتناع نمائی، باید در عصر -وظایف قیام مسلحانه، تشکیل ارتش انقلابی و حکومت انقلابی را به مثابه یگانه طرق نیل به پیروزی کامل مردم بر تزارسم (بگو جمهوری اسلامی) وبکف آوردن جمهوری دمکراتیک و آزادی واقعی سیاسی در درجه اهمیت قرار دهی.

ذکر این موضوع دیگر زائد است که قطع نامه های نوا ایسکرایبها در نتیجه " خط مشی " غلت خود چه روش نیمه کاره و ناپیگیر و طبعاً مورد پسند بورژوازی در مورد این مسئله اتخاذ کرده است.

لنین، آثارمنتخب، دو تاکتیک سوسیال دمکراسی، صفحه ۲۸۱-۲۸۲.



فیلم مستند در دو بخش

Labour Day 1886 Martyrs of 1st may (Balochi) P 1

https://www.youtube.com/watch?v=BcCj2_graCg

Labour Day 1886 Martyrs of 1st May (Balochi) P 2

https://www.youtube.com/watch?v=PKQL_bvngG4



فراخوان برای راه پیمانی اول ماه مه 2013 در پاریس

رفقا

امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگرمی رویم که جهان سرمایه داری دریکی دیگر از بحران های دوره نی اش بصرمی برد و بعد از گذشت چندسال هنوز روزنه ای برای خروج از آن پیدا نکرده است. در سراسر جهان برای پرداخت هزینه این بحران مبارزه ای میان دنیای کار و سرمایه در جریان است که به بزرگداشت اول ماه مه جلوه ای خاص می بخشد. کارگران با شعارهای دفاع از منافع طبقاتی و حفظ دست آوردهای خویش، نظام سرمایه داری را مسوول این بحران دانسته و آن را به چالش می طلبند.

در ایران نیز بحران سرمایه داری، سیاست های ویران کننده ی نئولیبرالی دولت های جمهوری اسلامی و بخصوص تحمیل تحریم های فلج کننده کشور های سرمایه داری غرب فشار بر کارگران و حقوق بگیران دائمی را بیشتر کرده است. کارگران و حقوق بگیران ایران با اعتراضات و اعتصابات پی در پی در مقابل این شرایط دشوار دست به مقاومت زده و در این راه با تحمل فشار همه جانبه و حتی تحمل شکنجه و زندان هزینه ای گزاف را پرداخته و می پردازند.

باتدارک باشکوه تظاهرات اول ماه مه امسال در پاریس، بلنگوی میارزات و خواسته های کارگران باشیم. ما شما را به شرکت در جلسه روز **جمعه 29 مارس 2013** در ساعت **نوزده و سی**

دقیقه محل آژکا دعوت می کنیم تا انتخاب مجدد کمیته موقت برای برگزاری تظاهرات اول ماه مه 2013 را انجام دهیم.

Adresse: AGECA, 177 Rue de Charonne 75011 M°: Alexandre Dumas

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

زنده باد روز اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران

کمیته موقت برگزاری تظاهرات روز اول ماه مه در پاریس - مارس 2013

بولتن اخبار کارگری

<http://nahadha.files.wordpress.com/2011/05/booltan-akhbar-kargari-shomare-21.pdf>

<http://nahadha.wordpress.com/2011/05/28/shomare-20-booltan-akhbar-kargari/>

<http://etehadbinalmelali.com/index.html>

<http://etehadbinalmelali.com/maghaleha.html>

سایت جنبش تبعیدی

<http://jonbeshdartabeed.blogspot.com/>

اتحادیه آزادکارگران ایران

<http://www.etehadeh.com/>

اتحاد کارگری

<http://www.etehad.se/>

افق روشن

<http://www.ofros.com/>

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

<http://anjomanbf.blogfa.com>

سندیکای شرکت واحد

<http://www.syndicavahed.biz/>

سایت امید

<http://omied.de/>

کمیته هماهنگی برای ایجادتشکل کارگری

<http://www.hamaahangi.info/>

کمیته فعالین کارگری سوسیالیستی فرانکفورت

<http://kkfsf.wordpress.com/>

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

<http://www.khamahangy.com>

کانون مدافعان حقوق کارگر

<http://kanoonmodafean1.blogspot.com>

کارگران نیروگاه های ایران

<http://kargaran-nirugah.mihanblog.com>

کارگران ایران

<http://www.kargaran-iran.com>

کارگران

<http://www.kargaran.org/>

کارگر امروز

<http://www.workertoday.com/>

کمیته پیگیری

<http://www.comitehpeygi.com/>

جمعی از فعالین کارگری

<http://jafk1384.blogspot.com/>

جنبش کارگری

<http://www.jonbeshekargary.org/>

چشم انداز کارگری

<http://www.chiran-echo.co/>

خودروکار

<http://khodrokarr.wordpress.com/>

خانه کارگر آزاد

<http://www.fwhi.org/>

گرامی باداول ماه مه روز جهانی کارگر

مستحکم باد، همبستگی کارگران جهان

زنده باد اتحاد عمل تشکل های مستقل کارگری و فعالین کارگری در ایران

ادامه تجمع در اعتراض به بازداشت فعالین کارگری در سنج -

تعیین حداقل دستمزد به شیوه کنونی، کاهش معیشت کارگران است -

دیدار بهنام ابراهیم زاده با خانواده ی ستار بهشتی -

گزارشی از شرکت پیمانکاری معتبر در سنج -

کارگران مجبورند هر شش ماه یک بار معاینات کارگری را بدون قبول بیمه‌ها انجام دهند حتی تامین اجتماعی هم آزمایش‌های آنها را قبول نمی‌کند -

حادثه در پروژه خط دوم قطار شهری مشهد و مصدومیت یک کارگر از ناحیه ۲ پا -

ادامه تجمع در اعتراض به بازداشت فعالین کارگری در سنج

طبق خبر دریافتی امروز 18 فروردین بار دیگر در اعتراض به بازداشت اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری جمعی از کارگران و فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی بنا به درخواست خانواده بازداشت شدگان برای پیگیری پرونده آنان در مقابل دادگستری استان کردستان در سنج جمع نمودند

حاضرین با نشستن در مقابل دادگستری خواهان پاسخگویی فوری مسئولین قضایی استان در رابطه با پرونده بازداشت شدگان شدند. در ادامه یکی از مامورین امنیتی حاضر در محل دادگستری وارد جمع حاضرین شده و از آنها خواست تا یکی از اعضای خانواده بازداشت شدگان به عنوان نماینده با دادستان کل آقای جوهری دیدار کند؛ در این دیدار دادستان قول داد پرونده آنها فردا به دادگستری ارجاع داده می شود. بعد از صحبت با دادستان بنا به درخواست خانواده بازداشت شدگان حاضرین با کف زدن محل دادگستری را ترک نموده و اعلام داشتند که فردا نیز همچون روزهای قبل به این محل مراجعه خواهند کرد

براساس آخرین خبر رسیده، در حدود ساعت 13:30 امروز پرونده 4 نفر از فعالین کارگري دربند به نامهاي بهزاد فرج الهي، حامد محمودنژاد، وفا قادري و خالد حسيني به دادگستري ارجاع داده شد اما هنوز از وضعیت دو فعال کارگري دیگر به نامهاي علي آزادي و غالب حسيني خبري در دست نیست

لازم به ذکر است که بهزاد فرج الهی، حامد محمودنژاد، علی آزادی ، خالد حسینی و وفا قادری مدت یک ماه و دو روز است که در بازداشت به سر می برند، همچنین غالب حسینی یکی دیگر از اعضای کمیته هماهنگی 20 روز است که در بازداشت اداره اطلاعات به سر می برد

کمیته ي هماهنگي ضمن محکوم کردن تداوم بازداشت 6 فعال کارگري عضو کمیته ي هماهنگي، خواهان آزادي فوري و بي قيد شرط اين فعالين و همچنين آزادي فعالين کارگري و زندانیان سياسي مي باشد

کمیته ي هماهنگي براي کمک به ایجاد تشکل هاي کارگري-18 فروردین 1392

تعیین حداقل دستمزد به شیوه کنونی،کاهش معیشت کارگران است

افزایش دستمزدها که ظاهرا و در تبلیغات دولتی در قبال افزایش قیمت ها و نرخ تورم در ایران صورت میگیرد نه تنها حداقل معیشت کارگران را تعیین نمی کند، بلکه دهن کجی بزرگی به زندگی کارگران است

با توجه به آمار و ارقامی که خود منابع دولتی از نرخ تورم و فزونی قیمتها اعلام می کنند اینک به وضوح می توان هویت ضدکارگری (تعیین دست مزد) را مشاهده کرد

چنین رفتاری با کارگران و نادیده گرفتن حداقل حقوق آنها، در حقیقت تدارک دیدن جنگی بزرگ بر علیه 99% جامعه به شمار می رود. جنگی که در آن نهایتا صف ضدکارگری مغلوب خواهد شد

این عرصه مبارزه جنگ طبقاتی که دولت به نمایندگی سرمایه داران در آن حضور فعالی دارد

سالهاست که کارگران به عقب رانده می شوند و شرایط سخت تر به آنها تحمیل می گردد که همچنان تداوم دارد. برای ساکت کردن کارگران همواره از شیوه ایجاد رعب و وحشت استفاده شده . دست به خسونت زدن و اعمال و رفتار غیر انسانی و دستگیری و زندانی کردن کارگران و فعالان کارگری (که اکنون تعدادی فعالان کارگری را در استان کردستان تحت بی گرد قرار دادند) این شیوه ها همانطور که اشاره شد روی دیگر سکه ای است که دولت برای به تمکین وا داشتن کارگران در پذیرش شرایط برده داری نیروی کار انجام می دهد

پایین نگه داشتن سطح معیشت و حق زندگی کارگران از طریق کاهش قدرت خرید آنها و از سویی دستگیری و زندانی کردن کارگران خود بخود عرصه فلاکت را بیش از پیش به روی کارگران می گشاید

ما کارگران هیچ چاره ای جز مقابله با این شرایط خفت بار را نداریم

ما کارگران علاوه بر اینکه خواهان افزایش مجدد فصلی دست مزدهای کارگران هستیم، همچنین خواهان آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی می باشیم

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری-1392/2/1

دیدار بهنام ابراهیم زاده با خانواده ی ستار بهشتی

به گزارش وبلاگ پایگاه خبری خانواده بهنام ابراهیم زاده،عصر روز جمعه بهنام ابراهیم زاده، از فعالین جنبش کارگری که در مرخصی دوران حبس خود به سر می برد، با ما در و خواهر کارگر جان باخته، ستار بهشتی دیدار کرد. این دیدار در رباط کریم در منزل ما در ستار بهشتی صورت گرفت

بهنام ابراهیم زاده همدردی و همبستگی خود را با ما در خواهر ستار بهشتی اعلام کرد ومقاومت وپایداری این مادر وخواهر را ستود. مادر ستار نیز برای فرزند بهنام؛ نیما ابراهیم زاده که بیش از سه ماه است در بیمارستان محک کودکان در بستر بیماری است از نارحتی خونی رنج می برد آرزوی سلامتی و بهبودی کرد

این دیدار یک ساعت به طول انجامید.مادر و خواهر ستار بهشتی به گرمی از بهنام ابراهیم زاده پذیرایی کردند و قول دادند که به زودی به دیدار نیما فرزند بهنام بروند و از نزدیک نیما را ملاقات کنند

گفتنی است ستار بهشتی تنها یک شب در بند ۳۵۰ زندان اوین در کنار بهنام ابراهیم زاده بوده است

گزارشي از شرکت پيمانکاري معتبر در سنج

شرکت " معتبر " پیمانکار احداث تونل داخل شهری سنج دستمزد ها، پاداش و عیدی سه ماه آخر سال 1391 کارگران شاغل در این شرکت را نپرداخته است. کارفرمایان شرکت مذکور با گماردن شخصی به نام مهدویان به عنوان مدیر پروژه هایش در کردستان به استئثار شدید کارگران پرداخته و هر گونه اعتراض کارگران را با اخراج پاسخ می دهد. کارگران سد زاوه نیز تاکنون با چندین نوبت اخراج و بیکار سازی مواجه بوده اند

شایان ذکر است 40 کارگر در پروژه احداث تونل شهری خیابان سیروس سنج به طور شبانه روزی مشغول به کار هستند

کمیته ي هماهنگي براي کمک به ایجاد تشکل هاي کارگري-18 فروردین 1392

کارگران مجبورند هر شش ماه یک بار معاینات کارگری را بدون قبول بیمه‌ها انجام دهند حتی تامین اجتماعی هم آزمایش‌های آنها را قبول نمی‌کند

به گزارش 18فروردین فارس از نیشابور، سیدکاظم فرمند صبح امروز در نشست خبری هفته سلامت در اتاق جلسات دانشکده علوم پزشکی نیشابور اظهار داشت: هزینه‌های درمان بیماری را بیمه‌ها تعیین می‌کنند و متأسفانه پرداخت‌ها از جیب مردم خیلی بیشتر از پرداخت بیمه‌ها برای امور درمانی است

وی با اظهار تاسف از اینکه سازمان‌های بیمه‌گر هزینه معاینات و آزمایشات افراد تازه مزدوج را بر اساس دفترچه بیمه قبول نمی‌کنند، تصریح کرد: هر شب هتلینگ بیمار حدود 200 هزار تومان هزینه برای مراکز درمانی دارد در حالی که بیمه‌ها 60 هزار تومان آن را قبول می‌کنند و این اصلا وضعیت مطلوبی نیست که چکاپ‌ها از تعهدات بیمه خارج است

وی تاکید کرد: به لحاظ عاطفی تحت فشاریم که کارگران مجبورند هر شش ماه یک بار معاینات کارگری را بدون قبول بیمه‌ها انجام دهند، حتی تامین اجتماعی هم آزمایش‌های آنها را قبول نمی‌کند

رئیس دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی نیشابور گفت: متأسفانه 70 درصد هزینه سلامت بر دوش مردم است و بیمه‌ها فقط 30 درصد را تقبل می‌کنند که این قضیه باید برعکس باشد

حادثه در پروژه خط دوم قطار شهري مشهدومصدومیت یک کارگر از ناحیه ۲ پا

اجیر میکند تا بتواند کارگران را در جای خود زنجیر کند چون به درستی میدانند که اگر این طبقه خود را رها کند بمعنای آن است که جهانی را از شر سرمایه رها خواهد کرد. طبقه سرمایه دار در این کوشش میخواهد نظام خود را حفظ کند و در این رابطه میخواهد همزادش را با خود نگاه دارد ولی همزادش آنتی تزی است که حرکتش در جهت نفی نظم موجود است و در این رابطه حتی تولید ارزش اضافی که توسط این طبقه صورت میگیرد نیز در جهت بر انداختن سرمایه است. کارگران در حرکت خود در جهت فرا روی از وضع موجود دست به انواع و اقسام حرکات می زنند و سندیکا سازی منهای سندیکالیسم که زنده ای بورژوائی بر حرکت کارگران است، نیز در این رابطه معنا میدهد. سندیکا سازماندهی باز و آشکار است که در نتیجه میتواند به هزار و یک شکل مورد تعرض سرمایه قرار گیرد. این تعرضات از جمله به جلسات و افراد تا نفوذ امنیتی را در بر میگیرد. سرمایه در تثبیت خود بیکار نمی نشیند افراد را تهدید میکند، سعی میکند آنها را بخرد، قول جاه و مقام دهد و الخ. بنابراین ما نباید مبهوت شویم که چنین اتفاقاتی بیفتد. افرادی که رأس سندیکا قرار میگیرند میتوانند دارای راست ترین دیدگاه ها باشند و سندیکالیسم را، همانطور که قبلاً اشاره کردم دیدگاهی بورژوائی است، بر حرکت کارگران حاکم کنند آنها میتوانند افرادی جاه طلب باشند و شاید به راحتی خریداری شوند. این در طبیعت اینگونه حرکات است. مسئله بر سر این است که چه میتوان کرد و در اینجاست که وظیفه کمونیست ها تعیین کننده می شود. آیا بایستی این حرکت را که از بطن زندگی کارگران سرچشمه میگیرد به حل خود گذاشت و با یک نامگذاری رفرمیستی و اکونومیستی از کنار آن گذر کرد، آیا باید از دور نظاره گر پاسیو باشیم، آیا باید تأیید کننده در بست و تمامی آن باشیم و آیا باید قیم مآبانه بدان برخورد کنیم و بدون نزدیکی بدان به آنها دستور دهیم و در نبود این فرمانبری آنها را تخطئه کنیم. به نظر من کمونیست ها دخالتگر ترین نیروها در جامعه هستند و این دخالتگری اشان آگاهانه و در جهت کمونیسم است. کمونیست ها کارگران را سازماندهی سوسیالیستی میکنند و این کار را بر هر زمینه ای و در هر شرایطی میکنند و یکی از این شرایط و زمینه ها سندیکاست یعنی محل تجمع کارگران. تنها گذاشتن کارگران در سندیکا و عدم دخالتگری در آن، زمینه را برای رشد سندیکالیسم و دیگر تفکرات رفرمیستی و بورژوائی آماده میکند. تأکید هزارباره بر تفکر انتقادی، مبارزه با سالار سازی، برخورد فعال با مسائل، ایجاد و تشویق روحیه دخالتگری در مسائل. مبارزه با تثبیت گرایی و کرنش در مقابل اوضاع موجود، فرا خواهی و فرا روی از وضعیت حال کنونی. مبارزه با رخوت و از خود بیگانگی و ترس جا افتاده در دل کارگران و خیلی حرکت های دیگر، که تماماً در چارچوب همان سندیکا ممکن است و لازم برای آنکه کارگران تحت تأثیر فضای حاکم بر آن برهوت قرار نگیرند، که براحتی میتوانند مبهوت هر کس شوند و بتوانند بدین درک رسند که این آنهایند که صحنه گردان حرکت خود هستند و نه کس دیگر. کمونیست ها میتوانند با رایج کردن شیوه های شورائی در رابطه های تعیین کننده حرکت از پاکگیری و تثبیت افراد و نظریه های سازشکار، اصلاح طلب، جلوگیری کنند. نظارتگری دائمی و خواست جوابگوئی و گزارش دهی مرتب مسئولین سندیکا و برخورد دخالتگر به این گزارش دهی اجازه نمیدهد که مسئولین سرخود و احتمالاً بنابر منافع فردی و یا گروهی خود تشکل را تصرف کنند و یا حداقل موارد ان را کم میکنند. درک اینکه دفاع از مسئولین سندیکا در برابر کارفرما و حاکمیت نباید بهیچوجه این روحیه را در کارگران بوجود آورد که مسئولین بی هیچ عیب و نقصی هستند و انتقاد ناپذیرند. کارگران باید یاد گیرند که همچنانکه منشاء سرمایه که حالا بر انها حاکم شده است،آنهایند، منشاء قدرت رهبری سندیکا نیز آنهایند، پس این حق و قدرت را دارند که با پا پس گذاشتن هر عضو و یا کلیت این رهبری، از منافع آنان، آنها را از پست خود خلع کنند. این توده کارگرانند که همواره طلبکارند و نه بدهکار. مسئولین برای پیش بردن مسائل آنها در رهبری قرار گرفته اند و نه برای خواست های خود و منافع گروهی. کسانی که چنین برداشتی از مسئولیت ندارند، بهتر است که کاندید چنین پستی نشوند و این وظیفه افراد انقلابی است که زمینه چنین روحیه و فضائی را در تشکل ایجاد کنند. و اگر چنین و بیشتر از آن نشود، آنگاه افراد خودخواه و فرصت طلب تشکل را ملک طلق خود تصور کرده و آنرا به راهی که خود میخوهند می کشانند. خرد فردی جایگزین خرد جمعی میشود، منافع فردی به جای منافع جمعی می نشیند و حاصل آن یا انحراف اساسی تشکل است و یا بحران دائمی در آن. به نظر من یکی از دلایل بحران سندیکای واحد، که با کنار گذاشتن منصور اساتلو خود را نشان داد، که در عین حال این کنار گذاری حاصل یک درگیری دیرپا بود، میتواند عدم دخالتگری و مسحور شدن اعضاء در برابر رهبری که در شرایط سرکوب به قهرمانانی فرا انسانی تبدیل شده بودند، میباشد. عدم نظارت دائمی اعضاء و واگذاری همه مسئولیت در کف رهبری، میتواند در برهه هائی به فاجعه تبدیل شود. ما باید یاد بگیریم و تجربه هایمان را به یاد بیاوریم، که نوب شدن در رهبری ما را به توده هیچ کاره ای تبدیل میکند، که یا باید در هر شرایطی سرمان را پائین بیاندازیم و هر خفت و خواری را تحمل کنیم و یا پشیمان از کرده خود، پاسیو شویم و یا شورش کنیم. کمونیست ها با شرکت در این حرکت و با کلیه جرکات محیط کار، با چنین روحیه و تفکری عملاً به همه همکاران خود نشان میدهند و می آموزانند، که میتوان در هر شرایطی انقلابی بود و برای فرا روی از وضع موجود میتوان عمل کرد و نه آنکه منکوب شرایط موجود شد.

ایرج عزیز بحران سندیکای واحد را به نظر من بایستی از این زاویه نگاه کرد. هتک حرمت یک نفر را نمیتوان با هتک حرمت جمع وسیعی از مخالفان جواب گفت، تهمت تأیید نشده به یک نفر را نمیتوان با اشاعه نظریه نفوذ نهادهای امنیتی در جمع، غیر مسئولانه پیش برد، با تکیه بر سوء استفاده ارگانهای تبلیغاتی حاکمیت، آب به آسیاب آنها ریخت و مواد لازمه برای تبلیغات آنها فراهم نمود. در مخالفت با افرادی که احتمالاً میخواهند با نزدیک شدنشان به سندیکا، بهره برداری های خاص خودشان را بکنند، نمی باستی افراد فعال این حرکت را به گند کشید و خیلی بیشتر از آن، و تو متأسفانه چنین کرده ای. آیا اینکه همه نوشته های تو در این رابطه بخاطر آقای اساتلو و هتک حرمت از اوست و یا نه، حداقل در نوشته ها و لحن تو خود را نشان نمیدهد. امیدوارم بتوانی جوابگوی برخورد هایت باشی.

کریم منیری

دهم فوریه دوهزار و سیزده

*در رابطه باندرک دادملق فنص طبقه کارگر خواننده را به نوشته رفیق بیژن شفیع که در فوریه ۲۰۰۵ در سایتهای مختلف از جمله سایت سیمای سوسیالیسم منتشر شد رجوع میدهم.

<http://www.iraj-farzad.com/>

خطاب به تشکل ها و فعالین طبقه کارگر ایران

چنگیز احمدی زندان رجایی شهر

با سلام و درودهای انقلابی

از خود بیرسیم چرا همه ای زندانیان کارگری و سیاسی از جمله محمد جراحی ، بهنام ابراهیم زاده ، رضا شهابی ، علی نجاتی ، مهدی فراخی شاندیز و... به بیماریهای سخت و مزمن دچار می شوند؟

جمهوری اسلامی چرا و از چه راه های باعث شده است بیماریهای مختلف خطرناک بخصوص سرطان در ایران به سونامی های تبدیل شوند؟

و...

محمد جراحی رزمنده طبقه کارگر توسط حکومت ضد کارگری زجرکش می شود . محمدجراحی عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری که در خرداد سال نود به همراه عده ای دیگر به اتهام تلاش برای ایجاد گروه سوسیالیستی کارگری از طریق ایجاد نشریه و تشکل کارگری و اشاعه و ارتقاء سطح آگاه سوسیالیستی دستگیر شد، پس از شکنجه های فراوان در اداره جهمی اطلاعات به 5 سال زندان محکوم گردید، دوران محکومیت خود را در زندان تبریز طی می کند چندین ماه بود از درد تورم گلو رنج می برد و علیرغم خواست خانواده و دوستانش رؤسای زندان و ... به دستور وزارت اطلاعات از فرستادن او به بیمارستان خودداری می کردند تا اینکه در اسفند 91 با وخامت اوضاع جسمانی او به بیمارستان اعزام و پس از جراحی مشخص شد که غده درآورده شده سرطانی می باشد، علیرغم فشار های خانواده و نهادهای حقوق بشری مرخصی وی جهت مداوا یا مرگ آرام در کنار خانواده همچنان با مخالفت اداره اطلاعات و رؤسای زندان رو برو است، ماموران تحت دستور مدیران و فرماندهان، وزارت اطلاعات و سران حکومت اسلامی می خواهند او را زجرکش کنند. عمل ددمنشانه حکومت اسلامی این سوال را در اذهان مردم و کارگران به وجود می آورد که چرا محمد جراحی کشته می شود؟ جواب ساده است، رژیم ضدکارگری اسلامی به عنوان یک نهاد نظامی – روحانی این عمل را در جهت بهره کشی از طبقه 50 میلیونی کارگران ایران به سود میلیاردر ها و دزدها به بهای بیکاری ، گرسنگی ، اعتیاد ، تن فروشی و فلاکت زحمتکشان ایران انجام می دهد، محمد جراحی و دیگر کارگران با مبارزه ، تشکل ، آگاهی و ایدئولوژی خود این نظم سرمایه را به هم می زند و خواب خوش را بر آنان حرام می کند .

کارگران و هم زنجیران : رژیم ضد کارگری با تصویب دستمزدهای یک چهارم خط فقر ، با نابودی کامل قوانین حمایتی و تأمین اجتماعی در حوزه های درمان و تحصیل و خدمات عمومی با واردات کالاهای بنجل توسط مافیائی ثروت و قدرت و به این ترتیب نابودی تمام عرصه های تولید و بیکارسازی میلیونی ، قراردادهای موقت و سفید امضا ، نابودی امنیت شغلی و بالاخره اخراج ، زندان و کشتن فعالین کارگری، سرکوب تمام تشکلهای کارگری و ایجاد حکومت نظامی در مراکز کار و تولید توسط بسیج ، حراست و نیرو های مسلح یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان را به جهنم آزاد اندیشان ، فلاکت اقتصادی طبقه کارگر و بهشت سرمایه داران تبدیل کرده است .

ما کارگران و تمامی نیروهای انقلابی در مقابل این سرکوب برنامه ریزی شده ، سازمان یافته و هدفمند دولت نظام سرمایه داری علیه مبارزان پاک و آگاه طبقه کارگر باید دست به افشاگری گسترده بزنیم. طبقه 50 میلیونی کارگران ایران به عنوان گردانی از ارتش میلیاردی کارگران جهان است که در طول تاریخ مبارزه خود دارای غنی ترین تجارب در اشکال سازماندهی ، تشکل و مبارزه می باشد. سندیکا ، اتحادیه ، فدراسیون و کنفدراسیون ،حزب و تشکلهای درسطح ملی و جهاتی ، احزاب رزمنده سیاسی ، کمیته های انقلابی ، شوراهای کنترل، به عنوان تشکل های سیاسی و دهها انقلاب و اعتصابات سیاسی را در تاریخ خود دارد،همچنین قیام به عنوان اشکالی از مبارزه به همراه تجربیات طبقه کارگر ایران با بیش از 110 سال مبارزه از سال 1280 تا کنون ، مانند اولین سندیکا ها و اتحادیه های کارگری در صد سال قبل و چهار فدراسیون و صدها سندیکا و اتحادیه در سال 1320 و تشکیل 160 کمیته و شورای کارگری در انقلاب 57 به عنوان نطفه حکومت کارگری در تاریخ ثبت شده اند و با دهها اعتصاب سراسری به خصوص در سال 57 که تیر خلاص را با بستن شیر فلکه های نفت به رژیم دیکتاتوری شاه زد دارای صدها تجربه تشکل و آگاهی و مبارزه طبقاتی در انبان خود است. که تجربیات فوق باید در شرایط فعلی مورد استفاده قرار گیرد. مهمترین چیزی که ذهن هر کارگر پیشرو را در شرایط فعلی به خود مشغول می کند این است که چرا طبقه کارگر و نیروهای انقلابی آن علیرغم وجود

شرایط عینی و اعتصابات روزمره و با وجود تشکلهای هر چند ضعیف صنفی و حرکت ها و اعتراضات در حد خود به خودی، انفرادی و پراکنده ، بی برنامه دست به عمل می زند برای درک این مسله باید به شرایط عینی و ذهنی زیر دقت کرد

1- وجود قرار دادهای موقت و سفید امضا ، نبود امنیت شغلی و سایه ارتش میلیونی بیکاران و سایه گرسنگی که عین اجل معلق بالای سر کارگران پرواز کرده و با شکاف عظیم بین بخش های شاغل و بیکار از قدرت مبارزاتی آنان به شدت کاسته می شود.

2- برخورد پلیسی با هرگونه مطالبه و حرکت، مخصوصاً" حکومت نظامی در مراکز اصلی تولیدی مانند ماشین سازی ها ، نفت و پتروشیمی از طریق بسیج و حراست مسلح و یا قدرت دولتی که حتی اجازه تشکلهای زرد و وابسته به خود را نیز در این مراکز نمی دهند، همچنین شدت سرکوب در اخراج و زندانی کردن پیشروان کارگری تاران و هزینه سنگینی برای آنها ایجاد کرده که از شکل گیری سازمان سیاسی سراسری طبقه کارگر و تشکلات پایدار اتحادیه ای بر پایه خواسته های ملی و سراسری برای مقاومت و مبارزه در مقابل استثمار، هجوم به سفره خالی کارگران و سرکوبها جلوگیری می کند.

3- تأثیر مخرب تشکلهای دست ساز حکومتی و جاسوسی همچون مافیای خانه کارگر ، انجمنها و شوراهای اسلامی در محل کار کارگران نسبت به مقابله با تشکلهای مستقل کارگری می باشد. در تأیید این مسئله همین بس که حسن صادقی یکی از مسئولین خانه کارگر در جواب یکی از مسئولین حکومتی که گفته بود خانه کارگری ها به سود رژیم هیچ کاری نکردند،گفته است اگر ما نبودیم، اعتصابات کارخانجات به بیرون راه پیدا می کرد، اعتصابات سراسری و میلیونی می شد، که تاکیدا" تا حالا رژیم 9 بار سرنگون شده بود. بنا براین تأثیر تشکیلات های چون خانه کارگر در کنار مسائل بالا به عنوان بخشی از شرایط عینی کارکرد روشن ضد کارگری دارند.

4- عامل اصلی ادامه و باز تولید مناسبات مخرب حاکم بر جنبش کارگری از جمله خود بخودیسیم ، پراکندگی ، خورده کاری و… است که وجود خود این مناسبات مزید بر علت عدم وجودعامل ذهنی انقلاب می باشد. این عامل که از درون جنبش کارگری سر چشمه می گیرد از طریق موارد زیر باز تولید و تداوم می یابد :

1- جدایی مطالبات صنفی - سیاسی به دلیل جدایی مبارزه برای نان و آزادی ، جدایی بین نبرد برای گرفتن حق تشکل و حق تجمع و اعتصاب و نبرد برای بهبود شرایط زندگی کارگران، لب مطلب اینکه جدایی بین مبارزه برای فروش بهتر نیروی کار در شرایط اقتصادی مسلط طبقه سرمایه دار و بردگی سیاسی - اقتصادی طبقه کارگر از مبارزه برای نابودی خود نظام بردگی است، نتیجه چنین درکی از مبارزه و قبول جدایی آنها از یک دیگر زبونی و نوکرمنشی مخصوصاً" در جهت جلوگیری از شکل گیری سازمان سیاسی کارگران و تشکل سراسری آن به عنوان یک طبقه بر پایه ی منافع طبقاتی است، چنین درکی، باضافه موارد بالا از روند پرورش کادرها و نیروهای پیشرو که باید در دفاع از منافع آینده حکومت و کل طبقه فداکاری و جان فشانی کنند، نیز جلو گیری می کند، درحالی که فقط و فقط چنین افرادی(کادر های حزبی) قادر به پرداخت هزینه در درون تشکلهای مخفی و سازماندهی مبارزات رادیکال در جهت ساختن سازمان سیاسی طبقه می باشند، کاری که تشکلهای زرد ولو مستقل، هم جهت با تشکل های دست ساز حکومتی میکنند جلوگیری از شکل گیری چنین روندی است. بنابراین در نبود روند مورد نظر، پیشروان طبقه کارگر ضمن گرفتار بودن در پراکندگی و خورده کاری و چانه زنی، نمی تواند به نیروی متشکل، مقاوم ، آگاه و جسور در مقابل سرکوب هدفمند و برنامه ریزی شده، تبدیل شوند، در نتیجه کل طبقه کارگر ضمن گرفتار دور تسلسل درون چهار چوب سرمایه داری بودن و با دل خوش کردن به 2 ریال افزایش دستمزد و یک سری چیزهای پیش پا افتاده و بی هدف به امان خدا راها می گردد.

2- چسبیدن به فعالیت قانونی و یا علنی ، در زمان و موقعیتی که در کارخانجات و مراکز بزرگ، حکومت نظامی آشکار و پنهان بر قرار است و برای اعتصاب حکم اعدام صادر می گردد و حتی به تشکل های جاسوسی خود رژیم اجازه فعالیت داده نمیشود و در شرایطی که کوچک ترین فعالیت قانونی و صنفی مستقل کارگران با اخراج و زندان مواجه میشود، چسبیدن و سینه چاک کردن در راه قانون گرایي و فعالیت علنی در هر صورت سفاhti مثل پیاده روی لخت در زمستان سیبری است ، در واقع کمک و خدمت به دشمن در جهت اخراج و زندانی کردن فعالان رادیکال کارگری، ایجاد بی اعتمادی و هدر دادن توان مبارزاتی طبقه کارگر است، پیش گرفتن چنین روندی اقدام به نابودی امکانات ، شور و هیجان وایمان به امکان بر قراری حاکمیت کارگری و اعتماد به نفس در میان کارگران میباشد.

3- تقدس و پرستش مبارزه اقتصادی و اعتصابات خود به خودی کارگران، علیر غم اینکه مبارزه کارگران در مقابل رژیم لجام گسیخته و ضد کارگری با هستی و زندگیشان حرکت مهمی می باشد، اما تقدس این عکس العمل خود به خودی و جو گیرشدن ،بی برنامه و بدون شناخت و کوچک کردن اهداف مهم، در حین "تلاش" برای آگاه کردن و متشکل کردن کارگران بر پایه خواسته های عمومی و اتحاد و مقاومت آگاهانه و سراسری کل طبقه مثل رفتن به جنگ دشمن آگاه و متشکل و تا بن دندان مسلح با توهمات و سلاح های عصر حجری است،این فعالین در بهترین حالت به یک گروه تدارکاتی بدون ارتش و فرماندهی در مقابل ارتش منظم و میلیونی دشمن شباهت دارند که نه تنها راه به جایی نمی برند بلکه پیشروان و رهبران مبارزات کارگری را به جای برنامه ریزی و کشیدن نقشه های مبارزاتی مناسب و متنوع در شرایط مهیا، به نظاره گر و در بهترین حالت به مفسرین بی ضرر شرایط موجود تبدیل می کند چیزی که الان حاکم است .

4- خلاء شدید انتقال آگاهی سوسیالیستی توسط مروجین و نیروهای انقلابی در بین کارگران ، آگاهی انقلابی سوسیالیستی تنها منبع شناخت جوامع و تکامل انسانی و علم انقلاب و علم مبارزه طبقاتی است که در نبودن آن انواع خرافه گرایی مذهبی و غیر مذهبی (انواع سوسیالیسم غیر علمی، ناسیونالیسم ، اومانیسیم، تقدس گرایی مادی، اعتقاد به تقدیر گرایی مادی و خدایی و…) به شدت افزایش می یابد.

با توجه به کمبودها ی بالا راه حل مطلوب چیست و چه باید کرد؟

باید گفت، کلیه طیفهای کارگری با توجه به سطح توان ، پتانسیل ، تجربه ، تشکل و مبارزات خود بر اساس منافع طبقاتی،ایجاد سازمانها در اشکال سیاسی، صنفی و قدرت ارتباط و سازماندهی عملی در میان کارگران و تشکلهها و پیشروان آن باید در دو سطح جبهه ای و حزبی (سازمان واقعی طبقه کارگری (حزب کمونیستی)) متشکل شوند .

الف - در سطح جبهه ای، کلیه نیروهای کارگری که به اتحاد ، مبارزه و مقاومت کارگری در مقابل هجوم سرمایه داری به سطح زندگی ، تشکل و هستی شان اعتقاد دارند باید متحد شوند.

خواستہ های محوری این جبهه به شرح زیر می تواند باشد:

1-لغو قراردادهای موقت و سفید امضا ، ولغو تمامی قوانین اخراج، بر قراری اشتغال دائم و لغو جریمه و اخراج و بازگشت به کار کلیه بیکاران و پرداخت مطالبات برحق آنان

2-داشتن حق تشکل و حق تجمع و اعتصاب، راه پیمایی

3-تدوین قانون کار مترقی توسط نمایندگان واقعی کارگران

4- انحلال بسیج و حراست در محیطهای کاری و انحلال سپاه در موسسات تولیدی و خدماتی

5- افزایش دستمزد متناسب با افزایش تورم بر اساس یک زندگی شرافتمند انسانی

6- آزادی بیان و مطبوعات کارگری و سیاسی و حق کارگران در داشتن روزنامه مخصوص خود

7- عدم تقییش و دستگیری فعالان کارگری و ازادی کلیه زندانیان کارگری

نقطه آغاز جبهه واحد کارگری باید از محافل ، عرصه ها و تشکلهای صنفی سیاسی موجود با تشکیل کمیته های مشترک سازمان ده شروع شده و با تشکیل هیئتهای مخصوص و هسته های مخفی و نیمه علنی سندیکایی و اتحادیه ها و کمیته های چپ و دیگر تشکلهای کارگری در جهت ایجاد تشکلهای سراسری پی گیری شود حتی المقدور بهترین ترکیب کمیته های اجرایی نمایندگانی از نفت ، پتروشیمی ، ماشین سازی ها ، معادن ، ساختمان و حمل ونقل است که می تواند به این تشکل جنبه سراسری دهد نحوه پیشبرد عملی این مسیر توسط نمایندگان تشکل ها در کمیته اجرایی مشخص می گردد در سطح تشکل سازمانهای سیاسی کارگری کسانی که به انقلاب و حاکمیت طبقه کارگر اعتقاد دارند باید در جهت ایجاد کمیته و نشریه مخفی مشترک و حزب قدم بردارند، اکنون حزبی به معنای سازمان ده عملی مبارزه کارگران از طریق اعضای مستقر در میان کارگران به وسیله گسترش و سراسری کردن تشکلهها و اشکال مبارزه، در ایران وجود خارجی ندارد.

ب – در سطح حزبی (سازمان واقعی طبقه کارگری (حزب کمونیستی)) :

حزب طبقه کارگر باید به کمونیسم به عنوان علم رهایی، و درک شرایط کنونی کارگران مسلح بوده و به خود رهایی کارگران از طریق انقلاب قهرآمیز،آگاهانه و جهانی کارگری در جهت رسیدن به حکومت شورایی دمکراتیک معتقد باشد. دراین سطح اصول بسیار مهمی مطرح هستند که شاخص ترین آنها عبارتند از :

1- مرزبندی آگاهانه ، انقلابی و کامل با انحرافات چپ و راست مخصوصاً" انواع انحلال طلبان قدیم و جدید و پست مدرنیستی

2- قبول ملزومات عملی پیشبرد تشکیلات در شرایط استبداد فاشیستی و کادر سازی نیروهای انقلابی و جان بر کف برای پیش بردن اهداف گفته شده در شرایط استبدادی داخل کشور است در این مورد بررسی شرایط موجود و انطباق اصول و شکل لازم (ماهیت و فرم حزب) در مبارزه وقبول موارد درست فرمول زیر بسیار ضروری و حیاتی است .

حزب غیر قانونی – مخفی

حزب غیر قانونی - علنی

حزب قانونی – مخفی

حزب قانونی - علنی

در موارد دیگر شکل دوم یعنی سطح کمونیستی مبارزات می توان و لازم است بر روی بقیه اصول و جزئیات آن بحث کرد. اما آنچه مسلم است این که این دو سطح مبارزه مکمل و درجهت هم می باشند و البته برای بستر و زمینه ساز سطح حزبی، سطح جبهه ای می تواند کمک شایانی توجهی ارایه کند.

طبقه کارگر ایران باید از پراکندگی، خود به خودی و برده بودن خود در مقابل قدرت مطلق و متحد دشمن غدار با برنامه و منظم جلو گیری کند، در این راستا چاره و سیاست کاری، جزء پیوند میان

سازمانها و نهاد های سوسیالیستی و پیشروان کارگری جهت مبارزه متشکل به عنوان یک تن واحد ندارد، بنا براین سازمانیابی در تشکیلات سیاسی طبقه کارگر، تنها راه نجات کارگران و کل مردم ایران است، که آینده ما کارگران به آن گره خورده است.

پیش به سوی جبهه متحد کارگری

پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگر

زنده باد انقلاب

زنده باد سوسیالیسم

چنگیز احمدی

زندان رجایی شهر

30اسفند 1391

تکثیر از برهان عظیمی

ارزش جان کارگر !

یکی از عوارض همیشگی نظام ظالمانه سرمایه داری، سوانح حین کار می باشد که در اساس و اغلب به دلیل عدم تهیه وسائل ایمنی ضروری در محیط کار توسط سرمایه داران جهت کاستن از هزینه تولید و افزایش سود خود به وجود می آیند، اما سرمایه داران و مبلغین آن ها همیشه مسئولیت چنین سوانحی را بر دوش خود کارگران و بی مبالائی آن ها می اندازند و به این طریق مسئولیت خود در این سوانح را لاپوشانی می کنند.

تجربه نشان داده که موفقیت سرمایه داران در این زمینه کاملا بسته به حد سازمان یابی کارگران و سطح رزمندگی آن ها و وجود سازمان های سیاسی انقلابی طبقه کارگر دارد. هر کجا کارگران متشکل تر و رزمنده تر باشند و احزاب کارگری از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردار باشند دولت را مجبور می کنند که بورژوازی حریص را به رعایت برخی از اصول ایمنی کار وادار کند. اما در کشور های تحت سلطه ای نظیر ایران که دیکتاتوری های وابسته دست سرمایه داران را در چپاول نیروی کار کاملا باز گذاشته اند و قاعدتا با سرکوب مبارزات کارگران از متشکل شدن آن ها جلوگیری می کنند وضع کاملا فرق می کند.

در این کشور ها اولاً هر حادثه ای را به حساب بی احتیاطی کارگر می گذارند و کارفرما را بی گناه جلوه می دهند؛ و در ثانی بازرس های دولتی که علی الاصول باید شرایط ایمنی کارخانه را بررسی کرده و کارفرما را وادار به رعایت یک سری اصول ایمنی نمایند در سیستم فاسد موجود برای حفظ شغل خویش چشم های خود را بسته و جیبهای خود را باز می کنند و به این ترتیب شرایط مرگباری برای کارگران آفریده می شود.

برای نشان دادن این واقعیت می توان به گزارشاتی که در باره انفجار در کوره کارخانه فولاد غدیر یزد در 20 آذر ماه سال 1390 رخ داد مراجعه نمود. بررسی آن چه در باره این حادثه در مطبوعات جمهوری اسلامی انعکاس یافته به روشنی نشان می دهد که چگونه جمهوری اسلامی تمام قد به دفاع از سرمایه داران برخاسته و آن جا هم که مقصر بودن کارفرما غیر قابل چشم پوشی است با وقاحت تمام با محکومیت های جزئی اجازه نمی دهد که خللی در کار و منافع آن ها ایجاد شود.

در ۲۰ آذر ماه سال ۹۰ یعنی بیشتر از یکسال پیش نزدیکی های تعطیلی کارخانه فولاد غدیر یزد، کوره ذوب آهن کارخانه منفجر می شود که در نتیجه آن ۱۸ کارگر این واحد تولیدی کشته و یک (و به روایتی سه) کارگر نیز مجروح می شوند. محمدعلی مکاری، کارگر مجروح در این حادثه که علاوه بر سوختگی ۴۵ درصدی، پدر خود را نیز در این رویداد دردناک از دست داده است در باره این که این حادثه چگونه رخ داد چنین می گوید: "کوره کپپ شده بود، فولاد مذاب سرد شده داخلش ریخته بودند. دهنهٔ کوره بسته بود. راهی وجود نداشت که گاز خارج شود. گاز زیر مواد مذاب جمع شده بود و فولاد هم که داشت می‌جوشید. پنج ثانیه هم طول نکشید." این کارگر صدمه دیده در ادامه صحبت های خود با خبرنگاری که در این زمینه با وی به گفتگو نشست می گوید: "ما می‌دانستیم که لباس پلاستیکی هیچ محافظتی از ما نمی‌کند اما از ترس اخراج حرفی نمی‌زدیم و تحمل می‌کردیم. دولت - همین بازرس‌های کار - باید صاحب کارخانه را مجبور می‌کردند که به کارگرائش لباس ایمنی بدهد. ما که کارگر بودیم و قراردادمان کف دستمان بود. می‌گفتند این کوره ذوب فولاد و این هم لباس، نمی‌خواهید به سلامت." و در ادامه می گوید: "بازرس‌ها از اداره کار می‌آمدند اما به درستی کار خود را انجام نمی‌دادند. چرا که در سال های گذشته هم چنین اتفاقاتی (البته نه در این سطح ۱۸ کشته) داشتیم. اگر آن‌ها کارشان را به درستی انجام می‌دادند ما فقط برای کار کردن به کارخانه می‌رفتیم. نمی‌رفتیم که ندانیم امروز زنده بر می‌گردیم یا نه." تعمق در سخنان این کارگر به خوبی عمق شرایط استثمار و ستمی که از طرف سرمایه داران و دولت حامی آنها در حق کارگران می شود از یک طرف و وضعیت بسیار سخت و دشواری که کارگران ما در آن به سر می برند را با گویائی هر چه بیشتری نشان می دهد.

به گفته کارگران این کارخانه چه در زمان وقوع حادثه ۲۰ آذر 1390 و چه پیش از آن، کارفرما بدون در اختیار گذاشتن لباس کار مناسب، کارگران را به محیط کار اعزام می‌کرده است و آن‌ها همواره به اجبار در مجاورت کوره مشغول کار بوده‌اند به گونه‌ای که سوختگی سطحی همواره یکی از حوادث شایع در میان کارگران این واحد تولیدی بوده است. کارگر صدمه دیده در این حادثه در رابطه با تاریخ سوانح حین کار در این کارخانه می گوید: "از زمان راه اندازی کارخانه در سال ۸۶ تا زمان وقوع حادثه آذر ماه سال گذشته، کوره ذوب کارخانه شش بار دچار حادثه شده بود" و در این رابطه توضیح می دهد که "در سال های ۸۶ و ۸۷ دو نفر از کارگران در جریان حوادث جداگانه دچار حادثه شدند که یکی از آنان فوت کرد و دیگری بر اثر شدت سوختگی در ناحیه چشم نابینا شد."

در ارتباط با انفجار فولاد غدیر یزد در آذر ماه، جالب است بدانیم با اینکه بازرسان اداره کار در گزارش خود کارفرما را در این حادثه "مقصر ۱۰۰ درصدی" شناخته و معرفی نمودند اما دادگاه جمهوری اسلامی همین کارفرما را در حادثه ای که به مرگ 18 کارگر انجامیده بود به تنها شش ماه حبس تعزیری محکوم نمود. محکومیت شش ماهه به خاطر به قتل رسیدن 18 کارگر توسط کارفرمای مربوطه در کشوری صورت گرفت که در دادگاه های آن جوانانی که در امر ترافیک اخلال ایجاد کرده اند را به جرم "اخلال در ترافیک" به حبس های طولانی‌تر از شش ماه محکوم می کنند. همین واقعیت نشان می دهد که ارزش جان کارگر در نظام سرمایه داری ایران و در شرایطی که جمهوری اسلامی با چماق سرکوب این نظام را بر پا نگهداشته آن قدر پائین است که به حساب نمی آید. با منطq ارزش گذاری و لابد "طبق قانون" جمهوری اسلامی جان 18 کارگر برابری می کند با 6 ماه حبس تعزیری کارفرمای حریصی که برای کسب سود بیشتری از قبل استثمار کارگران، ار تهیه وسائل ایمنی لازم برای آنان سر باز زده است!

در آخر موضوعی از زیان محمدعلی مکاری، کارگری که در این حادثه صدمه دیده بسیار قابل توجه و تعمق است. او می گوید: "چندی پیش برای پیگیری موضوعی به کارخانه مراجعه کردم و مطلع شدم که کارخانه باز شده و فعالیت‌ها از سر گرفته شده است اما هنوز کیفیت رعایت نکات حفاظت ایمنی و بهداشت مانند گذشته پایین است و احتمال تکرار حوادث مشابه وجود دارد." این واقعیت گویای آن است

که کارفرما و مسئولین دولتی در حالی که هیچ ارزشی برای جان کارگران قائل نیستند، سعی دارند دوباره با بازی با جان آن‌ها و به قیمت قتل و آوارگی و بدبختی خانواده هایشان، سود اندوزی کنند و منتظرند تا اگر باز انفجاری در کوره این کارخانه رخ داد، به گونه ای آن را رفع و رجوع کنند. این را هم باید دانست که در انفجار سال 1390 علی اکبر اولیا نماینده وقت مجلس شورای اسلامی و عزیزاله سیفی فرماندار وقت در گفتگو با ایلنا اعلام کرده بودند که انفجار کیسول گاز یا مهمات مستعمل و عمل نکرده به جا مانده از زمان جنگ دلیل این حادثه بوده است." با اتکاء به چنین توجیهاتی به نفع سرمایه داران، جای تردید نیست که اگر فاجعه دیگری برای کارگران در کارخانه فولاد غریو یزد به وجود آید، باز وکلای مجلس و فرماندهانی خواهند بود که چنین حادثه ای را به دستگاه های جاسوسی و توطئه های خارجی نسبت دهند تا وظیفه پاسداری از سرمایه داران زالو صفت را بدرستی انجام داده باشند.

واقعیت افزایش شدید سوانح حین کار در مراکز تولیدی و کار در ایران تا آن جا که به طور رسمی گزارش داده شده اند (خیلی از سوانح کار رسماً اعلام نمی شوند) نشان می‌دهند که هر روز 5 کارگر به همین دلیل جان می‌بازند. امری که خود بروشنی فقدان وسائل ایمنی لازم در مراکز کار را آشکار ساخته و نشان می‌دهد که بورژوازی دندان گرد ایران برای سود بیشتر با وقاحت غیر قابل انکاری با جان کارگران بازی می‌کند. این واقعیت تلخ به نوبه خود مبارزه برای از بین بردن سیستم سرمایه داری و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را با برجستگی در مقابل طبقه کارگر قرار می‌دهد.

مارس 2013

نگاهی به وضعیت وخیم زیست و معاش کارگران در اسفند ماه !

اخبار زیر منعکس کننده گوشه ای از شرایط زندگی و کار کارگران ایران در اسفند ماه سال جاری (۱۳۹۱) و موقعیتی است که سرمایه داران زالو صفت برای کارگران ما به وجود آورده اند. این اخبار در خود رسانه های رژیم نیز (عمدتاً در گزارشات ایلنا) انعکاس یافته اند.

“زمانی که فردی به فردی دیگر ضرری جسمی وارد می‌آورد، آن هم ضرری که به مرگ وی بیانجامد، این را ما کشتن می‌نامیم؛ و اگر مجرم از پیش بر این دانا بود که این ضرر به مرگ منجر خواهد شد آنگاه عمل او را قتل می‌نامیم. حال که جامعه صدها پرولتر را در چنان وضعی قرار می‌دهد که آن‌ها الزاماً به دام مرگی زودرس و غیر طبیعی می‌افتند، مرگی که همان قدر جبری است که مرگ به وسیله گلوله و شمشیر، وقتی جامعه شرایط لازم حیات را از دست هزاران نفر بدر برده و آن‌ها را در شرایطی قرار میدهد که در آن قادر به زندگی کردن نیستند، وقتی که آن‌ها را به زور چوب قانون وادار می‌کند که در این شرایط بمانند تا مرگ که نتیجه این شرایط است سر رسد، وقتی که جامعه می‌داند و به خوبی هم می‌داند که این هزاران نفر اجباراً قربانی این شرایط خواهند شد، و با وجود این، شرایط مربوطه را بر قرار نگاه می‌دارد، پس این هم همان قتل عمد است که عمل یک فرد، ولی قتل پنهانی و خانفانه، قتل‌ی که هیچ کس نمی‌تواند در قبال آن از خویشتن دفاع کند. قتل‌ی که ظاهراً قتل نیست، زیرا که کسی قائل را نمی‌بیند، زیرا که مرگ این قربانی چونان مرگی طبیعی به نظر می‌آید.....، ولی در هر حال قتل عمد است”

انگلس، “وضع طبقه کارگر در انگلستان”

سوانح حین کار

مرگ تعمیرکار آسانسور بر اثر سقوط از طبقه ششم

اول اسفند ماه ، عصر روز دوشنبه (۳۰ بهمن ماه)، يك کارگر سرویس کار آسانسور، هنگام تعمیر آسانسوری در یک مجتمع مسکونی در بزرگراه حکیم، بلوار تعاون از طبقه ششم ساختمان ده طبقه به داخل چاهک آسانسور سقوط کرد و جان خود را از دست داد.

در یاره انفجار معدن یال شمالی ذغال سنگ که به مرگ ۸ کارگر منجر شد

دوم اسفند: خانواده‌های کارگرانی که در انفجار معدن یال شمالی در طبس جان خود را از دست دادند به این امر که چرا پس از گذشت سه ماه از این انفجار حکم مقصران صادر نشده است، معترض اند. برادر یکی از کارگران کشته شده به ایلنا گفته است که پیش از این بازرسان اداره کل کار استان یزد نظر خود را اعلام کرده و مسئول ایمنی و ناظر فنی و کارفرمای معدن یال شمالی که پیمانکار معدن به حساب می‌آمد را به عنوان مقصران اصلی این حادثه تشخیص داده‌اند. این خبر نشان می‌دهد که شرایط کار در معدن مذکور چنان خطرناک و ناامن بوده است که بازرسان نیز دلیل جان باختن 8 کارگر در آن معدن را ناشی از همان شرایط و کارفرما و دست اندر کارانش دانسته اند.
مرگ يك کارگر ساختمانی در یزد بر اثر ریزش ساختمان

سوم اسفند ماه، در پی ریزش آوار یک ساختمان ۳ طبقه قدیمی واقع در بلوار شهید بهشتی یزد ۲ کارگر محبوس شدند که با تلاش آتش‌نشانان یکی از آنان که کارگر ۲۰ ساله‌ای بود به بیرون منتقل و تحویل نیروهای فوریت پزشکی شد. آتش نشانان همچنین تجسس را برای یافتن کارگر دوم ادامه دادند ولی با توجه به حجم زیاد آوار و پس از تجسس ۳ ساعته، با بیل مکانیکی پیکر بی جان کارگر دوم را یافتند.

کشته و زخمی شدن سه کارگر در پی ریزش ساختمان در ساری

به گزارش "مازندنومه"، روز پنجشنبه (سوم اسفند ماه) در پی ریزش ساختمان در حال ساختی در بلوار امیر مازندرانی ساری(مقابل فرمانداری مرکز استان) که حوالی ظهر پنج شنبه اتفاق افتاد ،سه کارگر در زیر آوار مدفون شدند.

براساس این گزارش، پس از بیرون کشیدن کارگران از زیر آوار یکی از کارگران جان خود را از دست داده بود و کارگر دوم دچار شکستگی از ناحیه پا شده و دیگری از شدت ترس و استرس قدرت تکلم نداشت که هر دو به بیمارستان منتقل شدند.

آتش سوزی در یک کارگاه تولیدی، ۴کارگر رامجروح کرد

شامگاه روز جمعه (چهارم اسفندماه) سانحه آتش سوزی در یک کارگاه تولیدی کیف و کفش در خیابان ظهیر الاسلام تهران باعث شد ۴ کارگر شاغل در این کارگاه از ناحیه دست و صورت دچار سوختگی شوند.

سقوط کارگری از طبقه چهارم یک ساختمان

۵ اسفند ماه، کارگر ۲۲ ساله تبعه افغانستان به نام سخی که در طبقه چهارم یک ساختمان نیمه ساز در خیابان ابوذر (فلاح) تهران مشغول کار با دستگاه بالا بر بود، به دلیل نبود تجهیزات ایمنی و نداشتن مسیر عبور مطمئن و تعادل کافی، از طبقه چهارم این ساختمان سقوط کرد و به شدت مصدوم شد. بر اساس این گزارش، با سقوط این کارگر به سطح زمین، لوله فلزی علمک گاز در پایین ساختمان در قسمت ران پای او فرو رفته و علاوه بر جراحت سنگین او را بی‌هوش کرد.

یک کارگر ساختمانی زیر چرخ های بونکر جان باخت

ششم اسفند ماه، يك کارگر ساختمانی در تبریز بر اثر تصادف با بونکر بتن جان خود را از دست داد. مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت های پزشکی آذربایجان شرقی با اشاره به چگونگی وقوع این حادثه در روز شنبه (۵ اسفند ماه) ، گفت: این کارگر جوان در حال راهنمایی بونکر در حال حرکت با دنده عقب بوده که خودش زیر چرخ های آن قرار گرفت و در دم جان باخت.

مرگ کارگر ۳۰ ساله زیر آوار کارگاه تراشکاری

۵ اسفند ماه، ریزش آوار در کارگاه تراشکاری، مرگ یک کارگر تراشکاری ۳۰ ساله را رقم زد.

سختگوی سازمان آتش نشانی درباره این حادثه گفت: ساعت ۱۶ و ۴۸ دقیقه روز شنبه حادثه ریزش آوار در محله شادآباد به سازمان آتش نشانی اطلاع داده شد. در بررسی‌ها مشخص شد، یک کارگاه تراشکاری در کنار یک زمین که به عمق پنج متر گودبرداری شده بود ریزش کرده است. در محل گودبرداری شمع بندی و اسکلت سازه نگهبان رعایت نشده بود که این موضوع و بافت فرسوده کارگاه باعث این حادثه شده بود.

مرگ کارگر ۲۰ ساله‌در عمق چاه ۱۰ متری

ششم اسفند ماه، کارگر جوانی به دلیل رعایت نشدن اصول ایمنی هنگام کار از سوی کارفرما، در عمق ۱۰ متری چاهی درخیابان گلبرگ تهران جان سپرد. این کارگر ۲۰ ساله‌که "غفار _ق" نام داشت در محوطه زمینی دو هزار متری به همراه تعداد زیادی کارگر در حال کار و کندن چاه برای پی ساختمانی بود، ولی بر اثر جدا شدن گیره و در نتیجه خارج شدن ناگهانی دلوی پر از خاک و سنگ، این محموله به سر و گردن او برخورد کرد و باعث مصدومیت شدید او شد. بر اساس این گزارش، تلاش امدادگران با اجرای کمک‌های اولیه و تنفس مصنوعی برای نجات این کارگر که بی‌هوش شده بود بی‌نتیجه ماند و مرگ این کارگر توسط عوامل اورژانس تایید شد.

گودبرداری غیر اصولی باز هم باعث مرگ یک کارگر ساختمانی شد

ششم اسفند ماه، گودبرداری غیر اصولی در کارگاه ساختمانی در حال ساخت باعث مرگ کارگر ۳۱ ساله شد.

این حادثه در محله شاد آباد تهران، خیابان ۱۷ شهریور رخ داد. با ریزش ناگهانی دیوار ساختمان مجاور یک پروژه ساختمانی در حال ساخت در محدوده زمینی که محل استراحت کارگران بود، یکی از کارگران در زیر خروار ها خاک محبوس شد. طبق نظر کارشناسان امداد و نجات علت این حادثه گودبرداری غیر اصولی و رعایت نکردن اصول ایمنی در هنگام تخریب و عدم شمع گذاری استانداری در ساختمانهای مجاور اعلام شد.

سقوط تیر برق، جان کارگر اداره برق لنده را گرفت

سقوط تیر برق، جان کارگر اداره برق لنده را گرفت

سقوط تیر برق، جان کارگر اداره برق لنده را گرفت

۱۲ اسفند ماه، کارگر اداره برق شهرستان لنده واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد بر اثر سقوط یک اصله پایه فشار ضعیف برق جان باخت.

سقوط تیر برق، جان کارگر اداره برق لنده را گرفت

این کارگر ، فضل الله خنجری نام داشت و 45 ساله بود. مرگ این کارگر موقعی پیش آمد که وی برای جدا کردن کابل‌های انتقال برق به بالای دیرک برق رفته و مشغول بریدن کابل سوم بود، ولی در همین حین به یکباره تیر برق از جا کنده شد، و با سقوط دیرک این کارگر جان خود را از دست داد.

مرگ دو چاه کن در تهرانپارس

سیزدهم اسفند ماه، جسد دو کارگر مقتی که در جریان حادثه حین کار در تهران جان خود را از دست دادمی‌بودند، از عمق ۲۵ متری چاه به بیرون کشیده شد. این دو کارگر به نام های ثمرالدین و شمس الدین تاجیک، یکی 36 ساله و دیگری ۳۸ بودند که در هنگام حفر چاه در عمق ۲۵ متری بر اثر نفوذ ناگهانی فاضلاب از چاه مجاور در منطقه تهران پارس، جان خود را از دست دادند.

گودبرداری غیر اصولی يك کارگر را کشت، دو نفر را مجروح کرد

پانزدهم اسفند ماه، بر اثر گودبرداری غیر اصولی و استفاده از سازه‌های نگهبان فاقد استاندارد، شامگاه روز سه شنبه در بلوار شهید صیاد شیرازی گرگان یک کارگر جان خود را از دست داد و دو کارگر دیگر زخمی شدند. در این مورد رئیس دفتر حوزه مرکز سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان نیز اعتراف کرد که: " کارگران مظلوم‌ترین قشری هستند که قربانی این حوادث می‌شوند".

ریزش مرگبار آوار بر سر ۵ کارگر ساختمانی تبعه افغانستان

۲۴ اسفند، خبرگزاری هرانا، از ریزش مرگبار آوار بخشی از یک زمین در حال گودبرداری بر سر پنج کارگر ساختمانی تبعه افغانستان خبر داد. نیمی از بدن سه تن از این کارگران در زیر آوار مانده بود، کارگر چهارم نیز که جوانی حدوداً 35 ساله بود زنده از زیر آوار بیرون کشیده شد. اما کارگر پنجم در زیر آوار جان خود را از دست داده بود.

سختگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در توجیه این حادثه مرگبار اعلام کرده که "تمام بخش‌های محل گودبرداری شده به جز محلی که ریزش کرده بود، دارای شمع‌بندی بود، و تنها قسمتی که اصول ایمنی در آن رعایت نشده بود، دیواره شرقی این زمین است که متأسفانه چنین حادثه مرگباری نیز در آن رقم خورد". و افزوده که "بنابر این لازم است تمامی مالکان و پیمانکاران نسبت به ایمن‌سازی و رعایت اصول ایمنی در زمین‌های در حال گودبرداری دقت و اهتمام کافی داشته باشند"

دستمزد های معوقه، تعطیلی کارخانجات و اخراج ها

اخراج ۴۰ کارگر پیمانی مدیریت پسماند تهران

۲ اسفند ماه ، 40 تن از کارگران شرکت «ترابر گستر نکو» که یکی از پیمانکاران تحت نظارت سازمان مدیریت پسماند تهران می باشد از کار اخراج شدند. گفته می شود که دلیل این امر تمام شدن مدت قرار داد پیمانکاری این شرکت خصوصی با سازمان پسماند بوده است.

تجمع کارگران اخراجی در مقابل سازمان مدیریت پسماند

روز سوم اسفند ماه کارگران شرکت ترابرگستر نکو که یکی از شرکت های پیمانکار تامین نیروی انسانی سازمان مدیریت پسماند تهران می باشد در اعتراض به عدم دریافت مطالبات معوقه خود، در مقابل ساختمان مرکزی این سازمان تجمع کردند. این تجمع اعتراضی به این دلیل صورت گرفت که شرکت پیمانکاری ترابر گستر نکو پس از اخراج ۴۰ کارگر از پرداخت حدود سه ماه از حقوق و سنوات چندین ساله آنان خود داری کرده است. مدیرعامل این شرکت پیمانکار نیروی انسانی، دلیل این امر را عدم پرداخت ۱۸ ماه از معوقات مالی شرکت ترابر گستر نکو توسط سازمان مدیریت پسماند تهران عنوان کرده است. در چنین شرایطی سازمان مدیریت پسماند از استخدام کارگران بیکار شده در " سایر شرکتهای وابسته به این سازمان" سخن گفته و در واقع در صدد است از طریق شرکت های دیگری به مکیدن خون این کارگران ادامه دهد.

تجمع اعتراضی مجدد کارگران پیمانی در مقابل سازمان مدیریت پسماند

صبح روز یکشنبه (۲۰ اسفند ماه) ، تعدادی از کارگران شرکت پیمانکاری ترابر گستر نکو برای دومین بار ظرف ۱۳ روز گذشته، به دلیل عدم دریافت مطالبات مالی خود در مقابل سازمان مدیریت پسماند تهران تجمع کردند. خبرگزاری ایلنا در این زمینه نوشته است: " شرکت ترابر گستر نکو به دلیل اتمام قرارداد کاری خود با سازمان مدیریت پسماند تهران ۴۰ کارگر خدماتی خود را که اکثرا راننده ماشین آلات هستند بدون تسویه حساب اخراج کرده است و اکنون کارگران از سازمان مدیریت پسماند که کارفرمای این پیمانکار است درخواست دارند به مطالبات آنان توجه شود."

اعتصاب کارگران نورد لوله صفا

در روز سه شنبه اول اسفند، 1200 نفر از کارگران نورد لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت حقوق مهر ماه، دست به اعتصاب زده و اعلام کردند که تا پرداخت حقوق پرداخت نشده، به اعتصاب ادامه خواهند داد. یک روز بعد، یک ماه حقوق پرداخت نشده به حساب های آنها واریز شد و اعتصابیون در روز پنجشنبه سوم اسفند به سر کار بازگشتند.

اخراج کلرگران و ایجاد فضای رعب و وحشت در شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز

با حضور یک مدیر سپاهی با لباس نظامی در محل کارخانه آهنگری تراکتورسازی تبریز ، کارگران این کارخانه به طور مرتب با اخراج های پی در پی روبرو می شوند که یک مورد از آن اخراج ۱۰۰ کارگر می باشد. بقیه کارگران نیز تهدید به اخراج و عدم پرداخت حقوق و مزایای خود شده و وادار به انگشت نگاری شده اند. کارگران نسبت به این تهدیدها و عدم امنیت شغلی اعتراض کرده و از رسانه ها خواسته اند که صدای اعتراض آنها را منعکس کنند. در گزارشی آمده است که کارگران در نامه خود مطرح کرده اندکه "این نظام روش پرورش ظالم را در پیش گرفته است و ظالمانه مردم را کنترل می کند، خصوصا قشر کارگری در همه جای ایران عزیزمان."

شکایت ۶۰ کارگر رسمی ایران پویا از بازخرید اجباری

به دنبال اعلام انحلال کارخانه یخچال سازی ایران پویا که یکی از پر درآمدترین تولید کنندگان لوازم خانگی بود در 16 دی ماه، کارفرما، ۹۰ کارگر قراردادی و ۶۰ کارگر رسمی (با سابقه بین 8 تا 18سال کار مستمر در این کارخانه را اخراج و سپس آن ها را وادار به بازخرید کرد. همچنین ۲۰ کارگر رسمی نیز وادار به بازنشستگی پیش از موعد شدند. مدیریت کارخانه با بازخرید کارگران؛ در واقع حق بازنشستگی آنها را گرفته و به جیب سرمایه داران سرازیر کرده است. این کارگران انحلال کارخانه ایران پویا را غیر قانونی خوانده ودر ششم اسفند ماه نسبت به اخراج خود و بازخرید اجباری به اداره کار شکایت کرده اند.

تعویق یکساله حقوق ۲۷ کارگر شرکت «رانه دژ»

شرکت خصوصی راه سازی "رانه دژ" که پیمانکار دولت در جاده دیهوک (طبس) به خوشاب (فردوس) است، به بهانه عدم پرداخت میزان تعیین شده در قرارداد توسط وزارت راه و ترابری، حقوق معوقه 27 نفر از کارگران با سابقه (که هنوز مدت قرارداد کاری اشان خاتمه نیافته) را پرداخت نکرده است. این کارگران در یکسال گذشته دستمزدی دریافت نکرده‌اند. مدیریت این شرکت در هفتم اسفند ماه ادعا کرد که عدم پرداخت حقوق کارگرن به دلیل عدم بررسی وضعیت مالی شرکت توسط وزارت راه و ترابری و پرداخت بدهی خود می باشد.

تعویق چهار ماهه حقوق کارگران شرکت صنعتی دریایی ایران

در سالهای اخیر، عدم پرداخت دستمزد و سایر مطالبات کارگران از طرف سرمایه داران به بهانه پرداخت نشدن صورت بدهی های شرکتهای پیمانکاری، به امری عادی تبدیل شده است. در همین رابطه در سه شنبه هشتم اسفند ماه اعلام شد که حدود ۱۵۰۰ کارگر شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) در بوشهر نیز (که با کارفرمایی چندین شرکت پیمانکاری در ساخت پروژه‌های سود آور فعالیت دارند) معوقات حقوقی چهار ماه گذشته (از آبان تا اسفند ماه) را (به بهانه عدم پرداخت صورت وضعیت‌های مالی پیمانکاران) هنوز دریافت نکرده اند. قابل توجه است که این شرکت یکی از بزرگترین و سودآورترین واحدهای ساخت و تعمیرات کشتی و اجرای سکوهای نفتی و گاز در کشور بوده و باتجربه ترین کارگران و مهندسان متخصص در زمینه کشتی سازی و تعمیرات آن، سکوهای نفتی، گاز و سایر صنایع دریایی در این شرکت به فعالیت های بسیار سودآور برای سرمایه داران مشغولند.

اخراج کارگران اولین حربه کارفرما یان در مواجهه با بحران

طلب کارگران لوله سازی خوزستان ۳۰ ماهه شد

در پانزدهم اسفند ماه اعلام شد که ۶۰ کارگر کارخانه لوله سازی استان خوزستان ۳۰ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده اند.

تاخیر ۳ ماهه در پرداخت دستمزد کارگران نورد لوله صفا و پروفیل ساوه

به گزارش خبرگزاریها در۱۸ اسفند ماه ، دو هزار و ۳۰۰ کارگر کارخانه های نورد لوله صفا و پروفیل ساوه علاوه بر عدم دریافت عیدی و پاداش، حقوق های سه ماه گذشته خود را نیز دریافت نکرده اند. این کارگران به تجمعات اعتراضی در مقابل ارگان های مختلف دولتی نیز پرداخته اند که با بی تفاوتی و یا سرکوب و تهدید مزدوران رژیم مواجه شده اند. عدم دریافت حقوق و مزایا، علاوه بر گرانی های روز افزون کالاهای مصرفی، افزایش اجاره بهای مسکن، عقب افتادگی اقساط بانکی و ... هرچه بیشتر کارگران را در آستانه سال نو تحت فشار مضاعف اقتصادی قرار داده است.

تعطیلی رسمی کارخانه ایران پویا

به دنبال اعلام انحلال کارخانه یخچال‌سازی ایران پویا وابسته به بنیاد مستضعفان، سازنده انواع یخچال و پروفیل آلومینیومی در 16 دی ماه، روز شنبه ۱۹ اسفند ماه این کارخانه به طور رسمی تعطیل اعلام شد و از صبح روز ۱۹ اسفند ماه از تمامی کارگران رسمی و قراردادی شاغل در این کارخانه خواسته شد که دیگربر سر کار خود حاضر نشوند. این کارخانه در شرایطی از طرف سرمایه داران و دولت حامی آنها تعطیل شده که حقوق و مزایای پایان سال نیز به کارگران پرداخت نشده است.

اخراج کارگران در کارخانه‌های چوکا، فولاد، خاور و ایران پوپلین

در بیستم اسفند ماه اعلام شد که کارخانه‌های «چوکا»، «فولاد»، «خاور»، «ایران پوپلین» اقدام به اخراج کارگران خود کرده اند و کارخانه‌های «خاور» و «ایران پوپلین» رشت در معرض تعطیلی کامل قرار دارند.

کارخانه لوله گستر، لوله چینی وارد می‌کند

کارخانه لوله گستر اسفرااین که زیر نظر سازمان گسترش و نوسازی صنایع اداره می‌شود، در مواجهه با تحریم های اخیر، اقدام به واردات لوله از کشور چین کرده است. این کارخانه پیش از تحریم های اخیر، برای پروژه‌های نفتی و گازی شرکت ملی نفت انواع لوله فولادی بدون درز را تولید می کرده و تا سال گذشته حجم تولید سالانه این کارخانه بالغ بر ۵۰ هزار تن بوده است. اما از سال گذشته با عدم تأمین مواد اولیه کارخانه از جمله شمش فولادی توسط سازمان گسترش و نوسازی صنایع ملی، این کارخانه با کاهش تولید روبرو بوده است. برخی از ابزارها و ماشین آلات کارخانه نیز که در سال ۷۰ از اتریش به ایران منتقل شدند، اخیراً عمداً اسقاط و از خط تولید خارج شده اند. مثلاً جرثقیل‌های سقفی کارخانه که هرکدام با توان کشش ۸ تن وزن در بازار با قیمتی در حدود ۵ میلیون تومان خرید و فروش می‌شوند، برای اسقاط واگذار شده‌اند. یکی از مزایای این کار (اسقاط ابزار و ماشین آلات) برای سرمایه داران، اعلام ضررهای (کاذب) و کاهش پرداخت مالیات است. در بیست و یکم اسفند ماه کارگران این کارخانه اعلام کردند که بیش از یک سال است که ۷۰۰ کارگر این کارخانه اضافه کاری نداشته و بخش عمده ای از مزایا و حقوق خود را دریافت نکرده اند.

تحصن مجدد کارگران راهسازی کهگیلویه و بویراحمد

بیش از ۱۰۰ کارگر شرکت‌های خدماتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد بعد از اولین تحصن خود که دو هفته پیش در دفتر استاندار این استان به نتیجه‌ای نرسید، این بار در ۱۲ اسفند ماه در دفتر معاونت پشتیبانی اداره کل راه و شهرسازی استان دست به تحصن زدند. گفتنی است، حدود ۲۳۰ کارگر خدماتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد هفت ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند.

تجمع کارگران آونگان اراک در مقابل کارخانه

پس از صدور حکم ورشکستگی کارخانه آونگان اراک در دی ماه سال گذشته، علیرغم توافقات انجام شده با طلبکاران مبنی بر پرداخت بدهی‌های شرکت در سه قسط، درب ورودی کارخانه پلمپ شد. بر این اساس، صد نفر از کارگران شرکت آونگان صبح روز یکشنبه (۱۳ اسفند ماه) با تجمع در مقابل کارخانه اعتراض خود را نسبت به پلمپ این واحد تولیدی اعلام کردند.

یازدهمین تجمع کارگران قند اهواز در مقابل استانداری

کارگران بارها در مقابل نهاد های مختلف دولتی همانند استانداری خوزستان و اداره کل صنعت و معدن و تجارت تجمع کرده اند اما به هیچ یک از این تجمعات پاسخ قاطعی از سوی مسئولان داده نشده است.

کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز، صبح روز سه شنبه (هشتم اسفند ماه) برای یازدهمین بار طی سال جاری در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۶ ماهه خود در مقابل درب ورودی ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.

در کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که یکی از کارخانه های مهم و استراتژیک آن منطقه محسوب می شود و هم اکنون در حالت تعطیل کامل به سر می برد، بیش از ۵۰۰ کارگر به طور مستقیم و ۲ هزار خانواده کارگری به صورت غیر مستقیم مشغول به کار بودند.

کارگران این کارخانه در ادامه اعتراضات خود، صبح روز چهار شنبه نهم اسفند ماه برای دومین روز متوالی و دوازدهمین بار طی سال جاری در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۶ ماهه خود در مقابل درب ورودی ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.

حسن لومیی که ایلنا از او به عنوان نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز یاد کرده در باره تجمع امروز کارگران به این خبرگزاری گفت: مطالبات کارگران کارخانه قند اهواز قانونی است و مسئولان استانی و کشوری حداقل نسبت به دریافت نکردن ۲۶ ماه حقوق کارگران می‌توانند واکنش مسئولانه‌ای داشته باشند.

با توجه به عدم پاسخگونی کارفرمایان کار فرما کارگران این واحد تولیدی باز هم در شنبه ۱۲ اسفند ماه

برای سومین بار طی هفت روز اخیر با حمل پلاکاردهای در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. بر اساس گفته های کارگران سازمان تامین اجتماعی از آبان ماه امسال لیست بیمهٔ کارگران قند اهواز را رد نمی‌کند.

۸۰ کارگر این کارخانه بیش از ۲۶ ماه است که به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق دریافت نکرده‌اند.

چهارمین تجمع کارگران قند اهواز طی ۲ هفته

صبح یکشنبه ۲۰ اسفند ماه، کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز برای اولین بار در هفته جاری و چهارمین بار طی دو هفته اخیر در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. علت این تجمع کماکان اعتراض به عدم دریافت ۲۶ ماه حقوقشان بود.

تجمع بازنشستگان صنایع فلزی در مقابل استانداری تهران

۱۸۰ کارگر بازنشسته کارخانه‌های یک و دو صنایع فلزی در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود در وز سه شنبه ۸ اسفند ماه در مقابل استانداری تهران تجمع کردند.

پروین محمدی به عنوان نماینده این کارگران بازنشسته با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: سه ماه از واگذاری موقت مسئولیت اداره کارخانه‌های صنایع فلزی یک و دو به استانداری تهران می‌گذرد و هر چند در این مدت بخشی از مطالبات کارگران شاغل پرداخت شده است اما هنوز کارگران بازنشسته نتوانسته‌اند حتی یک ریال از مطالبات خود را دریافت کنند.

این کارگر بازنشسته کارخانه صنایع فلزی در خصوص وضعیت کنونی این کارخانه گفت: هرچند استانداری تاکنون سه میلیارد تومان بابت مطالبات مزدی کارگران شاغل پرداخت کرده است اما هنوز ۶۰۰ کارگر شاغل در کارخانه‌های صنایع فلزی یک و دو، بابت بخشی از حقوق آبان و همچنین تمامی حقوق ماه آذر، سه ماهه فصل زمستان و عیدی سال ۹۱ طلبکار هستند.

کارگران و شرکت بزرگ صدرا

روز جمعه ۲۵ اسفند اعلام شد که حدود 800 کارگر شرکتهای پیمانکاری (از شرکت های زیرمجموعه شرکت بزرگ صدرا) دستمزد 3 ماه آخر سال و عیدی و پاداش خود را هنوز دریافت نکرده اند. جالب است که این عیدی پرداخت نشده درست با اعمال نفوذ کارفرما و با نقض دستور العمل های قانونی تعیین شده بود و خیلی کمتر از مقدار مشخص شده در قانون کار است.

اداره کار بوشهر نیز به کارگران معترض (که برای دریافت بیمه بیکاری خود به اداره کار بوشهر شکایت کرده اند) اعلام کرده است که چون شرکت صدرا یک شرکت پروژه ای است به همین دلیل به کارگران اخراجی آن بیمه بیکاری تعلق نمیگیرد. این درحالی است که شرکت صدرا سازنده کشتی و سکوهای نفتی است و بیمه بیکاری هر ماهه از حقوق کارگران کسر میشود.

اخراج ۷۰ درصد از نیروی کار «ایران سونج»

کارگران کارخانجات ایران سویچ (تولید کننده تابلوهای برق صنعتی) روز چهارشنبه (۲۳ اسفند ماه) اعلام کردند که مدیران این کارخانه طی دو سال گذشته به تدریج ۲۱۰ کارگر این کارخانه را با سابقه ۴ تا ۱۸ سال کار اخراج کرده‌اند. به طوری که از ۳۰۰ کارگر سابق این کارخانه فقط ۹۰ نفر باقی مانده اند. اما پیش بینی می‌شود با ادامه روند کنونی و وضعیت نامناسب کارخانه، در سال آینده تعداد کارگران حداکثر به ۳۰ نفر برسد. سرمایه داران این کارخانه با تامین نیروی کار مورد نیاز خود از طریق پیمانکاران (دلالان نیروی کار) از مخارج تولید (دستمزد کارگران) کاسته و بر سودهای نجومی خود افزوده اند. زیرا که دلالان نیروی کار ، همان کارگران اخراج شده را (که برای زنده ماندن خود و خانواده هایشان مجبور به تن دادن به هر شرایط کاری و مزدهای ناچیزتر هم هستند) با حقوقی بسیار کم تر به کار می گیرند.

علیرضا بیانی

از میلیتانت شماره ۵۷

پس از برکناری منصور اسالو از سندیکای کارگران شرکت واحد، دو ردیف واکنش، به موازت یکدیگر، نسبت به آن صورت گرفت. ردیف اول، طیف واکنشاتی در دفاع از اسالو بود که از منتهی الیه تحلیل های کار آگاهانه و شبه پلیسی گرفته تا تحلیل های حقوقی، اخلاقی و سانتریستی را در بر می گرفت؛ و ردیف دوم، واکنشاتی در دفاع از سندیکای شرکت واحد بود که از تحلیل های مارکسیستی تا دنباله روانه را شامل می شد. طیف واکنشات در ردیف اول، مبنا را بر سابقه و تلاش‌های سابق اسالو قرار داده بود و اخراج او را از توطئه گرفته تا عملی غیر "مدرن"ارزیابی می کرد. در این طیف که عمدتاً دربرگیرنده گرایش های سانتریستی است، ضمن دفاع از تشکل کارگری، تناقضاتی بروز می کرد که در این نوشته به مهجترین آن ها می پردازیم.

یکی از مضحک ترین این تناقضات آن بود که گفته شد اخراج اسالو هرچند با خرد جمعی باشد، با این حال هیچ احترامی برای آن قائل نمی شود. به این ترتیب موضوع به جایی کشید که در دفاع از فرد اسالو، کار به تقابل با خرد جمعی هم رسید و یک بار دیگر ثابت شد که تشکلات مستقل کارگری تا چه میزان محق به حفظ استقلال خود از احزاب قیم مآب موجود هستند.

در طیف دوم که حول دفاع از سندیکا شکل گرفته بود، بخشی با وقفه و سکوت معناداری وارد دخالت گری شدند و این موضوع را به عنوان فرصت مناسبی برای برخورد با" شخصیت سازی "برگزینند؛ تا در واقع در متن واکنش به اسالو، تسویه حساب های درونی خود را انجام دهند. موضوع جالبی که در واکنش این بخش به چشم می خورد، اشاره به" بورکراسی "بود که برای اولین بار در تاریخ فعالیت های ایشان به کار گرفته شده است. اما در تمامی این واکنشات، موضوع بسیار مهمی غایب بود و هنوز هم هست، و آن عبارت است از ضعف اساسی گرایش های چپ در سازماندهی انقلابی که همه مدت آن ها را وادار می کرد تا در پشت یک تشکل کارگری نظیر سندیکا قرار بگیرند و کم و کسری های خود را نسبت به آنچه که در همهٔ عمر سیاسی‌شان ادعا می کردند و می بایست انجام می دادند، پنهان کنند. قصد این نوشته ارزیابی همین موضوع و مخاطب آن نیز همین طیف" چپ "است.

آیا برکناری اسالو از همهٔ سمت های او کار صحیحی بود؟

از تحلیل ها و واکنشات شبه پلیسی، دست‌کم به دلیل بی پایه و بی ربط بودن به دخالتگری در این زمینه که بگذریم، عمده‌ترین واکنش اعتراضی به این برکناری، در حوزهٔ حقوقی) اساسنامهٔ شرکت واحد (و در برخی موارد اخلاقی بود. نقطهٔ عزیمت هیچ تحلیلی در این ردیف جنبش کارگری و منافع آن نبود، هرچند با شکل و شمایل دفاع از جنبش کارگری بروز می کرد، اما نه جنبشی که به سندیکای شرکت واحد نیاز دارد، بلکه جنبشی که یکی از فعالین آن اسالو بوده است و ظاهراً دیگر نیست. این طیف که در مجموع در ردیف گرایش های سانتریستی قرار دارد، جنبش کارگری را با اسالو می فهمد و بدیهی است برکناری او از سمت های سابقش را ضربه به همین جنبش می پندارد، در نتیجه دفاع خود از جنبش کارگری را در دفاع از منصور اسالو می بیند؛ - حتی اگر در مواردی لازم باشد با" خرد جمعی "سندیکا هم مقابله کند!

شخصاً در دفاع از سندیکای شرکت واحد نوشته ای منتشر کردم (1) که به طور غیر رسمی، در صفحهٔ فیس بوک، در یک مورد با واکنش تئیییک سانتریستی مواجه شد. دوستی در اعتراض به این دفاع سعی کرده بود به روشی به غایت مکانیکی، سندیکای شرکت واحد را با حزب بلشویک، منصور اسالو را با تروتسکی و اخراج کنندگان وی را با استالینیزم اینهمانی کند و در آخر نتیجه بگیرد که کسانی که با بورکراسی استالینیستی مقابله می کنند، چگونه می توانند از این حرکت سندیکا دفاع نمایند!

این شبیه سازی فظت یک ارزیابی سطحی از بحرانی که در سندیکای شرکت واحد به وجود آمده نیست، بلکه عمق و اوج بی ربطی طیف وسیعی از گرایش های چپ سانتریستی را ترسیم می کند که همهٔ هست و نیست خود را در حوزه ای قرار داده بودند که از همان ابتدا معلوم بود به کسب نتیجه ای که در حقیقت به دنبال آن باید بود، نمی انجامد. در ادامه به این موضوع بیشتر می پردازیم؛ اما در این جا لازم است بر سر این موضوع تأکید کنیم که برکناری اسالو از مسئولیت های سندیکای شرکت واحد نه تنها اشتباه نبود، بلکه ضروری و همسو با منفعت جنبش کارگری بود. حتی اگر برکناری وی نتیجهٔ یک کشمکش بورکراتیک درون تشکیلاتی بوده باشد، با این حال کمتر به زیان جنبش کارگری و بیشتر به نفع این جنبش است.

تردیدی وجود ندارد که منصور اسالو دارای درجهٔ بالایی از اعتبار سیاسی است، و دقیقاً همین اعتبار است که اکثر گرایش های مخالف برکناری وی را به اعتراض واداشته. اما این اعتبار نه از آسمان، بلکه به وسیلهٔ همان سندیکای شرکت واحد، و به درستی حمایت های بخش وسیعی از گرایش های چپ حاصل شده بود. اعتبار سندیکای شرکت واحد نیز خود وابسته به همسو بودن فعالیت های آن با کل جنبش کارگری است. اگر این معیارها را مبنای اصلی قرار دهیم، کم کم معلوم می شود که در صف آراییی بین سندیکا و منصور اسالو، باید کجا و در کنار کدام یک ایستاد.

سندیکا و سندیکالیسم

از زمانی که سندیکای کارگران شرکت واحد نور تازه ای از فعالیت های خود را آغاز کرد سه واکنش اصلی را در کنار خود داشت. اول، طیف گرایش هایی که همواره آن‌قدر صبر می کنند تا کاملاً یقین شود" از چه و چرا "باید دفاع کنند و هیچ ابتکار عمل به‌موقعی ندارند. دوم، گرایش انقلابی در صفوف طیف چپ که همواره از هر کوشش مستقلی در درون طبقهٔ کارگر، اعم از سندیکایی و غیر آن، دفاع و در هر نهادی با پایه های کارگری دخالت گری می کند. و سوم گرایش هایی در حرف ضدٔ سندیکالیستی که در تقابل با سندیکای شرکت واحد قرار می گرفتند و مهم‌ترین آن با نام« لغو کار مزدی »معروف شد.

این گرایش معتقد بوده و هست که سندیکا ظرفٔ سازش با بورژوازی است و کارگران باید خود را در ظرف دیگری به جای آن متشکل کنند. این‌که این ظرف دقیقاً چه نام دارد و دارای چه مشخصاتی است که آن را از خصوصیات سندیکالیستی دور می کند، هرگز معلوم نگردید؛ اما هرچه بود، تأکید بر تشکیلاتی با افق ضدٔ سرمایه داری بود که این گرایش چنین افقی را در ظرف سندیکا نمی دید. گرایش مذکور در اوج مبارزات سندیکای شرکت واحد برای آن ها نامهٔ سرگشاده نوشت و آن ها را ترغیب به ساختن ظرف مبارزاتی دیگری به جای سندیکا می کرد، تو گویی کافی است یک سندیکالیست از سندیکا خارج شود و وارد ظرف نامعلوم دیگری، به صیرف فراگیر و سراسری بودن آن، شود تا اتوماتیک دارای افق ضدٔ سرمایه داری گردد! مهم‌ترین استدلال گرایش فوق در مورد رفرمیستی بودن ظرف سندیکایی، نمونه های اتحادیه و سندیکاها در اروپا و سایر کشورهای سرمایه داری بود. آن ها سازش کاری های این سندیکاها را دلیلی بر قرار گرفتن سندیکای شرکت واحد در همان مسیر می دانستند؛ و این در حالی بود که سندیکا تدارک اعتصاب ضدٔ سرمایه داری بسیار با اهمیتی را می دید که در نوع خود، دست کم از دههٔ شصت به این سو، کم نظیر بود.

در آن موقع نقد ما به گرایش مذکور مبنی بر این بود که: ما هم می پذیریم ظرف مبارزهٔ سندیکایی در نهایت و به طور کلی، ظرف ضد سرمایه داری نیست، اما اولاً این بدان معنی نیست که آلترناتیو شما ظرفی ضدٔ سرمایه داری است و ثانیاً شرایط خاص دیکتاتوری در ایران حتی مبارزهٔ طیف رفرمیزم را بر نمی تابد و آن را وادار به واکنشی فراتر از آن چه که در نظر دارد، می کند. ما توضیح دادیم اگر چه سندیکالیزم در نهایت ظرف مامشات است و نمونه های آن در جهان فراوان دیده می شود، اما در ایران حکومت سرمایه داری دارای فرماندهی مرکزی نیست و هیچ طرف مامشاتی به عنوان نمایندهٔ حکومت وجود ندارد که بتواند با تشکلات کارگری وارد مذاکره شود و نهایتاً مامشات صورت گیرد.

جناح های اصلاح طلب برای تقویت بخش کارگری خود به رفرمیزم و سندیکالیزم نزدیک می شدند، اما حتی زودتر از رفرمیزم تحت فشار حکومتی قرار گرفتند و کلٔ نقشه هایشان پا در هوا باقی می ماند. در نتیجه کارکنته‌ترین رفرمیست ها و سازشکاران در میان کارگران هم نمی توانند طرف مذاکره و مامشات پیدا کنند و اگر هم وعده و وعیدهایی دریافت می کنند، بلافاصله نقض می شود و از بین می رود. بنابراین هر گرایش حتی رفرمیستی هم در شرایط حاضر از سطح مبارزهٔ صنفی آغاز می کند، اما در کمترین زمان ممکن به سطح ضدٔ سرمایه داری هُل داده می شود. از این رو است که نمی توان با همان فرمول های همیشگی و ثابت در سایر کشور ها نسبت به وضعیت سندیکا و اتحادیه، به فعالیت سندیکایی در ایران برخورد کرد. سندیکای شرکت واحد دقیقاً این ادعا را به اثبات رساند.

یک گرایش سندیکالیستی که نقطهٔ عزیمت خود را فعالیت ضدٔ سرمایه داری قرار نداد و تنها به مسائل صنفی خود توجه داشت، در اولین گام اقدام به تشکیل سندیکا به عنوان یک مطالبهٔ صنفی کرد. رژیم حاکم آن را تحمل نکرد و به آن واکنش سرکوبگرانه نشان داد. رهبر سندیکا، منصور اسالو را دستگیر کرد. از این مرحله به بعد مبارزهٔ صنفی سندیکا ناگزیر وارد فاز سیاسی شد، مرحله ای که سندیکا آزادی رهبر خود را به محور مبارزهٔ تشکیلات خود تبدیل کرد. با این حال رژیم حاضر نشد او را آزاد کند و در نتیجه سندیکا را به سوی مبارزه در فازی بالاتر سوق داد. این عامل موجب شد که در این فاز، سندیکا، اعصاب رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی را سازمان دهد و به این ترتیب به اقتصاد سرمایه داری آسیب وارد کند و از همین رو با فاصلهٔ بسیار کمی از نقطهٔ آغاز مبارزهٔ صنفی، به فاز مبارزهٔ ضدٔ سرمایه داری منتقل شد.

درست در این مقطع بود که از یکسو گرایش های مردّد در حمایت از سندیکا ناچار شدند به حمایت از سندیکا بشتابند و از سوی دیگر گرایشی که تصور می کرد سندیکا ظرف مبارزهٔ ضدٔ سرمایه داری نیست، منزوی شد.

اما اتفاق مهم دیگری که در این بین افتاد این بود که بخش مهمی از گرایش های چپ که حوزهٔ اصلی فعالیت انقلابی را گم کرده و دچار ندانم کاری شده بودند، خلأ بی ارتباط بودن خود با جنبش کارگری را با حمایت تام و تمام از سندیکای شرکت واحد جبران می کردند (و هنوز هم چنین وضعی دارند).

در این گروه از جریانات چپ، دو طیف اصلی دیده می شوند. اول، آن دسته از گروه هایی که گمان می کنند نقداً حزب طبقهٔ کارگر را ساخته اند و در نتیجه کارگران را دعوت به" فتح " آن می کنند. و گروه دوم آن دسته از سازمان های سیاسی که خود را به عنوان حزب طبقهٔ کارگر ایران معرفی نکرده اند و خواهان تشکیل این حزب هستند، اما برای این منظور تاکنون حتی یک آجر بر روی آجر نگذاشته اند. کارنامهٔ آن ها نشانگر این ادعا است که هیچ تلاشی در جهت تداراک حتی نطفهٔ اولیهٔ این حزب در میان طبقه کارگر نداشته اند. در نتیجه هر دوی این جریانات همهٔ کمبود های خود را در پشت حمایت از سندیکای شرکت واحد پنهان کرده اند. چه آن دسته که نقداً حزب ساخته اند) و لابد می بایست بلافاصله با اعتصاب شرکت واحد، به سایر بخش های طبقهٔ کارگر که ایشان حزب آن ها هستند، فراخوان اعتصاب حمایتی دهند، اما نه تنها قادر به چنین کاری نبودند، بلکه خود چشم و انتظارشان به فعالیت سندیکالیست هایی بود که شاید بتوانند آرزوهای آن ها را برآورده کنند (و چه آن هایی که همواره در شعار گفته اند" پیش به سوی تشکیل حزب طبقهٔ کارگر"، اما حتی نتوانستد پیوندی ارگانیک با همین سندیکا و اعتصاب آن برقرار کنند، کسانی که تا همین چند سال پیش با مفهوم تشکل مستقل کارگری هم سخت بیگانه بودند و آن را توطئهٔ سرمایه داری می پنداشتند.

طبیعی است که در چنین شرایطی، بالا و پایین با چپ و راست رفتن سندیکا، همهٔ این گرایش ها را با خود به بالا و پایین یا چپ و راست می چرخاند. تا آن که همهٔ این گرایش ها ناگهان با اطلاعیهٔ سندیکای شرکت واحد مبنی بر عزل اسالو از همهٔ مناصب تشکیلاتی او مواجه گردیدند و چنان شوکه شدند که آثار گیجی آن در برخی از گرایش ها همچنان ادامه دارد.

وقتی گرایش هایی حوزهٔ اصلی فعالیت مارکسیستی -انقلابی خود را، یعنی تلاش در جهت ساختن حزب انقلابی، رها کرده و همهٔ هست و نیست خود را بر روی سندیکا و آیندهٔ آن سرمایه گذاری کرده اند، بدیهی است که با چنین اتفاقی، دچار چنین شوکی هم خواهند شد. سندیکایی که قرار بود حزب بلشویک آن ها شود، دچار بحران داخلی شد و این بحران را بلافاصله به گرایش های مذکور منتقل کرد. به عبارت دیگر بحران موجود در جریانات چپ در پشت حمایت از سندیکای شرکت واحد پنهان شده بود تا این که با بحرانی شدن خود سندیکا، به ناگهان بحران این جریانات دو برابر شد.

شدّت شوک ناشی از این تصمیم سندیکا، دقیقاً ریشه در همین مسأله دارد. یک نگاه ساده به همهٔ ارزیابی های تاکنونی از برکناری اسالو نشان می دهد که توقعات از سندیکا، در حد توقعات از یک شورای کارگری یا حزب انقلابی-بلشویکی است و معیار های محک آن هم نزدیک به معیار هایی در سطح کمینترن (است) شاید به همین دلیل است که در این گیرودار، ناگهان برخی موفق به کشف" سنت شورایی کارگران "در تصمیم‌گیری اخیر سندیکا شده اند (او این درحالی است که اساسنامهٔ سندیکا به مراتب به اساسنامهٔ یک شرکت سهامی نزدیک تر است تا به موازین درون تشکیلاتی مبتنی بر سانتر الیزم دمکراتیک.جالب تر این که در بین معترضین و حتی مدافعین این اقدام سندیکا، در عمل تسویه حساب های مشابهی وجود داشته است که البته ظاهراً خود به کلی آن ها را فراموش کرده اند. در بین معترضین به برکناری اسالو از سندیکا، یک عدم انسجام نظری، و در واقع تناقض فاحش مشاهده می شود و آن عبارت است از گله گذاری بر سر این برکناری و یا نوع برکناری به دلیل اعتبار و موقعیت های منصور اسالو، بدون این که رابطهٔ اسالو با همین سبک کار سندیکایی معلوم گردد. کسانی که به روش حقوقی به این موضوع نگاه می کنند، دقیقاً مهم‌ترین بخش موضوع را از دست می دهند و آن عبارت است از تأثیرات اسالو بر سندیکا و "ر هبر "شدن اسالو به وسیلهٔ همین سندیکا. آن ها فراموش می کنند که رهبر سندیکایی با این سبک کار، خود منصور اسالو بوده است. او سندیکا را به نوعی پی ریزی کرده بود که موقعیتش در سطح رهبر آن حتی با تصمیم جمعی هم به زیر سؤال نرود. در نتیجه او دست خود را باز می دید برای هر رفتار و هر تصمیمی که می خواهد اتخاذ کند، بدون این که کلّ سندیکا با آن توافق داشته یا نداشته باشد.

در این سبک کار، رهبر هرگز به زیر کشیده نخواهد شد، مگر تخریب شود؛ و این سبک کار اغلب دست پخت همین نوع رهبری است. هرچند سندیکا در رهبر کردن اسالو نقش به سزایی داشته است، تا جایی که حتی شاید نتواند بعدها در نقد به وی به مواردی اشاره کند که مستقیماً و در درجهٔ نخست آسیبی به خود و بعد آسیبی به جنبش محسوب می گردد؛ اما نباید فراموش کرد که اسالو نیز سندیکایی را پی ریزی کرد که بتواند چنین رهبری ای را بسازد. در نتیجه بحران درون سندیکا، تا خروج اسالو از ایران، در درون سندیکا باقی مانده بود و خروج اسالو، امکان بروز آن را فراهم کرد؛ و چه خوب که چنین شد.

اکنون چه؟

بین سندیکای شرکت واحد در ایران و قرار گرفته در متن جنبش کارگری داخل، و منصور اسالو در خارج و دور از جنبش کارگری ایران، دو تفاوت وجود دارد: یکی همین دوری و نزدیکی به جنبش کارگری در ایران، و دومی دوری و نزدیکی به امکان مماشات در خارج.

بالتر از این صحبت کردیم که سندیکالیست در ایران حتی اگر مایل به مماشات و سازش باشد، به دلیل عدم برخورداری حکومت سرمایه داری غیر متعارف از یک فرماندهی مرکزی، طرف مذاکره و مماشات پیدا نمی کند؛ اما در خارج کشور برعکس، هم ولت سرمایه داری با فرماندهی متمرکز وجود دارد و هم بسیار حیّ و حاضر و با همهٔ امکانات، آمادهٔ مذاکره و مماشات می باشد. حدس زدن بقیهٔ ماجرا دیگر چندان دشوار نیست.

مرکز تحولات آتی در ایران، بر خلاف گذشته، طبقهٔ کارگر و تحولات کارگری است. سال ها است دولت سرمایه داری کوشش کرده با کمک سازمان جهانی کار، مدل تشکیلات کارگری مورد تأیید خود را در ایران به جای خانهٔ کارگر کاملاً بی اعتبار قرار دهد، به طوری که بتواند هم مورد پذیرش رژیم قرار گیرد و هم در میان توده های کارگر محبوبیت پیدا کند. اما شرایط استثنایی موجود در ایران، از یک سو رژیم جمهوری اسلامی را از هر نوع تشکلی بایی، حتی نوع خانهٔ کارگری آن به وحشت می اندازد، و از سوی دیگر پیشروان کارگری که در واقع اغلب آن ها از خود جنبش کارگری عقب مانده اند، قادر به ایجاد یک اتحاد عمل پایدار در غیاب یک تشکل کارگری مورد حمایت توده های کارگر نشدند و افتراق در میان آن ها همچنان بیداد می کند، و از دیگر سو سازمان جهانی کار نیز تاکنون نتوانسته است مدلی از تشکل در ایران پیاده کند که هم رژیم را نترساند و هم توده های وسیعی از کارگران را به خود نزدیک کند تا بتواند با کمک آن در میان طبقهٔ کارگر نماینده ای برای مذاکره داشته باشد. در نتیجه باید از امکانات فی الحال موجود استفاده کند؛ و درست در همین شرایط، منصور اسالو از ایران خارج می شود.

حال فقط باید فرض کرد که اگر اپوزیسیون راست نیازمند بخش کارگری برای مخاطب قرار دادن جنبش کارگری باشد، چه کسی را می تواند پیدا کند بهتر از منصور اسالو. در این جا تناقض دیگر گرایش هایی که از وی حمایت کرده اند بروز پیدا می کند و آن این است که آن ها نمی توانند توضیح دهند، یک رهبر سندیکایی که زندان کشیده است و " زبانش بریده شده "و … نمی تواند به خودی خود در مقابل نفوذ رفرمیزم مقاومت کند، مگر آن که به تئوری انقلابی مسلح باشد. آیا اسالو دارای چنین امکانی هست؟ اسالو وقتی در ایران بود، با وجود همهٔ تمایلات رفرمیستی خود نمی توانست حتی رفرمیست باقی بماند و ناچار می شد برای بقای سیاسی خود فقط رو به جلو و در حال مبارزه باشد، در نتیجه اگر چه به یک کمونیست برجسته تبدیل نمی شد، اما شرایط بسیار خاصی می طلبد که دچار سازش شود؛ در نتیجه او یا باید در همین وضعیت که" نه در رفتن، حرکت و نه در ماندن، سکون داشت"، فقط موقعیت سابق را حفظ می کرد و همچنان از امتیازات بورکراتیک نسبتاً قابل توجه برخوردار می گشت، و یا به همهٔ این وضعیت پشت می نمود و گزینه های از نظر خویش مهمتری را دنبال می کرد. این وضعیت، اسالو را به خارج هدایت کرد، اسالویی که دیگر سپر دفاعی حتی در حد یک تشکیلات سندیکالیستی ندارد که او را در مقابل انواع پیشنهادات مصون نگاه دارد، چه رسد به این که زمینه های مستعد در او به وفور دیده می شود و متأسفانه از کمترین سطح از تئوری انقلابی برای مصون ماندن در مقابل نفوذ گرایش های راست نیز برخوردار نیست.

حدس این موضوع نباید دشوار باشد که اپوزیسیون راست به سراغ اسالو برود و اعتبار ایشان را به نفع خویش به کار گیرد. (2) انواع امکانات از جمله کانال تلویزیونی، و خلاصه یک رهبری کارگری از راه دور، در تکمیل رهبری اپوزسیون راست می تواند اسالو را درمسیری قرار دهد که لطمهٔ بسیار سختی به جنبش کارگری وارد شود. با این پیش فرض آیا ضربه ای که می تواند در آینده به جنبش کارگری ایران وارد آید بسیار سنگین تر از ضربه ای خواهد بود که به زعم مخالفین سندیکای شرکت واحد، این سندیکا با عزل اسالو به پرنسپ های حقوقی و غیره وارد کرده است!؟

سندیکای شرکت واحد در ایران هنوز هم همان سندیکای شرکت واحد سابق است، البته بدون حضور اسالو در آن، منصور اسالو هم همان رهبر سندیکای شرکت واحد است در خارج، البته بدون این سندیکا و عزل شده از موقعیت های سابق خود. حال بقیهٔ ماجرا بستگی به حمایت همهٔ گرایش هایی دارد که به پشت سندیکا بروند یا به پشت اسالو و دادن اعتبار به وی.

این جا است که کلّ اپوزیسیون راست منتظر ندانم کاری های سانتریست های اپوزسیون چپ نشسته است تا اگر حتی حمایتی از بین آن ها برای اسالو به دست نیامد، دست کم مقاومتی از سوی آن ها در مقابل اسالو هم صورت نگیرد. آیا فهم این نکته سخت است که چرا اسالو در همهٔ این مدت عزلش تاکنون سکوت کرده و مواضع آیندهٔ خود را روشن نمی کند. بدیهی است که او منتظر پایان یارگیری و جا به جایی ها است.

اسالو به عنوان یک رفرمیست به خارج نیامده تا استراحت کند و کلیه ای در کنار یک دریاچه برای خود دست و پا کند و به ماهیگیری و نوشتن رمان و کتاب شعر بپردازد. این کارها را در ایران هم می توانست انجام دهد. او کمتر از قرار گرفتن در سطح رهبری جنبش کارگری از راه دور، به چیزی فکر نمی کند و برای این کار چه بهتر که طیف متنوعی از گرایش های چپ را پشت سر خود داشته باشد که نقداً تاکنون نیز چنین کسانی را در نزدیکی خود داشته است. جنبش کارگری ایران چهره های سرشناس برجسته ای داشته است، اما افسوس که حتی یک رهبر کارگری نداشته تا در این مواقع بتواند قطب مهمی در مقابل رهبر سازی های جناح راست شود.

و اما تکلیف گرایش های انقلابی، با یا بدون نقد و انتقاد به سندیکای شرکت واحد روشن است که پشت سر سندیکا باقی مانده و از آن حمایت خواهند کرد. درسی که از این ماجرا باید گرفت این است که ضمن حمایت از سندیکای شرکت واحد و هر تشکل مستقل کارگری، حوزهٔ اصلی و اساسی نیروهای مارکسیست انقلابی جابه‌جایی دائمی پشت این یا آن تشکل کارگری نیست، بلکه ساختن قطب انقلابی از طریق پایه ریزی حزب پیشتاز انقلابی است که در این صورت، هر تشکل کارگری نسبت به سیاست های این حزب سمت و سوی خود را خواهد یافت و از این سردرگمی دائمی نجات پیدا خواهد کرد.

21بهمن1391

پانوشت:

۱) (نگاه کنید به مقاله زیر:

در دفاع از سندیکای کارگران شرکت واحد

۲) (مثلاً نهاد موسوم به "Bipartisan Policy Center" که در واقع ترکیبی از جمهوری خواهان و دموکرات های امریکا است، در سال 2008 گزارشی را با عنوان" رویارویی با چالش :سیاست امریکا در قبال برنامه هسته ای ایران"منتشر کرده بود که به خوبی نشان دهندهٔ حساسیت و تلاش نیروهای راست و امپریالیسم برای استفاده از جنبش کارگری ایران در راستای اهداف خود است؛ برای نمونه در صفحهٔ 89 گزارش می خوانیم: "شاید یکی از مؤثرترین نقاط اعمال فشار که ایالات متحده می تواند از آن برای تضعیف رهبری ایران استفاده نماید، نارضایتی های رو به رشد نیروی کار باشد"؛ در صفحهٔ 37 گزارش مزبور آمده است که: "جنبش کارگری ایران به طور فزاینده ای فعال است. کارگران نساجی در اصفهان، معلمان در تهران، کارگران نانوایی در کردستان و کارگران نیشکر در خوزستان، همگی در ماه های اخیر دست از کار کشیده اند. شاخص ترین حرکت کارگری، مربوط به رانندگان شرکت واحد بوده است. این کارگران شجاع، با رهبری منصور اسالو، براش تشکیل نخستین سندیکای مستقل در جمهوری اسلامی دست به مبارزه زده اند.Bipartisan Policy Center، “Meeting the Challenge” (PDF), sep. 2008.

۲۰۱۳ هی روف مراهچ - ۵۰،هن‌آزور ی‌امت‌ش‌اددای

یادداشت‌های روزانه، ۵۰- چهارم فوریه ۲۰۱۳

پیرامون برخی احکام نامربوط در مورد "برکناری" اسالو

سه حکم و قضاوت نادرست در "توضیح" درستی تصمیم "هیات مدیره سندیکای واحد" صادر شده اند که جا دارد، مستقل از "عدم پابندی" اسالو به "تعهدات خود" و یا "نادیده گرفتن هشدارها و اعتراضات درونی سندیکا" از جانب او، به آن بپردازم. یکی از احکام از روی تقدس و پرستش موقعیت صنفی کارگر صادر شده است. به این معنی چون تصمیم منتسب به هیات مدیره سندیکای "کارگران" شرکت واحد است، دیگر هرگونه ظن و شک و تردید در مورد احتمال دخالت نهادهای امنیتی رژیم اسلامی را در این پرونده سازی و پاپوش دوزی باید کنار گذاشت. به دلیل همین جایگاه مقدس موقعیت صنفی انسان کارگر، طبق این حکم، میتوان از اوضاع مشخصی که حکم برکناری اسالو در بطن آن صادر شده است، تماماً صرفنظر کرد. میتوان چشم خود را بر این واقعیت بست که درست در گرم‌گرم شانزائ و تبلیغات سازمان یافته برای بی حرمت کردن اسالو، کیهان حسین شریعتمداری اتهامات سخنیفی را در مورد "انحرافات جنسی" اسالو مهندسی کرده است. جوهر این حکم این است که به دلیل وجود پیشوند "کارگر" و سندیکای "کارگری" در متن تکفیر اسالو، وظیفه و "وجوبات" "تعلق کارگری" ایجاب میکند که در درستی حکم صادر شده نباید کمترین تردیدی داشت. اینکه در تنمه و تکمیل سناریو برکناری، در یک اقدام معنی دار، "کارگر" زندانی دیگری، رضا شهبابی، در ایام مرخصی از زندان، جلسه پلتاک فراخوان میدهد و در میان "فعالین سندیکانی" و "کارگری" شبهه ایجاد میکند که به احتمال "آلوده" بودن اسالو در ارتباط با "سولیداریتی سنتر" فکر کنند، نیز، انگار هیچ ارتباطی با کمپین تبلیغاتی رژیم ندارد. چه دلیل از این محکم تر که یک کارگر، آنهم خود دست اندر کار امر "سندیکای کارگری" و آنهم از قضا "دربند" و زندانی، سایه سنگین اتهامات علیه اسلو را تیره تر کند؟ اگر فلاّن وکیل مدافع، فلاّن دانشجو، و یا بهمان فعال ملی مذهبی، نه از سوی هم خطهای خود، و بلکه از زبان خود به اتهامات" و "انحرافات" خود اقرار کند، قبول نیست! در چنان مواردی سیل اتهامات "اخلاقی" و پرونده سازی ها و "همکاری با سازمانهای امنیتی" خارجی در فشار و قدرت ار عاب دستگاههای رژیم ضرب میشود. اما مشکل این نوع مدافعان منافع طبقه کارگر که از طریق مقدس کردن کارگر به عنوان شغل و حرفه و صنف و یا به عنوان فرد، محدودیت آذاینخواهی خود را نشان میدهند، درست آنجائی شروع میشود که از رژیم اسلامی، دستگاههای امنیتی آن و طرحهای پیچیده ای که علیه مخالفان سیاسی خود طی بیش از سی سال اجرا کرده است، فاکتور بگیرند. کارگر خودش گفته است! هیات مدیره سندیکا خودش تصمیم گرفته است! اینجا آن موجود مقدس "خطا ناپذیر" امر میکند که هر انسان کنجکاو و هر منتقد فکور، و هر مدافع راستین جنبش کارگری باید خفقان بگیرد. عین مذهبی ها، تصور بر این است که "شک" در مورد قنوسیت "ذات" کارگر، از "کفر" بدتر است. هیچ تردید نباید کرد که این دیدگاه و نحوه نگرش به کارگر، بورژوائی، "غیر کارگری" و یک نوع فراخوان به کارگر است که بخاطر جایگاه مقدس صنفی اش، لازم نیست کنجکاو باشد، لازم نیست "شک" کند، لازم نیست "یاد بگیرد" و لازم نیست آموزش ببیند، همه چیز را میداند، بقیه فقط باید مناسک سجده و تکریم و بیعت در پیشگاه این اولوهیت دنیای چپ غیر کارگری را اجرا کنند. شرط "کارگری" بودن هر شخص و جریباتی این است که در درجه نخست "برادری" اش را در محضر این موجود موهوم و این پدیده "معصوم" دنیای موهوم تر تازه ثابت کند. این نگرش، کارگر را به عنوان پدیده ای واکسینه شده در برابر هر "یلای" اجتماعی تصویری میکند. از این نظر و در هر حال ایجاد شبهه در مورد اعلامیه "مشکوک" هیات مدیره سندیکا، خود بنا بر طبیعت و جوهر چنین نگرشی به کارگر و جنبش طبقه کارگر، "مشکوک" و غیر قابل بحث است. طبعاً "بحث" با مدافعان این دیدگاه، تناقض در خود است. این دیدگاه به عنوان یک نگرش خرده بورژوائی محافظ روشنفکری "هوادر" طبقه کارگر، باید بمتابه نوع ظاهرا نونوار شده ای از سوسیالیسم خرده بورژوائی و ارتجاعی و تخیلی به "مصاف" طلبدیده شود.

حکم دوم قدری اساطیری تر و دراماتیک تر است: " این برکناری ها در تشکلهای کارگری بر خلاف سازمانها و احزاب جاری که رهبران آنها ابدی و ازلی هستند امری بسیار عادی است". اولاً باید گفت "برکناری" کسانی که در تشکلهای کارگری به موقعیتی رسیده اند، چنان هم "عادی" نیست. کارگران معدن ذغال بریتانیا، علیرغم همه پرونده سازبها و تصویر سازیهای حکومت ناچر و سر هم بندی اتهامات مالی، حاضر به برکناری "اسکارگیل" نشدند. چنین موقعیتهایی را نمیتوان حتی در "مجمع عمومی" و از طریق "رای" بسادگی ملغی ساخت و یا دور زد. سوخت و ساز درونی تشکلهای جنبش کارگری،

اجتماعی تر و ریشه دار تر از این حرفه‌است.
بعلاوه ناشیانه به کاهدان زده اند و خیال میکنند که با گریم چهره خود به عنوان "ملانقط" مدافع هویت جاودانه تعلق صنفی و حرفه ای و شغلی کارگر، میتوانند موضع عاریه ای بورژوازی بین المللی در دوران جنگ سرد علیه کمونیسم و احزاب کمونیستی، یعنی رهبری "ازلی و ابدی" و لولوی "استالینیسم" را در پس پرده ریا و تزویر نفاق از "استقلال طبقاتی" کارگر پنهان کنند.
ثانیا استدلال پشت این "برکناری ها" جالب تر و حماسی تر است. چون: **"سلامتی جنبش کارگری را هم تضمین می نماید!" جوهر و چکیده این حکم و مدافعان آن اصلا "مسائل اخلاقی" نیست.**
هشدار به "کارگر" است که ظهور به عنوان سیاستمدار، به عنوان شخصیت سیاسی و خارج شدن از اصالت "ازلی و ابدی" ذهنیت دست پینه بسته با خود فساد می آورد. این "تکامل" موضع اشرافیت جوامع "شرقی" به کارگر به عنوان "عمله" است.
موجود و پدیده ای که در دوران حکومت اعلیحضرت ها و سرهنگان نظامی، "شمشاد ویلای تیمسار" را میزند و در دوره سلطه اسلامیون به پامنبری آخوندهای مکلائی تبدیل میشوند که در محضر "لایزال قرآن و احادیث" از هر گونه "وسوسه" و "فساد" ناشی از دخالت در سیاست و "امور دنیوی" تزکیه نفس میشوند. پیغمبران هم بر دست پینه بسته "مستضعفین" بوسه زده اند و آخوندهای مکلای "سوسیالیسم اسلامی و عرفانی" آنان را دعوت میکنند که از "مارکس" و "مانیفست" و خطر آغشته شدن به "فساد" در جدال بر سر قدرت سیاسی، فاصله بگیرند.
اگر حکم اول نوعی فراهوان به نوستالژی دوره "شیرین" و خوش و بش محافل روشنفکری سوسیالیسم خلقی برای تشکیل هسته های "هوادار طبقه کارگر" است، دومی صریح و بی پرده از عواقب ترکاندن پوسته صنفی توسط کارگر و وارد شدن شخصیتهای جنبش کارگری در عرصه سیاست، دایره "امر به معروف و نهی از منکر" راه می اندازد. این دومی "آگاهانه" تر و "سوسیالیستی" تر نسبت به "فساد سیاسی" و عواقب اخلاقی و مالی آن به دلیل پا نهادن فعال کارگری به سرزمین ممنوعه دنیای "سیاستمدار" هشدار میدهد. من از چگونگی ارتباط "اسالو" و "سقفی" با "سولیداریتی سنتر" و "مهدی کوهستانی" اطلاع ندارم. اما یک حقیقت را بروشنی میدانم. جنبش کارگری ایران از دیرباز و بویژه از دوران تسلط سرمایه داری بر جامعه ایران، از یک نقص بسیار بزرگ رنج برده است. طبقه کارگر ایران در جریان رویدادهای دوران بحران انقلابی سال ۵۷ نقش تعیین کننده ای در ساقط کردن رژیم سلطنت داشت. اما این رهبران تشکل های کارگران صنعتی و کارگران نفت نبودند که اعلام کردند: "ما دولت تشکیل میدهیم".
عدم ظهور رهبران اعتصابات عظیم کارگری دوران انقلابی ۵۷ به عنوان "سیاستمدار" و رهبر سیاسی، با وجود همه "انحرافات سندیکالیستی" آنها و حتی علیرغم فقدان یک حزب کمونیستی کارگری و دوره سلطه فدائی و مجاهد، موجب شد که کارگر شرکت نفت از جدال بر سر قدرت سیاسی و دست زدن به میوه ممنوعه آن خود را کنار بکشد و به فراهوان امثال رفسنجانی و بازرگان، بخاطر "پیروزی انقلاب اسلامی" و "بازگشت امام"، اعتصاب خود را پایان بدهد. اگر طبقه کارگر ایران تا آن حد تحت تسلط باورهای ناسیونالیسم چپ نبود و چند نفر از رهبران مورد اعتماد خود را به عنوان سیاستمدار و رهبر سیاسی انقلاب برای دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه جلو مردم میگذاشت، خمینی در فاصله چند ماه پس از انقلاب نمیتوانست به خود جرات بدهد که فتوا بدهد که "قلم ها را بشکنید"، "ما برای اسلام انقلاب کردیم".
اگر نفوذ گسترده رهبران کارگران شرکت نفت و صنایع کلیدی تا سطح ورود به دنیای فرا کارخانه ای، فرا صنفی و فرا حرفه ای و فرا "اعتصاب" بسط می یافت، سیاستمدار سوسیالیست طبقه کارگر حاضر در صحنه میتوانست اعلامیه بدهد که "شما بسیار بیجا میکنید که قلم ها را میشکنید، بسیار بی خود کردید که انقلاب ما را "اسلامی" اعلام میکنید و بسیار بی خود کردید که به نیابت انقلاب برای دست بدست کردن قدرت به بند و بست و معامله با ارتش و ساواک و سران دول غربی در کنفرانس گوادلوپ، مبارزات ما را به "ثمن بخش" معامله میکنید. آیا اگر رهبری اعتصاب کارگران شرکت نفت و مراکز کلیدی "فرمان" میدادند که مردم سلاحپتان را به کمیته های امام تحویل ندهید و مقر و ستاد ما بروی شما باز است، با توجه به نفوذ کلام بلامنازع جنبش کارگری در آن مقطع به عنوان ستون اصلی انقلاب علیه سلطنت با اقبال وسیع روبرو نمی شد؟ و آیا در آن صورت فرمان هجوم و لشکر کشی خمینی به مردم کردستان و گسیل خلخالی جلاد برای اجرای مراسم اعدامها به آن سادگی و بدون مقاومت، عملی میشد؟ حکم منع و نهی دخالت رهبر و فعال کارگری در صحنه سیاست در واقع ادامه همان نگرش به طبقه کارگر به عنوان عمله و ناظر خاموش رویدادهای سیاسی و در شرایط متلاطم جامعه ایران و دوران سرازیری رژیم اسلامی، که جناحهای آن خرخره یکدیگر را میچوند، تکرار موعظه های اسلامیون مکلا برای برکناری کارگر و رهبر جنبش کارگری از دخالت بر سر تعیین تکلیف قدرت سیاسی است.
"نهادهای امپریالیستی" به وجود این ظرفیت در جنبش کارگری ایران پی برده اند، تلاش کرده اند، اما، فعالان کارگری را "تطمیع" کنند تا از جایگاه آنها در راستای اهداف سیاسی خود بهره گیرند. مدافعان این حکم همین سیاست را بطور وارونه در پیش گرفته اند، خروج از "ازلیت" تعلق صنفی و حرفه ای کارگر را نشانه ورود جنبش کارگری به "فساد" تلقی کرده اند. معضل این نگرش نه خطر فساد اخلاقی و نه کراوات زدن رهبر دست پینه بسته "کارگر" و "سندیکا"و یا نفاق از "سنت شورانی" در مقابل "سندیکالیسم عقیم" نیست. مشکل وحشت از حضور فعال کارگری در صحنه جدال بر سر "قدرت سیاسی" و به عنوان رهبر سیاسی جامعه است. به همین دلیل است که مدافعان این گرایش کارگر را به حفظ "سلامت" خود در محضر امثال قراگوزلو ها دعوت میکنند.
بالاخره زن در شرق "فاطمه، فاطمه است" و "عفاف و عصمت" دارد که با "بی بندوباری جنسی" و رواج "کفر" همجنسگرانی و اختلاط پسر و دختر در ملاء عام و فرهنگ "فساد" و "زن کاباره ای" غرب باید متفاوت باشد!
مارکس و مانیفست و کاپیتال به کارگر غربی ای که موسیقی پاپ گوش میدهد مربوط است، و در شرق و "بلاد اسلامی" کارگر عرفان دارد. اینجا و در شرق کارگر دیگر "مستضعف"ی است که به حکم تولدش در کشور "اسلامی، باید مستمع "افتاده و خاکی" کنج عزلت حسینیه ارشاد و هیات های عزادار حسینی و پامنبری معصوم روضه ها و "مداح" هائی از نوع ملای سبزواری و "شورای اسلامی کار" برای تزکیه و دوری از "هوای نفسانی" باشد.

سوم: اینکه گویا "رای اکثریت" خود دلیل هر حقانیت و خود، حقیقت است. ذهنیتی که چکامه خود را از تقابل "دمکراسی" و بی خاصیت شدن عملی اراده مستقیم و تصمیم انسانها در "رای"، با دنیای "دیکتاتوری" و "توتالیتاریسم" و "سانترالیسم"، برگرفته است. این دنیای "مخوف" که آرامش ذهنیت سانتی سانتال روشنفکر خرده بورژوا و دنیای "منیت" و " دگراندیشانه" و نارسیستی اش را بر هم زده است، انگار "ویژگی ایدئولوژیکی" و جزء لاینجزا و "ابدی" در هر گونه "تحزب" و "تشکل" چپ و کارگری و بویژه در کمونیسم و ناظر بر فعالیت کمونیستهاست. در اکثریت قریب به اتفاق دمکراسی نیابتی، هیچ فضائی برای اعلام بی سانسور و بدون سر و دم بریده نظر و رای شهروند وجود خارجی ندارد. حتی مستقل و صرفنظر از ارعاب مستقیم و خطر زندان و شکنجه از جانب دولتها، شهروند در جهانی که ما در آن زندگی میکنیم، فاقد شرایط اولیه برای اعلام آزاد و بدون ترس از عواقب اعلام رای و نظر واقعی خویش است. از این نظر هیچ اکثریتی دلیل بر حقانیت و حاوی "حقیقت" نیست. بر عکس، در دست در اوضاعی که استثمارگران و سرمایه داران تمام قدرت میدیانی، دولت و همه امکانات تبلیغاتی را قبضه و استفاده آزادانه از آنها را عملا برای اکثریت شهروندان غیر ممکن کرده اند، این همواره "نظر" و اراده "اقلیت" بوده است که مدافع حقیقت بوده است. زندگی در این خرافه "دمکراسی" و قدرت افسانه ای "رای اکثریت"، در شرایطی که پیش فرض حاکمیت سرمایه داران و ستمگران مرتجع، محروم کردن کامل شهروندی و شهروندی و نظر آزاد آنهاست، و سانسور و استراق سمع و ترور و آدم ربائی و خفقان و ارعاب بخش جداناپذیر "امنیت ملی" است، روی دیگر سیمای ریاکار این تظاهر به "رای" اکثریت است.

در پایان مایلم به این دغدغه بورژوازی ایران برای عقب راندن رهبران کارگری از صحنه جدال سیاسی، به نمونه ای اشاره کنم. من در پائیز سال ۵۳ همزمان با زنده باد "یداله خسروشاهی" زندانی رژیم شاه بودم. آنوقتها، "عضدی"، "حسین زاده" و "منوچهری" از سران بازجویان بسیار بی رحم ساواک به یداله مراجعه کردند و از او خواستند که اگر در جمع کارگران پالایشگاه نفت اعلام کند که او نه بخاطر مسائل کارگری، بلکه به دلایل "سیاسی" اسیر و شکنجه شده است، تخفیف زیادی در محکومیت او خواهند داد. من به اختلاف های خود با نگرش یداله به جایگاه تحزب کمونیستی و تفاوتهایم با تبیین او در مورد رابطه تشکل های کارگری و نقش "قیم مآبانه" احزاب سیاسی نمی پردازم. اما میخواهم بر این نکته انگشت بگذارم که یداله در آن مقطع موضع بورژوازی حاکم را از زبان بازجویان فهمید و در برابر آن ایستاد. بازجویان ساواک از او میخواستند که اعتراف کند که کارگر و جنبش کارگری، فقط به مسائل صنفی و اقتصادی خود فکر میکند. ورود فعال کارگری به سیاست، از منظر بازجویان ساواک، به "مسائل کارگری" بی ربط بود. هیچ شک نباید کرد که در پس دلسوزیهای سفسطه گرانه این گرایش طبقه بورژوازی دوره سلطنت و اعوان و انصار و مشاورین اسلامی، در دوره سلطه اسلام سیاسی لانه کرده اند.

Iraj.farzad@gmail.com

۲۰۱۲ هی‌ون‌اژ هن و تس‌ی‌ب -۴۹،هن‌ا‌زور ی‌امت‌ش‌ال‌دادی

یادداشت‌های روزانه، ۴۹- بیست و نه ژانویه ۲۰۱۲

در نکوهش توجیه "کارگری" ترور شخصیت

اخیرا نوشته ای را خواندم با عنوان: "سندیکای واحد، یک گام به پیش" و با امضای: "محمد قراگوزلو- تهران/ ۹ بهمن ۱۳۹۱".

شاه بیت این نوشته حماسی در "بع‌التحریر"، به عمد و شاید هم به منظور دراماتیزه کردن خاستگاه ضد "بریائی- ژدانفی" نویسنده "مقیم تهران"، گنجانده شده است. به جملات بند "الف" این بخش توجه کنید:
(خط تاکیده‌ها همه جا از من است)

" الف. در یکی دو اظهار نظر سخیف اقدام اعضای هیئت مدیره سندیکا، امری "مشکوک" و تحت فشارهای سیستم اطلاعاتی و امنیتی جا زده شده است. شرم هم چیز خوبی است لابد! همه ی کسانی که بیانیه را عبور از پرنسیپ و سنت های کارگری تلقی کردند وظیفه داشتند – و دارند – که در مقابل این مواضع مذنبوحانه بایستند. واقعیت این است که بخشی از چپ ما هنوز تحت تاثیر آموزه های بریایی – ژدانفی "هر که با ما نیست را بر ما ست" معرفی می کند و از این سکو بلافاصله مخالف خود را به انواع و اقسام انگ های اطلاعاتی می نوازد. اگر در اپوزیسیون باشد او را به لجن می کشد و اگر خدای نکرده به پوزیسیون برسد رونوشتی از اعدام و ترورهای دهه ی سی و چهل شوروی را کپی خواهد کرد. این سنت ها ضدکارگری، ضد سوسیالیستی و ضدهرگونه پرنسیپ انسانی است. بگذریم از این که نوجه های بورژوازی‌گندیده ی وطنی و چهار تا فعال به اصطلاح ملی مذهبی متعصب نیز وقتی که پروپاگانداشان برای بالا کشیدن فلان لیدر نهضت آزادی در بهمان دانشگاه مسدود می شود، با همان طناب پوسیده به چاه می روند..."

سوال اول این است که آیا محمد قراگوزلو، که "شهامت" بخرج داده است به عنوان نویسنده "مقیم تهران" در لباس تظاهر به دفاع از پرنسیپ انسانی، ترور شخصیت اسالو را "گامی به پیش" بنامد، چرا به عنوان مظهر حکومت ترور و اعدام، موارد "دهه سی و چهل" آموزه های "بریائی- ژدانفی" را در شوروی سابق مثال آورده است و نه کشتارهای سیاسی سالهای ۶۰ و ۶۷ و سه دهه قتل و کشتار سازمانیافته کارگر و کمونیست و آزادیخواه آن جامعه؟
ایا مخاطب آقای قراگوزلو، باید محکومیت کارگران ایران به زندگی زیر خط فقر، به بیکار سازیهای پیوسته و تمرد مسئولین رژیم از پرداخت "حقوق معوقه" کارگران، به فحشا کشاندن خانواده های کارگری و گسترش وحشتناک اعتیاد به مواد مخدر، شرایط مرگبار زندانها، و کل پرورنده جنایات رژیم اسلامی علیه بشریت را نه به حساب اسلام سیاسی در حال حاضر و در مقابل چشمان ایشان، که باید به حساب حکومت "ژدانف" آنهم در دهه سی و چهل میلادی بنویسند؟ چرا نه رژیم مخوفی که حتی کوچکترین مخالفهای دورنی را با ترورها و سربریدنها توسط جنایتکاران "خودسر"، انکیزیسیونهای اسلامی و سر به نیست کردنهای زنجیره ای جواب داد و میدهد؟ چرا به قربانی ربوده شده و زبان بریده مورد بحث، اسالو، و دهها مورد جاری دیگر در ایران تحت رژیم اسلامی به عنوان نمونه های مجسم حاکمیت خفقان و ترور و شکنجه اشاره نشده است؟ پاسخ به این سوال را از مبانی اعتقادی خود ایشان بشنوید تا در ادامه بدانید که این حکم فاضلانه ایشان، یک "تقیه و توریه" اسلامی بیش نیست: " از انترناسیونال اول تا لحظه ی حال ما سنت های کارگری مبتنی بر دموکراسی کارگری و احترام به تصمیم گیری های جمعی و شورایی استوار شده است. اگر این اصل را قبول داریم و اگر می پذیریم که اعضای هیات مدیره ی سندیکای واحد در شمار صادق ترین و آگاه ترین فعالان جنبش کارگری هستند، پس کم ترین ادای دین به این همه مبارزه و زندان؛ حمایت از سندیکای واحد است"

حوصله کنید جملات زیر را که فقط منتخب "فراز"های اندکی از آثار بی شمار ایشان در همان "تهران" است و ریاکاری آشکار در دفاع از "احترام به انترناسیونال کارگری و احترام به تصمیم گیری جمعی" و "شورائی" از سوی ایشان را برملا میکند، بخوانید و بعد ببینید واقعا خود ایشان به معنی کلماتی که مینویسند، ذره ای احترام قائل است؟ یا قرار است که مخاطبین ایشان با زدن عینک ضد "توتالیتاریسم"، آنهم "تصادفا" فقط توتالیتاریسم "اروگاه شوروی"، در تبرئه رژیم اسلامی با ایشان همراه شوند؟
آیا واقعا این خود آقای قراگوزلو نیستند که باید بدانند "شرم هم چیز خوبی است، لابد؟" برای خوانندگان، اما، که ظهور ظاهرا ناگهانی و پریدن پا برهنه امثال ایشان در میدان مدافع سنت های انترناسیونال کارگری، ممکن است رعد و برقی در آسمان بی ابر باشد، یادآوری این پیشینه و شالوده سیاسی و فکری قراگوزلو، شاید کمکی باشد که دست اندازی شیدان سیاسی به سنن شرافتمند و پرافتخار جنبش کارگری و سوسیالیستی و متفکران و فیلسوفان آن را سد کند.

محمد قراگوزلو در مقاله "آتش بر پرّ جبریل‌جان» در کتاب دوم "سعدی شناسی" اش چنین نوشته است:

"وجود بعضی مانستگی های نظری میان عرفان اسلامی و بینش های نو افلاطونی و نو فیثاغورثی گری، سبب شده است که برخی از پژوهشگران به این عقیده گرایند که عرفان اسلامی – به ویژه در مقوله عشق پاک – از تعالیم فلوپین متأثر شده است. نگارنده بی آنکه به تمامی به انکار این نظریه برخیزد، بر آن است که عرفان اسلامی از سرچشمه لایزال قرآن و حدیث – در تلفیق با مجموعه ای از سنتها و باورهای حکمی ایران باستان – نشأت گرفته است."

در رابطه با مصادره "حافظ" شیراز و کل تاریخ فرهنگ و ادب جامعه ایران در مسلخ دوحردادپون چنین نوشته است:

" همه این پدیده ها که ژرف ساخت جنبش جامعه مدنی ایران را شکل می دهد، به صورت مطالبات متراکم و معوقه در دوم خرداد ۱۳۷۶ سیرت و خط سیر و چپستی حرکت اصلاح طلبان را تعریف و تبیین کرده است. از همین منظر، صاحب این قلم مایل است که حافظ شیراز را شاعر همه دوران ها، شاعر معاصر ما و رفیق گرمابه و گلستان و عضو ستاد اصلاح طلبان ایران بداند. تا یار که را خواهد و میلش به که باشد..."

در مقاله "جامعه مدنی و قانونگرائی" می نویسد:

"ظهور مارکسیسم که مدعی بود دین افیون طبقه کارگر است و می گفت "در صورت تغییر اساسی در مناسبات تولیدی و فرو ریختن استئمار سرمایه داری، دین از میان خواهد رفت" به اعتباری، نوعی واکنش تاریخی در برابر حکومتهای تئوکراتیک به شمار می آید. در اینجا بی آنکه بخواهیم وارد متن این فراگرد شویم، چندان بیراه نیست این پرسش را مطرح کنیم که آیا اگر کارل مارکس یا اندیشه های اساسی تمدن اسلامی – و بطور اخص میانی عدالتخواهانه شیعی – آشنائی می یافت و به جای برخورد با کشیشان قرون وسطایی به مباحثه با فیلسوفی همچون ملا هادی سبزواری کشیده می شد، باز هم دین را "افیون توده ها"، سد راه پیشرفت تاریخی، و توجیه کننده مناسبات ستمگرانه "بورژوازی-پرولتری" معرفی می کرد؟".

در "گفتگوی تمدنها، مرهمی بر زخمهای عمیق تر از انزوا" نوشته است:

".. در درجه نخست سیاست تشنج زدانی محمد خاتمی را به بن بست یکره کور و تاریک می کشید. این توطئه با هوشمندی رهبری، پیگیری رئیس جمهوری و درایت و عقلانیت وزارت اطلاعات و روشنگری مطبوعات عقیم ماند".

و بالاخره برای اینکه بطور قطع بدانید دغدغه واقعی آقای قراگزلو در "یک گام به پیش سندیکای واحد" نه "سنت شورائی" در جنبش کارگری و نه هیچ "پرنسپ انسانی" و سوسیالیستی دیگری نیست، بلکه کاملاً برعکس، مشکلاتی است که جنبش کارگری و فعالان آن و تمامی انسانهای شریف و مبارز این مملکت برای رژیم اسلامی فراهم کرده اند، این جملات را هم بخوانید. بخوانید تا بدانید سنگر گرفتن در پشت تصمیمات "مشکوک" هیات مدیره سندیکای واحد، چیزی جز بیعت مجدد و همبستگی دوباره با "درایت و عقلانیت وزارت اطلاعات" نیست. آقای قراگزلو آگاهند، اما باز هم آگاهانه خود را به "تجاهل" میزند که وزارت اطلاعات رژیم، بویژه در این دوران تشدید بحرانهای رژیم و تخصم جناح های آن و بدنامی معماران کهریزک ها و کشتارهای سالهای ۶۰ و ۶۷ نتوانست به ضرب شکنجه و ارباب و آدم ربائی، اسالو و فعالان کارگری را ترور شخصیت کند و از زبان خود آنها به "ندامت" بکشاند، اما هتک حرمت او از طریق و به نام هیات مدیره سندیکای واحد، گویا عامه پسند تر و "با درایت تر" است. خاصه اینکه پشت بند ترور شخصیت اسالو، زیر پا گذاشتن ارزشهای اخلاقی ای است که "بطور اخص" خمیر مایه مشترک میانی "عدالتخواهانه شیعی" ایشان و رژیم اسلامی است. آیا آقای قراگزلو "سپهوا" معانی عملی اجرای این "عدالت شیعی" را در خاورانها، لعنت آباد ها و مراسم به دار کشیدنهای علنی و "تعزیرات" اسلامی از قلم انداخته اند؟ گمان نمیکنم!

آقای قراگزلو فقط قصد نکرده است که در این آخرین نوشته اش شناسنامه ضدکمونیستی اش را بار دیگر رو نمائی کند، و این اعتبارنامه را در پیشگاه رژیم اسلامی تمدید کند، او به نص صریح خودش:

"نگارنده کاملاً حساب شده بر موارد مختلف خستونتهای سیاسی در دو دهه اخیر انگشت نهاده تا نشان دهد که – نظام جمهوری اسلامی بیشترین لطمه را از خستونتهای سیاسی خورده است"

و فکر نکنید مواضع اساطیری ایشان بسیار قدیمی اند. همه نقل قولهای مذکور از متن "رسالات" و "رهنمودهای راهبردی" او در فاصله زمانی سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۷ استخراج شده اند. در فاصله بعد از رویدادهای سال ۸۸، همان مواضع این بار بطور وارونه در بسته بندی جدید مرزبندی با حکومت ترور "بریائی-ژدانفی" و با تقیه و توریه "سوسیالیستی" به بازار آمده اند.

Iraj.farzad@gmail.com

اخبار سندیکای واحد 3

اسامی شماری از رانندگان بازداشت شده شرکت واحد

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید

فوریه ۲۰۰۶ – بهمن ۱۳۸۴

۱- یوسف مرادی (عضو هیئت مدیره) ۲- عطا باباخانی (منطقه ۶) (عضو هیئت مدیره) ۳- غلام خوش‌مرام (منطقه ۶) (عضو هیئت مدیره) ۴- ناصر غلامی (عضو هیئت مدیره) ۵- یعقوب سلیمی(عضو هیئت مدیره) ۶- علی ذات‌حسین (عضو هیئت مدیره) ۷- علی ترازوی (عضو هیئت مدیره) ۸- سید داود رضوی (عضو هیئت مدیره) ۹- سعید تریبیان (عضو هیئت مدیره) ۱۰- منصور حیات غیبی (عضو هیئت مدیره) ۱۱- ابراهیم مددی (عضو هیئت مدیره) ۱۲- منصور اسالو (رئیس هیئت مدیره) ۱۳- حسن سعیدی ۱۴- رضا بهروزیان ۱۵- محمدعلی عیسی‌آبادی (منطقه ۵) ۱۶- سیدرضا نعمتی ۱۷- آرش پولاد پور (منطقه ۵) ۱۸- محمدرضا محمذنژاد ۱۹- حسین شهسواری (عضو هیئت مدیره) ۲۰- وهاب محمدی ۲۱- علی بخشی ۲۲- ناصر محرمزاده (منطقه ۵) ۲۳- علی‌رضا یوسفی (منطقه ۵) ۲۴- علی‌رضا توسلی (منطقه ۵) ۲۵- مجتبی توانی (منطقه ۵) ۲۶- امیر قانع (منطقه ۵) ۲۷- بهرام نشانی (منطقه ۵) ۲۸- محمدحسین هداوند (منطقه ۵) ۲۹- حجت‌الله کشاورز (منطقه ۵) ۳۰- حسین برشان (منطقه ۵) ۳۱- حسین فارسیان (منطقه ۵) منطقه ۶ شرکت واحد ۳۲- جواد کفایتی ۳۳- سلیمان محمدی ۳۴- عبدالله حسینی ۳۵- حسن کریمی ۳۶- مسعود فروغی ۳۷- غلامرضا عباسی ۳۸- منوچهر مهدوی تبار ۳۹- علی بلندی (آزاد شد، اما از کار اخراج شد) ۴۰- مهدی حسینی ۴۱- حسن صفائی‌پور ۴۲- حسن رضائی (آزاد شد، اما از کار اخراج شد) ۴۳- علی قربانی ۴۴- غدیائی ۴۵- همایون جابری ۴۶- صادق خندان ۴۷- مسعود بابائی ۴۸- علی‌اکبر نظری ۴۹- حبیب (منطقه ۱) منطقه ۳ شرکت واحد ۵۰- احمد صامی (آزاد شده، اما از کار اخراج شد) ۵۱- ابراهیم قره قزلو (آزاد شده، اما از کار اخراج شد) ۵۲- مراد افروز (آزاد شده، اما از کار اخراج شده) ۵۳- محمد اسکندری (آزاد شده، اما از کار اخراج شد) ۵۴- علی امیری کردستانی (آزاد شده، اما از کار اخراج شد) ۵۵- محمد شکیبائی (آزاد شده، اما از کار اخراج شد) ۵۶- آیت جدیدی ۵۷- احمد ورمزیار ۵۸- محمدرضا عباسی ۵۹- عباس رحیمی ۶۰- ناصر احمدی ۶۱- غلامرضا سعادی‌راد ۶۲- ولی وفادار ۶۳- یوسف مولوی ۶۴- اصغر مختار پور ۶۵- ارسلان اسکندری ۶۶- داود باغریبگی ۶۷- محمدرضا علی‌زاده ۶۸- امداد رحیمی (منطقه ۲) ۶۹- جهانگیر شیلی (منطقه ۲) منطقه ۵ شرکت واحد ۷۰- محمدرضا مرادی ۷۱- فیروز رفیع‌پور ۷۲- میریعقوب حسینی ۷۳- سیدرضا نعمتی‌پور ۷۴- محمد نعمتی‌پور (عضو هیئت مدیره) ۷۵- محمود هژبری (عضو هیئت مدیره) ۷۶- اصغر سلامی ۷۷- هادی کبیری ۷۸- مهدی سربندی ۷۹- مهدی بیانی ۸۰- فرهاد نوروزی ۸۱- مهدی فروندی ۸۲- رضائی ۸۳- مرادوند ۸۴- احمد حسنی ۸۵- خانی ۸۶- ناصر باستانی ۸۷- رضا شهاب خراسانی ۸۸- علی ابراهیمی ۸۹- صادق محمدی ۹۰- علی قربانیان ۹۱- مجید طلائی ۹۲- حسین جوادی ۹۳- حسین مهدی‌خانی ۹۴- مصطفی امیری دستیابی به اسامی بیشتر برای اعضای فعال سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، در حال حاضر ممکن نیست. به محض دریافت اسامی بیشتر، به این لیست اضافه خواهند شد.

کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید)

دوشنبه ۱۷ بهمن ۱۳۸۴ برابر با ۶ فوریه ۲۰۰۶

روز جهانی در دفاع از کارگران ایران

فراخوان کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی

پیرو دستگیری تا 1300 کارگر سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و آزاد نشدن آنان، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری به همراه فدراسیون اتحادیه های جهانی، روز 15 فوریه 2006 را روز جهانی در حمایت از کارگران ایران اعلام کردند. این تشکلات کارگری جهانی از همه اتحادیه ها در سطح جهان خواسته اند که در هر کشوری که سفارت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، تظاهرات اعتراضی خود را در جلو آن سفارت خانه و در غیر اینصورت در مقابل وزارت کشور خود جهت تحقق خواسته های زیر سازمان دهند

پیرو دستگیری تا 1300 کارگر سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و آزاد نشدن آنان، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری به همراه فدراسیون اتحادیه های جهانی، روز 15 فوریه 2006 را روز جهانی در حمایت از کارگران ایران اعلام کردند.

این تشکلات کارگری جهانی از همه اتحادیه ها در سطح جهان خواسته اند که در هر کشوری که سفارت جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، تظاهرات اعتراضی خود را در جلو آن سفارت خانه و در غیر اینصورت در مقابل وزارت کشور خود جهت تحقق خواسته های زیر سازمان دهند.

1- برسمیت شناختن حق تشکل مستقل کارگران در ایران

2- آزاد کردن منصور اسانلو و کلیه کارگران دستگیر شده سندیکای شرکت واحد

3- پذیرش حق داشتن سندیکا از طرف مدیریت شرکت واحد

4- برسمیت شناختن حق قرارداد دسته جمعی

5- پرداخت دستمزدهای عقب افتاده کلیه کارگران و اعضاء سندیکا کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری از تمامی اتحادیه ها در سطح جهان درخواست کرده است که ضمن ارائه گزارش کامل اقدامات خود در این مورد، در هر کجای جهان که هستند اخبار اقدامات خود همراه با عکس و چگونگی پیشبرد این حرکت را با ای میل جهت انعکاس در سایت این کنفدراسیون ارسال دارند.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران از تمامی نیرو های آزادیخواه، تمامی نهادهای سیاسی، افراد، مدافعین حقوق کارگران و ائتشار تهیدست جامعه ایران انتظار دارد ضمن شرکت در این تظاهرات اعتراضی، جهت غنا بخشیدن به این اقدام جهانی کمال همکاری را با اتحادیه های کشور های محل سکونت خود بعمل آورده و خبر این اقدام را جهت درج در رسانه های گروهی ارسال دارند.

وصیت نامه آقای شهسواری عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد

سایت آشوب : اینجانب حسین شهسواری از اعضای هیئت مؤسس سندیکای شرکت واحد بدین وسیله اعلام میدارد که در کمال صحت و سلامت این سطور را رقم میزند اصل مطلب این است که جنبش سندیکایی در ایران پس از سی سال در ایران دوباره سر بر آوردکه خوشبختانه ما از پیشاهنگهای آن بوده ایم . چه در سال 82 که با هیئت مؤسسان کارگری کار میگردیم چه زمانیکه هیئت مؤسس و احیاء سندیکای شرکت واحد را درآویل سال 83 بینان گذاشتیم و 7 نفر بیشتر نبودیم اما اکنون تمام شرکت واحد و بیش از 15 هزار نفر را سندیکای ما در بر میگیرد . پدر من از اعضای فعالین سندیکا ی خبازان در سالهای 40 تا 50 بود و این برای من که افتخاری بود به ویژه اینکه پدرم از فعالین و هیئت مدیره سندیکای خبازان در سالهای 40 تا 50 بود . این برای من در عین حال که افتخاری بود ایجاد مسئولیت بیشتری میکرد به هر رو ما این وظیفه را به دوش داشتیم که در پس از امضاء مقابله نامه های 98 و 87 توسط وزیر وقت کارجمهوری اسلامی در سال 80 به دنبال ایجاد سندیکا فعال شدیم و این هدف را دنبال کردیم . هرچند جمهوری اسلامی بعد از امضاء این مقابله نامه ها با توجه به سکون و سکوتی که در جامعه کارگری بود پس از امضاء این مقابله نامه ها بدنبال سندیکایی خودساخته و سندیکایی حکومتی و فرمایشی بود ولی به ناچار و به ناگهان ما , همچون گلی از میان شکفتیم وبه در آمدیم که اینها در معادلات اینها نمی گنجد و تمام مشکلاتی که اینها دارند همین هست چرا که خصلت کار سندیکایی خصلت و ویژگی کار سندیکایی و فعالیت سندیکایی خواستن وطالب بودن خود کارگران است یعنی کارگران باید بخواهند که سندیکا داشته باشند و ایجاد مجمع عمومی کنند و هیئت مدیره خود را انتخاب کنند وسندیکا ایجاد کنند سندیکا برای همین است که خیلی برای آنها خطر ناک است چون تنها چیزی است که اجازه بهملت و دستور از هیچ کجا نمی گیردما در خود مقابله نامه های بنیادین کار در مقابله 87 داریم که کارگران میتوانند بدون کسب هیچگونه اجازه از هرگونه مقامات دولتی به تأسیس سندیکای خود مبادرت کنند به روو من يك ایرانی هستم يك مسلمان شیعه هستم وبا اعتقاداتی که دارم و در ایام ماه محرم و با یاد حرمت احترام امام حسین و یارانش این را مینویسم شاید بعنوان وصیتی باشد و به هر رو ما افتخار برای خود میدانیم که در این کارسندیکایی فعالیت سندیکایی بودیم و این اعتصاباتی که صورت گرفت ناشی از آن ویژگی دموکراسی سندیکایی است و انتخاباتی که در سندیکا صورت گرفت و اعضای هیئت مدیره با اکثریت آرا به این اعتصابات رأی دادند پس ما هم باید به آن گردن مینهادیم به همین خاطر هیچگونه خطا و اشتباهی در این مورد نشده چرا که این اعتصابات در واقع ناشی از فوران مطالبات و مشکلات کارگران شرکت واحد در سیستم استثماری کار و سرمایه در این کشور است به هر رو ما دراین حال که هیچگونه مخالفت و دشمنی با نظام جمهوری اسلامی و مسائل سیاسی نداریم و نظاممان را فعلاً تحمل میکنیم فعلا باآن دشمنی نداریم و کار سیاسی اصلاً نداریم و اگر اعتقادی داریم اعتقادات شخصی هست بهر رو در راه این سندیکا تا پای جان ایستاده ایم بخصوص برای آزادی آقای اسانلو در مورد آقای اسانلو ,آقای اسانلو حدود 30 سال در شرکت واحد بوده است کسی است که از نظر اخلاقی از نظر انسانی همیشه دنبال مسائل روشنفکری دنبال مسائل کارگری بوده است , ایشان هم پدرشان جزء هیئت مدیره سندیکای شرکت نفت بوده است ما دو نفر کارمندی هستیم که سندیکایی هستیم که از 26 هفت سالگی در سندیکا بزرگ شده است من به آقای اسانلو اعلام کنم که هرگونه راه و روشی که آقای اسانلو داشته باشد من به دنبال آن هستم ومن شریک جرم او اگر آنها آنرا جرم میدانند شریک تمام کارهای او هستم و در کنار او خواهم بود و آقای اسانلو را به او اتهام سیاسی می چسبانند در صورتی که آقای اسانلو يك دو سه ماه به خارج از کشور رفته بود و پارسال تابستان برگشت اگر او مورد سیاسی داشت پس چرا ایشان را در همان فرودگاه دستگیر نکردند اگر آقای اسانلو مورد سیاسی داشت چرا ماه گذشته سال گذشته شش ماه گذشته چرا پس از اینکه سندیکای شرکت واحد پا گرفت و جان گرفت و 10 منطقه شرکت واحد متحد شدند و ما برای اولین بار, ببینید کانون نویسندگان ایران با آن سابقه دیرینه اش درجمهوری اسلامی نتوانست مجمع عمومی برقرار کند بعد از 30 سال هنوز ولی ما برای اولین بار مجمع عمومی گذاشتیم و این کار بزرگی بود درجامعه ای که جامعه شورایی نیست جامعه بسته ایست دیگر و مفاهیم سندیکایی را مثلاً اینها بصورت فرمالیستی بصورت ظاهری میپذیرفتند به هر رو آقای اسانلو در واقع پیشتاز و رهبر ماست واقعاً من خودم را یکی از شاگردان ایشان میدانم و انشالله که لیاقت طرفداری و پشتیبانی از او را داشته باشم و در عمل بتوانم دنباله رو ایشان باشم جنبش سندیکایی اگر در کشور ما حل بشود خیلی مشکلات حل خواهد شد ولی این حاکمان و تند روان حاکمان نمی فهمند ویا منافعشان اجازه نمی دهد اما خانه کارگر و شوراها و خیلی از وابستگان به آنها در وزارت کار در بیمه ها تمام حلقه هایی بودند که هم وصل بودند و با هم از يك جا میخوردند و کارگران ما اکثراً فاقد بیمه تأمین اجتماعی هستند و اکثراً کارگرهای ما الآن دراسلویه نمی دانم اطلاع دارید با این رشد روز افزون استخراج نفت و اینها در اسلویه در آن چاههای نفتی دشت کویر که الآن نفتها استخراج میشود کوچکترین تضمین شغلی, بیمه , سندیکا که اصلاً , هیچگونه چیزی با آن کار سخت در آن بیاباتها و درآن کارهای سخت جوشکاری نمیدانم آلماتوربندیهایی که در آن صحراهای نفتی صورت میگیرد وجود ندارد و چقدر کشته ها آنجا میدهند ,اگر بتوانید بروید آنجا شما سر بزید می بینید که کارگرها از همه جا جمع شده اند و این نفتی که , طلایی که استخراج میشود پایش خون آدمیزاد هم میرود به هر رو ما خود را معتقد هستیم که هیچگونه خطوط اشتباهی نداشتیم و هیچ قصد خیانت و مخالفت با نظام و جمهوری اسلامی نداشتیم و چون مردم ما این نظام را میخوانند ما هم مخالفی با این نظام نداریم و برای آقای اسانلو و آزادی تمام سندیکاییان تا پای جان ایستاده ایم .

حسین شهسواری عضو هیئت مؤسس و عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد

یک عضو دیگر هیات مدیره ی سندیکای شرکت واحد دستگیر شد

ابراهیم گوهری هنگام تلاش برای حل اختلاف کارگران آزاد شده از زندان با کارفرما بازداشت شد

رادپو فردا: ابراهیم گوهری عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه روز سه شنبه توسط ماموران اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی دستگیر شد. تاکنون اکثر فعالان و اعضای هیات مدیره از جمله منصور اصانلو رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد دستگیر و زندانی شده اند. در مصاحبه با رادپو فردا غلامرضا میرزایی عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه شرح می دهد که چگونه ابراهیم گوهری در جریان تلاش برای ادامه اشتغال زندانیان آزادشده شرکت واحد و خلف وعده مسئولان اداره کار دستگیر و زندان شد.

غلامرضا میرزایی: آقای ابراهیم گوهری از اعضای خیلی فعال و عضو هیات مدیره سندیکا و مسئول کمیسیون حل اختلاف سندیکا بودند که در این زمینه تا کنون فعالیت های خیلی چشمگیری داشتند در رابطه با مراجعه به ادارات کار و حل اختلاف حقوقی و حتی در برخی موارد جزایی همکاران خارج از حتی شرکت واحد. که من و تمام همکاران از دستگیری ایشان واقعا متاسف شدیم. ایشان شاغل در منطقه هشت شرکت واحد بودند. دو روز پیش ما مراجعه کرده بودیم اداره کار شرق تهران. آقای گوهری هم خودشان آنجا حضور داشتند به اتفاق سه تن دیگر از اعضای هیات مدیره رفتند و به اتفاق حدود بیست تن از همکارانمان سعی کردیم از هر منطقه شرکت واحد دو نفر باشند به نمایندگی از زندانیانی که آزاد شدند و هنوز هیچ کدامشان را سر کارشان راه ندادند. اینها مراجعه کردند دو روز پیش و اعتراض کردند که چرا ما را سر کار راه نمی دهند و ایشان مطرح کردند که در هر حال بازداشت شده بودند و تفهیم اتهامی شده و اینها پاسخگوی اتهامات هستند و جرمشان هم اگر ثابت شود تاوانش را می دهند، ولی در هر حال الان قاضی حکم آزادیشان را داده و از نظر حقوقی اینها مشکلی برای بازگشت به کار ندارند. در اداره کار، آقای صفری مسئول اداره کار شرق تهران گفته بودند شما بروید فردا ساعت ده صبح بیایید ما سعی می کنیم با توجه به این که تعداد شما زیاد است، به این مساله رسیدگی کنیم و ما هماهنگ می کنیم از کارفرما، شرکت واحد يك نفر هم بیاید تا به قضیه به صورت ویژه رسیدگی کنیم. دیروز دوشنبه ما بنا بر دعوت آقای صفری و بیست تن از همکاران دیگر به اتفاق چهار نفر از اعضای هیات مدیره به اداره مراجعه کردند و می بینند که از اعضای شورای اسلامی کار هم در آنجا حضور دارند و همچنین از شرکت واحد هم يك فردی آنجا بوده و همچنین تعدادی از نیروهای امنیتی که حتی رئیس این گروه کارت شناسایی نشان داده و گفته من دنبال آقای ابراهیم گوهری می گردم. چون چهره ایشان را نمی شناخته، آقای گوهری بلافاصله محل را ترك می کند و به من جریان را گفت و من گفتم سریع محل را ترك کند. من برداشتم این است که اینها حداقل حفظ ظاهر را هم کنار گذاشتند و يك برنامه ای را دارند هماهنگ اجرا می کنند.

م . م: جو در داخل شرکت واحد و میان آنهایی که شاغل هستند، در خیابان ها چطور است؟

غلامرضا میرزایی: با توجه به اخباری که ما داریم و شاهد هستیم، جو خیلی مسموم است و فضا يك فضای آلوده است. آنقدر تبلیغات يك طرفه و بی انصافانه از سوی شورایی ها، حراستی ها، مدیران مناطق و دست نشانده های اینها دارد پخش می شود به صورت ناجوانمردانه که يك حالت یاس و ناامیدی را می خواهند در دل کارگران ایجاد کنند. ولی من فکر می کنم کارگران آنقدر آگاه هستند و درك و شعور اجتماعی دارند که گول این حرفها را نمی خورند. چرا که خودشان می دانند و ما هم می دانیم و نیت خودمان هم این است که ما جز خواسته صنفی تاکنون چیزی طرح نکردیم و الان هم طرح نمی کنیم. ولی خب در هر حال ما اکنون درگیر يك مبارزه نابرابر شدیم که تمام امکانات تبلیغاتی و دولتی و انواع و اقسام تریبون ها دست طرف های ما هستند مانند شورا و مدیران مناطق، کارفرما و از طرفی ما که واقعا این وسط مظلوم واقع شدیم و حتی نمی توانیم کوچکترین ارتباطی حتی با خانواده زندانیان برقرار کنیم تا ببینیم چه احتیاجاتی دارند تا از همکاران دیگر بگیریم و در اختیارشان قرار دهیم. این حداقل کار را هم آنقدر ما را محدود کردند که متاسفانه شرمنده خانواده زندانیان شدیم.

دفاع از کارگران، دفاع از تغییرات بنیادی است

اطلاعیه کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

فوریه ۲۰۰۶ بهمن ۱۳۸۴

توجه تشکلهای کارگری جهان به مسائل طبقه کارگر ایران که با اول ماه مه سقز و وقایع بعد از آن وارد دوران کاملا تازه ای شده بود با آکسیونهای 15 فوریه به اوج خود میرسد. فراخوان "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد" و "فدراسیون اتحادیه های جهانی" تحت عنوان "روز جهانی در دفاع از کارگران ایران" را می توان روز رسمی ادغام جنبش کارگری ایران در جنبش کارگری جهانی بحساب آورد. در 15 فوریه همه نگاه ها متوجه اوضاع طبقه کارگر ایران، فقدان حق تشکل مستقل آن، اعتصابات کارگران شرکت واحد و خواستهایشان خواهد شد. ما ضمن قدردانی از "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد" و "فدراسیون اتحادیه های جهانی"، حمایت کامل و قاطع خود را از این فراخوان شایسته و به موقع اعلام می کنیم.

این همبستگی گسترده بین المللی باعث ایجاد یک اعتماد به نفس عظیم در طبقه کارگر ایران می گردد. با توجه به کلیه وقایع دهه اخیر، و ناتوانی کلیه جنبشهای اقشار و طبقات دیگر در بر آوردن حتی همان مطالبات اندکی که داشتند، جنبش کارگری ایران می رود تا یکی از نیروهای اساسی تحولات و تغییرات در ایران گردد. حمایت ضروری و لازم کل نیروهای اپوزیسیون ایران و همه انسانهای شریف و آزادیخواه ایران از فراخوان و شرکت در آکسیونهای 15 فوریه گامی مهم در عروج جنبشی است که چنانچه متشکل شود هم خواست و هم قدرت ایجاد تغییرات بنیادی را دارد.

فراخوان دهندگان تظاهراتها 5 خواست زیر را پیشنهاد کرده اند:

برسمیت شناختن حق تشکل مستقل کارگران در ایران

آزاد کردن منصور اسانلو و کلیه کارگران دستگیر شده سندیکای شرکت واحد

پذیرش حق داشتن سندیکا از طرف مدیریت شرکت واحد

برسمیت شناختن حق قرارداد دسته جمعی

پرداخت دستمزدهای عقب افتاده کلیه کارگران و اعضاء سندیکا

با توجه به آنکه هم اکنون کارگران اعتصابی شرکت واحد که از زندان آزاد شده اند حق بازگشت به سر کارهای خود را ندارند، و همچنین رفع اتهام از دستگیرشدگان اول ماه مه سقز نیز یکی خواستههای کل طبقه کارگر است، ما مناسب می دانیم تا دو خواست "حق بازگشت بدون قید و شرط کارگران اعتصابی شرکت واحد به سر کار" و "رفع کلیه اتهامات از دستگیرشدگان روز کارگر سقز" نیز به مطالبات این روز افزوده شود.

زنده باد همبستگی کارگری

کمیته اجرایی اتحاد سوسیالیستی کارگری

20 بهمن 1384 – 9 فوریه 2006

گزارش تظاهرات لندن در حمایت از کارگران شرکت واحد

فوریه ۲۰۰۶ - بهمن ۱۳۸۴

در روز شنبه 4 فوریه از ساعت 12 تا 2 بعد از ظهر، تظاهراتی در حمایت از کارگران شرکت واحد در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن بر گزار شد. در این تظاهرات که با فراخوان «کمیته دفاع از مبارزات سندیکای مستقل شرکت واحد» ونیز فراخوان جداگانه ای از سوی چریکهای فدایی خلق و سازمان دموکراتیک- ضد امپریالیستی بر گزار می شد، حدود70 نفر شرکت کرده بودند. شرکت کنندگان در تظاهرات با در دست داشتن پلاکارد وبا سر دادن شعار ، سرکوب اعتصاب کارگران شرکت واحد توسط نیروهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی را محکوم کردند و خواستار آزادی فوری و بی قید شرط همه کارگران زندانی و بخصوص منصور اسانلو دبیر هیئت مدیره سندیکا شدند.

نکته قابل توجه در تظاهرات این بود که یک هیئت چند نفره به نمایندگی از کنفدراسیون اتحادیه های کارگری انگلستان TUC به همراه آقای اون تیودور رئیس دپارتمان اتحادیه اروپا و روابط بین الملل این کنفدراسیون، در تظاهرات شرکت چسته بودند و با شعارهای خود، سایر شرکت کنندگان را همراهی می کردند. همچنین دبیر کل جنبش اتحادیه های کارگری زلاند نو، که برای مسافرات کاری در لندن بسر می برد جهت اعلام همبستگی با تظاهر کنندگان به همراه هیئت نمایندگی TUC در تظاهرات شرکت داشت. در جریان تظاهرات آقای اون تیودورضمن مصاحبه با رادیو بخش فارسی بی،بی،سی، در پاسخ به سؤال خبرنگار مبنی بر علت شرکت ایشان در این آکسیون چنین گفت: "ما اعضاء کنگره بریتانیا در مقابل سفارت جمهوری اسلامی تجمع کردیم برای آنکه می خواهیم به مقامات ایران بگوئیم که آنها قوانین بین المللی کار و قوانین دفاع از حقوق کارگران را پایمال می کنند. آنها موظف هستند که آزادی سازمانهای کارگری را محترم بشمارند. این بدان معنا است که آنان نباید اتحادیه هایی را که برای تضمین آزادی و استانداردهای یک زندگی بهتر برای خود و خانواده هایشان تلاش می کنند محدود کنند. ما نامه ای را به سفیر ایران در بریتانیا نوشته ایم که تعهد اتشان را از یاد نبرند و بازداشت شدگان اتوبوس رانی تهران را که در بازداشت هستند، آزاد کنند. اتوبوس رانان در سراسر دنیا هستند و اینجا هم جمع شده اند تا از اتوبوسرانان ایرانی که برای دست یابی به حقوقشان مبارزه می کنند، حمایت کنند." در خاتمه آقای اون تیودور، نامه اعتراض دبیر کل TUC را شخصا به سفارت جمهوری اسلامی تحویل داد.

هیئت شرکت کننده از سوی TUC اعلام داشت که به خاطر اندک بودن وقت اطلاع رسانی نتوانسته است که اعضای اتحادیه های کارگری را به شرکت در این تظاهرات فراخواند. اعضای این هیئت تاکید کردند که در آینده، حمایت های بیشتری از اقدامات« کمیته دفاع از سندیکای مستقل شرکت واحد» به عمل خواهند آورد.

کارگران شرکت واحد تهران را آزاد کنید

نامه رئیس کنفدراسیون جهانی سندیکاهای مستقل به رئیس جمهور ایران

اقای رئیس جمهور محترم !

صدها تن از اعضای سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و افراد خانواده های آنها دستگیر شده اند. چندین بار در مورد سرکوب شدید کارگران سندیکای شرکت اتوبوسرانی تهران، به شما نامه نوشته ام .

اگرچه هنوز حتی یک پاسخ ازطرف شما دریافت نکرده ام، اکنون ناگزیرم تا مجددا نامه ای خطاب به شما بنویسم . تا اعتراض خود را به شدیدترین وجه علیه موج دستگیریها که شامل صدها نفر ازسندیکالیست های شرکت واحد وخانواده هایشان و از جمله هشت نفر از هیئت مدیره سندیکا و نیز علیه ادامه بازداشت، همکارمان منصور اصائلو، رهبر سندیکا اعلام نمایم.

"کنفدراسیون بین المللی سندیکا های مستقل" مطلع شده است که در تاریخ 24ژانویه سندیکای شرکت واحد اعلام می نماید که برای آزادی آقای اصائلو و برسمیت شناختن سندیکا و مذاکره برای توافق برخی از مطالبات کارگران شرکت اتوبسرانی اقدام به اعتصاب می کند.

روز25 ژانویه در جلسه ای که اعضاء هیئت مدیره سندیکا با مدیریت شرکت واحد، آقای محمد احمدی بافنده، داشته اند نامبرده از سندیکالیست ها می خواهد که مصاحبه ای با رسانه های خارجی ندهند زیرا که ممکن است بنفع دولت نباشد. مضافا اینکه ایشان به سندیکا اطلاع دادند که رهبر سندیکا آزاد نخواهد شد زیرا دولت می خواهد ثابت کند که دستگیری درست و به جا بوده است! اعضای سندیکا به ایشان اعلام نمودند با وجود اینکه دادگاه، هشت تن از رهبران سندیکا را برای روز بعد احضار نموده است تا زمانیکه خواسته هایشان برآورده نشود به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.

روز 26 ژانویه ابراهیم مددی، نایب رئیس سندیکا، عباس نژاد کودکی، ناصر غلامی، داود رضائی،علیزاده حسینی، سعید ترابی، منصور حیات غیبی و عبدالرضا طرازی و تمامی اعضای هیت مدیره سندیکا به دادگاه انقلاب مراجعه می کنند. آنها هرگز بر نگشتند و طبق اطلاع ما، هم اکنون در اوین زندانی هستند، همان جایی که منصور اصائلو در بخش سخت امنیتی آن بدون دسترسی به وکیل مدافع یا امکانات پزشکی نگهداری می شود . و این در حالی است که او از لحاظ سلامتی در شرایط بسیار سختی به سر می برد. پس از باز داشت طولانی وی، به همسر ایشان تاکنون فقط دوبار که آن هم بسیار کوتاه بوده، اجازه ملاقات داده شده است.

علیرغم این بازداشت ها و دستگیری پنج تن دیگر از کارگران شرکت واحد، محمود هژیری، تاصر غلامی، خانی، غلام خوش مرام و مرادوند، سندیکا در روز 28 ژانویه دست به اعتصاب زد. نیروهای امنیتی با استفاده از گاز اشک آور و باتون و حتی تهدید به تیراندازی به سوی اعتصابیون، اقدام به سرکوب اعتصاب نمود. پلیس صدها تن از اعضای سندیکا را دستگیر نمود. چندین تن دیگر در خانه هایشان دستگیر شدند.

"کنفدراسیون بین المللی سندیکا های مستقل" گزارشهایی دریافت نموده است که بر طبق آن ها شمار کارگران دستگیر شده بین 400 تا 1300 نفر تخمین زده می شود. شمار دقیق هر چه که باشد جای تردید نیست که صدها بازداشت صورت گرفته که به هرصورت نابجا و بی مناسبت بوده و بی هیچ وجه بعنوان پاسخ به یک اقدام مسالمت آمیز در دوران صنعتی، قابل قبول نیست.

در عین اینکه شمار زیادی از کارگران مضروب گردیدند، آنان از طرف نیروهای امنیتی وادار به کار شدند . طبق گزارش در حدود سی نفر از کارگران شدیدا مجروح گشتند که نیاز به مراقبت های پزشکی دارند. نام اکثریت اعضای هیئت اجرایی سندیکا، در میان دستگیرشدگان به چشم می خورد.

در بعضی موارد خانواده های آنها (همسر و فرزندانشان) نیز بازداشت شده اند. همسر و دو دختر آقای سلیمی، عضو علی البدل هیئت اجرایی، بشکل بی رحمانه و توهین آمیزی در منزلشان دستگیر شده اند و فقط با شرط اینکه او خود را تسلیم نماید آزاد شدند. تمام کسانی که بازداشت شدند برای بازجویی به زندان اوین منتقل گردیدند که بعضی از کارگران دستگیرشده اقدام به اعتصاب غذا نمودند.

دولت و مسئولین شهرداری، در مدت اعتصاب، به منظور خنثی سازی اثرات این اعتصاب و برای عادی جلوه دادن اوضاع تردد در شهر تهران، اتوبوسها و رانندگانی از بیرون شرکت واحد بکار می گیرند که به موازات آن مدیریت اعلام می کند کلیه کارگران اعتصابی اخراج خواهند شد. شهردار تهران، آقای قالیباف، مقام پیشین نظامی، که پیشتر قول هایی به سندیکا داد که به آن عمل نکرد، در این شرایط بارها گفته است که سندیکا قانونی نیست. در برخی گزارش ها آمده است که کارگران دستگیر شده وادار به امضای اعتراف نامه ای دال بر پشیمانی شده اند تا با این کار قادر به حفظ کار خود باشند.

به "کنفدراسیون بین المللی سندیکا های مستقل" اطلاع داده شده است که کمپنه کارگران دستگیرشده و تمام اعضای خانواده های بازداشت شده آنان، اکنون آزاد شده اند. اما صدهاتن دیگر از کارگران در زندان اوین بسر می برند.

"کنفدراسیون بین المللی سندیکا های مستقل" شدیدا نگران بالا گرفتن درگیریها در شرکت واحد اتوبسرانی بوده وبر این باور است که برخورد سرکوبگرانه با مطالبات بر حق کارگران بطور کامل مردود و غیر قابل قبول است. برخورد صحیح اجتماعی و برسمیت شناختن سندیکا و تامین حقوق آنها تنها راه بقای صلح و وفاق اجتماعیست.

ما همچنین نگرانیم که دولت و مقامات ذیربط تلاش نمایند تا مانع آن شوند که اعضای سندیکای کارگران بتوانند با رسانه های خارجی تماس داشته باشند تا مطالبات خود را به اطلاع جهانیان رسانده و از حمایت بین المللی برخوردار شوند که این خود حق اساسی سندیکاهاست.

تدوام سختگیری و ممنوع نمودن رهبران سندیکا و اعضای آن و نیز صدور احکام شدید سال پیش در دادگاه سقز، نشان می دهد که دولت ایران هنوز آمادگی انجام تعهدات بین المللی خود بعنوان عضو سازمان بین المللی کار، به ویژه در زمینه اصول آزادی اجتماعات و اتحادیه ها را ندارد.

من بار دیگر از شما می خواهم صراحتا به به مقامات قضایی و امنیتی خود اعلام نمایید که آقای منصور اصائلو و صدها عضو دیگر بازداشت شده را آزاد نمایند. و از اعلام جرم علیه فعالین کارگری خود داری نموده و احکام صادره علیه فعالین اتحادیه کارگری سقزرا لغو نمایند.

اعمال سرکوب شدید علیه فعالین سندیکایی و نادیده گرفتن مطالبات برحق کارگران تصویر تیره ای از کشورتان را در میان اعضای اتحادیه های کاری بین المللی بر جای می گذارد. ما به مراقبت خود نسبت رعایت حقوق ومطالبات اصولی کارگران، از طرف شما، ادامه داده و هم چنین موارد فوق الذکر و نیز عدول از رعایت استانداردهای کارگری را به اطلاع سازمان جهانی کار خواهیم رساند.

ضمنا در انتظار اقدام فوری و قطعی شما در موارد ذکر شده هستیم.

با احترام

مدیر کل "کنفدراسیون بین المللی سندیکا های مستقل"

ترجمه از گیل آوایی

"آغاز به کار سایت "مرکز واحد

اطلاعیه

فرریه ۲۰۰۶-بهمن ۱۳۸۴

مبارزه کارگران شرکت واحد اتوبسرانی تهران و حومه برای تشکیل سندیکایشان و سرانجام اعتصابهای چهارم دی ماه و هشتم بهمن ماه 1384 بدون تردید سرفصلی نو در حیات مبارزاتی طبقه کارگر ایران و گشودن دریچه ای به سوی آینده ای بهتر است. این مبارزات تا هم اکنون هم به ایجاد موج بی سابقه ای از همبستگی بین المللی با جنبش کارگری ایران و هم به تحرکی کم سابقه در میان نیروهای مدافع منافع طبقه کارگر در صحنه سیاست ایران انجامیده است.

سایت "مرکز واحد" به منظور گرد هم آوردن کلیه اسناد مربوط به این مبارزات و ایجاد سهولت در امر دسترسی به آنها برای فعالین جنبش کارگری و همچنین پژوهشگران و علاقمندان به جنبش کارگری ایجاد می شود. این مرکز به هیچ گروه، سازمان و حزبی وابستگی نخواهد داشت و در حد توان خود تلاش خواهد نمود که در کنار اسناد خود فعالین سندیکای شرکت واحد، کلیه اسناد همه سازمانها، احزاب و گروه های اجتماعی پیرامون این حرکت را جمع آوری و انتشار دهد. برای آغاز کار و با توجه به اهمیت یک کارزار گسترده بین المللی در حمایت از کارگران واحد، توجه اصلی مرکز بر انتشار اسناد به زبانهای معتبر بین المللی خواهد بود و بخش فارسی مرکز در فرصتی مناسب در آینده شروع به کار خواهد کرد.

مرکز واحد بدیلی در مقابل مجموعه گسترده ابتکارات، تشکل ها، سازمان ها و احزاب نیست، بلکه خود را مکمل این مجموعه می داند. قصد مرکز در درجه اول ارج گذاشتن به مبارزات کارگران شرکت واحد و تجربه غنی آنان است. این مرکز برای پیشبرد اهداف خود نیازمند کمک و همیاری همه کوشندگان راستین جنبش کارگری است. مرکز واحد از همه این کوشندگان، چه در ارسال مطالب و اسناد و چه در همیاری برای انجام امور فنی و تدارکاتی یاری می طلبد.

آدرسهای تماس و اسامی همکاران مرکز در اطلاعیه های بعدی به آگاهی عموم خواهد رسید.

بهمن شفیق، عباس فرد

17 بهمن 1384 - 6 فوریه 2006

آدرس اینترنتی مرکز: <http://www.vahed-center.org>

ایمیل برای ارسال اسناد: info@vahed-center.org

مقایسه اعتصاب کارگران حمل و نقل ایالت نیویورک با کارکنان شرکت واحد ایران

سایت اینترنتی سندیکای کارگران مترو و حمل و نقل 689 آمریکا ([HTTP://WWW.ATULOCAL689.ORG](http://WWW.ATULOCAL689.ORG))،

طی مقاله ای، به عنوان تشابهات اعتصاب کارگران حمل و نقل ایالت نیویورک و اعتصاب کارکنان شرکت واحد ایران پرداخته است.

به گزارش بخش بین الملل گروه کارگری ایلنا، نزدیک به 17 هزار تن از کارکنان شرکت واحد تهران و حومه، روز 28 ژانویه اعتصاب کردند. آنها خواستار آزادی 7 تن از اعضای هیات عامل و به رسمیت شناختن سندیکای کارگری خود بودند.

6 تن از رهبران و روسای سندیکای کارگری از روز 26 ژانویه در زندان به سر می بردند و "منصور اسانلو" نیز، بیش از یک ماه است (از اوایل ژانویه) در زندان به سر می برد.

این 7 تن به علت تشکیل یک سندیکای کارگری و تدارک دیدن یک اعتصاب کارگری بازداشت شده بودند.

بر پایه این گزارش، شهردار نیویورک اعتصابیون کارگران حمل و نقل نیویورک را مشتکی تبهکار دانست.

مسوولین و رسانه های نیویورک دروغ ها و شایعاتی از قبیل اتوبوس ها به فعالیت خود ادامه می دهند را پخش می کنند، تا بدین طریق اعتصابیون فکر کنند که همکارانشان دست از مقاومت و اعتصاب کشیده اند.

دادگاه های حکومتی در آمریکا نیز جریمه های نقدی سنگینی را برای این کارگران در نظر می گیرند.

این گزارش مدعی شده است: علاوه بر این، بسیاری دیگر از کارگران و دانشجویان ایرانی برای کمک به اعتصابیون ملحق شده اند.

10 تن از دانشجویان ایرانی، روز دوشنبه هنگامی که در یک ترمینال اتوبوس تجمع کرده بودند، دستگیر شدند.

از 28 ژانویه تا کنون نزدیک به 700 تن از کارکنان شرکت واحد دستگیر شده اند. علاوه بر این، همسران و کودکان برخی از این کارکنان نیز دستگیر شده اند.

پلیس برای مقابله با این اعتصاب از گاز اشک آور و باتوم استفاده کرده و اعتصابیون را تهدید به شلیک کرده است.

هرجا که 600 یا 700 کارگر در حال اعتصاب بوده اند، 1500 تن از نیروی پلیس نیز در آنجا حضور داشته اند.

زنده باد همبستگی جهانی جنبش کارگری

کمیته خارج اتحاد سوسیالیستی کارگری

15 فوریه توسط "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد" و "فدراسیون اتحادیه های جهانی" بعنوان روز همبستگی جهانی با جنبش کارگری ایران اعلام شده است. در تاریخ جنبش کارگری ایران، این اولین بار است که تشکلهای کارگری جهانی به چنین همبستگی وسیعی با طبقه کارگر ایران فراخوان داده اند. 15 فوریه، این روز بزرگ، از یکسو ثمره پایداری و همت طبقه کارگر ایران است که تحت حاکمیت رژیم اسلامی یکدم از پای ننشسته و دامن مبارزه کرده و از سوی دیگر نتیجه تلاش و کوشش مداوم و خستگی ناپذیر فعالین جنبش کارگری و دوستداران و هواداران جنبش کارگری در خارج کشور است که سالها صدای جنبش کارگری را به گوش این تشکلهای رسانده و برای جلب پشتیبانی آنها فعالیت کرده اند.

فراخوان به تظاهرات همبستگی با جنبش کارگری ایران در شرایطی است که برگزارکنندگان اول ماه مه سفر محکوم به حبس و تبعید شده اند؛ کارگران واحد شجاعانه و بدون اجازه از کارفرما و دولت سندیکای خود را ایجاد کرده و برای برسمیت شناساندن آن به دولت و کارفرماها و دیگر مطالبات خود مبارزه می کنند؛ مبارزه و اعتصاب برای آزادی رهبران و فعالین سندیکا، و مبارزه برای حق عقد قرارداد های دسته جمعی.

در 15 فوریه، نهاد ها و سازمانهای بین المللی کارگری با اعتراضات سمبلیک خود از قبیل تظاهرات، گردهمایی، نامه های اعتراضی و بیانیه های پشتیبانی و نیز دیگر اشکالی که خود مناسب بدانند از جنبش کارگری ایران دفاع می کنند و به رژیم اسلامی و سیاستهای ضد کارگری اش اعتراض خواهند کرد. طبعاً اتحادیه ها و سازمانهای کارگری در سطح بین المللی با توجه به سنت و روش کار خود در این کمپین بین المللی شرکت خواهند کرد.

در راستای این فراخوان، سازمانها و نهادهای چپ و اپوزیسیون می توانند نقش مهمی در وسیعتر کردن وانعکاس بیشتر پشتیبانی و همبستگی با جنبش کارگری ایران داشته باشند. ما نیز ضمن حمایت از اقدام شایسته قدردانی این تشکلهای کارگری جهانی، می کوشیم تا در تماس نزدیکتر و فعالتر با نهادها و سازمانهای کارگری در کشورهای مختلف، روز همبستگی با جنبش کارگری ایران هر چه وسیعتر برگزار شود. ضروری است که در 15 فوریه کلیه فعالیتهای هماهنگ گشته و این روز پتک محکمی گردد بر سر سرمایه و دولت سرمایه داری رژیم اسلامی.

کمیته خارج اتحاد سوسیالیستی کارگری

فوریه 2006

کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی (TUAC-OECD & ICFTU) روز 15 فوریه را روز جهانی همبستگی با کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه اعلام کرده و از تمام سازمان های عضو خود و ایرانیان سراسر جهان خواسته است که در این روز در مقابل سفارت خانه ها و یا کنسولگری های ایران دست به تظاهرات اعتراضی بزنند.

کمیته همبستگی با کارگران در ایران - هامبورگ و شورای هم آهنگی ایرانیان هامبورگ در پاسخ به این فراخوان از تمام هواداران طبقه کارگر، افراد و سازمان های چپ و مترقی دعوت می کند که در تظاهرات روز چهارشنبه فعالانه شرکت کنند تا مشترکاً صدای کارگران ایران را هرچه رساتر منعکس کنیم.

تاریخ: چهارشنبه 15 فوریه 2006

از ساعت 13 تا 15

مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی

18 Bebelalle ایستگاه U 1 Lattenkamp با U 1

کمیته همبستگی با کارگران در ایران - هامبورگ

شورای هم آهنگی ایرانیان هامبورگ

فراخوان: تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن

به صف همبستگی بین المللی کارگران بپیوندیم.

در ادامه حمایت های بین المللی از کارگران ایران، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی روز 15-2-2006 را روز جهانی حمایت از کارگران ایران اعلام کرده و از همه اتحادیه در جهان خواسته اند که در این روز با برگزاری تظاهرات در برابر سفارت خانه های جمهوری اسلامی، حمایت خود را از کارگران ایران اعلام دارند.

ما نیز در این روز، همراه با سایر کارگران در سطح جهان، ضمن تجمع در برابر سفارت جمهوری اسلامی در لندن، اعتراض خود را نسبت به سرکوب بی رحمانه و بازداشت گسترده کارگران شرکت واحد اعلام می داریم و از خواسته های آنان از جمله داشتن حق تشکل مستقل کارگری، آزادی بدون قید و شرط منصور اسانلو و تمامی کارگران دستگیر شده سندیکای شرکت واحد، برسمیت شناختن حق پیمانهای دسته جمعی و پرداخت دستمزدهای عقب افتاده کلیه کارگران، حمایت می کنیم.

روز همبستگی جهانی با کارگران ایران را گرامی داریم و با همه توان در این تظاهرات بین المللی شرکت کنیم.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران.

کمیته حمایت از سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد- لندن

10 / 02 / 2006

رانندگان شرکت واحد را آزاد کنیم

اتحاد کمیته های کارگری

فوریه ۲۰۰۶ - بهمن ۱۳۸۴

حدود سه هفته است که تعرض وحشیانه ای به رانندگان شرکت واحد که برای ابتدایی ترین مطالبات (آزادی ریس هیئت مدیره سندیکا پیشان ، حق داشتن سندیکای آزاد ، و افزایش دستمزد) اعتصاب کردند ، انجام گرفته است که حدود هزار نفر آنها بازداشت شدند و صد و هفتاد نفر هنوز در بند نگاه داشته شده اند .

مسئله انرژی هسته ای و ماه محرم ، نگذاشته تا صدای این کارگران و خبر دستگیرییشان در جامعه منعکس گردد . اما خانواده کارگران در بند بیکار نشستند و با تجمع 300 نفره خود در مقابل دادستانی خواستار آزادی عزیزانشان شدند . فعالین جنبش کارگری دیگر کشور ها ، نیز تجمعاتی را در مقابل سفارت خانه های جمهوری اسلامی تدارک دیده اند.

ما کارگران در ایران و دانشجویان نیز باید با همبستگی و اتحاد حرکتی را شکل دهیم تا هر چه بیشتر رژیم سرمایه داری را وادار به عقب نشینی و در نهایت آزادی عزیزانمان نماییم . در این شرایط که تعرض وسیعی به جنبش کارگری و بطور مشخص رانندگان شرکت واحد صورت گرفته است ، تشکلات کارگری داخل کشور اگر در عمل پای بند شعار های ضد فرقه گرا یا نه شان هستند و مخالف تشنت می باشند ، تن به همکاری و اتحاد برای اقدامی مشترک در اعتراض به ادامه بازداشت رانندگان ، بدهند .

در این شرایط مبارزه طبقاتی نیاز به اتحاد عمل ما دارد و باید ببینیم که هیچ کدام از ما به تنهایی در رابطه با ادامه بازداشتها قادر به ایجاد حرکت اجتماعی نیستیم ، پس از رفقای متشکل در کمیته های هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری ، پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری ، انجمن فرهنگی کارگری ، دانشجویان هوادار جنبش کارگری و ما ، انتظار می رود تا اقدام مشترکی را برای آزادی رانندگان شرکت واحد انجام دهیم .

84 11 /24

بیانیه جمعی از نویسندگان، شاعران و پژوهشگران ایرانی در تبعید

این روزها خفقان و سرکوب جمهوری اسلامی ابعاد تازه ای به خود گرفته است. پاسداران مرگ دوباره در چهارراه ها مستقر گشته اند. ماشین سرکوب حکومت شتاب تازه ای یافته است تا هرگونه صدای آزادیخواهانه، حق طلبانه و عدالتجویانه را در نطفه خفه کند.

اکنون چند هفته‌ای است که کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و خانواده های ایشان یکی از آماج اصلی این موج سرکوب قرار گرفته اند. چرا که از ضرورت بهبود شرایط کار و انعقاد پیمان دست جمعی کار سخن گفته‌اند، به تشکیل سندیکایی مستقل اقدام کرده‌اند و خواستار به رسمیت شناختن آن هستند. نخستین پاسخ مقامات جمهوری اسلامی به این حرکت دادخواهانهٔ صنفی حبس و بازداشت گروهی از کارگران و از جمله منصور اصائلو رهبر سندیکا بود و زمانی که کارگران برای آزادی بیقید و شرط همکاران زندانی خود دست به اعتصاب زدند، مأموران انتظامی و امنیتی به خانه‌های کارگران اعتصابی یورش بردند و همسران و فرزندان خردسال ایشان را به گروگان گرفتند تا به زور ضرب و شکنجه مخفیگاه پدر و همسر خود را نشان دهند و اعتراف کنند که اینهمه حاصل توطئه کفر و استکبار جهانی است. روشن است که رویدادهایی این چنین، تنها سرکوب خشن و سازمان یافتهٔ یک حرکت سندیکایی و مسالمت جویانه نیست، بلکه تجاوزی است آشکار علیه ابتدایی‌ترین حقوق حقۀ مردم .

اختناق و سرکوب تنها در یورش به تجمع اعضای سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد محدود نمی‌شود و هر روز جلوه های تازه‌ای می یابد: تصفیه در رسانه های گروهی، تشدید جو ممیزی و سانسور در صنعت نشر، تحدید فعالیت‌های هنری، جلوگیری از برگزاری کنسرتهای موسیقی، تشدید فضای سرکوب و اختناق در میان دانشجویان دانشگاهها و اینهمه نه تنها در تهران که در کردستان و خوزستان و هرمزگان و گیلان و آذربایجان ووو.

رژیم جمهوری اسلامی ایران حتی حق ساده آزاد زندگی کردن را از مردم ما سلب می‌کند و در بازار ترس و تهمت و تهدید، جان و حیثیت انسانی را نیز به تاراج می‌برد.

در حمایت از جنبش کارگران اعتصابی، در محکومیت سرکوب سبعانه اعتصاب و اعتصابگران، در تأیید و پشتیبانی از آزادی فعالیت سندیکایی و حق تشکیل سندیکاهای مستقل، در اعتراض به سیاستهای سرکوب فرهنگی و سانسور و برای آزادی فوری همه کارگران و روزنامه نگاران در بند، ما جمعی از نویسندگان، شاعران و پژوهشگران ایرانی در تبعید، - از همه آزادیخواهان جهان، سازمانهای مدافع حقوق بشر و اتحادیه های صنفی و سندیکاهای کارگری می‌خواهیم به جنبش آزادیخواهانه مردم ما در برابر حکومت سرکوبگر جمهوری اسلامی یاری برسانند. بی اعتنا از کنار این فجایع گذشتن به معنای هموار کردن راه بر استقرار قدرتهای فاشیستی است.

- از همه هموطنان در تبعید می‌خواهیم تا صدای حق طلبانه مردم ما را ، هر جا که هستند، و به صورتی که مناسب می یابند، به گوش مردم جهان برسانند.

هر بانگ بلندی که به یاری قربانیان سیاست زور و سرکوب و خفقان بر می‌خیزد ارتجاع و استبداد حاکم را به‌جان می‌آورد.

نخستین امضاءکنندگان:

نعمت آرم – شهرنوش پارسی‌پور- ناصر پاکدامن - علی‌اصغر حاج‌سیدجوادی - حسن حسام - محسن حسام - منصور خاکسار- نسیم خاکسار- اسماعیل خوئی - حسین دولت‌آبادی - اکبر سردوزامی - بتول عزیزپور- محمود عنایت - داریوش کارگر - احمد کریمی حکاک - هوشنگ کشاورز صدر -رضا مرزبان -باقر مؤمنی - مجید نفیسی -پرتو نوری علاء - محسن یلفانی - سعید یوسف

طی بیانیه ای رسمی از کمیته دفاع از

انجمن های صنفی کارگران : کارگران بازداشت شده شرکت واحد را آزاد کنید

فوریه ۲۰۰۶-بهمن ۱۳۸۴

کمیته دفاع از انجمن های صنفی کارگران ایران ، طی بیانیه‌ای خواستار آزادی کارگران بازداشت شده شرکت واحد شد .

به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا ، در این بیانیه آمده است: اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی ، به دلیل احقاق حقوق حقۀ خود که داشتن تشکلی مستقل و آزاد است و هم چنین بیرون آمدن از زیر خط فقر , زبان به اعتراض گشودند .

در ادامه آمده است : آنانی که حقوق حقۀ انجمن های صنفی غیر وابسته را بر نمی تابند , برخوردی غیر عادلانه و نامنصفانه با این سندیکا به عمل آوردند .

در قسمت دیگری آمده است : شرح این قصه پر غصه , نیازی به بیان و تکرار ندارد , این نوع برخورد ، مثنی از خروارها ستمی است که بر تشکل‌های غیر دولتی و غیر وابسته به جناح‌های قدرت تحمیل می‌شود , تا آنان را به کژراهه ای وابستگی و یا مرگ تدریجی سوق دهند . در ادامه آمده است : ما امضا کنندگان زیر ضمن دفاع از حقوق صنفی تشکل‌ها و حمایت از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی , از دولت و مسوولان می‌خواهیم, هر چه زودتر با پاسخ مثبت , افراد بازداشت شده را بدون قید و شرط آزاد کنند .

امضا کنندگان این بیانیه به شرح زیر است :

کانون مربیان آموزشگاههای رانندگی سراسر کشور

کانون رانندگی اتوبوس‌های بین شهری سراسر کشور

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی تهران

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی مشهد

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی اراک

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی شهرکرد

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی اصفهان

انجمن صنفی رانندگان اتوبوس‌های بین شهری کرمان

انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران

انجمن صنفی کارگران نقاش تهران

انجمن صنفی کارکنان بیمارستان خاتم الانبیاء

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی خرم آباد

شورای اسلامی کار شرکت تهران شیمی

شورای اسلامی کار بیمارستان مهرراد

این بیانیه به ریاست محترم قوه قضاییه حضرت آیت الله شاهرودی , ریاست محترم جمهوری آقای دکتر احمدی‌نژاد ، ریاست محترم مجلس دکتر حداد عادل , اعضای محترم کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی ، وزیر محترم وزارت کار و امور اجتماعی جناب آقای دکتر جهرمی , شهردار محترم تهران جناب آقای دکتر قالیباف و کلیه خبرگزاری ها و جراید کشور ارسال شده است .

کمیته دفاع از انجمن های صنفی کارگران ایران ، طی بیانیه‌ای خواستار آزادی کارگران بازداشت شده شرکت واحد شد .

به گزارش خبرنگار گروه کارگری ایلنا ، در این بیانیه آمده است: اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی ، به دلیل احقاق حقوق حقه خود که داشتن تشکلی مستقل و آزاد است و هم چنین بیرون آمدن از زیر خط فقر ، زبان به اعتراض گشودند .

در ادامه آمده است : آنانی که حقوق حقه انجمن های صنفی غیر وابسته را بر نمی تابند ، برخوردی غیر عادلانه و نامنصفانه با این سندیکا به عمل آوردند .

در قسمت دیگری آمده است : شرح این قصه پر غصه ، نیازی به بیان و تکرار ندارد ، این نوع برخورد ، مثنی از خروارها ستمی است که بر تشکل‌های غیر دولتی و غیر وابسته به جناح‌های قدرت تحمیل می‌شود ، تا آنان را به کژراهه ای وابستگی و یا مرگ تدریجی سوق دهند . در ادامه آمده است : ما امضا کنندگان زیر ضمن دفاع از حقوق صنفی تشکل‌ها و حمایت از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی ، از دولت و مسوولان می‌خواهیم، هر چه زودتر با پاسخ مثبت ، افراد بازداشت شده را بدون قید و شرط آزاد کنند .

امضا کنندگان این بیانیه به شرح زیر است :

کانون مربیان آموزشگاههای رانندگی سراسر کشور

کانون رانندگی اتوبوس‌های بین شهری سراسر کشور

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی تهران

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی مشهد

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی اراک

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی شهرکرد

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی اصفهان

انجمن صنفی رانندگان اتوبوس‌های بین شهری کرمان

انجمن صنفی روزنامه نگاران آزاد تهران

انجمن صنفی کارگران نقاش تهران

انجمن صنفی کارکنان بیمارستان خاتم الانبیاء

انجمن صنفی مربیان آموزشگاههای رانندگی خرم آباد

شورای اسلامی کار شرکت تهران شیمی

شورای اسلامی کار بیمارستان مهرراد

این بیانیه به ریاست محترم قوه قضاییه حضرت آیت الله شاهرودی ، ریاست محترم جمهوری آقای دکتر احمدی‌نژاد ، ریاست محترم مجلس دکتر حداد عادل ، اعضای محترم کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی ، وزیر محترم وزارت کار و امور اجتماعی جناب آقای دکتر جهرمی ، شهردار محترم تهران جناب آقای دکتر قالیباف و کلیه خبرگزاری ها و جراید کشور ارسال شده است .

دوستان ،انساتهای شریف و آزاده

فوریه ۲۰۰۶- بهمن ۱۳۸۴

ما اینجا آمده ایم تا27 سال اسارت کارگران و زحمتکشان ایران را فریاد بزنیم.

ما اینجا آمده ایم تا 27 سال سرکوب بیرحمانه زنان ایران را فریاد بزنیم.

ما اینجا آمده ایم تا 27 سال کشتار زندانیان سیاسی را فریاد بزنیم.

ما اینجا آمده ایم تا 27 سال بی حقوقی خلق های تحت ستم را فریاد بزنیم.

ما اینجا آمده ایم تا 27 سال سرکوب جنبش دانشجویی ایران را فریاد بزنیم.

ما اینجا آمده ایم تا 27 سال غارت ثروت ملی ایرانیان توسط مافیای اسلامی را فریاد بزنیم.

ما اینجا آمده ایم تا27 سال است که کارگران ایران از داشتن هرگونه تشکل مستقل خود محروم میباشند.

ما اینجا آمده ایم تا27 سال است که کارگران و زحمتکشان ایران با هرگونه جنگ ویرانی مخالف هستند.

ما اینجا آمده ایم تا27 سال است که کارگران و زحمتکشان ایران با هیچگونه سلاح اتمی پیوندی ندارند و مخالف ساخت هرگونه سلاح کشتار جمعی میباشند.

ما اینجا آمده ایم تا27 سال است که کارگران خاتون آباد ناجوانمردانه بدست جلادان اسلامی کشتار شدند.

ما اینجا آمده ایم تا27 سال است که کارگران سقز بخاطر بزرگداشت اول مه مورد یورش وحشیانه حکومت اسلامی قرار گرفته و محکوم به زندان شده اند.

ما اینجا آمده ایم تا27 سال است که کارگران شرکت واحد بخاطر تشکیل سندیکای مستقل خود تحت حمله وحشیانه رژیم اسلامی قرار گرفته و همراه با خانواده خود در زندان هستند.

ما اینجا آمده ایم تا27 سال است که : 1/ماخواهان آزادی فوری کلیه کارگران زندانی شرکت واحد و رهبران آنان میباشیم.

2/ماخواهان لغوفوری احکام ضد کارگری دادگاه سقز درمورد رهبران تجمع اول مه میباشیم.

3/ما خواهان محاکمه فوری عاملین کشتار خاتون آباد میباشیم.

4/ما خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی و عقیدتی میباشیم.

5/ ما خواهان همبستگی سراسری با کارگران و زحمتکشان ایران هستیم.

6/ ما در يك کلام خواهان نابودی جمهوری اسلامی ایران بدست توانای کارگران و زحمتکشان ایران هستیم.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سراسر جهان

برقراری اتحاد کارگران ، دانشجویان ، معلمان ، پرستاران تحصیلکرده ها و روشنفکران جامعه.

نابود باد سرمایه داری جهانی همراه با جمهوری اسلامی ایران.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران / کمیته سوییس

جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی در سوییس

گزارش گرد هم آیی ایرانیان مقابل دفتر مرکزی اتحادیه سراسری کارگران آلمان و اعتراض به نقض حقوق کارگران شرکت واحد

فوریه ۲۰۰۶ - بهمن ۱۳۸۴

7 فوریه 2006- برلن

روز سه شنبه 7 فوریه ساعت 14 تظاهراتی به دعوت گروه همبستگی با جنبش کارگری-برلن، کانون دفاع از پناهندگان سیاسی ایران- برلن و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران- برلن در شهر برلین مقابل دفتر مرکزی اتحادیه سراسری کارگران آلمان « [DGB](#) » برگزار شد. در این تظاهرات طیف هایی از گرایش های سیاسی گوناگون شرکت داشتند .

این تجمع جهت همراهی با جنبش حمایتی از مبارزات کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه در نقاط مختلف جهان شکل گرفت و هدف فراخوان دهندگان از این اقدام علاوه بر حمایت از خواست های کارگران شرکت واحد و اعتراض به دستگیری ، سرکوب و گروگانگیری آنان ، گفتگو با مسئولین اتحادیه سراسری کارگران آلمان ، طرح خواست های کارگران شرکت واحد و درخواست پشتیبانی از کارگران ایران بود . به این منظور سندها و خبرهای مربوط به اعتصاب ، سرکوب و دستگیری کارگران و نیز اطلاعیه های سندیکای شرکت واحد به همراه متن فراخوان و نامه ی گروه همبستگی با جنبش کارگری- برلن (به زبان آلمانی) به طور رسمی به مسئول بخش بین المللی اتحادیه ی سراسری کارگران آلمان آقای دکتر "یورگن اکل" داده شد . در گفتگویی که توسط هیات نمایندگان منتخب فراخوان دهندگان با وی صورت گرفت و بیش از 30 دقیقه به طول انجامید ، خواسته های کارگران شرکت واحد ونحوه ی سرکوب اعضای سندیکا شرح داده شد .

اظهارات دکتر یورگن اکل طی این گفتگو حاکی از آگاهی ایشان نسبت به مسائل کارگری ایران و اشتراك نظر با هیات نمایندگی در ضرورت برخورد و دفاع از کارگران دستگیر شده و سندیکای شرکت واحد بود. به همین دلیل نمایندگان مذاکره کننده بر علنی کردن حمایت و پشتیبانی فعال اتحادیه در برخورد با مسائل کارگری ایران پافشاری کرده و از وی خواستند تا در جهت اخراج خانه کارگر از سازمان جهانی کار اقدام نماید.

طی این گفتگو آقای "اکل" به اقدام های انجام شده از سوی اتحادیه سراسری کارگران آلمان در چارچوب اتحادیه های اروپایی اشاره کرد و مواردی از بحث های جاری مربوط به ایران در محافل کارگری اروپا و از جمله در جلسه "کازابلانکا" در هفته گذشته را برشمرد. آقای دکتر اکل اظهار کرد که در جلسه های قبلی سازمان جهانی کار موضوع اخراج خانه کارگر مطرح شده است ولی با توجه به نقش کشورهای اسلامی در مخالفت با آن، ناموفق بوده است . وی شکل گیری سندیکا و پیگیری اعضای آن و نقش خانه کارگر در سرکوب آنان را زمینه ی مناسبی برای طرح مجدد این مسئله عنوان کرد در پایان آقای « اکل » عنوان کرد که پیگیری مسائل کارگری ایران را در روزهای آتی از طریق "اتحادیه سراسری کارگران و کارمندان آلمان « [VERDI](#) » بررسی خواهد کرد وتلاش می کند تا مسئله را در آنجا نیز دنبال نماید.

وی قول داد که به زودی مسائل مربوط به سندیکای کارگران شرکت واحد و موضع اتحادیه سراسری در این مورد را در سطح مطبوعات آلمان اعلام نماید .

خبر برگزاری این تظاهرات در رسانه هاو شبکه های اینترنتی آلمانی زبان منعکس شده بود و فعالینی از سندیکالیست های چپ آلمانی هم در این تجمع حضور داشتند در روز تظاهرات صدها برگ اعلامیه به زبان آلمانی به همراه عکس اساتلو در میان عابرین پخش شد این تظاهرات با اعلام نتیجه های این گفتگو به شرکت کنندگان ، تلویزیون های محلی ، مطبوعات و رادیوها پایان یافت.

گروه همبستگی با جنبش کارگری – برلن

روز جهانی دفاع از کارگران ایران

کارگران و مردم آزاده !

همچنانکه مطلع هستید در چند هفته اخیر بدنبال سرکوب وزندانی کردن اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران وحومه در سراسر جهان اعتراضات وسیعی علیه جمهوری اسلامی ودر حمایت از مبارزات کارگران ایران برپا شد. در ادامه این حرکات اعتراضی، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری همگام با فدراسیونهای اتحادیه های جهانی روز 15 فوریه را روز جهانی دفاع از کارگران ایران اعلام کردند.

ما نیز ضمن حمایت از این فراخوان، برای دفاع و حمایت از مبارزات کارگران ایران و سندیکای کارگران شرکت واحد و آزادی کلیه کارگران دستگیر شده و اعتراض به پیمانال کردن حقوق کارگری تظاهراتی را در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در اتلوا فراخوان داده ایم و از همه انسانهای شرافتمند و آزاده، سازمانهای کارگری، احزاب و جریانات سیاسی وفعالین چپ می خواهیم که در این حرکت اعتراضی شرکت کنند .

زمان تظاهرات: چهارشنبه، 15 فوریه 2006 ساعت 12 الی 2 بعدازظهر

مکان: اتلوا مقابل سفارت جمهوری اسلامی

[Ontario](#) ,Ottawa .Metcalfe St 245

جهت اطلاع، سرویس اتوبوس رفت و برگشت از تورنتو به اتلوا تهیه شده و بهای پیشنهادی برای بلیط 30 دلار می باشد. لطفا برای رزرو بلیط و زمان حرکت اتوبوس با شمارهای زیر تماس بگیرید.

کمیته دفاع از کارگران ایران - کانادا

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفنها یا ایمیل زیر تماس حاصل نمائید.

416-825-4744 416-825-2084

گفتگوی کوتاه تلفنی با ابراهیم میرزایی

هفته نامه شهرگان (شهروند بی سی)

فوریه ۲۰۰۶ - بهمن ۱۳۸۴

www.shahrgun.com

پس از دستگیری رهبران جنبش سندیکایی در ایران محدود اعضای فعال آن که بطور نیمه مخفی زندگی می‌کنند و تعدادی نیز وصیت‌نامه‌های خود را هم از قبل آماده کرده‌اند به سراغ یکی از آنها رفته‌ایم که خود زخم بورش نیروهای انتظامی را بر تن همسر و فرزندش به دوش می‌کشد.

ابراهیم میرزایی یکی از فعالان جان برکف این حرکت سندیکایی است که شانس گفتگوی کوتاه تلفنی با وی بدست آمده است.

آنچه در پی می‌خوانید حاصل این گفتگوی شتابزده و احتمال دستگیری هر لحظه است.

یادآور می‌شویم که از سری دستگیری‌های اخیر که عمدتاً شامل اعضای هیئت مدیره و فعالان موثر سندیکای اتوبوسرانی است، آخرین مورد سیدرضا سیدزند است که ظهر دیروز صورت پذیرفته است.

- آقای میرزایی، بعد از دستگیری‌های بیش از ۱۰۰۰ نفر، آیا کسانی آزاد شده‌اند؟

بله. تقریباً بسیاری از دوستان ما آزاد شدند و در حال حاضر تعداد کمی در زندان هستند، یعنی بیش از ۱۲۰ نفر در حال حاضر در زندان بسر می‌برند که آن‌ها هم اعضاء و فعالان سندیکا هستند.

- در حال حاضر، اوضاع و احوال خودتان چطور است؟ آیا کماکان تحت تعقیب هستید و زندگی نیمه مخفی دارید؟

بله. من هم در حال حاضر تحت تعقیب هستم و به طور سیار در سطح شهر حضور دارم تا به عنوان سخنگوی این سندیکا به وظایف خودمان در ارتباط با اطلاع‌رسانی انجام وظیفه بکنم.

- شنیدیم در آخرین حرکت علیه سندیکا و فعالان آن، آقای گوهری هم دستگیر شدند. لطفاً در ارتباط با این بازداشت کمی برایمان صحبت کنید؟

البته ابتدا آقای حسن محمدی دستگیر بعد فردای آن روز آقای ابراهیم گوهری، از هیئت مدیره سندیکای اتوبوسرانی، دستگیر شدند. امروز هم ساعت ۱۲ ظهر (ظهر پنج‌شنبه به وقت تهران) آقای سیدرضا سید زند از اعضای فعال هیئت مدیره سندیکا بازداشت شدند.

- این طور به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی شروع به دستگیری هیئت مدیره و اعضای مؤثر و فعال سندیکای شرکت واحد کرده است؟

بله. یک چند روزی هست افرادی که در سندیکا فعالیت داشته‌اند، یعنی افرادی که هنوز دستگیر نشده بودند، بازداشت و بقیه هم که تحت تعقیب هستند.

- در ارتباط با دستگیرشدگان آیا ملاقات‌هایی صورت گرفته است؟ خانواده‌های دستگیرشدگان، به ویژه خانواده‌های اعضای هیئت مدیره، توانسته‌اند با عزیزان دربندشان ملاقات بکنند؟

نه خیر. به هیچ کدام از خانواده‌ها، در واقع از روز ۸ بهمن (۲۸ ژانویه) تاکنون، هیچ گونه ملاقاتی اجازه داده نشده و کسی هم در این رابطه پاسخگو نیست.

- در ارتباط با حمایت و پشتیبانی از خواسته‌های سندیکا و آزادی دستگیرشدگان بیانیه‌ای در داخل کشور صادر و به طور وسیعی در خارج پخش شده است. شاید بتوان گفت این اولین بیانیه‌ای است که مورد حمایت و پشتیبانی بخش‌های وسیعی از اقشار و طیف‌های متنوع جامعه قرار گرفته و آن را امضاء کرده‌اند. چقدر این بیانیه در روند آزادسازی‌ها و ادامه فعالیت‌های سندیکائی و هم چنین کاهش فشارهای حکومتی تأثیرگذار بوده است؟ -

آن چیزی که من می‌توانم خدمت شما بگویم این است که حداقل در ۲۰ سال اخیر، گستردگی حمایت از تشکلات کارگری، اتحادیه‌ها و سندیکاهای جهانی و سازمان جهانی کار ILO بی‌سابقه بوده است.

ما خیلی امیدوار هستیم که در نشست ۲۶ بهمن ماه یعنی چهارشنبه همین هفته، با توجه به ضوابط بین‌المللی و این که ما سندیکا تشکیل دادیم، اعضای هیئت مدیره را انتخاب کردیم و در وزارت کار جمهوری اسلامی به ثبت رساندیم، انشاءالله دولت بیاید و ما را به رسمیت بشناسد و فعالیت خودمان را در قالب سندیکائی ادامه بدهیم.

- اطلاع دارید که اخیراً فراخوانی از طرف کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری داده شده است؟ فکر می‌کنید این فراخوان حمایتی چقدر می‌تواند در حرکت‌های کارگری درون کشور تأثیرگذار باشد؟

ما با توجه به این که در داخل کشور اخبار ما پی‌گیری و منعکس نمی‌شود، یعنی از طرف رسانه‌های داخلی در واقع بایکوت شده‌ایم، فقط چشم امید به حمایت‌ها و بیانیه‌های خارج از کشور بسته‌ایم. من خیلی امیدوار هستم که انشاءالله در این نشست ما، که روز چهارشنبه بیست و ششم خواهد بود، به خواسته‌های ما تن بدهند و یک مقداری از این فشارها کاسته شود.

- وصیت‌نامه‌هایی اخیراً نوشته می‌شود که شما آغازگر آن بودید، اینک نیز آقای شهسواری وصیت‌نامه‌ی خود را نوشته است.

ملاحظه بفرمائید، انتخاباتی در بین ما برگزار شده و حدود ۸ - ۷ هزار نفر به آن رأی دادند. برگه‌های آرای آن‌ها وجود دارد. ما یک مسئولیتی در قبال این کار داریم و باید تا آخرین لحظه پی‌گیر مسائل صنفی خود باشیم و تا آخر نیز ادامه می‌دهیم. فقط بیشترین دل نگرانی ماها، خانواده‌های دستگیرشده‌ها هستند. به هیچ یک از همکاران آزادشده‌ی ما اجازه بازگشت به کار تاکنون داده نشده است. این بیشترین نگرانی ما نسبت به سرنوشت آن‌ها و خانواده‌های‌شان هست. چون هیچ کدام از آن‌ها شاغل نشدند و موقعیت شغلی‌شان بشدت در خطر افتاده است. خانواده‌های‌شان تحت فشار شدید روانی و روحی قرار دارند.

- یعنی اجازه نمی‌دهند که به سر کار هاشان برگردند؟

نه. به آن‌ها گفتند که منتظر بمانید و فعلاً نیازی به کار شما نداریم.

- چه نوع برخوردی با دستگیرشدگان در زندان داشتند؟

برخورد تندی با دستگیرشدگان و همکاران ما نشده است. اما خوب می‌دانید که زندان است و باید بگویم که ۹۹ درصد آن‌ها تاکنون نه دستگیر شده بودند و نه به زندان رفته بودند.

بهرحال کارگر هستند و یکهو دستگیری و زندانی و چند روز بی‌خبری از خانواده، به آن‌ها آسیب رسانده است.

- آیا خانواده‌های دستگیرشده، این امیدواری را دارند که حداقل بتوانند به ملاقات عزیزان‌شان بروند. به ویژه که اعضای فعال سندیکا کماکان در زندان بسر می‌برند و هر روز هم این فشار و پی‌گرد نسبت به فعالان و اعضای هیئت مدیره افزایش می‌یابد.

والله، ما هم امیدوار هستیم که هرچه زودتر این ملاقات‌ها صورت بگیرد به ویژه که به دلیل ایام ماه محرم ما تعطیلات چند روزه‌ای پیش‌رو داریم. بعد از تعطیلات ببینیم که چه اتفاقی رقم خواهد خورد. آیا خانواده‌ها می‌توانند ملاقات داشته باشند یا نه؟

- در صحبت‌های خود اشاره کردید که یکی دیگر از همکاران‌تان به نام سیدرضا سیدزند امروز دستگیر شدند. دستگیری ایشان در چه ارتباطی بود؟

در ارتباط با موارد مشابه‌ای که دیگر همکاران‌مان دستگیر شدند و به همان دلایلی که ماها تحت تعقیب هستیم. ما چندین بار هم خواسته‌های خود را اعلام کردیم. خط مشی سندیکا را اعلام کردیم. ما خواستار انعقاد قراردادهای دستجمعی هستیم. خواهان به رسمیت شناخته‌شدن حق تشکل مستقل کارگران هستیم. پذیرش حق داشتن سندیکا از طرف کارفرما و پرداخت دستمزدهای عقب‌افتاده کلیه کارگران و اعضاء سندیکا. این فعالیت‌های ماست که موجب دستگیری‌مان می‌شود.

- آیا در تدارک حرکت‌های بعدی هستید و تصمیم دارید که دوباره دست به اعتراضی بزنید که بتوانید از آن نتیجه بگیرید؟

بله. ما دوشنبه منتظریم ببینیم که آیا همکاران آزادشده ما از طرف کارفرما دعوت به بازگشت به کار خواهند شد یا نه؟ اگر همکاران ما بر سر کارشان برنگشتند و بقیه دوستان ما آزاد نشدند، ما تصمیم قاطع‌تر و جدی‌تری می‌گیریم.

- شما می‌فرمائید کارفرما، منظورتان از کارفرما چه کسانی هستند؟

کارفرما، منظور ما، در درجه اول مسئولین شرکت واحد هستند . . .

- شرکت واحد تحت نظر چه سازمان یا نهادی در حال حاضر فعالیت می‌کند؟

شهرداری تهران.

- بنابراین شما منتظر پاسخ از طرف شهرداری تهران هستید؟

ما منتظر پاسخ از طرف مدیرعامل شرکت واحد، بعد شهرداری و بعد هم وزارت کار هستیم.

- جناب میرزائی، از طرف خانه کارگر تاکنون هیچ گونه حمایتی و یا همبستگی و یا همدردی‌ای با دستگیرشدگان و خواست‌های شما به عمل آمده است؟

متأسفانه خیر. با توجه به شعارهایی که خانه کارگر می‌دهد و خودش را در ایران یک تشکل و یا تنها نماینده کارگران می‌داند، خیر. هیچ کمک و یا همدردی از جانب آن‌ها صورت نگرفته و حتی یک اعلامیه هم ندادند. متأسفانه باید خدمت‌تان عرض بکنم که اولین مخالفت در برابر خواست‌های ما از طرف همین خانه کارگر و تشکل حزب خانه کارگر بود.

- امیدواریم که حال همسر و فرزند شما که در هفته گذشته توسط نیروهای انتظامی آسیب دیده بودند، بهبود یافته باشند؟ خیلی متشکرم. من عرض کنم خدمت‌تان که الان بیش از یک هفته است که از همسر و فرزند بی‌اطلاع هستم چون به دلیل تحت تعقیب‌بودن ناگزیریم که جابجا شوم و از خانواده‌ام دور بمانم.

من دوست دارم در این جا از طریق شما اعلام بکنم که آمادگی این را داریم که به طور شفاف و به صورت یک مناظره با تمام طرف‌های مخالف خودمان [پای صحبت] بنشینیم. حتی یک مناظره تلفنی.

- شما وقتی عنوان می‌کنید مناظره با مخالفان، منظورتان مخالفان داخل کشور است. می‌توانید این مخالفان را مشخص‌تر معرفی کنید؟

در وهله اول شوراهای اسلامی کار هستند، بعد خانه کارگر هست و بعد کارفرمای ما هست. یعنی تمام کسانی که فکر می‌کنند ما مستحق این حداقل دریافت حقوق برای خودمان و خانواده‌های‌مان نیستیم ما آنها را به مناظره دعوت می‌کنیم و نظارت را به عهده مخاطبین می‌گذاریم.

- خیلی ممنون از اختصاص دقایقی از وقت‌تان برای این گفتگوی شتابزده، آیا مواردی هست که علاقمند به طرح آن‌ها باشید؟

من از وقت، پی‌گیری، و کمک شما و نیز رساندن صدای‌مان خیلی تشکر می‌کنم. از شما خواهش می‌کنم که این تشکر ما را حتماً به تمام اتحادیه‌ها، تشکل‌ها، سازمان فدراسیون جهانی کار و تمام گروه‌ها و تشکل‌هایی که از ما حمایت، پشتیبانی و در هر زمینه‌ای که به ما کمک کرده‌اند، منتقل بکنید. من از شما خواهش می‌کنم از طرف ما از آن‌ها تشکر کنید و سلام گرم ما را به آن‌ها برسانید. ما در حال حاضر هیچ گونه وسایل ارتباط جمعی در داخل کشور که صدای ما را برساند، نداریم.

گروه زیادی از کارگران شرکت واحد آزاد شدند

فوریه ۲۰۰۶- بهمن ۱۳۸۴

در حالی که روز چهارشنبه 15 آوریل از سوی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی روز حمایت از کارگران در ایران اعلام شده و به همین جهت در برابر سفارت خانه های جمهوری اسلامی در برخی کشورها، تظاهراتی به حمایت از کارگران شرکت واحد صورت گرفت، در تهران تظاهرات اعلام شده از سوی سندیکای شرکت واحد انجام نشد. حضور پرشمار ماموران انتظامی و همچنین حراست شرکت واحد در برابر مجلس، از جمله عواملی بود که باعث شد این تظاهرات صورت نگیرد.

بنابر گزارش ها، ظهر روز چهارشنبه گروه زیادی از کارگران زندانی از زندان آزاد شدند، اما برخی از رهبران و اعضای هیات مدیره ی سندیکا از جمله منصور اسانلو رئیس هیات مدیره، ابراهیم مددی نائب رئیس، منصور حیات غیبی، رضا سیدز ند همچنان در زندان هستند.

غلامرضا میرزایی سخنگوی هیات مدیره سندیکای کارگران در این باره به رادیو فردا گفت: تجمع انجام نشد و کلیه اعضای هیات مدیره و فعالین را تقریبا آزاد کردند و شش هفت نفر بیشتر در زندان اوین نماندند. آقای حسن محمدی هم که دستگیر شده بود، آزاد شد. آقای سید داوود رضوی آزاد شدند.

سخنگوی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، خودداری از تجمع در برابر ساختمان مجلس شورای اسلامی را به دلیل حضور ماموران امنیتی و حراست شرکت واحد دانست و افزود: معمولا جلوی ساختمان همیشه مامور است، اما امروز تعداد نیروها بیشتر بود، بخصوص ماموران حراست خود شرکت واحد هم آنجا بودند و عملا این اجتماع برگزار نشد. با توجه به این که تمام همکارهای ما که آنجا مراجعه کردند، بیشتر برای بازگشت به کار بود و چون ماموران حراست شرکت واحد هم حضور داشتند، می گفتند اگر اینها ما را ببینند، دیگر اصلا ما را در شرکت راه نمی دهند. همچنین جوی ایجاد شد و کارگران متفرق شدند.

وی در مورد افراد باقی مانده در زندان گفت: آقای اصانلو هست، آقای حیات غیبی هست، آقای سیدوند و احتمالا دو سه نفر دیگر هم هستند که ما بی اطلاع باشیم، ولی فکر نمی کنم بیشتر از شش هفت نفر آنجا باشند. قول دادند که تا يك هفته این دوستان ما را هم آزاد کنند.

زنده باد همبستگی جهانی کارگران

اتحاد کمیته های کارگری

فوریه ۲۰۰۶- بهمن ۱۳۸۴

کارگران متشکل در کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی . درود بر شما. خبر مسرت بخش اقدام عملی آن اتحادیه های عظیم کارگری را با میلیونها عضو در اعتراض به حمله گسترده ی مقامات ضد کارگری جمهوری اسلامی، به بخشهایی از کارگران ایران و بطور مشخص، کارگران متشکل در سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حو مه ، و دستگیری بیش از هزار نفر از آنها ، همراه با تعدادی از اعضای خانواده شان ، در یورش شبانه به خانه و کاشانه ی آنان ، و همچنین ضرب و شتم کارگران ورانندگان این شرکت برای در هم شکستن اعتصاب حق طلبانه آنان، در راستای احقاق حقوق مسلم خویش برای آزادی منصور اسانلو ، رئیس هیئت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد ، به رسمیت شناختن سندیکای کارگری شرکت واحد و پرداخت دستمزد های عقب افتاده کارگران آن شرکت را در یافت کردیم.

کارگران و فعالین متشکل در اتحاد کمیته های کارگری در تهران، کرج و برخی از شهرهای غرب، جنوب و شمال کشور، نمی توانند، رضایت خاطر خود را از این اقدام به موقع و افشا گرانه ی شما کارگران متشکل در آن اتحادیه های کارگری ، که آشکارا، نشان از همبستگی طبقاتی کارگران، در ابعادی بین المللی دارد، کتمان نمایند. حاکمیت سرمایه وسرمایه داران در ایران، و سراسر دنیا نیز، جز زبان زور و همبستگی طبقاتی، زبان دیگری را نمی فهمند. تجمع اعتراضی شما کارگران گرامی، در جلو سفارت خانه های جمهوری اسلامی در تعدادی از کشور ها – و نه صرفا نامه نگاری به مقامات – در اعتراض به سرکوب گری و خفقان موجود دراین کشور، و دستگیری و زندان کارگران شرکت واحد ، خود می تواند طلیعه ی مبارک و در عین حال موثری از اتحاد طبقاتی کارگران باشد.

باید آنرا پی گرفت. باید بر جنبه های طبقاتی آن در همه ابعاد افزود. باید سرمایه و سرمایه داران را در هر کجای دنیا و به هر مقدار که قدرت و توان کارگران اجازه می دهد، به عقب نشینی وادار کرد. سرمایه داری و حکومت های سرکوب گر و ضد کارگری آنان، و بویژه مقامات ضد کارگر در جمهوری اسلامی، جز به قدرت طبقاتی کارگران در داخل ایران و سراسر دنیا، به هیچ چیز واقعی نمی گذارند.

کارگران و هم سرنوشتان ارجمند و گرامی: جهان موجود هم اکنون، بیش از هر زمان دیگری به دو قطب و اردوی متخاصم و رو در روی هم تقسیم شده است. اردوی کار و اردوی سرمایه. و در مقابل این دومی، یعنی جهان سرمایه و دنیای حرص و آز و ولع ناشی از انباشت سیری نا پذیر سرمایه داران، دنیای خون و جنایت و کشتار و استثمار و غارت وحشیانه ی کارگران و ستم طبقاتی آنان، برای طبقه کارگر سراسر دنیا و کارگران ایران نیز، راهی جز همبستگی و اتحاد طبقاتی، در ابعادی بین المللی، باقی نمانده است.

باید در کوران همین مبارزات که در جریان آن قرار گرفته اید، آن جنبه ها را تقویت نمود و بر آن مهر و نشان طبقاتی و جهانی زد. انتظار کارگران اتوبوس رانی تهران و حومه، بویژه در شرایط حساس کنونی، که کارگران ایران تحت حاکمیت سرمایه داران و حکومت حامی آنها با بایکوت کامل به اصطلاح رسانه های ارتباط جمعی از همه نوع آن، مواجه گشته اند و ابتدایی ترین و اولیه ترین خواسته ها و مطالباتشان با سرکوب و سانسور خبری پاسخ داده می شود، از شما کارگران متشکل در تشکلهای مستقل و آزاد و کارگری این است که بویژه با اقدامات عملی و موثر خود، صدای کارگران را به گوش هم طبقه ای های شان و همه انسانهای آزادی خواه و برابری طلب، در سراسر دنیا برسانید، و با دست یازیدن به اینگونه اقدامات عملی و فشارها، حد اقل در جهت افشای اعمال سرکوب گرانه ی عوامل سرمایه در ایران، موثر واقع شوید. تجمع اعتراضی و افشا گرانه ی نان، در مقابل سفارت خانه های جمهوری اسلامی در بعضی کشور ها، در کنار مبارزات پیگیر کارگران ایران، و در شرایط حاضر، کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، خود یکی از راههای نیل به این مقصود بوده، و در عین حال تاکیدی است بر همبستگی و اتحاد طبقاتی کارگران. این اقدامات همچنین به سهم خود، می تواند موجب دلگرمی و پشتگرمی کارگران را در ایران فراهم نماید. ما ضمن قدر دانی از این حرکت مشخص و عملی شما کارگران در "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد" و "فدراسیون اتحادیه های جهانی"، از همه نیروهای هم سو با منافع کارگران، و همه نیروهای کمونیست و آزادی خواه تقاضا می کنیم تا به سهم خویش، در این حرکت اعتراضی جهانی، حضور فعال و موثر داشته باشند و خواستههای مطرح شده از جانب آن اتحادیه را به همراه دو خواست

1- بازگشت به کار تمامی دستگیر شدگان و کارگران آزاد شده از زندان.

2- رفع اتهام از کارگران و فعالین کارگری دستگیر شده در اول ماه مه شهر سقز، پیگیری نمایند.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران

پیروز باد مبارزات حق طلبانه کارگران

اتحاد کمیته های کارگری

84/11/ 25

در همبستگی و حمایت از مبارزات طبقه کارگر ایران

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

طبقه کارگر ایران بپاخواسته است و گامهای استواری را در تقابل با رژیم اسلامی سرمایه و در جهت استحکام مبارزاتی اش برمی دارد و می رود که در معادلات تحولات سیاسی ایران نقش اساسی و ارزنده ی را ایفا کند. سهمی که تبلورش را می توان در استقامت و پایداری کنونی این طبقه و کسب حمایت جهانی از مبارزات و خواست های برحق جاری اش مشاهده کرد.

15 فیروری از جانب "کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد" و "فدراسیون اتحادیه های جهانی" بعنوان روز همبستگی جهانی با جنبش کارگری ایران اعلام شده است. همبستگی جهانی با کارگران ایران و دفاع از خواستها و مطالبات برحق شان امریست انسانی و شریف. سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان در ضمن حمایت کامل از این فراخوان، از تحقق مطالبات و خواستههای زیر حمایت می کند:

- برسمیت شناختن حق تشکل مستقل کارگران در ایران

- آزاد کردن منصور اسانلو و کلیه کارگران دستگیر شده سندیکای شرکت واحد

- پذیرش حق داشتن سندیکا از طرف مدیریت شرکت واحد

- برسمیت شناختن حق قرارداد دسته جمعی

- پرداخت دستمزدهای عقب افتاده کلیه کارگران و اعضاء سندیکا

- حق بازگشت بدون قید و شرط کارگران اعتصابی شرکت واحد به سر کارهای شان

- رفع کلیه اتهامات از دستگیرشدگان روز کارگر سقز

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر!

زنده باد سوسیالیسم!

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان 14 فیروری 2006

asrejadid.org

editor@asrejadid.org

پشتیبانی مسئولان و فعالان سندیکاهای اروپایی از سندیکای

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

فوریه ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

در ادامه کارزار پشتیبانی از سندیکای شرکت واحد و مبارزه برای آزادی کارگران بازداشت شده این شرکت، در چارچوب برنامه ای هماهنگ، فعالان تشکلات گوناگون و مدافعان مقیم پاریس حقوق کارگران در ایران، با شرکت در تظاهرات سرتاسری سندیکاهای فرانسه در روز ۷ فوریه، با پخش اعلامیه و گفتگو با تظاهرکنندگان فرانسوی، مسئله دستگیری بیش از هزار کارگر شرکت واحد تهران و خواست های عادلانه آنان را به میان کارگران و جوانان شرکت کننده در این تظاهرات که علیه قانون جدید کار جوانان فرانسه برگزار شده بود، برده و برای آزادی منصور اسانلو، یارانش در هیئت مدیره سندیکا و دیگر کارگران شرکت واحد، از سندیکاهای کارگری فرانسه طلب یاری کردند.

در آستانه برگزاری «روز جهانی اقدام حمایتی اتحادیه های آزاد ایران»، دبیر کل بزرگترین سندیکای کارگری فرانسه، س ژت با ارسال نامه ای به جمهوری اسلامی ایران، ضمن محکوم کردن حملات غیرانسانی به کارگران، آزادی کارگران عضو سندیکای شرکت واحد و آزادی سندیکاهای مستقل را خواستار شد.

در روز ۱۴ فوریه ۲۰۰۶، گروهی از فعالان سیاسی مقیم پاریس به نمایندگی از سوی «اتحاد بین المللی حمایت از کارگران ایران – واحد پاریس» و «انجمن دفاع از زندانیان سیاسی عقیدتی در ایران» و «همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران» با شرکت در تظاهرات بزرگ اروپایی که در مخالفت با قانون موسوم به «بولکستین» در شهر استراسبورگ، مقر پارلمان اروپا برگزار شده بود شرکت کردند. این تظاهرات در مخالفت با قانون اولترا لیبرلی که از جمله استخدام کارگران کشورهای اروپایی را با درآمد کم را در کشورهای دارای حقوق حداقل بالاتر میسر میسازد، برگزار شده بود.

ما با شرکت در این تظاهرات، با بردن خواسته های کارگران شرکت واحد در میان شرکت کنندگان، با جلب همبستگی فعالان سندیکایی اروپا از کارگران شرکت واحد و حق ایجاد سندیکای آزاد از سوی آنان، توجه کارگران حاضر در تظاهرات را به دستگیری گسترده کارگران شرکت واحد از سوی رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی جلب کردیم. فعالان و مسئولان سندیکایی کشورهای مختلف اروپا با امضای فراخوانی که به «سازمان جهانی کار» و «دبیرکل سازمان ملل» ارسال خواهد شد، علاوه بر پشتیبانی از مطالبات کارگران شرکت واحد و سندیکای آنان خواستار آزادی بی قید و شرط کلیه دستگیر شدگان و نیز الغاء حکم های زندان فعالان سندیکایی شهر سقز شدند.

در فراخوان که به زبان های فرانسه و انگلیسی منتشر شده بود، شرکت کنندگان در تظاهرات ۱۴ فوریه ۲۰۰۶ در شهر استراسبورگ، دعوت شده بودند تا از خواست های زیر پشتیبانی کنند:

۱ – آزادی فوری و بی قید و شرط اعضای سندیکای شرکت واحد از جمله منصور اسانلو و همکارانش

۲ - محکوم ساختن سرکوب وحشیانه اعضای سندیکای شرکت واحد، خانواده های آنان و بویژه کودکان ۴ تا ۱۴ ساله و آزادی بی قید و شرط بیش از هزار کارگر این شرکت.

۳ – پشتیبانی از حق کارگران ایران برای ایجاد سندیکاها و تشکلات مستقل کارگری و شناسایی ان از سوی رژیم ایران.

۴ - الزام جمهوری اسلامی ایران برای احترام به تعهدات بین المللی درباره کارگران و قطع سرکوب و تعقیب و بازداشت فعالان سندیکایی.

۵ – الغای احکام محکومیت فعالان سندیکایی شهر سقز به زندان های ۲ تا ۵ سال به «جرم» برگزاری جشن اول ماه مه ۲۰۰۴.

۷۱۰ نفر از مسئولان و فعالان سندیکاهای مختلف اروپایی این فراخوان را امضا کردند. در ابتدای تظاهرات با شرکت در کنفرانس مطبوعاتی پیش از تظاهرات، با رهبران سندیکاهای گوناگون گفتگو و پشتیبانی آنان را از کارگران شرکت واحد تهران جلب نمودیم.

در میان ۷۱۰ نفری که فراخوان پشتیبانی از سندیکای شرکت واحد را امضا کردند، فعالان و مسئولان سندیکاهای زیر دیده میشوند:

از میان سندیکاهای فرانسه فعالان سندیکاهای UNSA, FNST-CGT, CFTC, SUD, CGT, FO, CFDT, SNES, FSU (به ترتیب کنفدراسیون عمومی کارگران مسیحی، فدراسیون ملی، اتحادیه ملی سندیکاهای خودمختار، سندیکای جنوب، سندیکای فرهنگیان فرانسه، سندیکای ملی کارکنان بخش نمایش و هنر، کنفدراسیون فدرال کارگران فرانسه، سندیکای نیروی کارگران (اف او و از جمله دبیر کل آن) و کنفدراسیون عمومی کارگران (س ژت) با پشتیبانی از سندیکای کارگران شرکت واحد، با آنان همدردی کرده و خشم خود را از دستگیری گسترده کارگران اعلام نمودند. در میان امضاء کنندگان فراخوان اعضای احزابی چون سوسیالیست (که عضو س ژت نیز بود)، حزب کمونیست فرانسه و آلن لی پیپتی (از رهبران حزب سبز های فرانسه و نماینده پارلمان اروپا) و نیز فعالان سازمان آتاک (طرفدار دگر جهان خواهی) نیز دیده میشود.

از میان مسئولین و فعالان سندیکاهای کشورهای دیگر اروپا به اسامی زیر برخورد میکنیم :

از کشور آلمان، فعالان و مسئولین سندیکای Vereinte Dienstleis Tungswerk (VERDI) (سندیکای متحده بخش خدمات با ۲ میلیون و ششصد هزار عضو)، سندیکای بخش ساختمان IG-BAU، سندیکایی با ۲۶۰ هزار عضو GEW، سندیکای بزرگ فلزکاری آلمان IG METAL، سندیکای کارگران صنایع معدن، شیمی و انرژی با ۷۷۰ هزار عضو IG BCE، سندیکای GAB، سندیکای GEW، سندیکای بخش اجتماعی WASG و NCG و نیز کنفدراسون بزرگ کارگری DGB (Deutscher Gewerkschaftsbund) و چند عضو حزب سوسیال دموکرات آلمان باعلاقه فراوان فراخوان را امضا کردند.

مسئولان و از جمله رئیس سندیکای فرهنگیان بریتانیا (NASUWT UK affiliated teachers union)، رئیس و سه رهبر سندیکای ترکیه «ایپفیم»، انجمن ملی دبیران دبیرستان های اسکاتلند SSTA، سندیکای بزرگ هلند با یک میلیون و دویست هزار عضو بنام (FNV Federatie Nederlandse Vakbeweging)، سندیکای کارگران نوب فلز لوگزامبورگ OGBL، سندیکاهای LBC, ACV، سندیکای کارکنان اجتماعی و خدمات دولتی بلژیک CGSP؛ فدراسیون عمومی کارگران با یک میلیون و دویست هزار عضو FG TB به پشتیبانی از کارگران ایرانی فراخوان را امضا کردند.

فعالان سندیکای بزرگ ایتالیا CGIL، سندیکای ۲۰۰ هزار نفری سویس UNIA، بزرگترین سندیکای پرتغال SBSI-UGT، سندیکای بزرگ ایرلند بنام SIPTU و وکلای بدون مرز بلژیک ASF با اعلام همبستگی با کارگران شرکت واحد خواستار آزادی زندانیان کارگر در ایران شدند.

در این تظاهرات با شکوه سندیکاهای اروپا بیش از چهار هزار نفر شرکت داشتند. شایسته یادآوری است که شرکت کنندگان در این تظاهرات با علاقه به توضیحات ما در باره اوضاع وخامت بار کارگران ایران گوش میداند و با شگفتی از ادامه بازداشت ها، رژیم جمهوری اسلامی را محکوم میکردند. آنان تعهد کردند که مسائل و مشکلات کارگران شرکت واحد را به همکاران خویش در هنگام بازگشت به شهر یا کشور هایشان منتقل خواهند نمود.

اسامی کلیه امضاءکنندگان و نشانی آنان همراه امضاء ها به سازمان جهانی کار و دفتر سازمان ملل در ژنو ارائه خواهد شد.

فعالیت حمایت از کارگران شرکت واحد و سندیکای آنان همچنان در سراسر دنیا ادامه دارد.

همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران – پاریس

۱۵ فوریه ۲۰۰۶ Sstiran@yahoo.fr

Rue Monge, 75005 Paris, 42

اعتراض سندیکای سوییس به احمدی نژاد

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهور ایران

خیابان فلسطین /چهار راه آذربایجان

00982166480665

موضوع: حبس، آزار، اذیت

2006-2-14

آقای رئیس جمهور

سندیکای سوئیس مطلع شده است که در روز 7 سپتامبر 2005 نیروهای امنیتی چندین عضو سندیکای کارگران شرکت واحد واتوبوسرانی تهران وحومه را دستگیر نموده اند.

درمیان دستگیر شدگان آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا ،ابراهیم مددی معاون مدیریت سندیکا ،عباس نژند کودکی،ناصر غلامی ،داود نوروزی ،حسن حاجعلی وند ،نعمت امیر خانی میباشند.

این افراد به دادگاه برده شده ودرتاریخ 8سپتامبر به جرم اخلال وتشویش اذاهان عمومی تحت محاکمه قرار گرفته اند.که متعاقباً با وثیقه آزاد شده ولی اعضاء سندیکا در اعتراض به حقوق پرداخت نشده وخواسته های خود واعتراض به دستگیریها به نشانه اعتراض وهمبستگی چراغ اتوبوس ها را روشن نمودند.

مدیر عامل شرکت آقای مصطفی نوریان ومعاون ایشان آقای تیموری هیئت مدیره سندیکا را از ماه ژوئن زمان اعلام وجود سندیکا ودرزمانیکه هیئت مدیره سندیکا درمورد مشکلات کارگران صحبت نموده اند ،مورد تهاجم قرار داده وآنان را با تعلیق خدمت وخراج مواجه نموده اند.کارگرانیکه حاضر به کار نبوده را محروم نموده ومورد مجازات قرار داده اند .

سندیکای سوئیس قویاً آزار واذیت اعضاَ سندیکا را محکوم مینماید. عضو سندیکا بودن، وداشتن حق تشکل،حق اعتراض واعتصاب طبق کنوانسیون بین المللی سازمان جهانی کار یکی از حقوق اولیه کارگران است .

سندیکای سوئیس از شما مصرانه تقاضا دارد برای رهائی بدون قید وشرط برهان دیوارگر وتامم محکومیت کارگران همچنین کارگران شرکت واحد تهران وحومه وبازگشت بکار کارگران اخراجی بسر کار خود اقدامات لازم را مبذول نمایند.

سندیکای سوئیس تحت نظر میگیرد که دولت جدید شما چگونه حقوق اولیه کارگران را رعایت میکند وحقوق کارگران درآینده چگونه خواهد بودوبه آن احترام گذاشته میشود.

ما امیدواریم که دولت جدید نقض حقوق بشر ،حقوق اتحادیه ای وحق تشکل راجبران نموده واستاندارهای حقوق پایه ای را رعایت نموده وتضمین نماید.ما نیز درآینده پیگیری مینمائیم.

با احترام

رودی کلر

دبیر سندیکاهای سوئیس

2006-2-14

ترجمه وتکثیر اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران / سوئیس

اعتراض کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (س ژ ت) به سرکوب کارگران در ایران

فوریه ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

آقای سفیر

اجازه دهید، به نام کنفدراسیون عمومی کارگران (س ژ ت)، به طور جدی بر علیه سرکوبی که به نحو بی رحمانه ای وحشیانه بوده و قربانی [شدن] سندیکالیست ها در کشور شما اعتراض کنم.

نه تنها چند صد تن از اعتصابیون بازداشت شده اند بلکه به منزل آنها حمله شده و همسران و فرزندان آنها از خانه شان بیرون کشیده شده و به گروگان گرفته شدند.

این سرکوب بخصوص از آن جهت غیر قابل پذیرش است که این کارگران برای افزایش حقوق، حق ایجاد تشکل و آزادی همکاران زندانی شان شده اند.

کنفدراسیون عمومی کارگران به تمام نیروهای دمکراتیک و پیشرو می پیوندند تا از مقامات ایرانی تقاضا کند فعالان سندیکا را آزاد ساخته و حق رسمی تشکیل سندیکا را به رسمیت بشناسد.

اگر ایران تعهدات بین المللی خود را به رسمیت نشناسد، ما اقدامات قانونی لازم را آغاز می کنیم تا دولت شما در نهادهای بین المللی بخصوص در سازمان جهانی کار مورد محکومیت قرار گیرد.

آقای سفیر از شما تقاضا می کنیم تقاضاهای ما را به دولت متبوع خود ارائه دهید.

با احترامات فائقه

برنارد تیبو

دبیر اول کنفدراسیون عمومی کارگران

پاریس 13 فوریه 2006

سبزها از مبارزات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران حمایت می کنند

هشتم بهمن 1384، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران برعلیه بازداشت مسؤل سندیکا آقای اصائلو و نیز برای به رسمیت شناختن مطالبات و حقوق خود برای تشکیل سندیکای مستقل دست به تظاهرات زده بودند.

در روز هشتم بهمن تظاهرکنندگان با خشونت و پرتاب گاز اشک آور و تیرهای هوایی متفرق شده اند. در طول این تظاهرات یک هزار نفر از تظاهر کنندگان و نیز اعضای خانواده ی آنها بازداشت شده اند. در حال حاضر با وجود آزادی برخی از آنها همچنان تعداد قابل توجهی از تظاهرکنندگان و بیست تن از فعالان سندیکا در زندان بسر می برند.

افراد آزاد شده نیز از بازگشتن به کار خود محروم هستند. کارگران خواهان آزادی تمامی بازداشت شدگان، پرداخت بلافاصله ی تمامی حقوق های عقب افتاده و قرارداد جمعی که ضامن حقوق شان نیز باشد هستند.

سبزها این بازداشت های بی قاعده و خشونت اعمال شده بر علیه کارگران را به شدت محکوم و از تمامی خواست های این کارگران حمایت می کنند. حق تشکیل سندیکا یک حق زیربنایی است که توسط جمهوری اسلامی ایران پایمال شده است. مبارزه ی برای این حقوق از مبارزه ی مجموعه ی کارگران برای دمکراسی جدا نیست.

روز 15 فوریه یک روز بین المللی برای همبستگی برای کارگران ایرانی است که سبزها به آن می پیوندند.

حزب سبزها

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی حمایت از کارگران در ایران- پاریس

برلین: آکسیون همبستگی با کارگران ایران برگزار شد

فوریه ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

تظاهرات همبستگی با کارگران گزارشی از تظاهرات همبستگی با کارگران در برلین

در ادامه فعالیت های همبستگی و دفاع از کارگران ایران در سطح شهر برلین وبه دنبال فراخوان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری وفدراسیون اتحادیه های جهانی، میتینگ در روز 15 فوریه راس ساعت 12 مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار گردید.

این گروه‌هایی به دعوت گروه همبستگی با جنبش کارگری – برلن و حمایت وپشتیبانی صمیمانه و شرکت فعال اعضای کانون پناهندگان سیاسی ایرانی – برلن و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران – برلن و حضور 50 نفر در هوایی سردو با پیام گروه همبستگی خطاب به اعضای سندیکای شرکت واحد و خانواده‌های آنان و همچنین به شرکت کنندگان در میتینگ آغازگردید.در این پیام ضمن قدردانی از کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی به دلیل يك روز برای همبستگی و حمایت از کارگران ایران ،انتقاد اعضای سندیکای شرکت واحد به این نهاد ها و دیگر اتحادیه های کارگری در سطح جهان به دلیل دیر هنگام بودن و جدی نبودن حمایتها باز گو گردید و خواست آنان مبنی بر اخراج خانه کارگر از " آی-آل-او" و ضرورت حمایت جدی تر از سندیکای واحد و جنبش کارگری مورد تاکید قرار گرفت.

در این تظاهرات که پلاکارد های متعددی درپشتیبانی از کارگران ایران و دفاع از حقوق و آزادی های سیاسی نصب شده بود ، بخشهایی از اعلامیه های سندیکای شرکت واحد خطاب به کارگران جهان بزبان آلمانی و فارسی خوانده شد و شرکت کنندگان در میتینگ با سردادن شعار علیه رژیم جمهوری اسلامی و حمل عکس منصوراسانلو ،خواهان آزادی وی و دیگر کارگران زندانی و همچنین حق تشکیل آزاد و مستقل کارگری در ایران شدند و جمهوری اسلامی را در سرکوب کارگران محکوم نمودند. نمایندگان کانون پناهندگان و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی شهر برلین در این مراسم طی سخنانی ، پیامهای همبستگی خود را به کارگران ایران اعلام نمودند و در آخر نیز اعلامیه ای از حزب کمونیست کارگری، به درخواست و توسط یکی از فعالان این حزب خوانده شد.

در این روز اتحادیه سراسری کارگران آلمان دریک اطلاعیه مطبوعاتی حمایت اتحادیه از خواستهای کارگران شرکت واحد را اعلام داشت، اما به همین بسنده کرده و در این مراسم حضور نداشتند. در خاتمه این متینگ با تشکر از شرکت کنندگان و در ساعت 2 بعدازظهر پایان یافت .

گروه همبستگی با جنبش کارگری- برلین 15 فوریه 2006 پیام گروه همبستگی با جنبش کارگری

دوستان گرامی حضور جهانی شما در دفاع از کارگران ایران و پشتیبانی از خواسته های آنان روحیه مقاومت و اتحاد را در کارگران ایران تقویت می کند . همراهان عزیز سرنوشت ایران، آزادی ،امنیت ورفاه شهروندانش دوری از اغتشاش نامنی و جنگ در ایران و ممانعت از تجاوز نیروهای جنگ طلب بین المللی به ایران به سرنوشت طبقه کارگر ایران پیوند خورده است . توان کارگران ایران در پیشبرد خواسته هایشان و متشکل شدن آنان بی گمان قدرت رژیم را در سرکوب و مواجهه با میلیونها انسان زحمتکش محدود خواهد کرد و وزنه ای جدی و باز دارنده در مقابل پیشبرد مقاصد سیاه آنان قرار خواهد داد .

اقدامات و آکسیونهای نیروهای مترقی و فعالان کارگری تا کنون توانسته است حمایت نهاد های بین المللی کارگری را بر انگیزد و ادامه این روند مسلما اتحاد بین المللی با طبقه کارگر ایران را تقویت خواهد کرد.

گروه همبستگی با جنبش کارگری_ برلن از همه کسانیکه در این میتینگ گرد آمده اند تشکر می کنند .

ما از کانون دفاع از پناهندگان سیاسی ایران _ برلن و کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران _ برلن که پشتیبانی خود را از این فرا خوان اعلام کردند و در آن شرکت فعال نمودند تشکر کرده و همراهی جریانات دموکراتیک و مدافع حقوق انسانی را در دفاع از کارگران ایران نقطه عزیمت به سمت ایرانی آزاد و انسانی میدانیم . مسلما ایرانی با تشکل های استوار کارگری جای امنی برای دیکتاتورها ، چماقداران ، جنگ طلبان و غارتگران نخواهد بود .

ما از سوی حامیان و شرکت کنندگان در این فراخوان و کلیه حاضران در این تجمع به کارگران شرکت واحد ، اعضای سندیکا و خا نواده های آنان اعلام می کنیم که صدای شما به گوش جهانیان رسیده است ، مقاومت شما تا همین لحظه توانسته است به عنوان يك اقدام تاریخی در آگاهی جنبش کارگری ایران و جهان ثبت شود . مطالبات و خواسته های شما ، مطالبات و خواسته های میلیونها انسان زحمتکش در ایران است و پافشاری شما دیر یا زود میلیونها انسان را با شما همراه و متحد خواهد کرد . سندیکای شما امروز به عنوان نماد مقاومت کارگری انگیزه هزاران انسان برای حمایت از جنبش کارگری در ایران است .

ما ضمن قدردانی از کنفدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون اتحادیه های جهانی از کارگران ایران و اعلام 15 فوریه به عنوان روز جهانی همبستگی با کارگران شرکت واحد نمیتوانیم از باز گویی انتقاد کارگران شرکت واحد نسبت به نهاد های بین المللی کار و اتحادیه های کارگری در آلمان و جهان خودداری کنیم که هنوز هم حمایت جدی از کارگران ایران و سند یکای کارگران شرکت واحد به عمل نیآورده و همچنان دو کرسی از سازمان جهانی کار در اختیار کسانی است که وظیفه اصلی اشان در بیش از دو دهه ، سرکوب کارگران ایران بوده است .

ما مجدانه خواهان اخراج خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار از مجامع بین المللی کارگری هستیم .

تجمع اعتراضی کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

فوریه ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸

رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ، روزشنبه از ساعت 09.30 تا 11.00 صبح در دو نقطه جداگانه در تهران اقدام به برپایی تجمع اعتراضی کردند و خواهان برگشت بی قید و شرط به کار و خود شدند .

يك تجمع در مقابل اداره کار شرق تهران بود که در آن 150 نفر از رانندگان شرکت داشتند . تجمع دیگرکه در همین ساعت و با شرکت 70 نفر از رانندگان در مقابل دفتر مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در نارمک برگزار گردید . علیرغم این تجمعات کارگزاران رژیم هیچ پاسخی به رانندگان ندادند . قابل توجه است طبق اخبار دریافتی کارگزاران حکومتی بیش از 1000 راننده شرکت واحد را از کار بیکار ساخته اند وبه دلیل شرکت در يك اعتصاب صنفی که قرار بود در 8 بهمن انجام گیرد آنها را از بازگشت به کار منع کرده اند .

یکی از رانندگان در این رابطه می گوید حتی حساب های بانکی ما را بسته اند و حقوقی که مربوط به ماه قبل مان بوده است را هم نگذاشته اند بگیریم .

طبق يك گزارش در روز چهارشنبه 84/11/26 همزمان با حرکات اعتراضی جهانی در حمایت از کارگران ایران و رانندگان شرکت واحد و همزمان با تجمع بیش از 200 نفر از رانندگان در مقابل مجلس اقدام به برگزاری نشست شورای تامین استان تهران نمودند . در این نشست که کلیه ارگان های ذینفع مربوطه بودند در هراس از تجمعات فزاینده رانندگان و خانواده های شرکت واحد و حمایت های جهانی از

آنها ، طی يك عقب نشینی مفتضحانه قرار منع تعقیب برای فعالین سندیکایی شرکت واحد صادرکردند و منع بازگشت به کار آنها را لغو کردند . با این حال شرکت واحد و ارگان های دیگری از رژیم به این اقدام شورای تامین استان وقعی نمی گذارند و از جمله شرکت واحد تاکنون هیچ کدام از رانندگان را به حضور در سرکارش مجاز نکرده است.

یکی از رانندگان و فعالین سندیکا بی می گوید : این ها به تاکنیک قدیمی سردواندن رو آورده اند يك ارگان می گوید قرار منع تعقیب آمده که جلوی تجمعات ما را بگیرند و ارگان دیگر یا به ما جوابی نمی دهد یا سر میداند .

شایان ذکر است که مطالبات رانندگان شرکت واحد شامل 35 مورد می باشد که تاکنون کارگزاران حکومتی نه تنها جوابی به آنها نداده اند . رانندگان شرکت واحد اعلام کرده اند که روز سه شنبه 84/12/2 مقابل شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه تجمع خواهند داشت و مطالبات شان از جمله بازگشت بی قید و شرط کلیه رانندگان به سرکارشان و آزادی آقای اسانلو و سایر یاران در بندشان و نیز آزادی سندیکا و فعالیت سندیکایی را مطالبه خواهند نمود .

منبع : خبرگزاری هما 84/12/1

برای حضور واقعی نمایندگان کارگران در کمیته دستمزده

پیشنهاد کارگران ایران خودرو به تمام کارگران و فعالین آن

کارگران ایران خودرو

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

دوستان ما کارگران ایران خودرو به منظور دفاع از کارگران شرکت واحد می خواهیم این پیشنهاد را مطرح کنیم:

همانطوریکه می دانیم به علت نداشتن تشکلهای کارگری فراخوان حضور نمایندگان کارگران در کمیته تعیین دستمزدها عملا غیرواقعی است. برای چالش رژیم ما این طرح را پیشنهاد می کنیم اگر با آن موافق هستید لطفا جواب بدهید و یا هر طرح دیگری دارید مطرح کرده و فوراً برای ما ارسال کنید.

وقتی که پیشنهاد از طرف ما مطرح شد با حمایت همه جانبه از آن یک گام دیگری به جلو بر داریم و اما پیشنهاد: ما می خواهیم اعلام کنیم که به علت نبودن امنیت و تشکلهای کارگری و نداشتن نمایندگان واقعی کارگران ما خواهان حضور کارگران و سندیکای شرکت واحد و دیگر تشکلهای واقعی کارگران از جمله کمیته پیگیری و کمیته هماهنگی و نمایندگان کارگران شاهو، کارگران نساجی کاشان، نمایندگان کارگران شرکت صدرا و سایر نمایندگان واقعی کارگران که حضور آنها مسئله امنیتی ندارد به عنوان کارگران ایران در کمیته تعیین دستمزدها شویم.

با این کار این مسئله را مد نظر قرار می دهیم: به رسمیت شناختن کارگران شرکت واحد به عنوان یک تشکل از طرف کارگران و نشان دادن عدم امکان انتخاب نمایندگان واقعی کارگران و بعد رسمیت نشناختن کمیته دستمزدها.

موفق باشید

IKCOKAR@YAHOO.COM

بیانیه جمعی از فعالین مسائل زنان در حمایت از کارگران زندانی و خانواده هایشان

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی برای درخواست ترمیم دستمزد و بهبود شرایط اسف بار زندگی خود، به جای پاسخ درخور به دستگیری اعضای هیئت مدیره سندیکای این شرکت انجامید. این برخورد که نشان داد گوش شنوایی برای این خواسته‌های بر حق وجود ندارد به خودی خود مصداق بارز نادیده گرفتن حق تشکل و آزادی بیان بود. اما تهاجم شبانه به کارگران معترض و بازداشت جمع کثیری از ایشان به این مسئله ابعاد گسترده تری بخشید.

زنان و کودکان این کارگران زحمتکش نیز از بی مهری بی نصیب نماندند. همسران این کارگران علاوه بر ضرب و شتم و بازداشت موقت، اکنون باید بار سنگین خانواده را به تنهایی و با دست خالی بر دوش بکشند. این زنان شریف که پیش از این نیز به زحمت می توانستند امور خانواده را با درآمد اندک مردان خود سر و سامان دهند اکنون از همین حداقل نیز بی بهره مانده اند.

فشارهای اجتماعی مضاعفی که بر این زنان فداکار و شراقتمند وجود داشت اکنون چند برابر شده است. آنان باید علاوه بر فشار اقتصادی بار محرومیت های روانی و فرهنگی را نیز بر دوش بکشند و به تنهایی با انواع مسایلی که در این جامعه نا امن اعضای خانواده را تهدید می کند روبرو شوند.

بی اعتنایی و خاموشی در برابر بی مهری با این زنان فداکار جایز نیست. ما ضمن همدردی با همسران کارگران بازداشت شده حمایت خود را از اقدامات اصولی، انسانی و حق طلبانه کارگران شرکت واحد و اعضای سندیکای این شرکت اعلام می کنیم. و از تمامی زنان و مردان آگاه و مسئول در ایران و سراسر جهان می خواهیم به یاری خانواده کارگران بازداشت-شده بشتابند و حمایت مادی و معنوی خود را از آنان دریغ نکنند.

همچنین در پایان از مسئولان می‌خواهیم کارگران زندانی را هر چه سریع تر آزاد کرده و شرایط بازگشت به کار آنان را فراهم آورند، تشکیلات کارگری و سندیکای آزاد و مستقل را به رسمیت بشناسند، و از هرگونه اقدامی در جهت اخراج کارگران جلوگیری کنند.

اسامی امضاءکنندگان:

1. ابونصر، سحر

2. آرامی نژاد، فاطمه

3. اسکویی، نازی

4. اصلاحی نژاد، ژاله

5. امجدیان، زارا

6. امیری، مهرنوش

7. ثابت، سیمین

8. جواهری، جلوه
9. چترچی، ماندانا 10. حاج محسن، مریم
11. حافدی، سارا
12. حسن لو، آیدین
13. حسین خواه، مریم
14. خدیوی، مهین
15. داوودی مهاجر، فریبا
16. راجی، فرزانه
17. رحیمی، نرگس
18. رشیدی، سمیه
19. رنجبر، مهری
20. زارع، نقیسه
21. شادفر، فخری
22. صدری، سمیرا
23. طالبی، مریم 24. طاهباز، بیتا 25. طهماسبی، سوسن
26. طوسی، حمیرا 27. علی، دلارام 28. فرزادمنش، شیما
29. فرقانی، آزاده 30. قاسمیان، پروانه
31. کبریایی، طاهره
32. کبریایی، فاطمه
33. کریم الدین، شهلا
34. لقمانی، سارا
35. لقمانی، معصومه
36. محمدیان، مریم 37. مسعود سینتی، هاله
38. مقدم، خدیجه
39. موسوی، نسترن
40. میرزایی، فریده
41. نجم عراقی، منیژه
42. نصرآبادی، پریسا
43. نصرالله زاده، زهره
44. نظری، لیلا
45. هدایت، بهاره
46. همتیان، عزت
47. وکیلان، فاطمه
48. یوسفی، عاطفه

یورش ماموران نیروی انتظامی به منازل تعدادی از

فعالان سندیکای بازداشت شده شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

روز يك شنبه 30بهمن 84 ماموران نیروی انتظامی و امنیتی به طور همزمان به منازل عده ای از افراد هیات مدیره و فعالین سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه که هم اکنون در بازداشت می باشند یورش بردند . مامورین وزارت اطلاعات به تفتیش کامل خانه های آنها پرداختند و هیچ وسیله ای در خانه از تفتیش آنها در امان نماند و همه وسایل خانه را زیرورو کردند . آنها بعد از تفتیش و بهم ریختن کلیه وسائل خانه هرچه را که فکر میکردند سندی از سندیکاست و یا در بازجویی ممکن است به کارشان بیاید را با خود بردند . سی دی ها و دستنوشته های شخصی افراد خانه از این تفتیش ها و غارت در امان نماند . از جمله خانه هایی که مورد این یورش قرارگرفت منزل آقای اسانلو، دبیرسندیکای شرکت واحد می باشد که نزدیک 45 روز است در بازداشت و در انفرادی بسر می برد . این دومین باراست که برای تفتیش به خانه آقای اسانلو حمله بردند. تعدادی از هیات مدیره و سندیکای شرکت واحد که هم اکنون در بازداشت هستند زیربازجویی های شبانه روزی می باشند و در انفرادی به سر می برند. خبرهاکی است که ماموران جمهوری اسلامی در صدد پرونده سازی برای این افراد به ویژه برای دبیر سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه می باشند.

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

از جمع هائی از کارگران شاغل در مجتمع های : پتروشیمی بندر امام , پتروشیمی رازی , پتروشیمی فجر , پتروشیمی فن آوران , پتروشیمی غدیر , پتروشیمی فارابی و جمعی از رانندگان و تاکسی داران ماهشهر

به : کارگران مبارز شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

با سلام و درود به همه شما کارگران مبارز و خستگی ناپذیر بدینوسیله ما جمع هائی از کارگران مجتمع های پتروشیمی فوق و رانندگان تاکسی ، حمایت خود را از مبارزات برحق شما اعلام میداریم . مبارزه شما برای آزادی همزمانتان ، برای حق آزادی تشکل کارگری ، برای عقد قراردادهای دسته جمعی، برای افزایش حقوق و دستمزد به حداقل 500000 تومان ، برای انحلال شوراهای اسلامی و پرداخت حقوق دوران اعتصاب و بازگشت بکار کارگران زندانی و اخراجی ، خواست همه کارگران ایران است. و به همین دلایل روشن و بدون شک باید مورد حمایت وسیع و همه جانبه کارگران سراسر ایران واقع شود . همانطور که خود بهتر میدانید فضای شدت پلیسی و سرکوبی که همچنان بر جامعه حاکم است ، امکان ابراز وجود صدها هزار نفره و حتی هزاران نفر را برای این حمایت میسر نمی سازد . کار و زندگی کارگران به گروگان گرفته شده و فقر و فلاکت بی حد و حصری به همه تحمیل شده است و اهمیت مبارزه شما در این شرایط بغایت سخت درست در همین نکته نهفته است . ما به شما اطمینان میدهیم که مردم و کارگران در این منطقه، از صمیم قلب از شما حمایت میکنند . تبلیغات وسیعی که در طی هفته گذشته حول مبارزات شما، بصورت شفاهی و کتبی (پخش اطلاعیه) و بویژه در پی اعلام حمایت میلیونی کارگران جهان، در میان کارگران و مردم زحمتکش منطقه صورت گرفت ، گواه بارز این ادعای ماست . ما را در کنارتان بدانید و مطمئن باشید ، تا همینجا پیروزی واقعی با شما بوده و از آن شما خواهد بود .

کارگرانی که در سر کار و در نهارخوری ها، مجتمع ها و در جمع خانواده هایشان از مبارزه و مقاومت شما در خیابان ها و زندان اوین صحبت کردند ، خواستهای شما را خواستهای همه کارگران و مردم قلمداد میکردند، راننده جوان تاکسی که در سطح شهر با همه مسافرین در باره اهمیت و لزوم حمایت از شما، مبارزه شما را به گوش صد ها نفر میرساند و از مردم میخواهد که میبایستی از شما حمایت مادی و معنوی بشود ، همه و همه اینها نشانه تأثیرات فوق العاده زیادی است که مبارزات شما بر حرکت کارگران و مردم ایران گذاشته است .

اعلام حمایت جهانی گسترده کارگران جهان در روز 26 بهمن (15 فوریه) نشانگر عظمت کاری است که شما شروع کردید و ادامه میدهید و بیانگر پوچی حرکت مذبححانه رژیم در سرکوب مبارزات برحق شماست .

مبارزه تان را ادامه دهید. رسیدن به خواستههایتان حق مسلم شماست و ما را دهها قدم به جلو میاندازد.

دستتان را بگرمی میفشاریم. ما نیز بمانند همه کارگران جهان و در اعتراض به جمهوری اسلامی در کنار شما هستیم.

همه کارگران زندانی و منصور اسائلو آزاد باید گردد.

همه خواستهای برحق کارگران باید متحقق شود .

زنده باد اتحاد طبقاتی کارگران جهان

84/11/26

رونوشت : همه سازمانها و احزاب کارگری و همه تشکلهای مدافع حقوق انسان

منبع : سایت پیشتاز

تجمع اعتراضی کارگران شرکت واحد در مقابل

اداره کار وامور اجتماعی

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

امروز (شنبه 6 اسفند) نزدیک به 150 نفر از کارگران ممانعت شده از کار شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ،مقابل اداره کاروامور اجتماعی شرق تهران واقع در نبش خیابان اتحاد تجمع اعتراضی داشتند و خواهان بازگشت بدون قید و شرط خود و همکارانشان به کار شدند. این تجمع اعتراضی از ساعت 0930 الی 1100 طول کشید.تنها جوابی که به آنها داده شد این بود که شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برای کلیه کارکنانی که در 8 بهمن اعتصاب کردند غیابا حکم صادرکرده است .

کارگران شریف شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در اعتراض به این حکم ناعادلانه امروز 6 اسفند مقابل دیوان ضد عدالت اداری هم تجمع اعتراضی برپا کردند. این تجمع (کماکان ادامه دارد).آنها خواهان بازگشت بدون قید و شرط به سرکار شدند.

از سایت : خیر گزاری هما 84/12/6

(انگلیس) T U C پشتیبانی از کارگران شرکت واحد شورای اتحادیه های کارگری بیرمنگام

دیو دوتون

دبیر کل تی یو سی در شهر بیرمنگام

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

به محمود احمدی نژاد

رئیس جمهور اسلامی ایران

سفارت ایران

۱۶ پرنس گیت ، لندن

۱۹ فوریه ۲۰۰۶ آقای رئیس جمهور

حق تجمع و تشکیل اتحادیه های کارگری یکی از حقوق پایه ای انسانها است که از طرف اعلامیه جهانی حقوق بشر و محوری ترین کنوانسیونهای سازمان جهانی کار برسمیت شناخته شده است.

در طی هفته های گذشته شما صدها راننده اعتصابی اتوبوس را در تهران دستگیر کردید. مردان و زنانی که تنها جرمشان دفاع از حقوق اولیه انسانی و پشتیبانی از سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه است.

چند نفری از رهبران اتحادیه هنوز در زندان هستند.

شورای اتحادیه های کارگری بیرمنگام (تی یو سی)، که نماینده کارگران در دومین شهر بزرگ بریتانیا است، به جمع هزاران فعال اتحادیه ای در سراسر جهان پیوسته و از شما میخواهد که بلافاصله افراد دستگیر شده را آزاد کنید. ما خواهان آزادی فوری آنها هستیم.

ما مخالف تلاشهای ایالات متحده و دولت خودمان در را اندازی برخورد نظامی به ایران هستیم، ولی در همان حال بر حق فعالین اتحادیه ای برای سازماندهی آزادانه در هر جایی که این حق مورد انکار قرار گیرد، پافشاری می کنیم.

با احترام

دیو دوتون

دبیر کل تی یو سی در شهر بیرمنگام

ترجمه و بازتکثیر : اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

<http://www.etehadbinalmelali.com/>

alliance@workers-iran.org

تجمع تعدادی از کارگران شرکت واحد در مقابل دیوان عدالت اداری

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

شنبه 6 اسفند 70 نفر از رانندگان شرکت واحد همراه با خانواده هایشان از ساعت 10 الی 11 صبح مقابل دیوان عدالت اداری تجمع کردند و خواسته هایشان را مبنی به بازگشت به کار بی قید و شرط کارگران آزاد شده، آزادی تمامی همکاران بازداشت شده و... را طی شکایت نامه ای تحویل مقامات مربوطه دادند.

همچنین اطلاعیه مورخ 5 اسفند ماه سندیکای شرکت واحد مبنی بر مشارکت کارگران و نمایندگان واقعی آنها در تعیین حداقل دستمزد ها در سال آینده ،خطاب به شورای عالی تعیین دستمزدها را ضمیمه شکایت نمودند.

از سایت : خبرگزاری هما

گزارشی از تظاهرات همبستگی بین المللی با کارگران ایران در دانمارک

سیامک

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

تظاهر کنندگان وارد محوطه سفارت خانه ایران شده و پرچم جمهوری اسلامی را پائین کشیده و شیشه های سفارت خانه را در هم شکستند.

در روز چهارشنبه 15 فوریه "روز همبستگی بین المللی با کارگران ایران"، جمعی از مخالفین سیاسی با فراخوان کانون فعالیت چپ و کمونیست ایرانی در دانمارک در مقابل سفارت جمهوری اسلامی اجتماع کردند.

تظاهر کنندگان با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر سران این رژیم فاشیستی، خواستار آزادی کلیه فعالین کارگری از جمله منصور اسانلو شدند. در همین ارتباط تعدادی از اتحادیه های کارگری در دانمارک پیام همبستگی ارسال داشتند.

تظاهر کنندگان با گذشتن از برج و باروی سفارت جمهوری اسلامی وارد محوطه سفارت شده و پرچم رژیم جمهوری اسلامی را پائین کشیدند و در حین به آتش کشیدن پرچم رژیم با برخورد شدید پلیس مواجه شدند، اما تظاهر کنندگان موفق شدند پرچم رژیم را تکه تکه کرده و در سطل اشغال انداختند.

همچنین تظاهر کنندگان شیشه های سفارت را شکستند، در پایان تظاهر کنندگان اعلام همبستگی با مبارزات کارگران ایران کردند و بر استمرار و تعمیق مبارزه تاکید ورزیدند.

سیامک - دانمارک - 15.02.2006

نامه سرگشاده به مهدیه و یعقوب سلیمی

علی خدری

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

مقدمه: مصاحبه 9 بهمن شما با رادیو نوای آشنا عمیقاً من را تحت تاثیر قرار داد. چند روزی با خودم کلنجار میرفتم که چیزی در این مورد بنویسم اما کار و تلاش برای کسب مخارج روزانه اجازه نمیداد. روز 26 بهمن 84 (15 فوریه 2006) بنا به دعوت کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد در يك تجمع اعتراضی شرکت کردم که در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در لندن برگزار شد. از آنجا که این اکسیون جهانی به پشتیبانی از کارگران ایران و عمدتاً کارگران شرکت واحد ترتیب داده شده بود من در تمام لحظات به فکر شما بودم و خودم را ملامت میکردم که چرا نامه ام خطاب به شما را ننوشته ام. بالاخره امروز یکشنبه پشت کامپیوتر نشستم و این نامه سرگشاده را برای شما می نویسم. مصاحبه شما البته توجه زیادی را به خود جلب کرده. بخش زیادی از این توجهات بخاطر و در جهت افشاکاری توحشی است که از جانب ماموران علیه شما، دوستان و همکارانتان در سنین مختلف اعمال شده است. اما توجه من از جنس دیگری است. ابتدا اجازه میخوام خطاب به مهدیه عزیزم صحبت مهدیه جان منم مثل پدرت يك کارگر و يك فعال و خدمتگزار طبقه کارگرم. دارای يك دختر و يك پسر. دخترم سه سال از تو بزرگتر است. پس بنام يك کارگر و يك پدر با شما صحبت میکنم. خیلی متاسفم که تو در سن 12 سالگی و خواهر کوچیکت در سن 2 سالگی هم زندان را تجربه کردید و هم شکنجه را. متاسفم که شما در این سن کودکی باید شاهد شکنجه و زندانی شدن مادر و پدر عزیزت، دوستان آنها و بچه هایشان باشی. وقتی تو از دق الباب ماموران و یورش آنها به خانه تان صحبت میکردی من یاد بچه های زیادی افتادم که همچون بچه های خودم بخاطر مبارز بودن پدر و مادرشان مورد چنین تهاجماتی قرار گرفته اند. من میتوانم داستانهای زیادی را در اینمورد برایت بگویم، اما قصد من از این خطاییه این نیست. نمیخوام ذکر مصیبت کنم. برعکس من میخوام برانندگی، روحیه عالی و شجاعت ترا شتایش کنم.

روز 9 بهمن، تو يك کودک دوازده ساله از طبقه کارگر، طی يك مصاحبه با روحیئی عالی نکاتی را بر زبان آوردی که انسانهای زیادی را به شدت تکان داد. آقای مهدی کوهستانی، یکی از فعالینی که سهم مهمی در جلب پشتیبانی جهانی از کارگران ایران در خارج داشته است، در يك گفتگوی رادیویی گفت که مصاحبه شما فعالان کارگری و رهبران جهانی اتحادیه ها در دنیا را لرزاند است. میشود گفت همین حرفهای شما روی تصمیم رهبران تشکلهای جهانی کارگری به اعلام روز 15 فوریه بعنوان روز جهانی اکسیون در پشتیبانی کارگران ایران و از جمله کارگران شرکت واحد تاثیر داشته است. این افتخار

بزرگی برای تو است. در مصاحبه تو نکاتی هست که کمتر مورد توجه قرار گرفت و من دوست دارم روی آنها مکث کنم و به دیگران بگویم روی حرفهای شما فکر کنند. تو در روز نهم بهمن در حالی صحبت میکردی که خواهر 2 ساله‌ات با لب باد کرده در کنارت بود. ماموران او را بدرون مینی‌بوس چنان پرت کرده بودند که لبش به میله آهنی گرفته و زخمی شده بود. تو در حالی صحبت میکردی که هنوز مادرت و دوستانت در زندان بودند و پدرت در خطر دستگیری. یورش وحشیانه مامورین مسلح و آزار و زندان نه تنها ترا نترسانده بود، بلکه ه خشمگینت کرده بود. معترضت کرده بود. تو با جملاتی گویا و صدائی رسا چنان صحبت میکردی که انگار، مامور مسلح و وحشی، شکنجه و زندان برای تو هیچند و صرفاً باعث ننگ حکومتند. آن خشم و اعتراض و این روحیه و شهامت الهامبخش است. کلمات زلال تو آنگاه که ضمن صحبت از خانواده خودت از دوستان پدرت، همسایه‌ها و مهمانهایشان نیز دفاع میکردی در عمق جان من نشست. این نشانه همبستگی است. تو وقتی مدال طلایت را به پدرت و دوستانت هدیه کردی دوباره همین روحیه عالی را از خود نشان دادی. اما در دل همه اینها جواب تو به يك سوال برای من از اهمیت بیشتری برخوردار است و اینجا آنرا برجسته میکنم. تو در جواب آقای صبحی که پرسید:

__ چرا پدرت را احضار کردن، مگه او چیکار کرده؟

با سرفرازای و شجاعت تمام گفتی:

__ پدرم کاری نکرده. او فقط حق خودش رو خواسته. حقهائی که اونا از بین بردن. حقوقشون که مثلاً 200 تومان بوده 100 تومانش رو برداشتن برای خودشون.

تو با این حرفت نه تنها از پدرت و همکاریاش در شرکت واحد دفاع کردی، بلکه انگشت روی یکی از اصلی‌ترین ستمها علیه طبقه کارگر گذاشتی. ما کارگران با استفاده از مواهب طبیعی همه نعمات، امکانات و راحتی‌ها را در جامعه فراهم می‌کنیم. اما مثنی سرمایه‌دار انگل و دولتهایشان فقط آنقدر بما میدهند که زنده بمانیم و بجهائی برایشان تولید و پرورده کنیم که بعد از خودمان دوباره برایشان ثروت و راحتی تولید کنند. تو وقتی گفتی «حقوقشون که مثلاً 200 تومان صد تومانش را بر داشتین برای خودشون» روی این واقعیت انگشت گذاشتی.

تو با این هوش سرشار و روحیه همبستگی و آزادگیت باعث افتخار منی. اما در دل این افتخار شادی آفرین غمی عمیق درونم را میسوزاند. چرا باید تو در این سن 12 سالگی به زندان، شکنجه، دستمزد و استعمار فکر کنی؟ تو الان باید در يك محیط آرام و صاحب امکانات به درسهایت برسی، بازیت را بکنی، به ورزشت (رزم انفرادی که نوعی هنر است) برسی، استعدادهایت را تکامل بدهی، معاشرتت را بکنی و از زندگی لذت ببری. بهرحال درد زیاد است و من نمیخواهم ترا ناراحت کنم. امیدوارم با هوش سرشاری که داری با اتکا به پشتکار و استعداد در موقعیتی در جامعه قرار بگیری که بتوانی بیشترین خدمت را به انسانهایی بکنی که فقط از رنج بازو و مهارتهای جسمی و فکری خود تغذیه میکنند و از دستمزد دیگران کش نمیروند و بنابراین احتیاجی به دیکتاتور و شکنجه‌گر و زندانبان ندارند.

یعقوب عزیز، از این راه دور حرفهائی را با شما مطرح میکنم که اگر از نزدیک شما را می‌شناختم حتماً يك جور دیگری آنها را مطرح میکردم. من دقیقاً نمیدانم که شما و سندیکائی که عضو آن هستی علی‌العموم و به لحاظ سیاسی در کجا ایستاده‌اید. اما راستش در حال حاضر مسئله من موضعگیری سیاسی نیست. شما و سندیکایتان هم اکنون و به لحاظ اجتماعی در مکان درستی ایستاده و پیشقراول راهی هستید که تماماً به نفع طبقه ماست. به این دلیل این نامه‌ام، که از طریق شما و مهدیه خطاب به کلیه کارگران مبارز شرکت واحد تهران و حومه است، گویای سیاسی است که در دل من نسبت به شما ایجاد شده است.

این يك اطلاع همگانی است که در حال حاضر طبقه ما ضعیف است و یکی از دلایل مهم این ضعف محرومیت کارگران از تشکلهای اصیل کارگری و تودمئی است. کارگران طی سالها تلاش زیادی برای رفع این کمبود بعمل آورده و هنوز می‌آورند. راه اندازی دوباره سندیکای کارگران شرکت واحد و حومه و اعلام علنی آن در تاریخ 13 مهر 83 نشانه به ثمر رسیدن بخشی از این تلاشها در یکی از حیاتی‌ترین رشته‌هاست. شما با اینکار نه تنها پیشاهنگ کل طبقه کارگر برای ایجاد تشکل تودمئی اصیل کارگری شدید، بلکه در عمل حکم انحلال دم و دستگاه جاسوسی خانه کارگر و شوراهای اسلامیش را صادر کردید. میزان خشونت اوباش خانه کارگر، شورای اسلامی و حراست شرکت واحد، که ما در 19 اردیبهشت 84 شاهد گوشه‌ئی از آن بودیم، از اینجااست. به همین جهت است که دولت و بورژواها با تمام توحش و امکاناتشان در مقابل شما ایستاده و به بجهی 2 ساله و کودک 12 ساله شما رحم نمیکنند. ما فعالین کارگری و همه کارگران بایستی سندیکای شما را در در این مقام بشناسیم و از آن دفاع کنیم و مادام بر همین مسیر هستید بر دامنه دفاع و پشتیبانی خود بیافزائیم. من شك ندارم که هم اکنون دهها هزار کارگر در بخشهای نفت، گاز، پتروشیمی، ذوب آهن، صنایع الکتریکی و الکترونیکی، ماشین سازیها، معادن، مزارع، کارگاهها و سایر مراکز کاری از ته قلب پشتیبان شما و مبارزه شمايند و اگر این حمایت جنبه مادی پیدا نکرده دلایل محرومیت آنها از يك تشکل تودمئی اصیل، مستقل از دولت و رزمنده است.

این سندیکا ویزگیهائی را دارد که باید آنها شناخت و تقویت کرد. سندیکا بر اساس استانداردهای بین‌المللی و به اتکا به نیروی تودمئی کارگری بازسازی شده و در صدد تحمیل خود به دولت برآمده است. تشکل شما 8000 نفر از 17 هزار استخدام شده شرکت واحد را سازمان داده است. رژیم با این تصور که این توده عظیم متکی به چند عضو رهبری است در اول دیماه 84 هفت نفر از هیئت مدیره و از جمله آقای اسانلو را دستگیر کرد و توقع داشت که سندیکا فرو بریزد و یا لااقل ناکارا شود. معمولاً سازمانهای درون رژیم بر اساس رابطه امام و امتی سازمانیافته و اگر صندلی را از زیر امام بکنی امام و امت با هم سرنگون خواهند شد. اما پیروزی اعتصاب 4 دیماه 84 نشان داد که کور خوانده‌اند. همین امر قالیباف را مجبور کرد تا تقاضای مذاکره با نمایندگان سندیکا را پیش بکشد. اعضای باقیمانده رهبری بدرستی او را نه به اتاقی در بسته که به استادیوم 12000 نفره کشاند. او ناچار شد در مقابل آن نیروی عظیم کارگری سر تعظیم فرو آورد و قولهایی بدهد که هیچکدام را عملی نکرد و ننگی برای خود و همکاریانش خرید. اما آن تجمع بدلیل اتکای سندیکا به تودهی اعضایش، درسی بزرگ بجا نهاد. در روز شنبه 8 بهمن کاربدستان و ماموران فقط به دستگیری فعالین و هدایتگران سندیکا بسنده نکردند، بلکه به قولی 1300 نفر را دستگیر نمودند و در زندانهایشان جا برای نگهداری بازداشت شدگان نیافتند. راستش اگر 1300 نفر از يك حزب بزرگ را میگرفتند، دیگر آن تشکل قادر به فعالیت نمیبود. اما این ضربه سندیکای شما را از کار نیانداخت هیچ بلکه کارگران بیشتر و بیشتری به صف جلو آمدند، خانواده‌های دستگیر شدگان فعال شدند، نیروهای دانشجو و سایر مردم مبارز به شما پیوستند و صفی از مبارزه در جامعه شکل گرفت که الهام بخش است.

یعقوب عزیز، تا همینجا سندیکای شما نشان داده است که ایجاد تشکل تودمئی اصیل و مستقل کارگری ممکن است و خانه کارگر، شوراهای اسلامی، حراست، اطلاعات، زندان و شکنجه سدهائی هستند در هم شکستنی. من میدانم که کاری دشوار و مبارزئی پیچیده در مقابل دارید و تداوم کاری شما بستگی دارد به پشتیبانی عملی و موثر عاجل و نیز تلاش برای سازمان دادن دهها و صدها تشکل تودمئی کارگری و مستقل دیگر. این مبارزه بهرکجا که برسد، سندیکا پیشاهنگ شما تا همینجا کاری تاریخی صورت داده است. در ضمن مبارزات شما سبب شده است که پیوند بین طبقه کارگر ایران و بقیه همطبقه‌ئی‌هایش در جهان وسیعاً گسترده شود. افتخار بر شما و خانواده‌تان و افتخار بر همه کارگران مبارز شرکت واحد، خانواده‌هایشان و نیز پشتیبانان شما.

علی خدری - تاریخ نوزدهم فوریه 2006

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

[\(تشکر از کلیه مجامع کارگری و سندیکاهای جهانی\)](#)

سندیکای کارگران شرکت واحد از کلیه مجامع کارگری و سندیکاهای جهانی در رابطه

با حمایت های بی دریغشان از این تشکل نو پا کمال تشکر و قدر دانی را می نمایم

در پی تلاش ها و اعتراضات رانندگان و کارگران شرکت واحد جهت رسیدن به خواسته های قانونی و صنعتی خود که به طور مستمر و پیگیر تا به امروز ادامه داشته ، می شود به مراجعات متعدد به ادارات کار ، شهرداری ، مذاکرات متعدد با مراجع ذیصلاح و اعتراضاتی چون تحمیل و روشن نمودن چراغ های اتوبوسها و دو مرحله اعتصاب اشاره کرد که در مرحله دوم منجر به دستگیری اعضای هیئت مدیره سندیکا و بیش از ۸۵۰ نفر از فعالین سندیکایی گردید که در حال حاضر ۶ نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکا به نام های :

۱- منصور اسلو ۲- ابراهیم مددی ۳- منصور حیات غیبی ۴- علی زاد حسین
۵- یعقوب سلیمی ۶- ابراهیم نوروزی گوهری در بند ۲۰۹ زندان اوین به جرم تشکیل و ایجاد سندیکا مجبوس می باشند و کلیه کارگران متعرض که در روز اعتصاب دستگیر شده اند از کار بی کار و مسئولین مربوطه به هیچ عنوان پاسخ گوی مسائل و مشکلات رانندگان افرامی نبوده بلکه در حال حمایت از کارفرمایان زورگو می باشند.

لذا به همین جهت سندیکای کارگران و رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اعلام می دارد که خواسته های کارگران و رانندگان شرکت واحد به حق ، قانونی و صنعتی بوده و تا رسیدن به کلیه خواسته های مشروع و صنعتی کارگران به عنوان نماینده واقعی در کارشان می باشیم . همچنین سندیکا به نمایندگی از طرف رانندگان و کارگران شرکت واحد خواستار:

۱- آزادی بدون قید و شرط تمامی اعضای هیئت مدیره سندیکا
۲- بازگشت به کار کلیه کارگران در حال تعلیق

۳- رسیدن به خواسته های صنعتی و به حق کارگران مانند ترمیم پایه حقوق ، انعقاد پیمان دسته جمعی و انتخاب نماینده واقعی می باشند .

همچنین به اطلاع می رساند که سندیکای رانندگان و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی مستقل و به هیچ حزب و گروهی وابستگی ندارد و از تمامی مجامع کارگری ، مردمی و سندیکاهای جهانی خواستار حمایت از این تشکل نو پا و به حق می باشیم

فراخوان به نشست عمومی جمعی از مدافعان مبارزات کارگری

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

هم دلی از هم زبانی خوش تر است

ایرانیان محترم، عزیزان علاقه مند به سرنوشت و مبارزات طبقه کارگر با نگاهی کوتاه به جامعه ایران براحتی می توان دریافت که بخش عظیمی از آن علیرغم کار و تلاش زیاد چگونه از بدبختی ترین ملزومات یک زندگی معمولی و در شأن انسان بی بهره و محرومند. اخراج وسیع کارگران و کارکنان موسسات مختلف، عدم پرداخت حقوق معوقه، اعمال قرار داد کار پیمانی و موقت، کثرت سوانح کار، بکارگیری و استئمار کودکان، پائین نگهداشتن دستمزدها و بخصوص دستمزد زنان، نقص و یا نبود بیمه های بهداشتی و بیمه های بیکاری، عدم پوشش سراسری بیمه های بازنشستگی و مهمتر از همه سرکوب و جلوگیری از ایجاد هرگونه نهاد و تشکل مستقل کارگری که بدون نفوذ دولت و کارفرماها قادر به دفاع از حقوق شاغلین باشد، عملاً زندگی را برای تمامی زحمتکشان جامعه غیرقابل تحمل کرده است. از آنجایی که هرگونه دستیابی به این حقوق جز از طریق ایجاد تشکلات مستقل کارگری امکانپذیر نیست، جمع های زیادی در ایران همچون کمیته همبستگی، کمیته هماهنگی و کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، سندیکای شرکت واحد، انجمن صنفی معلمین، انجمن صنفی پرستاران و ده ها کمیته های اعتصاب و صندوق های تعاون کارگری همواره علیرغم سرکوب گسترده و دستگیری فعالین این مجامع، سعی در ایجاد تشکلات مستقل و تحمیل آن به کارفرمایان و دولت بوده و میباشند.

بدنبال اوج گیری مبارزات کارگری در سالهای اخیر همچون اعتراضات کارگران صنایع تولیدی، معلمین، پرستاران، کارکنان حمل و نقل، کارگران موقت، بیکاران و ... در ایران، همزمان بخشی از ایرانیان مقیم خارج در شهرها و کشورهای مختلف بعنوان علاقه مندان به مسایل جامعه کارگری سعی در ایجاد کمیته ها و کانون های حمایت و همبستگی با کارگران و زحمتکشان جامعه کرده تا بتوانند به دور از هرگونه تحلیل سیاسی در رابطه با گرایشات درون جنبش کارگری ایران در دفاع از اصلترین خواست آنان یعنی ایجاد تشکل های مستقل از دولت و کارفرما جهت احقاق حقوق انسانی شان در کنار آنان بوده و از طرق مختلف حامی آنان باشند. از آنجایی که همبستگی و دفاع از حقوق انسانی و بطور مشخص دفاع از کارگران هیچگونه مرز ملی، مذهبی و ایدئولوژیک را برنمی تابد، به اعتقاد ما علاقه مندان به سرنوشت و مبارزات جامعه کارگری دارای این توانایی و قابلیت هستند که با متمرکز کردن فعالیت های خود در یک ظرف، تبدیل به بلندگو و زبان کارگران در خارج از کشور شده و به اشکال مختلف یار و یاور آنان بوده و در کنار آنان قرار گیرند.

ما بر این اعتقادیم که ایجاد هرگونه انجمن، کانون، کمیته، و یا هر ظرف دیگری به منظور همبستگی با کارگران و حمایت از حقوق آنان بدون شرکت هرچه وسیعتر علاقه مندان به سرنوشت مبارزات زحمتکشان امکان پذیر نیست لذا از تمامی علاقه مندان، دعوت به عمل آورده که دست در دست یکدیگر گذاشته و در چهارچوب این پلتفرم مختصر پیشنهادی، امر همبستگی با کارگران را از طریق زیر به پیش ببریم: - پشتیبانی از مبارزات کارگران در جهت بهبود زندگی روزمره و معیشتی آنان، - حمایت از تشکلات مستقل کارگری موجود، - حمایت از کارگران و فعالینی که سعی در ایجاد تشکلات مستقل کارگری می نمایند، - جلب حمایت بین المللی بوسیله انتقال اخبار کارگری و رساندن صدای کارگران ایران به گوش کارگران سایر جوامع - ارتباط تنگاتنگ با اتحادیه های کارگری و همچنین سایر تشکلات و شخصیت های مدافع کارگران جهت جلب حمایت و همبستگی آنان با کارگران ایران و متقابلاً همبستگی ما با مبارزات آنان، - جمع اوری کمک مالی برای خانواده های اعتصابی و کارگران زندانی، - و انتقال تجارب تشکلات و جنبش های کارگری سایر کشورها به کارگران ایران میتوان به دوراز هرگونه اختلاف نظر سیاسی، سازمانی و عقیدتی در جهت عملی کردن این پیام ساده که " کارگران ایران تنها نیستند " گامی هرچند کوچک برداشت.

ظرف پیشنهادی ما برای عملی کردن این اهداف، ایجاد کانون همبستگی با کارگران با مشخصه های زیر میباشد: - سرنوشت فعالیت های آن، عملی کردن اهداف ذکر شده در پلتفرم مختصر و پیشنهادی فوق می باشد - رسیدن به اهداف آن از طریق فعالیت آزاد و داوطلبانه به پیش برده میشود - پیشبرد کارهای آن بر اساس اعتماد، توافق و تصمیمیات جمعی است سخن آخر: از آنجایی که ما نمیخواهیم ظرفی درست کرده و سایرین را به پیوستن به آن فراخوانیم لذا از تمامی صاحب نظران، علاقه مندان و انسانهای شریف که خود را موافق با روح این پلتفرم در کلیت خود می بینند خواهش میکنیم تا گرد هم آمده تا بتوانیم با راهنمایی، کمک و همیاری یکدیگر کانونی با اهداف ذکر شده ایجاد نماییم.

شاد و موفق باشید.

زمان: یکشنبه 12 مارس ساعت: 16

مکان: Bürgerzentrum Nippes

Köln-Nippes 50733 Turmstr. 3-5

با احترام: جمعی از مدافعین مبارزات کارگری در ایران (برگزارکنندگان تظاهرات در دفاع از مبارزات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در شهر کلن)

برای کسب اطلاعات بیشتر میتوانید با تلفن 01744912843 و یا ایمیل info_kargari@yahoo.de تماس بگیرید.

درخواست آزادی مسنولان سندیکا در نامه ای به رییس قوه قضاییه؛ انجمن دفاع از حقوق زندانیان خواستار تعدیل قرار و آزادی بازداشت شدگان سندیکای شرکت واحد شد

مارچ ۲۰۰۶-اسفند ۱۳۸۴

اینها: انجمن دفاع از حقوق زندانیان در نامه‌ای خطاب به رییس قوه قضاییه، خواستار تعدیل در قرار و آزادی بازداشت‌شدگان سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران شد.

در این نامه خطاب به رییس قوه قضاییه آمده است: مدت‌هاست تعدادی از کارگران صنوف مختلف به خصوص زحمت‌کشان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به نام‌های منصور حیات غیبی، یعقوب سلیمی، ابراهیم مددی، منصور اسانلو، غلامرضا میرزایی، ابراهیمی نوروزی گوهری، افشین بهرامی و ستار امینی در پی حرکتی که به منظور بیان خواست‌های صنفی صورت گرفت، دستگیر و بازداشت شده‌اند. دامنه دستگیری‌ها بسیار گسترده‌تر از این تعداد بوده ولی به جز نامبردگان بقیه آزاد شده‌اند که مشکلات مبرمی در خصوص ادامه اشتغال دارند.

در ادامه این نامه آمده است: به رغم گذشت بیش از يك ماه از تاریخ دستگیری نامبردگان که هم‌زمان مشکلات عدیده‌ای نیز برای خانواده ایشان ایجاد شده بود، هنوز هم دادسرای انقلاب اسلامی تهران تعیین تکلیف نهایی برای نامبردگان نکرده است و تحت شدیدترین قرار تامین ایشان را در بازداشت نگه داشته‌اند و این در حالی است که چنانچه علت صدور چنین قراری انجام تحقیقات مقدماتی بود، به طور قطع در این مدت مجال کافی برای این امر فراهم بوده است و ادامه بازداشت ایشان جز اینکه مشکلی بر مشکلات معیشتی ایشان بیفزاید، الام سایر همکارانشان را نیز خواهد افزود که هیچ‌گونه نفعی برای نظام جمهوری اسلامی نخواهد داشت.

انجمن دفاع از حقوق زندانیان در ادامه نامه خود به رییس قوه قضاییه آورده است: با توجه به اینکه مساله نامبردگان صرفاً تشکیل سندیکای کارگری و پیگیری خواست‌های صنفی بوده و احتمالاً شیوه عملکردشان برای دستگاه‌های امنیتی پسندیده نبوده است و به هر حال انگیزه‌های مجرمانه نداشته‌اند و در نهایت با توجه به اینکه در آستانه عید نوروز قوه قضاییه قصد دارد به ۲۵ هزار نفر از محکومین محاکم مرخصی اعطا کند، شایسته و اولی خواهد بود که دستور فرمایید نامبردگان نیز که هنوز اتهاماتشان به اثبات نرسیده، ضمن تخفیف قرارهای صادره بتوانند از رافت و سعه صدر در نظام جمهوری اسلامی برخوردار شده و در کنار خانواده‌هایشان باشند.

تشکر فعالان و نهاد های کارگری ایران از حمایت های بین المللی

مارچ ۲۰۰۶-اسفند ۱۳۸۴

حرکت ارزشمند و حمایت های گسترده ی کارگران در کشورهای مختلف و اعتراض به دستگیری اعضای سندیکای شرکت واحد، بیانگر همبستگی هر چه بیشتر کارگران جهان است. فراخوان عمومی اتحادیه های کارگری آزاد جهان (ICFTU) و اتحادیه ی بین المللی حمل و نقل (ITF) و سایر اتحادیه های و تشکل های کارگری برای حرکت سراسری در حمایت از کارگران سندیکای شرکت واحد ایران مایه دلگرمی و ادامه فعالیت های کارگری در میان فعالان خواهد شد. بی شک همبستگی کارگران سراسر جهان تنها راه مقابله با جنگ طلبان است.

ما ضمن ارج گذاری به حمایت های بین المللی از تداوم فعالیت ها ی نهادها و کارگران سراسر جهان تشکر می کنیم.

انجمن دفاع از حقوق کارگران ایران

انجمن فرهنگی حمایتی کارگران

جمعی از فعالان اجتماعی

جمعی از روزنامه نگاران

جمعی از کارگران فلزکار مکانیک هیئت موسس

سندیکا حق مسلم کارگران است

سندیکای کارگران شرکت واحد

مارچ ۲۰۰۶- اسفند ۱۳۸۴

باسلام حضور کلیه رانندگان و کارگران زحمتکش در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سندیکای کارگران شرکت واحد فرارسیدن 8 مارس روز جهانی زن را به کلیه کارگران و خانواده‌هایشان تبریک و شاد باش گفته و خواهان رفع هرگونه تبعیض علیه زنان می‌باشد به اطلاع کلیه عزیزان می‌رساند به دلیل بی‌نتیجه بودن کلیه پیگیری‌های این نهاد کارگری با درخواست اکثریت کارگران اقدام به برگزاری دو مرحله اعتصاب در تاریخ‌های 84/10/4 و 84/11/8 نمود که در مرحله دوم متأسفانه به دستگیری تعداد کثیری از اعضای سندیکا انجامید. پس از گذشت بیش از يك‌ماه از اعتصاب دوم که همانا بخاطر احقاق حقوق صنفی و بهبود وضعیت معیشتی کارگران بود تعداد 8 نفر از عزیزان و همکاران فداکارمان بنام‌های

1-منصور اسالو رئیس هیئت مدیره

2-ابراهیم مددی نایب رئیس هیئت مدیره

3-منصور حیات غیبی مسئول کمیسیون تشکیلات

4-غلامرضا میرزایی مسئول روابط عمومی

5-ابراهیم نوروزی گوهری مسئول کمیسیون حل اختلاف

6-یعقوب سلیمی عضو هیئت مدیره

7-افشین بهرامی کارگر ایران خودرو

8- ستار امینی کارگر فلزکار هنوز در زندان اوین محبوس می‌باشند وحتی اجازه ملاقات با وکیل خود را نیز پیدا نکرده‌اند همچنین کلیه اعضای سندیکا که در روز اعتصاب دستگیر شده بودند، پس از آزادی در حالت تعلیق کاری و بلاتکلیفی بسر می‌برند.

بدین وسیله سندیکای کارگران شرکت واحد اقدامات انجام گرفته بر علیه کارگران را صریحاً محکوم می‌نماید و خواهان آزادی بی‌قید و شرط همکاران در بند و بازگشت به کار کلیه کارگران اخراجی می‌باشد و از کلیه نهادهای کارگری، سازمانها و انجمن‌های داخلی و خارجی که تاکنون بطرق مختلف حمایت خود را از این تشکل کارگری اعلام داشته‌اند کمال تشکر و قدردانی را می‌نماید و خواستار پیگیری و حمایت همه‌جانبه از این تشکل نوپا را دارد. باشد تا با یاری کلیه کارگران بتوانیم از حق و حقوق کارگران زحمتکش شرکت واحد دفاع نماییم.

ضمناً سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام مبلغ یکصد و پنجاه هزار تومان، به عنوان پایه حقوق کارگران در سال 1385 را اصلی برای گسترش فقر و پایداری نمودن حقوق این عزیزان می‌داند و خواستار ترمیم حقوق کارگران در سطح خط فقر طبق اعلام بانک مرکزی (350/000 تومان) می‌باشد.

در نامه ای به محمود احمدی نژاد فدراسیون ملی سندیکاهای حمل و نقل (س ژ ت) فرانسه به ادامه بازداشت کارگران سندیکای شرکت واحد اعتراض کرد

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

فدراسیون عمومی کارگران بخش حمل و نقل فرانسه با ارسال نامه ای خطاب به محمود احمدی نژاد که رونوشت آن به ارگان های بین المللی کارگری ارسال شده است، نسبت به ادامه ی بازداشت هشت عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اعتراض کرده است. متن این نامه که توسط «اتحاد بین المللی حمایت از کارگران ایران- پاریس» در اختیار رسانه ها گذاشته شده به این شرح است:

آقای ریاست جمهوری صدها فعال سندیکایی و خانواده هایشان در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در بازداشت به سر می برند من به نام «فدراسیون عمومی کارگران بخش حمل و نقل که 40000 کارگر را در فرانسه نمایندگی می کند برای شما می نویسم تا نسبت به موج اخیر دستگیری های فعالان سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی و خانواده های آنها به شدت اعتراض کنم. همچنین نسبت به دستگیری هشت عضو هست اجرایی سندیکای کارگران شرکت واحد و نیز تداوم بازداشت مسول آنها و همکار ما آقای منصور اصائلو.

فدراسیون عمومی کارگران بخش حمل و نقل اطلاع پیدا کرده اند که در جریان اعتصاب 28 ژانویه که برای آزادی منصور اصائلو، به رسمیت شناخته شدن سندیکا و نیز عقد قرارداد جمعی بوده است نیروهای انتظامی از گاز اشک آور و باتون استفاده کرده و حتی تهدید کرده اند که برای متفرق کردن اعتصاب دست به تیراندازی خواهند زد.

برخی از کارگران به زور به کار وادار شده اند، بعضی مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند و یا برای بازجویی به زندان افکنده شده اند. پاره ای از گزارش ها حکایت از آن دارد که در حدود 30 کارگر به شدت زخمی شده اند و نیاز به مداوای پزشکی داشته اند. عده ای به جای این کارگران اعتصابی به کار گمارده شده اند و تهدیداتی بر علیه کارگران مطرح شده است.

قبل از اعتصاب، در 26 ژانویه هشت عضو هیات اجرایی سندیکای کارگران شرکت واحد به دادگاه احضار شده و بدنبال آن بازداشت و به زندان اوین منتقل شده اند، همان زندانی که منصور اصائلو همچنان تحت مراقبت شدید در بازداشت به سر می برد، بدون آنکه به وکیل یا مراقبت های پزشکی دست داشته باشد، هر چند که وضعیت سلامتی وی وخیم می باشد.

این سرکوب های مستمر اتحادیه های صنفی نشان می دهد که حکومت شما همچنان حاضر نیست تعهدات بین المللی خود را به عنوان یکی از اعضای سازمان جهانی کار به رسمیت بشناسد، بخصوص در رابطه با رعایت اصول آزادی تجمعات و قراردادهای جمعی. به همین خاطر من مصرانه از شما می خواهم که اقدامات لازم را در زمینه های امنیتی و حقوقی بردارند تا آقای منصور اصائلو نیز صدها نفر دیگر از فعالان کارگری بازداشت شده آزاد شده و تمامی پیگردها بر علیه آنان برداشته شود، به همین ترتیب که حکم های صادر شده بر علیه فعالان سندیکای خبازان سقر.

من در انتظار اقدام سریع و تعیین کننده شما در باره ی این موضوعات هستم.

با احترام .

دبیر او سندیکا (س ژ ت) فرانسه – بخش حمل و نقل

آلن رنو رونوشت برای آقای گی ریدر، دبیر اول سندیکای آی سی اف تی یو

آقای داوید کروکت، دبیر اول آی تی اف

هیئت نمایندگی دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد و نیز سایر سازمان های بین المللی در ژنو

ترجمه و تکثیر از «اتحاد بین المللی حمایت از کارگران ایران- پاریس»

به مادر و همسر آقای منصور اصائلو اجازه ملاقات داده نشد

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

روز دو شنبه 15 اسفند ماه آقایان مددی، گوهری، سلیمی و حیات غیبی بمدت 15 دقیقه با خانواده هایشان ملاقات نمودند. اما به آقای اصائلو اجازه ملاقات ندادند. همسر و مادر آقای اصائلو را از 8 صبح الی 4 عصر در زندان اوین سر دواند و منتظر نگه داشتن ، اینقدر فشار به این خانواده آمد که مادر آقای اصائلو از حال رفتند و مجبور شدند بدون دیدار با عزیزشان برگردند.

تظاهرات سندیکایی بین المللی در اعتراض به سرکوب ها در ایران

برونو دالبرتو مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

تظاهرات سندیکایی در کشورهای مختلف دنیا به دعوت جنبش جهانی سندیکاها صورت گرفت و هدف آن این بود که نسبت به بازداشت جمع کثیری از کارگران سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران اعتراض کند. حدود 1300 نفر از تظاهر کنندگان در جریان اعتصاب 28 ژانویه بازداشت شدند، در حالی که پلیس تلاش می کرد تا با ضربات باتون و گاز اشک آور آنها را سرکوب کند. این تظاهرات در اعتراض به بازداشت رهبر سندیکای منصور اصائلو بود که در تاریخ 22 دسامبر گذشته به بهانه های واهی بازداشت شده است. اغلب افراد بازداشت شده روز 12 فوریه آزاد شدند به استثنای چند نفر از اعضای هیات اجرایی سندیکا. سه تن از این افراد در تاریخ 13 فوریه آزاد گشتند و سرانجام هفت نفر دیگر دیروز آزاد شدند. هشت عضو کمیته از جمله منصور اصائلو همچنان در زندان بسر می برند.

سندیکاهای حمل و نقل در مصر، تونس، مراکش، سندیکای پتروشیمی در اردن و نیز سندیکاهای بخش راه آهن و دریایی تونس تظاهراتی را در این باره شکل دادند. در عراق اعضای فدراسیون عمومی کارگران عراقی ضمن تظاهراتی در مقابل محل اقامت سفیر ایران در عراق نامه ای را به او داد.

تظاهرات دیگری نیز در کشورهای زیر روی داد : اتریش، استرالیا، کانادا، کره، ایالات متحده، هند، ژاپن، زلاند نو، فیلیپین، بریتانیا، روسیه و تایلند برگزار شد. همچنین کنفدراسیون سندیکاهای آزاد، اتحادیه شبکه ی بین المللی و نیز بین الملل خدمات عمومی یک اقدام مشترک را در مقابل سفارت ایران در ژنو سویس برگزار کردند.

بدنبال تظاهراتی که در لندن روی داد «ادی دیکسون» دبیر اول بخش حمل و نقل داخلی اعلام داشت : «هنگامی که کارگران حاضرند به مقابله با دولت های تمامیت خواه خود بپردازند تا حقوق سندیکای خود را بدست آورند، سندیکاها در سراسر جهان خود را موظف می دارند که به آنها یاری رسانند. بسیار خوشحالم که کارگران همبستگی بین المللی با همکاران ایرانی خود را ابراز داشته اند.» توضیحات دیگر در :

<http://www.itfglobal.org/urban-transport/tehranbuses.cfm>

برونو دالبرتو فدراسیون عمومی کارگران حمل و نقل فرانسه (س ژ ت) مجمع « بین الملل – اروپا»

ترجمه و باز تکثیر از اتحاد بین المللی حمایت از کارگران در ایران- پاریس

Bruno DALBERTO

Fédération CGT des Transports

« Collectif » International – Europe

Case 423 263 rue de Paris 93514 Montreuil cedex

Tel : (+33) 6 07 57 75 28 (+33) 1 48 18 80 80

b.dalberto@wanadoo.fr

تعیین 100 میلیون تومان وثیقه برای آزادی کارگران شرکت واحد

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

یکی از فعالین شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه روز دوشنبه 22 اسفندماه در گفتگو با رادیو برابری آخرین وضعیت کارگران زندانی و آزاد شده این شرکت را تشریح نمود.

این کارگر عضو سندیکا که از نکر نامش خودداری نمود گفت: قاضی مسئول پرونده برای آزادی 7 عضو هیئت مدیره سندیکا که همچنان در زندان هستند مبلغ 100 میلیون تومان وثیقه تعیین نموده است که این مبلغ از توان خانواده کارگران خارج می باشد و با اعتراض آنان روبرو شده است.

این فعال سندیکایی همچنین از اولین ملاقات خانواده غلامرضا میرزایی با وی خبر داد.

وی همچنین گفت که کارگران آزاد شده شرکت واحد همچنان در بلاتکلیفی به سر می برند و قرار بود که روز یکشنبه با مدیران شرکت مذاکره کنیم که هیچ یک از مدیران در محل شرکت حضور نداشتند.

گفتنی است که منصور اسانلو، ابراهیم مددی، منصور حیات غیبی، ابراهیم گوهری، غلام رضا میرزایی، سعید تریان و سید داوود رضوی از اعضای هیئت مدیره سندیکا همچنان در زندان هستند.

اطلاعیه بنیاد کار در رابطه با اخراج فعالین کارگری شرکت واحد

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

حکم اخراج باید هر چه زودتر لغو شود!

حکم اخراج ۴۶ نفر از کارگران شرکت واحد تهران و حومه از طرف مدیریت این شرکت به کارگران ابلاغ شد. در نامه ای که تحت عنوان "تسویه حساب" از طرف کارگزینی و سرپرست امور اداری به معاون امور مالی این شرکت ارسال شده اسامی ۴۶ نفر از کارگران آمده است. از ۱۹ نفر عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد ۱۷ نفر، از اعضای اللبدل هیئت مدیره سندیکا ۵ نفر و یکی از بازرسان سندیکا جزء کارگران اخراجی میباشند.

جمهوری اسلامی و مدیریت شرکت واحد با اتخاذ این سیاست در صدد از بین بردن سندیکای این شرکت میباشند. پایه این سیاست بر این فرض غلط متکی است که گویا با اخراج ۴۶ نفر میشود از دست سندیکای شرکت واحد خلاص شد. اما آنها فراموش کرده اند که همین چند هفته پیش برای مقابله با اعتصاب هزاران کارگر این شرکت مجبور شدند ۸۵۰ نفر را دستگیر کنند. فراموش کرده اند که سندیکای شرکت واحد دارای ۱۲۰۰۰ عضو است. فراموش کرده اند که سندیکا بر بستر نیاز ۱۷ هزار کارگر و کارکن شرکت واحد تهران و دهها هزار نفر از کارکنان اتوبوس رانی شهری در دیگر شهرهای ایران ایجاد شده است. جمهوری اسلامی و مدیریت شرکت واحد با ابلاغ حکم اخراج قصد دارند نان خانواده های کارگری را گرو گرفته و از توده کارگری زهر چشم بگیرند. میخواهند به کارگران بگویند در صورت پافشاری بر بازپس گرفتن طلب هایشان با این سرنوشت روبرو خواهند شد.

کارگران شرکت واحد!

فعالین کارگری و اعضای هیئت مدیره سندیکا دارند تاوان دفاع از حقوق همه شما را پس میدهند. آنها دارند تاوان پافشاری بر عهد و رفاقت جمعی را میدهند. آنها را اخراج میکنند تا طلب همه شما را بالا بکشند. کارگران اخراجی، خانواده ها و فرزندان آنها را تنها نگذارید! با تجدید همبستگی با آنها خواهان لغو حکم اخراج شوید! فعالین و نهادها و تشکلهای کارگری، در داخل و خارج از کشور، که در چند ماهه اخیر با پشتیبانی از مبارزات کارگران شرکت واحد یار و یاور آنها بودند نباید کارگران اخراجی را تنها بگذارند. تا لغو حکم اخراج، این کارگران به کمک های معنوی و مادی ما احتیاج دارند. بنیاد کار برای هر چه پربرتر شدن این حمایت تمام تلاش خود را بکار خواهد بست.

شورای هماهنگی بنیاد کار

۱۲ مارس ۲۰۰۶

تن از کارگران شرکت واحد را از کار اخراج کرد رژیم ضدکارگری اسلامی ۴۶

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

رژیم ضدکارگری اسلامی حاکم بر ایران در یک اقدام سرکوبگرانه و ضدکارگری، ۴۶ تن از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را از کار اخراج کرد. رژیم که نتوانست این کارگران را با زندانی کردن و تهدید و تعهد مجبور کند دست از مطالبات و حقوق صنفی خود بردارد، در یک اقدام ضدانسانی از بازگشت به کار صدها تن از کارگران شرکت واحد جلوگیری کرد و اکنون طی ابلاغیه ای بتاريخ ۱۸ اسفند ۱۳۸۴، حکم اخراج ۴۶ تن از آنان را صادر کرد، تا به این وسیله خیال خود را از بابت اعتراضات کارگری در شرکت واحد و از همه مهمتر خواست کارگران به داشتن تشکلهای مستقل کارگری را برای "همیشه" سرکوب کند.

اقدامات اعتراضی شجاعانه کارگران شرکت واحد به ویژه اعتصاب اخیر این کارگران که در سطح گسترده ای سرکوب و به زندانی شدن صدها تن از آنان انجامید، خط قرمز رژیم را در نوردید و به عنوان برگ بی نظیری از تاریخ جنبش کارگری ایران به ثبت رسید. رژیم که عمیقاً درگیر بحرانهای داخلی و بین المللی است، از یک سوی برای بقای خود دست به سرکوب می زند و از سوی دیگر برای وارد شدن به معاملات اقتصاد جهانی مجبور است برخی قوانین بین المللی را به صورت صوری به پذیرد. رژیم برای وارد شدن به تجارت آزاد جهانی، ناچار شد برخی مقاولهنامه های سازمان جهانی کار را امضاء کند. این مقاولهنامه ها حق اعتصاب و تشکلهای مستقل کارگری را برسمیت شناخته اند. رژیم علی رغم امضای این مقاولهنامه ها، از برسمیت شناختن حق اعتصاب و تشکیل آزادانه تشکلهای کارگری خودداری می کند و چون مجبور است نشان دهد که به این مقاولهنامه پایبند است و در عین حال بنا به ماهیت ارتجاعی و ضدکارگری آن حاضر نیست هیچ جریان صنفی و سیاسی جدای از حکومت شکل گیرد، اقدام به تنظیم اساسنامه جدیدی کرده که براساس آن قرار است تشکلهائی بنام انجمن های صنفی کارگری شکل بگیرند که تا حدودی با شوراهای اسلامی کار تفاوت دارند، اما این تشکلهای با هزار و یک رشته همچنان در قید و بند حکومت خواهند بود. سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که به دست خود کارگران تشکیل شده است، با مفاد این انجمن ها و کارکرد آنها کاملاً مغایرت دارد و سدی است در مقابل تشکلهای کارگری حکومتی.

کارگران ایران طی ۲۶ سال حکومت ننگین رژیم جمهوری اسلامی به تجربه آموختند که تشکلهائی که حکومت بنام آن‌ها ایجاد کرده، به استمرار استثمار آن‌ها و مکیدن شیره جانشان توسط یک مشت صاحب سرمایه یاری رسانده و هرگز آن‌ها را در هر لباسی که ظاهر شوند نخواهند پذیرفت.

کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید) از مجامع محلی و بین المللی کارگری، سازمان‌ها و فعالان کارگری، از آزادی‌خواهان و طرفداران جنبش کارگری می‌خواهد به هر وسیله‌ای که صلاح می‌دانند، نسبت به روند جدید سرکوب کارگران ایران و اخراج کارگران شرکت واحد اعتراض و خواستار برگشت به کار آن‌ها شوند.

کانون زندانیان سیاسی ایران(در تبعید)

۲۲ اسفند ۱۳۸۴ برابر با ۱۳ مارس ۲۰۰۶

هیچ نهاد و مسئولی پاسخگو نیست

اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

گفتیم که نان نداریم، دندان نشانمان داد؛ زندان نصیبمان شد، این گونه نانمان داد نان شد به قیمت خون، خون مفت مفت اما، نان قیمتش نه این بود، مفتی گرانمان داد رونق گرفت از ما، دشمن همیشه کارش، حنس کساد را او، دست دکانمان داد افتادیم از اسب، اما ز اصل هرگز، سرهای سبز بر باد، تیغ زبائمان داد باید دوباره رویی، افتاده گر درختی، نامردی اگر چه، دست خزائمان داد منصورها همیشه، همزاد دار بودند، در خون تپیدن تو، از جا تکانمان داد یاد بخیر باد!، آزاد پا که در بند، هرگز نمیرد آن که، ره را نشانمان داد خاموش و لال بودیم، رو به زوال بودیم، فریاد بر حق تو، گوش و زبائمان داد چون ناله مانده بودیم، در کوچه کوچه نی، آه کشیده ی تو، فن بیائمان داد.

پس از عرض سلام حضور کلیه ی هموطنان و کارگران به خصوص رانندگان شرکت واحد به اطلاع می‌رساند: در پی اعتراضات متعدد رانندگان که سرانجام در تاریخ 84/11/8 به اعتصاب کشیده شد، در همان ساعات اولیه با باثدت سرکوب گردید و منجر به دستگیری تعداد کثیری از همکاران مخصوصا اعضای هیات مدیره و خانواده ی گروهی از این اعضا گردید، تا به امروز نه تنها مشکلی از مشکلات این قشر زحمتکش و آسیب پذیر حل نشد، بلکه از کار کردن تمام اعضای هیات مدیره و فعالان سندیکایی جلوگیری به عمل آمده و هیچ یک از مسئولین پاسخ گوی رانندگان معترض نمی‌باشند و حتی احکام اخراجشان را نیز تحویل نداده اند و ادارات کار نیز هیچ توجهی در رابطه با شکایت کارگران نکرده و حتی از دادن رسید برای شکایت ایشان نیز ممانعت به عمل می‌آورند. کارفرما بدون برگزاری کمیته ی تخلفات تعداد چهل و شش نفر از اعضای هیات مدیره سندیکا و فعالان سندیکا را اخراج نموده و با اعلام این که تنها با امضاء تسویه حساب احکام اخراج را تحویل می‌دهند، که این خود نقض صریح قانون می‌باشد، و با پرسش کارگران در مورد رفتار فوق تنها به این بسنده می‌کنند که اخراج کارگران مربوط به شورای تامین استان می‌باشد. برای کارگران مهم است بدانند وقتی مسئولین ما در رسانه های جمعی در مورد سندیکاهای فرانسه و آمریکای جنوبی به نقد و بررسی کارشناسانه می‌پردازند، پس چرا فعالان سندیکایی که در راه احقاق حقوق صنفی خود فعالیت می‌کنند باید در زندان باشند و فعالان معترض از کار بی کار شوند. آیا این عدالت اجتماعی است که کمترین حقوق رانندگان و کارگران شرکت واحد باید نادیده گرفته شود؟ سندیکای کارگران شرکت واحد بار دیگر خواسته های کارگران شرکت واحد را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

الف) آزاید بی قید و شرط همکاران سندیکایی به نام های

1. منصور اسالو،

2. ابراهیم مددی،

3. ابراهیم نوروزی گوهری،

4. منصور حیات غیبی،

5. غلامرضا میرزایی،

6. یعقوب سلیمی،

7. افشین بهرامی،

8. ستار امینی، که در پی اعتراضات صنفی دستگیر شده اند.

ب) بازگشت به کار کلیه فعالان سندیکا که از تاریخ دستگیری تا به حال در حالت تعلیق از کار به سر می‌برند.

ج) ترمیم دستمزد و حقوق و حضور نمایندگان واقعی کارگران در کمیته تعیین دستمزد و حقوق.

ضمنا سندیکای کارگران شرکت واحد از کلیه نهادها، انجمن ها، تشکلات کارگری داخلی و تمام سندیکاهای کارگری دنیا و حقوق بشر و بین الملل تقاضامندیم تا از سندیکای کارگران شرکت واحد حمایت نموده تا این تشکل نوپا بتواند مرحمی بر زخم های کهنه ی کارگران کشور عزیزمان ایران باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه – دبیرخانه

1384 اسفند 25

بزرگ ترین نهادهای کارگری جهان در نامه ای به احمدی نژاد

خواهان آزادی کارگران زندانی در ایران شدند

(ICFTU) فدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری
(ITF) فدراسیون جهانی ترانسپورت (EI) آموزش جهانی

مارچ ۲۰۰۶ - اسفند ۱۳۸۴

فدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری (ICFTU)

آموزش جهانی (EI)

فدراسیون جهانی ترانسپورت (ITF)

تداوم بازداشت رهبران سندیکای کارگران شرکت واحد

آقای محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران

آقای رئیس جمهور دقیقاً یک ماه از زمانی می گذرد که "اتحادیه های جهانی" از تشکلات عضو خود در سراسر جهان درخواست کرد که در روز بین المللی حمایت از کارگران ایران (15 فوریه 2006) نسبت به دستگیری گسترده کارگران شرکت واحد اعتراض کنند. اتحادیه های کارگری در سراسر جهان از این ابتکار در همان روز و یا در زمان نزدیک به آن در کشورهای واقع در پنج قاره دنیا حمایت کردند. از جمله این کشورها عبارت بودند از: آرژانتین، استرالیا، اتریش، بنگلادش، بلژیک، برمه، کانادا، شیلی، کلمبیا، دانمارک، مصر، فرانسه، آلمان، هندوستان، ایتالیا، عراق، ایرلند، ژاپن، اردن، جمهوری کره، لیتوانی، لوکزامبورگ، مالزی، رومانی، روسیه، اسپانیا، سوئد، سوئیس، تایلند، تونس، انگلستان و آمریکا. پس از آن، اتحادیه های کارگران ترانسپورت در کشورهای مصر، اردن، مراکش، فلسطین، تونس و یمن به این اقدام پیوستند.

ما خرسندیم از اینکه اکثریت کسانی که دستگیر شده بودند، اکنون آزاد شده اند. با این وجود این غیر قابل قبول است که رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد، منصور اسانلو و نیز دیگر اعضای هیئت مدیره و مسئولین سندیکا، آقایان ابراهیم مددی، منصور حیات غیبی، یوسف مرادی، یعقوب سلیمی، علی ذات حسینی و محمد ابراهیم ذات گوهری هنوز در بازداشت بسر می برند. بعلاوه منابع ما گزارش کرده اند که سخنگوی سندیکا، غلام رضا میرزایی در اوایل ماه مارس دستگیر شده است. افزون بر این گزارش شده است که نزدیک به هزار نفر از کارگرانی که در اعتصاب، شرکت کرده بودند، نتوانسته اند به سرکار بر گردند. طبق بعضی از گزارشها مدیریت شرکت واحد در 9 مارس رسماً دستور اخراج 46 نفر از کارگران اعتصابی را صادر کرده و در حال حاضر مشغول بررسی پرونده هزار نفر از کارگران به منظور اخراج آنها است.

اتحادیه های کارگری در سراسر جهان با شرکت گسترده خود در روز بین المللی حمایت از کارگران ایران در 15 فوریه، حمایت عمیق خود را از رانندگان شرکت واحد و خواسته های آنان مبنی بر به رسمیت شناختن سندیکا، پرداخت حقوق های معوقه و حق انعقاد پیمانهای دستجمعی، نشان دادند. این خواسته ها کاملاً به حق و از حقوق بنیادی همه کارگران است.

جمهوری اسلامی در زمانی که به عضویت سازمان جهانی کار (ILO) در آمد، این حقوق بنیادی را پذیرفت و به دلیل عضویت اش در این سازمان، به طور اکید ملزم است که به اصول آزادی تشکل و پیمانهای دستجمعی احترام بگذارد.

بنا بر این "اتحادیه های جهانی" به نمایندگی از سوی فدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری (ICFTU)، فدراسیون های جهانی اتحادیه ها و کمیته مشورتی اتحادیه ها در سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD) از شما می خواهد که از مقامات قضایی مربوطه درخواست کنید که دستور آزادی فوری و بدون قید و شرط رهبران سندیکا را صادر کنند.

بعلاوه ما خواستار آنیم که شرکت واحد، تمام کارگرانی که دستگیر شده بودند و نیز کارگرانی را که این شرکت، خودسرانه اخراج کرده است به سر کار باز گرداند.

در پایان اینکه گزارش گردیده که افشین بهرامی عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و ستار امینی کارگر کارخانه ایران خودرو نیز دستگیر شده اند. ما همچنین خواهان آزادی آنها هستیم.

ما به همراه اتحادیه های وابسته به خود، این مسائل را همانند سابق به دقت تحت نظر قرار خواهیم داد. فدراسیون جهانی اتحادیه های آزاد کارگری تاکنون نشست هایی با نهادهای اتحادیه اروپا در باره این دستگیری ها و تداوم بازداشت رهبران سندیکای شرکت واحد داشته است و در صورت خود داری دولت شما از آزاد کردن همه کارگران دستگیر شده، این نهادها را همچنان در جریان امر قرار خواهد داد. به همین گونه ICFTU در زمان مقتضی این مسایل را به نهاد های ناظر بر سازمان جهانی کار گزارش خواهد کرد.

در انتظار اقدام فوری و موثر شما در این موارد هستیم .

با احترام

گای رایدر دبیر کل ICFTU

دیوید کوک رافت دبیر کل ITF

فرد وان لیوون دبیر کل EI

رونوشت به :

آقای جوان سومواوایا دبیر کل اداره جهانی کار

جناب منوچهر متکی وزیر امور خارجه

جناب علیرضا معیری نماینده دائمی ایران در سازمان ملل در ژنو

ترجمه و تکثیر از: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

www.etehadbinalmelali.com

alliance@workers-iran.org

منصور حیات غیبی مجدداً دستگیر شد

کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید

بنا به گزارش کانون زندانیان سیاسی ایران در تبعید، امروز دوشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۸۴، تنها چند ساعت مانده به تحویل سال نو، ماموران امنیتی رژیم منصور حیات غیبی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را که کمتر از ۲۴ ساعت از آزادی وی می‌گذشت دستگیر کردند. منصور حیات غیبی دیروز همراه دو تن دیگر از اعضای هیئت مدیره سندیکا با وثیقه آزاد شده بود. شنیده‌ها حاکی از آن است که سعید مرتضوی، دادستان رژیم در تهران، حکم دستگیری مجدد حیات غیبی را صادر کرده است و قبلاً نیز کویا گفته بوده که اگر وی را آزاد کنند، باز هم دستگیرش خواهد کرد. گفته می‌شود، منصور اسانلو نیز به حکم مرتضوی هنوز در زندان به سر می‌برد.

یاری به رانندگان شرکت واحد را تداوم ببخشیم

اتحاد کمیته های کارگری

مارچ ۲۰۰۶ - فروردین ۱۳۸۵

پس از اعتصاب حق طلبانه رانندگان شرکت واحد ، و تهاجم وحشیانه و بازداشت تعداد زیادی از رانندگان آن شرکت ، با حمایت و مبارزه فعالین جنبش کارگری در داخل کشور، خانواده دستگیر شدگان و حمایت کارگران در خارج کشور ، اکثریت بازداشت شدگان آزاد شدند ، اما 8 نفر از فعالین این سندیکا و از جمله منصور اسانلو هنوز در بازداشت به سر می برند، و 300 نفر از رانندگان عملا اخراج شده اند و حکم اخراج 46 نفر رسماً اعلام گردیده است .

لذا ضروری است یک بار دیگر به یاری رانندگان شرکت واحد بشتابیم. باید در حد توانمان و با همکاری و اتحاد ، رژیم را به عقب نشینی وادار نماییم . اطلاعیه ها و اجتماعات داخل و خارج کشور ، حمایتهای دانشجویی ، مبارزه مشترک خانواده های رانندگان شرکت واحد و خبر رسانی و افشا گری و... را دست کم نگیریم . همه اینها در حد خود موثر است و تنها عاملی است که می تواند به رانندگان شرکت واحد یاری رساند . با همکاری بیشتر و اتحاد عمل قادریم نیروهای پراکنده خود را قوی تر به میدان مبارزه بیاوریم و در نهایت نتیجه بهتری خواهیم گرفت.

اتحاد کمیته های کارگری - 84/12/26

آخرین اخبار از منصور اسانلو

آوریل ۲۰۰۶ - فروردین ۱۳۸۵

اسانلو در سلول انفرادی در بند امنیتی 209 زندان اوین که متعلق به اطلاعات سپاه است در سلامت کامل و روحیه ای بالا به سر می برد. این خبر را ناصر زرافشان در دیداری که با جمعی از دانشجویان در ایام نوروز که به مرخصی آمده بود بیان کرد.

ایشان افزودند که اسانلو در سلامت جسمی مطلوبی به سر می برند و حاضر نشده است به خواست های بازجویان مبنی بر اعترافات واهی و یا عذرخواهی و طلب عفو تن در دهد.

همچنین دکتر زرافشان که خود حقوقدان و وکیل خانواده های قربانیان قتل های زنجیره ای بوده است و به خاطر همین هم در زندان به سر می برند افزود که هیچ مورد قابل توجهی و اتهامی در پرونده ی منصور اسانلو وجود ندارد که بتوان به بهانه ی آن به صورت حقوق و قانونی او را محکوم کرد. به همین دلیل مسئولان نمی خواهند دادگاه او را به زودی تشکیل دهند و همچنان قصد دارند که او را در بازداشت موقت غیرقانونی و یک وضعیت بلا تکلیف نگاه دارند.

در آخر آقای ناصر زرافشان از تمامی فعالان کاکگری دانشجویی و حقوق بشر خواستند که تلاش خود را برای آزادی اسانلو و دیگر زندانیان کارگی و دانشجویی و سیاسی بیشتر کنند و نگذارند اسانلو به دست فراموشی سپرده شود.

از سایت سندیکای اتوبوسرانی

یکشنبه سیزدهم فروردین 1385

آنها با چوبهایی که دستشان بود ما را می ترسوندند

نامه به پدر، فاطمه حیات غیبی، 8 ساله

سلام بابای عزیز ، خیلی دلم تنگ شده، شبها خوابم نمی بره، یواشکی برات گریه می کنم.

هر وقت که از مامان می پرسم، او میگه بابات یک مرد زحمت کشه، چون حقشه خواسته العان توی زندونه.

باباجون، هر که حقشو بخواد باید بره زندون؟ مگر زندون جای آدمهای بد نیست؟ پس کی تو رو برده زندون؟ حتماً آقای خامنه ای خبر نداره که تو توی زندون هستی، اگر نه تو را نجات می داد.

باباجون، دعا می کنم که هرچه زودتر بیایی خونه، تا همه پیش هم باشیم.

بابا جون، دیشب سربازها ریختند خونمون. ما خوابیده بودیم. با لگد درها را باز کردند و با پوتین های گُندشون اومدن روی لحاف و تشک ها راه رفتند و ما را بیدار کردند.

آنها سر ما داد می زدند و با چوبهایی که دستشان بود ما را می ترسوندند.

ما را با کتک توی یک می بوس بردند. بابایی من خیلی ترسیده بودم.

هرچه قدرزور زدم و گریه کردم و تو را صدا کردم، تو صدای مرا نمی شنیدی.

25-03-06

آزادی افشین بهرامی

آوریل ۲۰۰۶ - فروردین ۱۳۸۵

روز ۳ فروردین افشین بهرامی کارگر کارخانه ایران خودرو که به جرم حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگران شرکت واحد دستگیر شده و در زندان بود، از زندان آزاد شد.

افشین بهرامی دوماه قبل همراه با بیش از هزار کارگر شرکت واحد دستگیر شد. با آزادی او اکنون اغلب کارگران دستگیر شده زیر فشار کارزار گسترده در سطح بین المللی و در ایران آزاد شده اند.

حکومت اسلامی هنوز منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد را در زندان نگه داشته است. بعلاوه منصور حیات غیبی نیز که روز ۲۸ اسفند از زندان آزاد شده بود، بعد از یک روز در حالیکه همراه فرزند خردسال خود از خانه بیرون رفته بود، توسط ماموران جمهوری اسلامی دستگیر و به زندان اوین منتقل شد.

اعلام موجودیت کانون همبستگی با کارگران ایران

آپریل ۲۰۰۶ - فروردین ۱۳۸۵

قطره دریاست، اگر با دریاست

ورنه او قطره و دریا، دریاست

ایرانیان محترم، عزیزان علاقمند به سرنوشت و مبارزات طبقه کارگر

همزمان با اوجگیری مبارزات کارگری و تحت تعقیب قرار گرفتن فعالین این جنبش و مشخصاً در پی اعتصاب کارگران و رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و متعاقباً سرکوب و دستگیری فعالین سندیکا؛ ما په عنوان تعدادی از علاقمندان به جنبش کارگری تصمیم به دفاع فعال از مبارزات کارگران گرفته، که ماحصل عملی آن برگزاری دو تظاهرات و سه بار دایر کردن میز اطلاعاتی و پخش اعلامیه و خبررسانی در مرکز شهر کلن بوده است. طی نشست های متوالی جهت سازماندهی اکسیونهای ذکر شده و بحث پیرامون ضرورت وجود کانونی پایدار جهت همبستگی با کارگران و نیز ایجاد رابطه مداوم با تشکلات و مجامع مختلف کارگری در آلمان، جهت جلب حمایت آن ها و انتقال اخبار مبارزات کارگران ایران، اقدام به فراخوان عمومی و برگزاری نشستی در تاریخ ۱۲ مارس ۲۰۰۶ نمودیم. پس از بحث و مشورت در آن جلسه تصمیم گرفتیم که با ایجاد کانون همبستگی با کارگران ایران دست در دست یکدیگر گذاشته و در چهارچوب پلتفرم زیر، امر همبستگی با کارگران را به پیش ببریم: - پشتیبانی از مبارزات کارگران در جهت بهبود زندگی روزمره و معیشتی آنان،

- حمایت از تشکلات مستقل کارگری موجود،

- حمایت از کارگران و فعالینی که سعی در ایجاد تشکلات مستقل کارگری می نمایند،

- جلب حمایت بین المللی بوسیله انتقال اخبار کارگری و رساندن صدای کارگران ایران به گوش کارگران سایر جوامع

- ارتباط تنگاتنگ با اتحادیه های کارگری و همچنین سایر تشکلات و شخصیت های مدافع کارگران جهت جلب حمایت و همبستگی

آنان با کارگران ایران و متقابلاً همبستگی ما با مبارزات آنان،

- جمع اوری کمک مالی برای خانواده های اعتصابی و کارگران زندانی،

- و انتقال تجارب تشکلات و جنبش های کارگری سایر کشور ها به کارگران ایران

لذا:

- سرلوحه فعالیت های کانون همبستگی با کارگران، عملی کردن اهداف ذکر شده در پلتفرم مختصر فوق می باشد

- رسیدن به اهداف آن از طریق فعالیت آزاد و داوطلبانه به پیش برده میشود

- پیشبرد کارهای آن بر اساس اعتماد، توافق و تصمیمیاتی جمعی است.

به اعتقاد ما علاقمندان به سرنوشت و مبارزات جامعه کارگری دارای این توانایی و قابلیت هستند که با متمرکز کردن فعالیت های خود در یک ظرف، تبدیل به بلندگوی جنبش کارگری ایران در خارج از کشور شده و به اشکال مختلف یار و یاور آنان بوده و در کنار آنان قرار گیرند. لذا ما از تمامی علاقمندان که خود را موافق با روح این پلتفرم در کلیت خود می بینند دعوت میکنیم، با شرکت خود در فعالیت های کانون و پیوستن به آن همیاری کرده تا امر همبستگی با کارگران ایران را هر چه قویتر به پیش ببریم.

با احترام: کانون همبستگی با کارگران ایران - کلن

برای کسب اطلاعات بیشتر میتوانید با ما از طریق تلفن های ۰۱۷۴۴۹۱۲۸۴۳ ، ۰۱۷۷۲۷۱۱۶۰۷ و یا پست الکترونیکی info_kargari@yahoo.de تماس بگیرید.

اعتصاب غذای منصور حیات غیبی در زندان

دستگیری حسن محمدی از فعالین سندیکای شرکت واحد

آپریل ۲۰۰۶ - فروردین ۱۳۸۵

منصور حیات غیبی عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از روز شنبه ۱۲ فروردین ۱۳۸۵ تا کنون در اعتراض به بازداشت مجددش در اعتصاب غذا بسر میبرد.

لازم به یادآوری است منصور حیات غیبی روز ۲۸ اسفند ۱۳۸۴ همراه با تعدادی از اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکای شرکت واحد از زندان آزاد شد و از روز ۲۹ اسفند ۱۳۸۴ مجدداً بدلیل ناقص بودن پرونده دستگیر و در بازداشت بسر می برد.

همچنین بنابر این گزارش سحرگاه جمعه ۱۱ فروردین ۱۳۸۵ افرادی که خود را مامورین داسرای انقلاب معرفی کردند، با مراجعه به منزل حسن محمدی یکی از فعالین سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه مراجعه و با نشان دادن حکم جلب بدلیل ناقص بودن پرونده و ایجاد رعب و وحشت و ضرب و شتم حسن محمدی، وی را دوباره دستگیر کردند.

خانواده محمدی طی چند روز گذشته با مراجعات مکرر به داسرای انقلاب و زندان اوین کوشیده اند خبری از وی بدست آورند. در این مدت نه تنها اطلاعی از محل بازداشت حسن محمدی بدست نیآورده اند، بلکه هیچ نهاد انتظامی و یا امنیتی مسئولیت دستگیری وی را بعهده نگرفته است. این بی خبری موجب نگرانی خانواده و همکاران وی شده است.

فراخوان:

آپریل ۲۰۰۶ - اردیبهشت ۱۳۸۵

امسال متحدانه و با شکوه هرچه تمامتر روز جهانی کارگرا برگزار کنیم !

امسال درحالی که استقبال اول ماه مه می رویم که سرمایه جهانی در تهاجم همه جانبه خود بر علیه طبقه کارگر و تحمیل قراردادهای موقت و دادن حق اخراجها به کارفرمایان به بهانه اشتغال زائی بیشتر در فرانسه شکست خورد. این عقب نشینی از طریق پیوند مستحکم کارگران بخشهای مختلف ، اعم از حمل و نقل ، ارتباطات و صنایع. و همدلی و همبستگی با دانشجویان ، دانش آموزان ، کارمندان، زنان و سایر

زحمتگشان.ومهمتر از همه به خیابان آمدن و بیان اعتراض، و بایبگیری های مستمر مطالبات برحق خود به دولت فرانسه تحمیل کردند.ازسوی دیگر سالهاست سرمایه داری ایران هجوم همه جانبه خود را به طبقه کارگر سازمان داده تا بتواند بحران اقتصادی خود را بیش از پیش بر دوش کارگران سر شکن کند .

تعدادی از کارگران صنایع مختلف و خدماتی بخصوص کارگران شرکت واحد بخاطر تلاش برای دستیابی به حقوق حقه خود از کاراخراج شده، هنوز منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در زندان اوین به سر می برد، اخراج سازی ها بطور گسترده و سراسری ادامه دارد،تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر، گسترش بکارگیری کارگران به صورت قراردادهای موقت و سفید امضا هنوز پیش برده می شود و کارگران همچنان از ایجاد تشکلهای دلخواه خود محرومند. در این شرایط که سرمایه حاکم در ایران هرروزه فقر و فلاکت بیشتری را به طبقه کارگر تحمیل می کند.ما کارگران ،فعالین کارگری و تشکلهای حامی کارگران همواره منافع مشترک داشته و در مبارزه برای آزادی تمامی کارگران زندانی، بازگشت بکار کارگران اخراجی،حق اعتصاب،افزایش دستمزدها، بستن پیمانهای دسته جمعی و ایجاد تشکلهای آزاد کارگری بایستی متحدانه عمل کنیم.

امروز برداشتن گامهای عملی برای رسیدن به اهداف مشترکمان يك رسالت تاریخی و وظیفه یكایک ماست.روز جهانی کارگر روزیست که باید دست در دست و شانه به شانه خواستار مطالبات مشترک طبقه کارگر باشیم.برگزاری مراسم مشترک اول ماه مه می تواند نقطه شروع اتحاد عملهای بعدی ما باشد.

در این راستا کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری از همه کارگران ، تشکلهای و فعالین کارگری می خواد حداکثر تا مورخه 1385/1/30 در رابطه با برگزاری مراسم مشترک اول ماه مه نقطه نظرات خود را به آدرس ایمیل کمیته پیگیری ...ارسال نمایند. تا در باره چگونگی پیشبرد این امر تصمیمات مشترک اتخاذ شود

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

1385/1/23

www.komiteyepegyiry.com

azaditashakol@yahoo.com

یورش مزدوران رژیم به کارگران شرکت واحد و دستگیری شماری از کارگران

می ۲۰۰۶-اردیبهشت ۱۳۸۵

مراسم گرامی داشت روز جهانی کارگر که به دعوت سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از ساعت 11 صبح روز دوشنبه در مقابل اداره مرکزی شرکت واحد برگزار شد با حمله نیروی انتظامی رژیم رویرو گردید.

شرکت کنندگان در این تجمع ضمن حمل پلاکاردها و پخش شیرینی و شکلات به سردادن شعارهایی از جمله " سندیکای مستقل حق مسلم ماست" ، "دانشجو کارگر اتحاد اتحاد"، "دانشجو کارگر پیوندتان مبارک"، "اشتغال مجدد حق مسلم ماست"، "منصور اسانلو آزاد باید گردد" ، "اعتصاب حق مسلم ماست" سر دادند.

اعضای هیئت مدیره سندیکا و بسیاری از دانشجویان و زنان کارگر از جمله شرکت کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر در تهران بودند.

فاضلی، عباس نجد کودکی، یعقوب سلیمی، محمود هژبری، غلامرضا غلامحسینی، غلامرضا میرزایی، حسن دهقان، رضا خانی و ابراهیم مددی نایب رییس سندیکا از جمله کارگران دستگیر شده عضو سندیکا هستند.

گفته می شود 5 نفر از دانشجویانی که در این حرکت اعتراضی شرکت کردند نیز به وسیله مزدوران رژیم دستگیر شده اند.

گزارش : از تجمع امروز کارگران شرکت واحد

آریان محسنی

می ۲۰۰۶-اردیبهشت ۱۳۸۵

امروز 2 شنبه یکم ماه می سال 2006 میلادی مراسم روز جهانی کارگر در ساعت 10 با حضور صدها نفر از کارگران در مقابل اداره کار و تامین اجتماعی صورت گرفت . این اجتماع با درگیری چند نفر از کارگران و نیروهای رژیم به تشنج کشیده شد و به ضرب و شتم کارگران انجامید. در این درگیری چهار نفر از اعضای کمیته برگزاری اول مه کارگران دستگیر شدند که عبارتند از اشرف پیرخضری، و فاء هیرش نقشبندی و کیومرث.

در حدود ساعت 11 نیروهای رژیم مردم را وادار به رفتن به تالار فجر کردند و عده ای از مردم را با توسل به زور توسط اتوبوس از محل دور کردند و شرکت کنندگان دیگر تجمع خود با ماشین و اتوبوس به سمت تالار فجر راهی شدند.

نیروهای رژیم جمعیتی را که با اتوبوسهای خود به سمت تالار فجر میبردند قصد داشتند که آنها را به ستادخبری منتقل کنند که با اعتراض مردم روبرو شدند و نیروها مجبور به پیاده کردن آنها از اتوبوس شدند و جمعیت خود راهی تالار فجر شدند.

لازم به ذکر است که زمانی که مردم به تالار فجر رسیدند باز هم با برخورد نیروهای رژیم مواجه شدند. در تجمع کارگران و مردم در جلو تالار فجر یکی از نمایندگان و اعضای کمیته برگزاری قطعنامه و بیانیه ی پایانی روز جهانی کارگر را خواند که با استقبال کارگران رویرو شد.

مراسم گرامیداشت اول ماه مه برگزار شد

تجمع کارگران شرکت واحد توسط ماموران امنیت به خشونت کشیده شد

گزارش خبری ازتجمع کارگران شرکت واحد

می ۲۰۰۶-اردیبهشت ۱۳۸۵

در تاریخ 1385/2/9 کارگران شرکت واحد اعلام کردند که در اول ماه مه روز جهانی کارگر مقابل اداره مرکزی شرکت واحد تجمع خواهند داشت .بدنبال این اعلام ساعت 11/30 دقیقه دوشنبه اول ماه مه کارگران شرکت واحد در محل تجمع حاضر شدند واز طرف جمعی از دانشجویان دانشگاه های مختلف و کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری و سایر کارگران و فعالین کارگری مورد حمایت قرارگرفتند،تجمع با شعارهایی ار قبیل :

اسانلوی قهرمان آزاد باید گردد

اشتغال مجدد حق مسلم ماست

اسانلوی بیگناه آزاد باید گردد

دانشجو ، کارگر اتحاد ، اتحاد

دانشجو، دانشجو تشکر، تشکر

اعتصاب ، تجمع حق مسلم ماست

(بعد از اولین هجوم نیروی انتظامی و دستگیری)

نیروی انتظامی خجالت ، خجالت

کارگر ، دانشجو پیوندتان مبارک

تشکل مستقل حق مسلم ماست

آزادی تشکل حق مسلم ماست

کارگرنندانی آزاد باید گردد

قرارداد موقت ملغی باید گردد

سندیکای مستقل حق مسلم ماست

اعتصاب ، اعتصاب حق مسلم ماست

سندیکای واحد احیا باید گردد و...

ادامه یافت.

همچنین اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد توسط یکی از اعضای سندیکا قرائت گردید. عده ای از ماموران لباس شخصی در نقاط مختلف تجمع به صورت علنی و استتار شده اقدام به گرفتن فیلم و عکس از تجمع کردند. سپس ماموران اقدام به دستگیری یکی از افراد تجمع کننده کردند که با دخالت حاضرین آزاد شد.

بدنبال آن مامورین ضد شورش و امنیتی با خود رو های مختلف و موتورسیکلهای کرسی قرمز رنگ به تعداد بسیار زیاد سر رسیدند و بی مقدمه به کارگران حمله کردند. يك نفر را دستگیر و شروع به ضرب و شتم کردند ، کارگران اقدام به دفاع و نجات دستگیر شده نمودند ولی نیروی انتظامی بخصوص نیرو های امنیتی (لباس شخصی ها) با خشونت هرچه تمام تر هجوم آوردند. ضرب و شتم و دستگیری کارگران شروع شد خیابان هنگام را از دو طرف بستند و تجمع کارگران را در محاصره چند لایه قرار دادند.

همچنان ضرب و شتم کارگران و دانشجویان ادامه داشت که فرمانده آنها سرهنگ نیروی انتظامی طی مذاکره به اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد قول و تعهد داد که مشکل آنها را پیگیری نماید پس از این تعهد اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد در ساعت 12/40 پایان تجمع را اعلام کردند. ولی توسط ماموران امنیتی و به کمک ماموران نیروی انتظامی می ضرب و شتم و دستگیری همچنان ادامه داشت .

تا ساعت 13 پنج نفر به اسامی رضا فاضلی ، غلام حسینی ، محمود هژبری ، یعقوب سلیمی (عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد) عباس ... پس از ضرب و شتم و کشیده شدن روی زمین دستگیر شدند. و تا زمان ارسال این گزارش (ساعت 15) خبری از نامبردگان نرسیده است .

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگر

1385/2/11

www.komiteyepgyiry.com

azaditashakol@yahoo.com

برای دیدن عکسهای تجمع کارگران شرکت واحد روز دوشنبه 11 اردیبهشت روز جهانی کارگر در مقابل اداره مرکزی شرکت واحد تهران به آدرسهای زیر مراجعه کنید

www.komiteyepgyiry.com/new_page_6.htm

www.komiteyepgyiry.com/new_page_7.htm

www.komiteyepgyiry.com/new_page_8.htm

www.komiteyepgyiry.com/new_page_9.htm

افق روشن

سایت کارگری افق روشن

می ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

www.ofros.com

بدینوسیله به اطلاع کارگران، فعالین جنبش کارگری، احزاب، سازمانها، گروهها و محافل میرسانم که سایت افق روشن روی نت میباشد. این سایت به هیچ حزب ، سازمان ، گروه و محفل سیاسی تعلق ندارد.

سایت افق روشن با تلاش و کوشش فردی راه افتاده و اداره می شود و امید وار است که به سهم خود بتواند بازتاب رنجهای و حرمانهای طبقه کارگرو همچنین مبارزه و دلاوری های این طبقه در راه دست یابی به حقوق روزمره اقتصادی و سیاسی، تا تلاش و مبارزه برای تحقق سوسیالیسم و لغو مالکیت خصوصی باشد.

در راه تحقق این اهداف دست همکاری شما را به گرمی می فشارم.

لطفا اخبار، گزارشات، مقالات و اطلاعیه های خود را برای سایت ارسال دارید.

با تشکر: مسئول سایت

ofoghe_roshan@ofros.com

نامه سرگشاده سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوس رانی تهران و حومه به دبیرکل سازمان بین المللی

جون ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

به: دبیرکل سازمان بین المللی کار

جناب آقای جوان سومایا

با سلام

بدینوسیله به آگاهی می رساند از تاریخ ملاقات اعضاء و فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد در آخرین مسافرت شما، که در هتل استقلال تهران انجام گرفت، تا به امروز شرایط فعالیت سندیکایی ما بسیار دشوارتر شده است به گونه ای که هم اکنون رئیس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد (آقای منصور اسالو) در زندان بوده و درخواست ما، اتحادیه های کارگری، حقوق بشری و بسیاری از سازمان ها و شخصیت ها برای آزادی ایشان پذیرفته نشده است. مکان فعالیت سندیکایی ما نیز از تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۱ پلمپ شده است. همچنین در بهمن ماه ۱۳۸۴ حدود سیصد و پنجاه نفر از کارگران به علت مظنون بودن به شرکت در اعتراض و اعتصاب صنفی از روز قبل از اعلام اعتراض و بسیاری دیگر قبل از ورود به محل کار توسط پلیس دستگیر و به زندان اوین انتقال یافتند. این کارگران بعد از تحمل زندان از پنج روز تا شصت روز، از زندان آزاد شدند. از این دستگیرشدگان شانزده نفر از اعضای هیات مدیره سندیکا در انتظار محاکمه در دادگاه انقلاب، به سر می برند. در جریان دستگیری سه نفر از همسران اعضای هیات مدیره نیز بازداشت و زندانی شدند. حدود یکصد و پنجاه نفر از کارگران پس از آزادی از زندان هنوز شاغل نگردیده و از دریافت هرگونه دستمزد و حقوقی محروم هستند. این دسته از کارگران و خانواده هایشان در شرایط بسیار بد اقتصادی و روحی روانی به سر می برند و آن گروه از کارگران زندانی که شاغل شده اند را مجبور به دادن تعهد به عدم همکاری با سندیکا نموده اند.

این اتفاقات در حالی صورت می گیرد که کشور ما بیش از پنجاه سال است عضو سازمان بین المللی کار است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را بیش از سی سال است پذیرفته، نه تنها هیچ قانون ضدسندیکایی در ایران وجود ندارد بلکه اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت سندیکایی را به عنوان حق مردم به رسمیت شناخته و تقاضا نامه ای با حضور مسئولان سازمان بین المللی کار و در جهت اجرای مقاله نامه ۸۷ و حقوق سندیکایی در سال ۱۳۸۳ در وزارت کار جمهوری اسلامی ایران به امضا رسیده است.

آقای دبیرکل!

همان طوری که جنابعالی آگاهید، به دلیل نواقص جدی و عدم رعایت استانداردهای حقوق بنیادین کار به ویژه حق آزادی تشکیل سندیکاهای کارگری در قانون کار جمهوری اسلامی ایران و به دلیل تفاوت بنیادی قانون شوراهای اسلامی کار با مقررات و استانداردهای مذکور، گروه های کارگری اعزامی از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران به جلسات سالیانه سازمان بین المللی کار و دیگر مجامع مشابه، مطلقاً نماینده ی واقعی جامعه ی کارگری ایران محسوب نمی گردند.

بنابر این از جنابعالی درخواست می گردد، از پذیرش گروه شوراهای اسلامی کار به عنوان نمای «ده ی جامعه ی کارگری جدا جلوگیری گردد و تا رعایت کامل مقررات و استانداردهای پذیرفته شده حقوق بین المللی کارگران این عدم پذیرش ادامه یابد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۳۸۵/۳/۹

گزارش عفو بین الملل از اعتصاب رانندگان اتوبوس در تهران

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران

جون ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

منبع: نشریه سازمان عفو بین الملل واحد اتریش مه 2006

یک سازماندهی عظیم و یک پاسخ خشونت آمیز:

در ژانویه 2006 رانندگان شرکت اتوبوسرانی منطقه بزرگ تهران (شرکت واحد) اعتصاب نمودند، در ادامه و در روز اعتصاب صدها تن از شاغلین در شرکت اتوبوسرانی دستگیر گردیدند.

نیروهای امنیتی و اعضاء داوطلب بسیج، تحت رهبری سپاه پاسداران به اعتصاب کنندگان شرکت اتوبوسرانی حمله ور گردیدند، تا آنان را مجبور سازند به کار بازگردند، آنها عملاً خود بعنوان راننده اداره امور را عهده دار شدند.

علت اعلام اعتصاب، بازداشت مسئول هیئت اجرایی سندیکای رانندگان شرکت اتوبوسرانی، منصور اسالو بود که، در روز 22 دسامبر 2005 بوقوع پیوست. دستگیری او در حالی بود که وی تلاش میکرد در مورد وضعیت مزدی شاغلین با کارفرما وارد مذاکره گردد.

اعتصاب همبستگی برای سندیکا:

سندیکای رانندگان شرکت واحد در سال 1979 بنیانگذاری شد و فعالیت خود را بار دیگر پس از 25 سال ممنوعیت شروع نمود.

اعلام موجودیت دوباره سندیکا در سال 2005 ماهها به تاخیر افتاده بود و میبایستی که سه بار تکرار میگردد. علت آن حملات مکرر پلیس و اعضاء شورای اسلامی کار بود. در این حملات کارگران زخمی شدند و اموالشان تخریب گردید.

سندیکای مستقل کارگران و رانندگان شرکت دولتی اتوبوسرانی تهران "شرکت واحد" با بیش از 4000 عضو از بخش های مختلفش عضو سندیکای بین المللی حمل و نقل ای ت اف نیز میباشد. این سندیکا اما خود در ایران بطور رسمی شناسایی نشده است.

اعضاء سندیکای رانندگان اتوبوسرانی بی وقفه بر علیه دستگیری مسئولشان با اعلام اولین اعتصاب اعتراض میکنند:

در بیست و پنجم دسامبر صدها اتوبوس از قرارگاه ها بیرون نمی آیند و این امر مشکلات زیادی را در زمینه حمل و نقل در مرکز شهر تهران بوجود آورد. با این وجود، گزارشات، حاکی از حمایت مردم از اعتصاب کنندگان بود. این اعتصاب به آزادی مسئولین هیئت اجرایی و فعالین سندیکا که با منصور اسالو دستگیر شده بودند منجر گردید.

اعلام تعویق حضور هفت نفر از فعالین سندیکا که قرار بود در اول ماه ژانویه 2006 انجام گیرد در دادگاه انقلاب، نیز از دیگر اثرات اعتصاب بشمار میرود.

با اعلام اعتصاب وضعیت تغییر پیدا میکند:

حسینی تبار از اعضاء هیئت اجرائی در حین پخش اعلامیه دستگیر میگردد.

در ادامه شش تن دیگر از اعضاء هیئت اجرائی بازداشت گردیدند، زیرا، که نسبت به دعوت دادستان که از آنان اعلام لغو اعتصاب را خواستار بود بی اعتنائی کرده بودند .

همسران و کودکان اعضاء سندیکا و اعضاء هیئت اجرائی نیز بازداشت گردیدند.

صدها کارگر زن و مرد در زندانها:

همزمان نظرات صاحبان قدرت بر علیه اعتصاب شکل میگیرد:

شهردار تهران اعلام میکند که اعتصاب غیر قانونی است و از اعتصاب جلوگیری خواهد کرد.

مدیر شرکت اتوبوسرانی به کارگران اعلام میکند که در صورت شرکت در اعتصاب اخراج خواهند شد.

در 28 ژانویه 2006 با اعلام اعتصاب نیروهای امنیتی با شلیک گاز اشک آور ، گلوله و بازداشت های دستجمعی واکنش نشان میدهند.

تا پایان ژانویه 2006 بالغ بر پانصد تن از کارگران و فعالین سندیکا شرکت واحد در بازداشت بودند. آنان از دستیابی به یک وکیل حقوقی نیز محروم بودند.

آزادی - و اخراج:

حوادث روی داده در ایران باعث گردید که تشکلات حقوق بشری و سندیکاهای کارگری در خارج از ایران شدیداً اعتراض کنند.

سازمان عفو بین الملل آکسیون های اعتراضی خود را شروع میکند، اتحادیه های آزاد کارگری، اتحادی های ملی کارگری، نامه های اعتراضی خود را ارسال میکنند.

اتحاد و همبستگی بین المللی اولین اثرات خود را نشان میدهد:

یکی بعد از دیگری اعضاء اتحادیه کارگری از حبس آزاد میگردند.

ضمناً از کارگران بزورکتاباً تعهد گرفتند که در آینده در اعتصاب و یا حرکات مشابه شرکت نکنند.

تعداد زیادی از بازداشت شدگان پیش از رهائی چنین اوراقی را امضاء کردند.

روز 15 فورویه از سوی جنبش بین المللی سندیکائی اعلام روز جهانی حمایت برای همکاران بازداشت شده در ایران گردید.

در این زمان هنوز 80 تن از فعالین سندیکای رانندگان شرکت واحد تهران در بازداشت بسر میبردند.

تعداد زیادی از فعالین سندیکا ها از کشورهای مختلف برای این روز جهانی فراخوان دادند.

در وین نیز سندیکای راه آهن و سندیکای خدمات منطقه ای اعلام تجمع همبستگی در روز اعتراض جهانی در یکی از قرارگاه های اتوبوس شهر وین کردند.

بعد از این حرکت درهای زندان برای خروج بسیاری از بازداشت شدگان باز میگردد، اما هشت نفر- در بین آنان اعضاء هیئت اجرائی- در زندان نگهداشته میشوند.

در حالیکه کارفرما پیش از این به بازداشت شدگان اعلام نموده بود که میتوانند به محل های کاری خود باز گردند اما عملاً آنان از پذیرش دوباره محروم گشته بودند.

در این مورد به آنان گفته شده بود که وزارت خانه کار به علت شرکت آنان در تظاهرات از ابلاغ اجازه پذیرش مجدد آنان به کار ممانعت بعمل آورده است.

در یازدهم ماه مارس 2006 شرکت اتوبوسرانی اعلام میکند که 46 تن از شاغلین میبایستی که اخراج گردند.

مدیریت شرکت علت را دستور صادره از سوی مقامات وزارت امنیت اعلام کردند.

در ادامه دیگر اعضاء بازداشتی اتحادیه رانندگان اتوبوسرانی در قبال پرداخت وثیقه مالی آزاد گشتند.

با یک استثناء :

مدیرعامل سندیکا منصور اساتلو، که بازداشتش باعث اعلام اعتصاب گردیده بود، هنوز در زندان اوین در تهران بسر میبرد بدون آنکه اعلام جرمی بر علیه او صورت گرفته باشد.

او بعد از این نیز به حمایت بین المللی نیاز دارد.

ارسال پرونده منصور اساتلو، به دادگاه انقلاب

جون ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران

پروندهی منصور اساتلو، یکی از بازداشت‌شدگان پرونده کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی به دادگاه انقلاب ارسال شد.

وکیل مدافع این متهم به خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، گفت: با توجه به اینکه پرونده موکلم به شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب ارسال شده و قرار صادره برای وی قرار بازداشت موقت بوده است، از دادگاه تقاضا کردم این قرار به قرار وثیقه تبدیل شود.

همبستگی با خانواده های سندیکالیست های

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که قربانی سرکوب شده اند

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

جون ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

از چند ماه پیش کارکنان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (با بیش از 17000 مشغول به کار) در حال انجام یک نبرد بی مانند است تا سندیکای خود را به رسمیت بشناسانند، حقوق های عقب افتاده شان پرداخت شود و قواعد سازمان جهانی کار در موردشان رعایت شود. روز هشتم بهمن 1384 (26 ژانویه 2006) کارگران و سندیکایشان تصمیم گرفتند تا برای طرح مطالبات خویش دست به یک اعتصاب بزنند.

پاسخ عوامل جمهوری اسلامی و مدیریت شرکت واحد عبارت بود از حمله ی وحشیانه به کارگران و خانواده هایشان. روز قبل از اعتصاب 18 تن از اعضای دفتر سندیکا در طی یک حمله ی شبانه بازداشت شدند، منازل کارگران مورد هجوم واقع شد و زنان و بچه ها را به زندان افکندند، بیش از هزاران مامور پلیس و مخفی اقدام به بازداشت بیش از 700 نفر نمودند.

از این تاریخ به بعد سرکوب ادامه یافته است : فشار روی کارگران برای اینکه از دفاع از حقوق خویش بگذرند و به مبارزه سندیکایی نپردازند، مسول اول سندیکا را با وجود مشکلات جسمی در زندان نگه داشته است و 180 نفر از فعالان سندیکایی را از بازگشتن به سر کار محروم ساخته است، کاری که به معنای اخراج اعتصابیون است.

در حال حاضر، علاوه بر سرکوب، مصادره ی اموال و تخریب اماکن سندیکایی سبب محدود شدن فعالیت های سندیکایی می شود. برخی از این فعالان به بهانه های واهی مانند «تبلیغ بر علیه رژیم و مختل کردن امنیت نظام» به دادگاه احضار می شوند.

سندیکای شرکت واحد اخیرا به عضویت فدراسیون بین المللی حمل و نقل پیوسته است و حرکت سندیکایی بین المللی اقدامات متعددی را برای رعایت آزادی های سندیکایی صورت داده اند.

سندیکای س ژ ت و فدراسیون حمل و نقل آن به طور مستقیم با مسولان این سندیکا در تماس است. سندیکا و فدراسیون اقداماتی را نزد مقامات دولت ایران، سفارت ایران در فرانسه و نیز در سازمان جهانی کار در ژنو صورت داده اند. یک فراخوان که خواهان آزادی سندیکالیست هاست در حال حاضر در حال تکمیل می باشد.

امروز باید گام دیگری برداشت و در همبستگی جلوتر رفت. خانواده های این کارگران اخراجی یا در حبس نیاز به حمایت مالی دارند. تلاش کنیم برای آنان امکانات یک زندگی شرافتمندانه را تامین کنیم تا بتوانند همسران خویش را در این نبرد برای رعایت حقوق پایه ای کارشان مورد پشتیبانی قرار دهند.

واریز کمک مالی به طور رسمی باید به این آدرس صورت گیرد : [social L’Avenir](#) – Solidarité aux familles de syndicalistes iraniens.

(CCP PARIS 17915-34 A)

2006 [juin](#) Montreuil, le 8

ترجمه و تکثیر : اتحاد بین المللی حمایت از کارگران در ایران – پاریس

www.etehadbinalmelali.com

alliance@workers-iran.org

منصور اساتلو در زندان است برای آزادی او کاری کنید

نامه برهان دیوارگر به سازمان جهانی کار

جون ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

آقای حسن صادقی در آی ال او چه کار میکند؟

من برهان دیوارگر دبیر قبلی تشکل علیه بیکاری در ایران و فعال کارگری هستم. همانطور که مطلع هستید دادگاهی در ایران، من را به خاطر برگزاری اول ماه مه در شهر سقز به دو سال و نیم زندان محکوم کرد و قرار بود با اضافه کردن جرائم دیگر مانند تشکیل تشکل علیه بیکاری و ارتباط با فعالین کارگری و دیگر فعاليتها در زمینه متحد و متشکل کردن کارگران، چند سال دیگر هم به این حکم زندان من اضافه کنند. تحت فشارهای وزارت اطلاعات و دستگاههای نظامی و امنیتی من مجبور شدم کشور را ترک کنم و هم اکنون در خارج از ایران به سر میبرم. مجبور شدم تشکل علیه بیکاری و دیگر فعاليتهای کارگرم را در آنجا جا بگذارم و از کشور خارج شوم .

باید بگویم من خودم را ملزم میدانم که به فعاليتهايم برای دفاع از حقوق همکارانم و دستیابی آنها به حقوق شناخته شده بین المللی در اینجا هم ادامه دهم. تا زمانی که همکار مبارز من منصور اساتلو در زندان است، نمیتوانم حتی یک شب آسوده بخوابم .

دوستان عزیز شما میدانید همکار ما منصور اساتلو، رهبر سندیکای کارگران شرکت واحد همچنان در زندان است. او را به جرم سازماندهی سندیکای شرکت واحد به زندان انداخته اند و از ماه فوریه تاکنون در زندان به سر میبرد. من نمیدانم چرا آی ال او و سازمانهای بین المللی کارگری در این مورد سکوت کرده اند. آزادی او و تامین خانواده او به عهده چه کسی است؟ چرا شما در آی ال او و اتحادیه های آزاد جهانی کارگری قدمی جدی در این مورد بر نمیدارید. هیچ میدانید که او هم اکنون تحت شکنجه هایی قرار دارد که در جمهوری اسلامی معمول است. انتظار من و دیگر همکاران مبارز و فعالین کارگری در ایران از شما این است که با جدیت برای فعالینی که برای احقاق حقوق کارگر، زندگی خود را به خطر میاندازند کاری کنید .

برای من باور نکردنی است که منصور اساتلو در زندان است و شما ضارب او حسن صادقی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار را در آی ال او پذیرفته اید. حتما به اطلاع شما رسیده است که حسن صادقی در راس عده ای از سران شوراهای اسلامی کار به جلسه هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد در سال گذشته حمله کرده بودند و حسن صادقی با چاقو منصور اصاتلو را زخمی کرده بود. حسن صادقی خود گزارش مفصلی برای وزارت اطلاعات برای دستگیری منصور اساتلو انجام داده بود. شوراهای اسلامی کار ارگان سیاسی رژیم در محلهای کار هستند و کارشان مانند نمونه حمله به سندیکای شرکت واحد سرکوب تشکلهای و فعالین کارگری است .

پذیرش حسن صادقی در آی ال او برای ما فعالین کارگری ایران غیر قابل پذیرش است. کارگران در ایران از حق تشکل و اعتصاب و اعتراض محرومند و فعالیت و مبارزه آنها مرتب سرکوب میشود. برای همین کارگران ایران نماینده رسمی هم ندارند. تا زمانی که آزادی تشکل کارگری در ایران برقرار نشده است، تا زمانی که کارگران به تشکل مستقل خود دست نیافته اند و نمایندگان خود را آزادانه انتخاب نکرده اند، آنها نماینده ای در سازمان جهانی کار نخواهند داشت. انتظار ما از شما این است که به جمهوری اسلامی فشار بیاورید تا از سرکوب کارگران دست بردارد و حقوق پایه ای کارگران را به طور واقعی به رسمیت بشناسد. منصور اساتلو را فوراً آزاد کند .

شوراهای اسلامی کار و حسن صادقی را فوراً از آی ال او اخراج کنید و اعلام کنید که سرکوب کارگران و دستگیری فعالین کارگری را نمیتوانید تحمل کنید و اعلام کنید که نماینده های واقعی کارگران ایران را فقط در صورت برقراری آزادی تشکل و یا تشکل یابی مستقل کارگران ایران خواهید پذیرفت .

با احترام فراوان برهان دیوارگر

۹ ژوئن ۲۰۰۶

رونوشت به اتحادیه های آزاد جهانی کارگری

امنستی انترناسیو ال

اتحادیه بین المللی کارگران حمل و نقل

تجمع کارگران اخراجی واحد

جون ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران:

در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۱ (همزمان با حضور آقای محمد جهرمی و هیئت همراه در مجمع سالیانه سازمان بین المللی کار و ایراد سخنرانی نامبرده در آن مجمع در رابطه با اجرای حقوق قانونی کارگران!!) کارگران اخراج شده شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که مدت ۵ ماه است (پس از اعتراضات صنفی ۱۳۸۴) بدون دریافت هیچگونه حق و حقوقی بصورت غیرقانونی معلق و اخراج از کار می باشند به منظور پیگیری شکایات و قول و قرارهای اداره کار شرق تهران بیش از ۴ ساعت در مقابل اداره کار شرق تهران تجمع نمودند و خواستار پاسخ گویی قانونی مسولین مربوطه شدند .

وخامت وضعیت جسمانی اساتلو

جون ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

صبح روز دوشنبه ۲۲ خردادماه ۱۳۸۵ خانواده آقای منصور اساتلو موفق به ملاقات با وی شدند و با یک دنیا نگرانی خاطر و تشویش از ملاقات بازگشتند.

به گزارش اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران به نقل از یکی از دوستان منصور اساتلو، وی در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد. چشمانش آب مروارید آورده است و اگر مورد جراحی قرار نگیرد امکان دارد به بینایی وی آسیب جدی وارد شود . چند بار در زندان دچار حمله قلبی شده است و با توجه به اینکه قبلا مورد جراحی قلب قرار گرفته است، باید مرتب تحت نظر پزشک متخصص باشد. همچنین از درد کمر و کلیه در عذاب است و حساسیت پوستی وی دوباره سر باز کرده است و این در شرایطی است که مسئولین زندان توجهی به وضعیت جسمی وی نداشته و دائما مسکن تجویز می کنند.

طی ماه گذشته خانواده منصور اساتلو از دادگاه تقاضای آزادی وی با قید وثیقه، جهت مداوا نمودند ولی هیچ پاسخی دریافت نکردند.

در ضمن بیش از دو هفته است که پرونده منصور اساتلو به شعبه ۱۴ دادگاه انقلاب نزد قاضی محمدی منتقل شده است.

پرونده منصور اساتلو از دادگاه به بازپرسی بازگشت داده شد

جون ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

پروندهی "منصور اصاتلو" رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از دادگاه به بازپرسی بازگشت داده شد.

"یوسف مولایی" یکی از وکلای مدافع اساتلو با بیان این مطلب گفت: بر این اساس ما به بازپرسی مراجعه و قضیه را پیگیری می‌کنیم.

وی تاکید کرد: با توجه به بازگشت پرونده از دادگاه به بازپرسی، بازپرس هنوز این امر را مطالعه نکرده تا در این رابطه اظهار نظر کند و ما مجددا به بازپرسی مراجعه خواهیم کرد.

مولای ابراز امیدواری کرد که در هفته آینده قرار بازداشت موکلش به قرار وثیقه تبدیل شود.

منصور اساتلو به دنبال اعتصاب و اعتراضات کارگران شرکت واحد از 19 بهمن ماه سال 84 دستگیر و علیرغم اعتراضات و درخواستهای گسترده در داخل و خارج ایران برای آزادی وی رژیم همچنان وی را در زندان نگه داشته است.

وکلاى اساتلو با وی ملاقات کردند

جون ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

خبرگزاری دانشجویان ایران - تهران

یوسف مولایی به همراه دیگر وکیل اساتلو [از متهمان پرونده کارگران بازداشت شده شرکت واحد] صبح امروز با وی ملاقات کردند.

یوسف مولایی با بیان این مطلب به خبرنگار حقوقی خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) گفت: این ملاقات صبح امروز انجام گرفت و حال عمومی موکل من حیثالمجموع خوب بود؛ البته نگرانیهایی در مورد چشمشان داشتند که در حد امکانات زندان مداوا انجام می گیرد

وی با بیان این‌که پرونده‌ی موکلش با صدور کیفرخواست به دادگاه انقلاب ارجاع شده است ، گفت: درخواست تبدیل قرار موکلم را از قاضی پرونده خواسته‌ایم که قاضی نیز در حال مطالعه‌ی پرونده است.

جون ۲۰۰۶ - خرداد ۱۳۸۵

به شرایط جهنمی کارگران اخراجی شرکت واحد پایان دهید

در روزهای اخیر در یک اقدام نمایشی، تبلیغاتی و فریبکارانه از طرف شوراهای اسلامی شرکت واحد به سرکردگی علی اکبر عیوضی عضو شورای اسلامی منطقه یک و مسئول خانه کارگر شرق تهران، مهاجم به سندیکا و ضارب منصور اسالو که به دلیل شکایت سندیکای کارگران شرکت واحد از طرف سازمان بین المللی کار مورد پذیرش قرار نگرفته است با هماهنگی مدیریت، حراست و روابط عمومی شرکت واحد کارگرانی که در جریان اعتراضات صنفی بهمن ماه ۱۳۸۴ بطور غیر قانونی و به ناحق اخراج شده اند را طی انتشار اطلاعیه ای سراسر کذب و توهین آمیز و رفتاری از باب رعیتی از طرف مدیریت شرکت واحد و شهرداری تهران مثلاً "مورد عفو قرار داده و در یک اقدام ضد قانونی تعدادی از کارگران مذکور را به دفتر خانه شماره ۵۴۱ به سر دفتری میر جعفر اصیلی واقع در نزدیکی اداره مرکزی شرکت واحد برده و آنان را با ایجاد جو رعب و وحشت برخلاف میل باطنی و ادار به تعهدنامه نویسی می نمایند. کارگران مذکور به علت فشار و حشتناک اقتصادی و از روی ترس و ناچاری به این حرکت غیر قانونی گردن نهاده و تعهد نامه را اجباراً امضاء می نمایند. ماموران همراه کارگران به سرعت بر گه تعهدنامه را گرفته و حتی فرصت تهیه فتوکپی از آن را به کارگران نمی دهند، این تعهد نامه به منظور فشارهای بعدی علیه کارگران در پرونده هایشان ثبت و ضبط می گردد.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن جلب توجه مقامات سازمان بین المللی کار و فدراسیون های کارگری جهان و سازمان های حقوق بشری و مسئولان داخلی این اقدامات غیر قانونی شرم آور و ضد انسانی را شدیداً محکوم می نماید و خواستار پایان دادن به این حرکات مذبحخانه می باشد و از وزارت کار و امور اجتماعی می خواهد سریعاً به روش امروز و فردا کردن و تعلل ورزی پایان داده و هر چه زودتر پاسخ شکایت کارگران را که بر خلاف قانون کار بدون اعلام شماره ثبت مدت شش ماه است به آن وزارت خانه تسلیم نموده اند، بدهد و شرایط بازگشت به کار محترمانه، بدون قید و شرط و با اعاده حیثیت و تامین کامل حقوق و جبران خسارات دوران بازداشت در زندان اوین و بیکاری را فراهم نماید.

سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۳۸۵/۴/۱۵



در انتخابات شوراهای اسلامی کار شرکت نمی کنیم

سلام بر همکاران آگاه و زحمتکش

ما کارگران طبق قانون و مقررات دارای حقوقی هستیم که در صورت ناآگاهی و پیگیری نکردن به مرور زمان این حقوق دچار فراموشی شده و در نتیجه شرایط کار و زندگی روز به روز سخت تر می شود .
به طور مثال طبق ماده ۴۱ قانون کار حداقل دستمزد کارگران باید تامین کننده مخارج یک خانوار پنج نفره باشد و یا بر اساس اصل ۳۱ قانون اساسی دولت موظف به تامین مسکن کارگران است، اما شاهد هستیم این حقوق رعایت نمی شود .
طبق قوانین و مقررات بین المللی پذیرفته شده و اصل ۲۶ قانون اساسی ما کارگران حق داریم برای دفاع و پیگیری حقوقمان بدون دخالت کارفرما و دولت و هر مقام دیگری سندیکای کارگری تشکیل دهیم.

همکاران گرامی

شوراهای اسلامی کار به دلیل دخالت کارفرما و دولت در تشکیل آنها فرمایشی بوده و قادر به دفاع از حقوق کارگران نیستند، همکاری شوراهای اسلامی کار به ویژه در جریان سرکوب، دستگیری، زندان و اخراج کارگران شرکت واحد در سال ۱۳۸۴ ثابت کننده کارفرمانی بودن این شوراهای می باشد . سازمان بین المللی کار ، سازمان ملل متحد و سایر قوانین و مقررات بین المللی شوراهای اسلامی را شکل واقعی کارگران ندانسته و آنها را مردود اعلام کرده اند .
علی اکبر عیوضی شورائی منطقه یک ، ضارب آقای منصور اسالو و سارق موتور سیکلت و اموال کارگران سندیکائی در اجلاس خرداد ماه این سازمان به رسمیت شناخته نشده و به این اجلاس راه نیافتند.
طبق قوانین و مقررات پذیرفته شده بین المللی ، اصل ۲۶ قانون اساسی و با توجه به اینکه سندیکای کارگری نهادی مستقل و با انتخابات کاملاً آزاد و بدون دخالت دیگران فقط توسط خود کارگران تشکیل و رهبری می شود ، مدافع منافع و حقوق کارگران است بنابراین این سندیکاهای کارگری از جمله سندیکای کارگران شرکت واحد نمایندگان واقعی کارگران محسوب می شوند .

با توجه به مطالب مطرح شده و صراحت کامل قانون بر اجباری نبودن شرکت در انتخابات ما کارگران شرکت واحد با قاطعیت اعلام می نمائیم :

در انتخابات شوراهای اسلامی کار شرکت نمی کنیم

سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۳۸۵/۴/۱۴

(همکاران گرامی لطفاً تکثیر و پخش بفرمائید)



بازداشت نه نفر از کارگران اخراجی شرکت واحد

جولای ۲۰۰۶ - تیر ۱۳۸۵

سعید ترابیان، از نمایندگان اخراج شده شرکت واحد اتوبوسرانی در این زمینه گفت: عوامل نیروی انتظامی تا ساعت ۱۲ ظهر به کارگران اخراجی فرصت داده بودند که به تجمع خود پایان داده و متفرق شوند. در زمان موعود عوامل انتظامی مستقر در محل تجمع کارگران، اقدام به پراکنده کردن تجمع کرده و هر کس را که نسبت به آنها معترض می شد، بازداشت کردند.

وی با بیان اینکه در این رابطه شش نفر از تجمع کنندگان به نام های داود نوروزی، ابراهیم گوهری، سیدرضا نعمتی پور، عطاء باباخانی، ناصر غلامین و منوچهر مهدوی تبار توسط عوامل نیروی انتظامی مستقر در محل تجمع کارگران بازداشت شدند، یادآور شد: پیش از آن ابراهیم مددی، یعقوب سلیمی و داود رضوی که به عنوان نماینده کارگران اخراجی برای روشن شدن وضعیت تجمع کنندگان برای مذاکره با مسوولان وزارت کار داخل ساختمان وزارت کار شده بودند، در همان داخل ساختمان وزارتخانه بازداشت شدند.

ترابیان افزود: ابتدا بازداشت شدگان به پایگاه هشتم اداره آگاهی واقع در میدان حر منتقل شده بودند که شنیده می شود در حال حاضر به پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ، واقع در منطقه عشرت آباد تحویل داده شده اند.

وی با تاکید بر اینکه معلوم نیست در داخل وزارت کار چه گفت و گو هایی با نمایندگان کارگران اخراجی صورت گرفته است، گفت: در حال حاضر به همراه خانواده های بازداشت شدگان به دنبال کسب خیر از آخرین وضعیت کارگران بازداشت شده هستیم.

خانه کارگر همراه و همگام با کارفرمایان علیه کارگران

ما از بیگانگان ننالیم بلکه آنچه با ما کرد آشنا کرد

جمعی از کارگران ایران خودرو

جولای ۲۰۰۶ - تیر ۱۳۸۵

همکاران گرامی و دوستان کارگر

امروز خانه کارگر که بنام ما کارگران حضور خود را با قدرت دولت در تصمیم گیریها در خصوص زندگی ما کارگران موجه اعلام می کند تمام امکانات خود را بر علیه دستمزد اعلام شده از طرف شورای عالی کار به کار گرفته است تا بخاطر اختلاف با وزارت کار ما کارگران را در آتش این اختلافات بسوزاند. دامنه این عقده گشائی به جایی رسیده است که خانه کارگر کار فرمایان را وادار کرده تا

به مصوبه شورای عالی کار که نماینده خود کار فرمایان آن را بدون حضور نمایندگان واقعی کارگران تصویب و امضاء کرده اعتراض کنند. اگر کارفرمایان به این مصوبه معترض بودند حرفی نبود ولی امروز کسانی به این مصوبه معترض هستند که نام خانه کارگر بروی خود گذاشته و با حمایت دستهای شناخته شده می خواهند وزارت کار را به استیصال بکشانند و وزارت کار را مجبور کنند تا از مصوبه خود عدول کرده و نرخ دستمزدها را به دلخواه خانه کارگر نه به دلخواه کار فرمایان تعیین نماید. کارفرمایان قبلا این مصوبه را قبول کرده و آن را امضاء کرده اند و خیلی از آن خوشحال و راضی هستند چون کارفرمایان فکر می کردند شاید این اعلام دستمزدها، کمتر از زیر خط فقر است مورد پذیرش جامعه کارگری قرار نگیرد. خانه کارگر به جای اعتراض به پایین بودن این مصوبه، به جای اعتراض به تصمیم شورای عالی کار، به جای اعتراض علیه قراردادهای موقت و شرکتهای پیمانکاری، تمام امکانات خود را بسیج کرده تا ثابت کند که چون نماینده خانه کارگر در شورا وجود نداشته این مصوبه غیر کارشناسی است. خانه کارگر با دادن آدرس عوضی می خواهد با ترساندن ما کارگران از بیکاری و اخراج، ما را به مرگ برساند تا به تب راضی شویم.

دوستان و همکاران گرامی

اگر یادمان باشد سال پیش در پی اعلام دستمزدها و اعتراض جامعه کارگری، خانه کارگر برای فرار از زیر فشار اعتراضات کارگران به نماینده خانه کارگر در شورای عالی کار، اعلام می کرد نماینده خانه کارگر چون تنها بوده نمی توانسته در تعیین دستمزدها نقش داشته باشد و اکنون برای ما کارگران روشن شد که نماینده خانه کارگر نه تنها در تعیین این مصوبه نقش داشته بلکه رای خود را به نفع کارفرمایان داده است چون امسال که نماینده خانه کارگر در شورای عالی کار حضور نداشت این اتفاق نیافتاده و برای همین خانه کارگر از بیرون تلاش می کند تا بتواند با استفاده از امکانات خود این مصوبه را به نفع کارفرمایان تغییر دهد. بهانه خانه کارگر، اخراج کارگران قراردادی می باشد. در حالیکه این اتفاق نه تنها در شرکت ما نیفتاد، بلکه شرکت با اجرای این مصوبه به یکی از خواسته های کارگران جامعه عمل پوشاند. در حالیکه ما امروز شاهد شادی هزاران کارگر که با اجرای این مصوبه به استخدام رسمی شرکت در آمده اند هستیم، از طرفی شاهد ناراحتی دهها کارگر می باشیم که به خاطر شرکت در اعتصاب ۱۷ اسفند از شرکت اخراج شده اند. دلسوزی خانه کارگر به خاطر اخراج کارگران نیست خانه کارگرها که خود شاهد این اعتصاب بودند چشمان خود را در مقابل این اخراج ها بسته اند. مشکل خانه کارگر اختلافات درونی و فرقه گرایی است. مشکل خانه کارگر این است به جای تکیه بر کارگران می خواهد با سوء استفاده از شکاف بوجود آمده برای خود کلاهی بپزد. در حالیکه مدیریت شرکت داشت با استفاده از این مصوبه، کارگران قراردادی را رسمی می کرد و روزنه امیدی در دل هزاران کارگر قراردادی روشن شده بود با دخالت آشکار خانه کارگر و عقب نشینی شورای عالی کار از مصوبه خود، دوباره یاس و نا امیدی به میان کارگران بازگشته است. ما کارگران ایران خودرو این حرکات خانه کارگر را محکوم کرده و از کارگران دلسوز که در روزنامه کار و کارگر و در سایت ایلنا قلم می زنند. می خواهیم دست از دشمنی با کارگران بر دارند ما اعلام می کنیم دستمزدهای اعلام شده از طرف شورای عالی کار نه تنها به هیچ وجه متناسب با تورم نمی باشد بلکه زندگی با این دستمزدها چیزی غیر از فلاکت و بدبختی برای ما کارگران ندارد. اگر قرار است مصوبه دستمزدها تغییر پیدا بکند و بقول نماینده کارفرمایان دولت می تواند در هر ماه مصوبه جدید اعلام کند، این مصوبه باید متناسب با تورم نه متناسب با سود هنگفت کارفرمایان تصویب و اعلام شود.

ما در شرایط کنونی دریافت دستمزد کمتر از پانصد هزار تومان را زندگی زیر خط فقر می دانیم.

ما اعلام می کنیم باید قراردادهای موقت لغو و تمام کارگران قراردادی استخدام رسمی شوند.

ما خواهان انحلال تمام شرکتهای پیمانکاری و استخدام کارگران این شرکتها در خود شرکت ایران خودرو می باشیم.

ما خواهان بازگشت به کار کارگران اخراج شده اعتصابی می باشیم.

جمعی از کارگران ایران خودرو

نهم تیر ماه هشتاد و پنج

ikcokar@yahoo.com



دستگیری و بازداشت اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد غیر قانونی است

کارگران شرکت واحد با خواست اولیه و برحق ایجاد تشکلهای آزاد و مستقل کارگری و به رسمیت شناختن سندیکای کارگران شرکت واحد از حقوق و خواسته های بحق و قانونی خود دست نخواهند کشید. طی هفت ماه گذشته نه تنها پاسخ مناسبی از سوی مسئولین ادارات کار داده نشده بلکه بارها باعث دستگیری و به زندان افتادن فعالان سندیکائی و اعضای هیئت مدیره سندیکا شده اند و تاکنون بیش از یکصد و هشتاد نفر از کارگرانی که در اعتراض بهمین ماه ۱۳۸۴ (فوریه ۲۰۰۶) دستگیر شده بودند بیکارگی باشند و هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند و هنوز منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در شرایط سخت جسمی و روحی در زندان اوین محبوس می باشد. کارگران در این مدت با اجتماعات و اعتراضات متعدد خواهان آزادی منصور اسالو و بازگشت به کار کارگران اخراجی شده اما جواب قانع کننده ای توسط مسئولین به کارگران داده نشده، این امر باعث گردید تا کارگران اخراجی به همراه خانواده در آستانه سالروز تأمین اجتماعی، در تاریخ ۱۳۸۵/۴/۲۴ در جلوی وزارت کار و امور اجتماعی حضور به هم برسانند تا شاید مسئولین جوابگوی بی قانونی های بعمل آمده باشند. در ابتدای حضور با درخواست مسئولین ۴ نفر از اعضای هیئت مدیره به نامهای ۱- ابراهیم مددی ۲- سید داود رضوی ۳- ابراهیم نوروزی گوهری ۴- یعقوب سلیمی جهت مذاکره با مدیرکل امور کارگری به داخل ساختمان مراجعه کردند. پس از مذاکره هنگامی که نمایندگان قصد خروج از ساختمان را داشتند توسط مأمورین بازداشت شده و در خارج ساختمان نیز اجتماع کارگران با یورش نیروهای پلیس متفرق شده و تعدادی از کارگران به نامهای ناصر غلامی، سید رضا نعمتی پور، عطا باباخانی و منوچهر مهدوی تبار بازداشت گردیدند.

سندیکای کارگران شرکت واحد برخورد انجام گرفته با کارگران را محکوم می نماید و خواستار آزادی بی قید و شرط همه کارگران دستگیر شده می باشد.

سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه
۱۳۸۵/۴/۲۶

EMAIL : Syndicavahed@gmail.com



کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و کنفدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل ضمن اعتراض به دستگیری ۸ تن از فعالین سندیکای شرکت واحد

جولای ۲۰۰۶ - تیر ۱۳۸۵

کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و کنفدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل ضمن اعتراض به دستگیر ۸ تن از فعالین سندیکای شرکت واحد، خواهان آزادی فوری این فعالین و آزادی منصور اسالو دبیر سندیکای کارگران شرکت واحد شدند! آقای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور

آدرس: کاخ ریاست جمهوری

خیابان فلسطین، تقاطع آذربایجان، تهران

جمهوری اسلامی ایران

شماره فکس

تاریخ: 18 ژوئیه 2006

آقای رئیس جمهوری گرامی

دستگیری اعضای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه

کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و کنفدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل قویا نسبت به دستگیری هشت تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه در روز سنبه ۱۵ ژوئیه اعتراض داشته و خواهان آزادی فوری آنها هستیم.

دستگیر های اخیر، بخشی از مجموعه دستگیری های اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد است. ما (من) در چندین نوبت ناچار شدیم نسبت به اذیت و آزار این سندیکای قانونی و سایر تعرضات جدی به حقوق کارگران اعتراض کنیم.

دستگیری ها در شرایطی رخ داد که کارگران شرکت واحد اقدام به گردهمایی مسالمت آمیز در مقابل وزارت کار کرده و خواستار برسمیت شناختن سندیکا بودند. این روز، سالگرد اعتراض مشابهی بود که سال گذشته برگزار گردید. بنا به گزارش سندیکا، وزارت کار گروهی از کارگران را برای مذاکره به داخل ساختمان دعوت کرد. چهار عضو گروه مذاکره کننده، ابراهیم مددی، سید داود رضوی، ابراهیم نوروزی گوهری و یعقوب سلیمی زمانی که ساختمان را ترک می کردند، توسط مأموران امنیتی دستگیر شدند. چهار عضو دیگر، ناصر غلامی، سید رضا نعمتی پور، عطا باباخانی و منوچهر مهدوی تبار در بیرون از وزارتخانه دستگیر شدند.

تلاش کارگران شرکت واحد برای تشکیل سندیکای مستقل و خواست آنها برای برسمیت شناخته شدن آن از سال 2005 با سرکوب مداوم همراه بوده است. سرکوب، از سوی کارفرما و نیروهای امنیتی اغلب وحشیانه و با حملات سبعمانه، دستگیری های جمعی و اخراج همراه بوده است. برخی از دستگیرشدگان اخیر، ابراهیم مددی، نایب رئیس سندیکا، سید داود رضوی و یعقوب سلیمی، اعضای مذاکره کنند، و ناصر غلامی عضو دیگر هیئت مدیره قبلا نیز دستگیر و بازداشت شده بودند. در عین حال، منصور اسالو، رهبر سندیکا، علی رغم اینکه دولت شما اطمینان داده بود از هر تلاشی برای آزادی وی دریغ نخواهد کرد، هنوز، از زمان دستگیری در دسامبر 2005 در زندان به سر می برد. وی به طور محدود به وکیل مدافع خود دسترسی داشته و وضعیت سلامتی وی به شدت نگران کننده است.

لازم به یادآوری است که جمهوری اسلامی ایران عضو سازمان جهانی کار است و اجبار کامل دارد به پرنسپیهای آزادی تشکل و قراردادهای دسته جمعی احترام بگذارد. سرکوب مداوم سندیکا و انزیت و آزار اعضای آن نقض آشکار این پرنسپیها است.

سندیکای کارگران شرکت واحد یک اتحادیه قانونی است و نمایندگی اکثریت روشن کارگران این شرکت را دارد. این سندیکا از حمایت وسیع بین المللی برخوردار است که روز 15 فوریه 2006، روز بین المللی اقدام اتحادیه های کارگری در باره ایران، به نمایش گذاشته شد. سندیکای کارگران شرکت واحد هم چنان عضو فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل است.

کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری و کنفدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل از شما می خواهند دستورات لازم را به قوه قضائیه و نهادهای امنیتی کشور خود بدهید هشت تن از کارگران شرکت واحد که روز 15 ژوئیه دستگیر شدند و هم چنین منصور اسانلو، رئیس هیئت مدیره سندیکا فوراً آزاد شوند. ما هم چنین از شما می خواهیم از موقعیت مناسب اداری خود برای برسمیت شناختن سندیکا و برگشت به کار 180 عضو که از فوریه 2006 از کار اخراج شده اند استفاده نمائید و حق معوقه آنان پرداخت گردد.

ار اتمند شما

گای رایدر - دبیرکل کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری

دیوید کوک روفت - دبیرکل و کنفدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل

برگردان به فارسی: بهروز برومند

تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

www.etehadbinalmelali.com

alliance@workers-iran.org

آزادی دستگیرشدگان واحد

جولای ۲۰۰۶ - تیر ۱۳۸۵

هشت تن از کارگران عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، که روز شنبه ۲۴ تیر در مقابل وزارت کار دستگیر شده بود، روز سه شنبه ساعت ۶ بعد از ظهر به قید کفالت از زندان اوین آزاد شدند.

مبارزه رانندگان شرکت واحد ادامه دارد

به نقل از اتحاد کمیته های کارگری، مرداد ۱۳۸۵

در تاریخ 85/4/24 رانندگان اخراجی شرکت واحد (180 نفر) به همراه خانواده هایشان، در مقابل اداره کار تجمع کردند و خواستار بازگشت به کار بودند. پس از مدتی و قبل از آنکه کسی پاسخ گوی آنها باشد، تعداد زیادی از نیروهای اطلاعاتی و انتظامی آنها را به محاصره در آوردند. با لاخره بعد از مدتی انتظار از اداره کار اعلام شد که نمایندگان آنها برای مذاکره به داخل بیایند. در این رابطه آقای مددی به همراه 4 نفر دیگر به داخل اداره کار رفتند. در جریان مذاکره مسئولین اداره کار اعلام کردند که اخراجی ها در صورتی که تعهد کتبی بدهند که دیگر کار سندیکایی نخواهند کرد و در هیچ اعتصابی نیز شرکت نمی کنند، می توانند به کار خود باز گردند. این وقاحت و زور گویی را نمایندگان شرکت واحد نپذیرفتند و خواستار بازگشت بی قید و شرط شدند. پس از مذاکره و بیرون آمدن از اداره کار نمایندگان توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به بند 209 اوین منتقل شدند. نمایندگان 2 روز در بازداشت بودند و پس از آن آزاد شدند.

حال که جمهوری اسلامی تنها به دلیل اعتصابی که مطالبه اش افزایش دستمزد بوده، رانندگان را اخراج کرده و شرط بازگشت به کار آنها را دادن تعهد مبنی بر شرکت نکردن در اعتصاب و کار سندیکایی نکردن قرار داده، یک بار دیگر ثابت کرده که دولت سرمایه داران چیزی جز زبان زور نمی فهمد و هیچگونه نرمشی در مقابل کارگران ندارند، لذا ضروری است که کارگران به اتحاد بقاتی خود ببندیشند و به هر وسیله ممکن و در حد توانمان از آنها پشتیبانی نماییم. وضعیت ما و رانندگان شرکت واحد، وضعیت مشابهی است و بسیاری از ما یا طعم بیکاری را چشیده ایم و یا هم اکنون نیز بیکاریم، بنا بر این تنها در صورت حمایت و اتحاد است که می توان دولت سرمایه داران را به عقب نشینی وادار کرد. رانندگان شرکت واحد ابتدایی ترین مطالبه انسانی یعنی دستمزد مکفی و بازگشت به کار را خواهند. بر این اساس ما نیز خواهان بازگشت به کار بدون قید و شرط رانندگان شرکت واحد هستیم و از تمام مبارزات رانندگان شرکت واحد حمایت می کنیم و خواهان آزادی بی قید و شرط منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد هستیم.

اتحاد کمیته های کارگری

85/5/1

احضار ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای شرکت واحد به دادسرای کارکنان دولت

مرداد ۱۳۸۵ به نقل از اطلاعیه سندیکای شرکت واحد

اطلاعیه سندیکای شرکت واحد در مورد احضار ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای شرکت واحد به دادسرای کارکنان دولت

ابراهیم مددی فعال سندیکایی و نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد طی احضاریه ای رسمی که در روز چهارشنبه 1385/5/4 به دست ایشان رسیده است از طرف دادسرای کارکنان دولت احضار شده اند و باید ظرف مدت سه روز خود را به دادسرای کارکنان دولت واقع در میدان پانزده خرداد معرفی نمایند. نامبرده پس از هماهنگی با وکلای مدافع سندیکای کارگران شرکت واحد در روز شنبه 1385/5/7 به دادسرای فوق الذکر مراجعه می نمایند.

1385/5/ 5

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

نامه ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد به رئیس سازمان بین المللی کار

به نقل از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، مرداد ۱۳۸۵

از: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

به: دبیرکل سازمان بین المللی کار جناب آقای سوموایا

با احترام

در آخرین ساعات مسافرت شما به جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۰۵ در هتل استقلال، با تقدیم شکایتی با شما دیدار و گفتگو کردم و در نامه بعدی که در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۹ برای شما ارسال نمودم، گوشه ای از نقض شدید حقوق بنیادین کار، به ویژه حقوق سندیکایی، به آگاهی شما رسید. متأسفانه وضعیت بدلیل موارد بیان شده در این نامه بدتر از گذشته شده است.

۱. منصور اسالو رئیس هیات مدیره ی سندیکا هفت ماه است در زندان اوین محبوس و مقامات قضائی برای ادامه بازداشت نامبرده دلیل قانع کننده ای به وی، خانواده و وکلای حقوقی ایشان ارائه نداده و تقاضای آزادی ایشان از طرف اتحادیه های کارگری بین المللی و سندیکاهای کارگری بسیاری از کشورها و مجامع کارگری داخلی و دیگر شخصیت ها و گروه های اجتماعی پذیرفته نشده است.

۲. شکایت کارگران از ضاربان و مهاجمان وابسته به شوراهای اسلامی، کارفرما و خانه کارگر و دیگر مقصران حمله ۱۹/۲/۱۳۸۴ به سندیکالیست ها که منجر به زخمی شدن شدید منصور اسالو، تخریب مکان و غارت اموال سندیکا گردید، بعد از گذشت بیش از پانزده ماه هنوز به سرانجام نرسیده است.

۳. ساختمان سندیکا از تاریخ ۱/۱۰/۱۳۸۵ پلمب شده و پیگیری ها جهت بازگشائی بدون نتیجه مانده است.

۴. به درخواست ثبت رسمی سندیکا بیش از یک سال است از طرف وزارت کار پاسخی داده نشده است.

۵. صدها نفر کارگر از اعضا هیات مدیره، هواداران سندیکا و دیگر کارگران در جریان اعتراضات صنفی بهمن ماه ۱۳۸۴ به صورت فله ای بدون رعایت حقوق شهروندی دستگیر و در زندان اوین محبوس شدند که بیش از دویست نفر از آن ها از ادامه کار و دریافت دستمزد محروم و اخیرا با اعتراضات سندیکا به جز یک گروه حدود شصت نفری از تاریخ ۲۴/۴/۱۳۸۵ با احضار به دفتر حراست شرکت واحد و با ایجاد جو رعب، وحشت و تهدید و با وادار کردن به تعهدنامه نویسی علیه سندیکا و له شوراهای اسلامی به کار گمارده شمرده اند.

۶. اکنون حدود ۶۰ نفر از کارگران عضو هیات مدیره و فعالان و هواداران سندیکا که از تعهدنامه و توبه نویسی خودداری و بر حق داشتن سندیکا و رعایت حقوق کارگری پایداری می نمایند کماکان با بی قانونی از ادامه کار و دریافت هرگونه دستمزد و حقوق دوران بیکاری محروم هستند.

۷. بیش از شش ماه است به شکایت کارگران اخراجی از کارفرما در وزارت کار برخلاف قانون و مقررات موجود رسیدگی نمی شود و حتی از ثبت شکایت و اعلام شماره پرونده به شاکیان خودداری می شود.

۸. یکی از اعضای شورای اسلامی شرکت واحد، ضاربت و مهاجم منصور اسالو و سارق اموال سندیکالیست ها در حادثه تهاجم به ساختمان سندیکا در تاریخ ۱۹/۲/۱۳۸۴ به نام علی اکبر عیوضی به عنوان نماینده کارگر عضو گروه اعزامی به کنفرانس سالانه ۲۰۰۶ سازمان بین المللی کار بوده است.

۹. به دنبال اعتراض به اخراج غیرقانونی کارگران، در روز جهانی کارگر در مقابل شرکت واحد ۱۰ نفر از کارگران با کتک خوردن از پلیس و ماوران امنیتی و گاز اشک آور، دستگیر و هفت روز زندانی می گردند.

۱۰. در تاریخ ۲۴/۴/۱۳۸۵ یک گروه منتخب از کارگران اخراجی که برای پیگیری شکایت به وزارت کار مراجعه کرده و با هماهنگی مقامات به مدت دو ساعت با مدیر کل روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی دیدار و گفتگو می کنند، بعد از خروج از دفتر مدیریت در یک اقدام بی سابقه در تاریخ کارگری، ۸ تن از کارگران در داخل وزارت خانه با فحاشی بسیار و حمله و تهدید به شکستن دندان توسط سرهنگ عباسی فرمانده پلیس وزارت کار دستگیر و چهار روز در بازداشتگاه پلیس امنیت و زندان اوین همراه با آزار و اذیت بسیار زندانی می شوند.

۱۱. رسانه های داخلی تحت فشار مقامات مربوطه از انعکاس اخبار سندیکا منع شده اند و آنها با ریسک پذیرش خطر، گاهی به کوتاهی اخبار سندیکا و اعضای آن را منتشر می کنند.

۱۲. در تاریخ ۲۴/۴/۱۳۸۵ سرهنگ زمانی از فرماندهان پلیس امنیتی که در حوادث سرکوب و دستگیری کارگران سندیکایی به ویژه دستگیری منصور اسالو از عناصر اصلی بوده است، در جمع کارگران مقابل وزارت کار حضور یافته و برخلاف همه قوانین موجود به ویژه قانون حقوق شهروندی کارگران را مورد تهدید شدید قرار داده، ضمن سخنرانی علیه منصور اسالو می گوید: من نمی گذارم شما دوباره در شرکت واحد شاغل شوید.

آقای دبیرکل

موارد گزارش شده گوشه ای از بی قانونی ها و ناحقی هایی است که به آگاهی شما می رسد.

اینک با توجه به اساسنامه سازمان بین المللی کار و دیگر مقررات بین المللی حقوق کارگران و پیرو درخواست قبلی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، به عنوان صدای عموم کارگران مظلوم، از شما درخواست می نماید، جهت بررسی و رسیدگی به عدم رعایت حقوق کارگران به ویژه ستم هایی که بر اعضای سندیکا می شود، اقدامات شایسته را به عمل آورید.

با سپاسگزاری

ابراهیم مددی

نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

۱۱/۵/۱۳۸۵

نامه وکلای اسالو

دکتر یوسف مولائی و پرویز خورشید

مرداد ۱۳۸۵

نامه وکلای اسالو

بیش از هفت ماه از باز داشت آقای اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد سپری شده است، پیگیری حقوقی و مراجعات مکرر وکلای وی به دانسرا و دادگاه نتیجه ای در پی نداشته است، تحقیقات مقدماتی و تکمیل پرونده از طرف دانسرا انجام پذیرفته و جهت اتخاذ تصمیم نهائی پرونده در اختیار دادگاه قرار گرفته ولی تا کنون وکلای وی موفق به مطالعه پرونده نشده اند بنا به اظهارات آقای اسالو در جریان ملاقات وی با وکلایش محرز گردیده که اتهام تفهیم شده به وی در سطح اتهامات تفهیم شده به دیگر اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد میباشد که قبلا بازداشت شده بودند و با قرارهای مناسب وثیقه و بعضا کفیل آزاد گردیده اند در این صورت ادامه بازداشت آقای اسالو هیچگونه توجیه قانونی ندارد. رعایت اصول قانون اساسی و قوانین موضوعه کشوری و علی الخصوص قانون رعایت حقوق شهروندی ایجاب مینماید که قرار بازداشت آقای اسالو تبدیل گردیده و ایشان با قرار تامین مناسبی آزاد شود، اتهام انتسابی به آقای اسالو در رابطه با فعالیت سندیکائی و موضوعات مربوط به مسائل کارگری است، واضح و مبرهن است کارگران و زحمتکشان پشتیبانی جز انسانهای حق طلب و قلمهای منصف نداشته و در عرصه مناسبات اجتماعی جز رنج و زحمت و عرق جبینشان حامی دیگری

ندارند با این وصف تکلیف اخلاقی مسئولین قضائی این پرونده در رعایت موارد قانونی دو چندان میشود، و انصاف و دفاع از حقوق اقتشار زحمتکش ایجاب میکند روح قانون در رعایت عدالت و مساوات بکارگرفته شده تا جوابی باشد به سوالات بی پاسخ خانواده اسالو از وکلایشان و بلا تکلیف ماندن زندانی که از بیماریهای متعددی رنج میبرد و جدانهای حساس و بیدار را بیش از این آزرده نکند

دکتر یوسف مولانی و پرویز خورشید

وکلای منصور اسالو

منصور اسانلو، مبارز راه آزادی ایجاد تشکلات مستقل کارگری ، آزاد شد

به نقل از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران ، چهارشنبه 18 مرداد 1386 ، 9 / 8 / 2006

منصور اسانلو ، مبارز راه آزادی ایجاد تشکلات مستقل کارگری ، آزاد شد !

سرانجام منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آزاد شد. آزادی اسانلو بدون تردید نقطه عطفی در تاریخ کوتاه اما پُرفراز و نشیب دور جدید مبارزه کارگران شرکت واحد و سندیکای آنان است .

از بدو احیای سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تلاش بی وقفه ای را برای سرکوب فعالین این حرکت و متلاشی کردن تشکل آنها در دستور کار خویش قرار داد. وزارت کار مجمع عمومی آنان را برسمیت نمی شناخت، افراد خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار به جلسه آنها حمله ور شدند. تعدادی را مجروح و اسانلو را با زبان و گلوئی بریده روانه بیمارستان کردند و پس از چندی به زندان فرستادند. با دسیسه قالیباف (شهردار تهران) این سردار سپاه سرمایه، بیش از 1200 نفر از کارگران شرکت واحد و خانوادههای آنها دستگیر و روانه زندان شدند . حتی به بچه دو ساله نیز رحم نکردند ، جلوی بازگشت بکار کارگران را گرفتند. برای بازگشت بکار از آنها طلب تعهد نامه کردند که حرفی از تشکل نزنند، هنوز 55 نفر از آنها اجازه بازگشت به کار ندارند و از همه مهم تر کارگران را از نظر مالی تحت فشار بسیار قرار دادند و هر روز ترفند و حیلۀ جدیدی بکار بردند که کارگران را به پذیرش خواسته های خود وادار کنند.

در این مدت کارگران شرکت واحد، همسران و فرزندان آنها و فعالین سندیکا نیز ساکت ننشستند. چراغهای اتوبوسها را بعنوان اعتراض روشن کردند، از گرفتن بلیط از مسافرین خوداری کردند، اعلام اعتصاب کردند، عکس اسانلو و شعار سندیکای مستقل را بر روی اتوبوسها نصب کردند، با خبر رسانی به موقع و مصاحبه با رسانه های گروهی در سطح جهان، با برگزاری آکسیونها و تجمع و تحسن و دادن اطلاعیه های متعدد حرکت خود را بگوش جهانیان رساندند. حمایت اقشار مختلف جامعه از جمله نویسندگان، دانشجویان و روشنفکران را از حرکت خود بدست آوردند. اول ماه مه را مستقلاً با شرکت جمعی از دانشجویان برگزار کردند و علیرغم همه فشارها ، ناگواری ها و افت و خیزها دست از فعالیت و مبارزه جهت تحقق خواسته های خود برداشتند.

اما یک حلقه تعیین کننده (و مرکز ثقل این مبارزه، استقامت و ایستادگی منصور اسانلو بود. پذیرش زندان و تحمل فشارهای روحی و روانی با تمامی مریضی ها و ناراحتی های جسمی و با عدم پذیرش اتهامات واهی و بی پایه مأمورین اطلاعاتی ، باعث شد تا تمامی ترفندها و نقشه های شوم رژیم برای به زانو درآوردنش و پایان دادن به حرکت فعالین سندیکا نقش برآب شود.

از طرف دیگر فعالیت گسترده فرد فرد فعالین جنبش کارگری در کشورهای مختلف و ایجاد یک کارزار وسیع در پشتیبانی از حرکت کارگران شرکت واحد و خواست آزادی اسانلو جبهه دیگری بود که به تغییر توازن در این مبارزه یاری رساند و رژیم قادر نشد مقاصد شوم خود را به پیش برد.

این فعالیت ها باعث گردید که نهادها و تشکل های مختلف کارگری در سطح جهان، از کارگران تشکل های محلی در لوکال 698 و اشنگتن تا کارگران مترو استکهلم گرفته تا تشکل های سراسری با صدها و میلیونها عضو ، از ث ج ت فرانسه تا اتحادیه های آلمان ، انگلیس ، استرالیا ، کانادا ، اردن ، تایلند ، هند و..... از خواسته های کارگران شرکت واحد پشتیبانی کنند و خود را در این مبارزه شریک بدانند تا جایی که سندیکای کارگران شرکت واحد به عضویت کنفدراسیون اتحادیه های حمل و نقل جهانی درآمد. با فراخوان نهادهای بین المللی کارگری روز 15 فوریه برای اولین بار ، روز همبستگی با کارگران ایران اعلام شود و در جلو سفارت خانه های جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف آکسیونهای اعتراضی برگزار گردد. اکثریت قریب به اتفاق نهادهای کارگری در سطح جهان با دادن نامه های اعتراضی خود به مسئولین جمهوری اسلامی ، حمایت خود را از حرکت کارگران شرکت واحد اعلام و سرکوب و زندانی کردن کارگران را محکوم کنند.

چنین عمل گسترده ای نشان داد که تنها درپرتو اتحاد و یکپارچگی کارگران و نیز پایداری فعالین سندیکای شرکت واحد و بخصوص شخص منصور اسانلو و با تکیه بر کارگران متشکل در سندیکا و کسب حمایتهای داخلی و بین المللی بود که این حرکت به نقطه فعلی رسید و رژیم سرمایه ناچار به یک عقب نشینی شد و منصور اسانلو آزاد گردید.

اما این هنوز پایان کار ما نیست. از آزادی اسانلو تا آزادی تشکل های مستقل راه درازی در پیش است. نه تنها هوشیارانه باید توطئه های عوامل رژیم را در سرکوب جنبش کارگری و حبس و تعقیب و آزار فعالین صدیق امر تشکل یابی کارگران را خنثی نمود بلکه بیش از آن باید این مبارزه را تا آزادی بی قید و شرط ایجاد تشکل های کارگری ادامه داد. باید چنان شرایطی ایجاد نمود که هر کارگر حق طلبی بتواند بدون هراس از زندگی و آینده خود و فرزندان، بدون ترس از زندان و گلوله ، دست در دست هم طبقه ای های خود گذاشته و برای دفاع از منافع خود و تأمین زندگی انسانی خود متشکل شود. اسانلو با قرار وثیقه 150 میلیون تومانی و با اتهامات واهی آزاد شده است. همانطور که سایر فعالین سندیکا با وثیقه های سنگین و به انتظار دادگاه از بند رهایی یافته اند، بنابراین مشاهده می کنیم که کارگران شرکت واحد پس از تحمل آنهمه سرکوب خونین و زندان و اخراج و نقص عضو و آزار دادن خانواده هایشان ، تازه در ابتدای راه و در نقطه شروع حرکت اولیه خود هستند ، نه آنکه هیچ یک از خواسته های آنها متحقق نشده بلکه رژیم سرمایه آنها در دام دیگری گرفتار کرده است.

لذا تنها در پرتو اتحاد و همبستگی و متشکل شدن کارگران در تشکل های مستقل خویش و به میدان آمدن آنها است که می توان از هجوم دوباره رژیم و سرکوب حرکت کارگران جلوگیری بعمل آورد و خواسته اولیه کارگران جامه عمل به خود بیوشد. هیچ عمل دیگری جز سازمانیابی گردان های رزمنده کارگری آماده در میدان نبرد، قادر نخواهد شد که این ارتجاع سپاه و کارگزاران سرمایه را از صحنه مبارزه بیرون راند و شکست نهایی را بر آنها تحمیل کند.

فعالین اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران ضمن خواست آزادی بدون قید و شرط و لغو کلیه اتهامات واهی به منصور اسانلو و تمامی فعالین سندیکای شرکت واحد از طرف رژیم و بازگشت فوری آنها بکار سابق و تحقق تمامی خواسته های قبلی اعلام شده از طرف مسئولین سندیکا، این همبستگی و کارزار جمعی، استقامت و مبارزه خستگی ناپذیر کارگران شرکت واحد را به آنان و خانواده هایشان و تمامی انسانهای مبارزی که طی این دوران پُرحلاطم یار و پشتیبان این کارگران در داخل و خارج از کشور بوده و هستند و هم چنین به عموم کارگران تبریک می گویند و همچون گذشته با صدایی رسا و با تمامی توان صمیمانه در جهت جلب پشتیبانی و حمایت از خواسته ها و مبارزات کارگران در ایران ادامه خواهند داد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نخواهند ورزید.

اسانلو آزاد شد. اما مبارزه برای آزادی ایجاد تشکل هنوز در آغاز راه است.

به امید ایجاد فدراسیون کارگران اتوبوسرانی در سطح کشور و ایجاد تشکل های مستقل و آزاد کارگری بخش های دیگر .

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

چهارشنبه 18 مرداد 1386 ، 9 / 8 / 2006

آزادی منصور اساتلو پیروزی دیگری برای جنبش کارگری

جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی در سوئیس ، نوزدهم مرداد ماه هشتاد و پنج

دوستان عزیز

خبر شادی آفرین آزادی منصور اساتلو یکی از فعالین جنبش کارگری ایران ،رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد تهران وحومه باعث شوق وشعف فعالین جنبش کارگری درداخل وخارج از ایران و سازمانهای کارگری جهانی مانند ITF وICFTU وCGT ودیگر اتحادیه ها ومجامع کارگری گردید.این درحالیست که طی يك سال اخیر ما شاهد این پیروزی ها بودیم فعالین کارگری سقز از اتهامات بی اساس رژیم تیره میشوند هرچند به انحاء مختلف تحت آزار وانیت قراردارند ولی همه میدانیم که این رژیم بدلخواه خود کسی را آزاد نمیکند مگر از زنده بودن،هفته گذشته دانشجوی آزادیخواه اکبر محمدی را آگاهانه به کام مرگ فرستاد واکنون میخواد همان سناریو را با دیگر دانشجوی مبارز احمد باطبی اجراکند.اگر رژیم ددمنش اساتلو را آزاد میکند نه از سر مهرورزی واصلاح و احتیاج آنان به وثیقه 150 میلیونی است بلکه تحت فشارومبارزه پیگیر دردرجه اول کارگران شرکت واحد وهمبستگی جهانی کارگران وآزادیخواهان بود که هفت ماه از هیچگونه تلاشی فروگذار نکردند.مقاومت خود اساتلو درمقابل فشار دژخیمان برگ افتخار دیگری بر مبارزات جنبش کارگری افزود ما این پیروزی را مغتنم شمرده ضمن آنکه میدانیم رژیم اسلامی در سرکوب جنبش کارگری وخدمت به سرمایه جهانی لحظه ای تردید ندارد ولی اینرا نیز بخوبی میدانیم که در این کشاکش جنبش کارگری ایران به تجارب ارزشمندی دست یافته که همانا ایجاد تشکلات آزاد وهمبستگی کارگری ودرنهایت پیوند این اتحاد وهمبستگی با دانشجویان ،معلمان ،فرهنگیان ودیگر زحمتکشان جامعه به حرکت رو به جلو خود ادامه خواهد داد.علیرغم تمامی تلاش سرمایه داران اسلامی حاکم و اربابان اروپائی وامریکایی آنها جهت ایجاد انحرافات دراین صفوف وسرگرم نمودن منطقه با جنگ های ارتجاعی که خودشان عامل آن هستند .(جنبش کارگری ایران ضمن اعلان انزجار از کشتار مردم بی دفاع لبنان ،فلسطین،اسرائیل ،عراق،افغانستان و... ضمن محکوم نمودن طراحان این برنامه امپریالستی)به راه واقعی وآزادی بخش که همانا ایجاد تشکلات مستقل وسراسری جهت به کرسی نشاندن حق واقعی خود میباشد ادامه خواهد داد. زیرا تنها تضمین تداوم آزادی اساتلو وبازگشت بکار اخراجیان شرکت واحد ودیگر واحدهای تولیدی همین مبارزات مداوم وپیگیر است .ما میتوانیم با اتکا به همین مبارزات کلیه زندانیان سیاسی را آزاد نموده وترس از زندان وشکنجه را ریشه کن کنیم،ایران را از دست ارتجاعیترین حکومت سرمایه داری قرن رها سازیم.

ما(آزادی منصور اساتلو) این پیروزی پر ارزش جنبش کارگری ایران را به کارکنان زحمتکش شرکت واحد تهران وحومه وسندیکای آنان ،خانواده محترم اساتلو ،فعالین جنبش کارگری ،فعالین دانشجوی ،وکلاهی با وجدان ایشان،اتحادیه های کارگری جهانی وتاممی کسانیکه دراین راه همگام بودند تبریک گفته با امید بیشتر به راهمان ادامه خواهیم داد.

کلیه زندانیان سیاسی بدون هیچگونه قید وشرطی آزاد باید گردند .

تشکلات مستقل کارگری ،دانشجوی ، نظامی ،صنفی ایجاد باید گردد.

نابود باد سیستم ارتجاعی وضد بشری سرمایه داری درایران وجهان برقرار باد سوسیالیسم.

جمعی از کارگران پیشرو تبعیدی در سوئیس

2006/8/8

زنده باد سندیکای کارگران شرکت واحد

نساجی کردستان ، شاهو ، جمعی از...۱۹ مرداد ۱۳۸۵

زنده باد سندیکای کارگران شرکت واحد

خبر آزادی منصور اساتلو رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد نه تنها یک پیروزی برای کارگران شرکت واحد بلکه یک دستاورد بزرگ برای طبقه کارگر در ایران و حتی در جهان است طبقه ای که امروز در حال تلاش و مبارزه برای رهایی از فقر و تنگدستی است.

تشکیل شوراهای و تشکلهای مستقل کارگری حق مسلم تمام کارگران است و منصور اساتلو عزیز نیز به خاطر احقاق همین حق پایه ای کارگران متحمل چند ماه زندانی و رنجهای زیادی شد.در این میان اعتراض و اعتصاب کارگران شرکت واحد برای آزادی منصور اساتلوو به دنبال آن اتحاد و اعتراض تعداد زیادی از کارگران بخشهای مختلف کارگری در داخل ایران و نیز حمایت گسترده بین المللی سندیکاها و بخشهای گوناگون کارگری در سطح جهانی تحول مهمی در عرصه مبارزات کارگری بود. این مسئله نشان داد که پیروزی طبقه کارگر در گرو اتحاد وهمبستگی جهانیست است. ما نیز بر حسب وظیفه انسانی و طبقاتی خویش این افتخار را داشتیم که در کنار صف اعتراض و مبارزه کاگران برای آزادی منصور اساتلو باشیم و به همین سبب خبر آزادی این رهبر کارگری یک خبر مسرت بخش و یک پیروزی مهم برایمان بود.

ما کارگران شهر سنندج ضمن تبریک این پیروزی، آزادی منصور اساتلو عزیز را به او و خانواده اش تبریک می گوئیم و کلیه کارگران ایران را به اتحاد برای به دست آوردن حقوق انسانیمان فرا می خوانیم.

کارگران کارخانه نساجی کردستان

کارگران کارخانه نساجی شاهو سنندج

جمعی از فعالین اجتماعی شهر سنندج

آزادی منصور اساتلو ثمره اتحاد کارگران جهان است

به نقل از انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه،مرداد ۱۳۸۵

آزادی منصور اساتلو ثمره اتحاد کارگران جهان است

سرانجام اساتلو رئیس سندیکا اتوبوسرانی تهران بعد از هفت ماه مقاومت و تحمل شکنجه های روحی و جسمی طی دوره ای طولانی از مبارزات همبسته و گسترده جهانی از زندان آزاد شد زندانی شدن اساتلو برگ دیگری بود از تضييع پایه ای ترین حقوق کارگران ایران از سوی دولت و اما استقامت اساتلو و مبارزات گسترده جهانی برای آزادی او نمونه ای بود از عزم طبقه کارگر برای رسیدن به حقوق انسانی و طبقاتی اش ، اکنون به جرات می توانیم ادعا کنیم که ما کارگران ایران محق هستیم و باید از حقوق خود مطابق معیارهای جهانی برخوردار باشیم .

ما به اساتلو درود می فرستیم و به طبقه کارگر این پیروزی ارزشمند را تبریک می گوئیم

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه

تبریک به دوست عزیز و رهبر سندیکای کارگری شرکت واحد منصوراساتلو

برهان دیوارگر - مرداد ۱۳۸۵

تبریک به دوست عزیز و رهبر سندیکای کارگری شرکت واحد منصوراساتلو

منصور اساتلوی عزیز آزادی شما را به شما و خانواده تان تبریک میگویم. سلامهای گرم من را بپذیر.

حقیقتا باید آزادی شما را به همه کارگران ایران و جهان تبریک گفت. آزادی تو را همه ما، از من و همسرم تا میلیونها کارگر و زحمتکش در ایران، تا اتحادیه های کارگری در هند و سوئد، از سازمانهای کارگری در آفریقای جنوبی تا آمریکا و آمریکای لاتین و... انتظار میکشیدند. و هم اکنون همه کسانی که خیر آزادی تو را میشوند، اشک شوق در چشمشان جاری میشود.

مبارزات شما برای تشکیل سندیکای شرکت واحد در تاریخ ایران و جهان ثبت شده است.

تلاش شما برای ایجاد تشکل کارگری در ایران، صفحه جدیدی را در جنبش کارگری ایران گشود. این حرکت ارزنده را نمیشد و نتوانستند با زندان و بگیر و ببند متوقف کنند. درسهای تلاش ارزنده شما و استقامت شما برای حفظ آن سرپناهی که برای کارگران شرکت واحد درست شده است، جای خود را در میان کارگران ایران باز نموده است.

امیدوارم با آزادی از زندان، مشکلات و درد و رنجی که همسر و خانواده شما در طی این مدت متحمل شده اند، جبران شود. زندگی شاد و موفقی را برای شما آرزو میکنم.

امیدوارم تلاش شما و همه فعالین طبقه ما منجر به دستیابی کل طبقه کارگر ایران به تشکل مستقل خود و دیگر حقوقهایشان، اتحادشان و پیرویشان شود. پیروزی که فقر و نکبت و نابرابری را به همراه جنگ و خونریزی و اختلافات و نزاعهای مذهبی و ملی... به گور بسپارد و انسانها دیگر شاهد آنها نباشند.

به امید آن روز دست شما را به گرمی میفشارم

دوست شما

برهان دیوارگر

Borhandivargar2006@yahoo.com

منصور اساتلو آزاد شد!

به نقل از کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، مرداد ۱۳۸۵

منصور اساتلو آزاد شد!

کارگران شرکت واحد فعالین کارگری،

اسالوی مبارز، رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی بعد از تحمل بیش از 7 ماه زندان به همت شما آزاد شده و به آغوش خانواده خود به جمع کارگران مبارز شرکت واحد بازگشت. اسالوی که بدلیل فعالیت در سندیکای قانونی و خواست به حق کارگران که همانا احیای سندیکا، افزایش دستمزدها و ایجاد تشکلهای آزاد کارگری و... بوده مورد ضرب و شتم قرار گرفته و بازداشت شده بود. او اثبات کرد رسیدن به مطالبات به حق کارگری بدون از خود گذشتگی و فداکاری و تحمل سختیها امکان پذیر نیست. همچنانکه کارگران شرکت واحد، فعالین کارگری و تمامی کارگران جهان با همت و درایت از حقوق حقه خود و از اسالوی بی گناه با تمام توان و بضاعت اندکشان دفاع کردند. و امروز فداکاریها و مبارزاتشان به بار نشست. کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، آزادی منصوراساتلو را به تمامی کارگران جهان، کارگران شرکت واحد، آزادی خواهان و خانواده ایشان، تبریک گفته و این پیروزی را گام بزرگی در ادامه مطالبات بحق کارگران شرکت واحد که هماناباز گرداندن کارگران اخراجی به سر کار و افزایش دستمزدها می باشد، می داند.

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

1385/5/18

[www.komiteyepigiry.com](http://komiteyepigiry.com)

azaditashakol@yahoo.com

صندوق پستی: 1487 - 13445

گزارش کوتاهی از آزادی منصور اساتلو

به نقل از سایت شورا، مرداد ۱۳۸۵

گزارش کوتاهی از آزادی منصور اساتلو،

منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران که از تاریخ 1384/10/1 با اتهامات واهی در زندان اوین محبوس شده بود، امروز مورخه 1385/5/17 با سپردن وثیقه 150 میلیون تومانی، پس از 7 ماه و 16 روز بازداشت، آزاد شد.

در ساعت 15/30، منصور درحالی که چند قدم از درب زندان اوین دور شده بود با فریادهای: بچه ها منصور آمد، منصور، منصور... مواجه شد.

این فریادهای همکاران منصور و سایر کسانی بود که از ساعت 7/30 صبح امروز در مقابل دادسرا و سپس در مقابل زندان اوین برای آزادی منصور اسالو لحظه شماری میکردند. ظرف چند ثانیه منصور اسالو در آغوش گرم کسانی جا گرفت که آنجا منتظرش بودند، منصور و همکارانش اشک شوق میریختند، آنان برای اینکه همگان وی را در آغوش بگیرند به سختی از آغوش هم بیرون میآمدند. بلافاصله حلقه ی گلی بر گردن منصور اسالو انداخته شد اما اشک شوق و روبروسی های مکرر پایانی نداشت.

جمعیت حاضر با وسایل نقلیه ای که از قیل در آنجا آماده بود به طرف منزل منصور اسالو روان شدند. در آنجا خیر رسید که شرکت کنندگان در کنگره ی در حال برگزاری فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل، با شنیدن خیر آزادی منصور اسالو یک دقیقه سکوت کرده اند و سپس با کف زدنهای ممتد به پیشواز آزادی وی رفته اند.

این خبر حضار را چنان بوجد آورد که آنان بی اختیار از جاهای خود بلند شدند و در حالیکه اشک شوق در چشمانشان حلقه زده بود به افتخار این همبستگی بین المللی کارگری به زدن کف ممتد پرداختند.

هر لحظه تعداد هر چه بیشتری برای ملاقات منصور اسالو به منزل وی میامدند، دیگر جایی برای جمعیت نبود از اینرو عده ای خانه را ترک میکردند تا جا برای دیگران باز شود و.....

سایت شورا - 1385/5/17